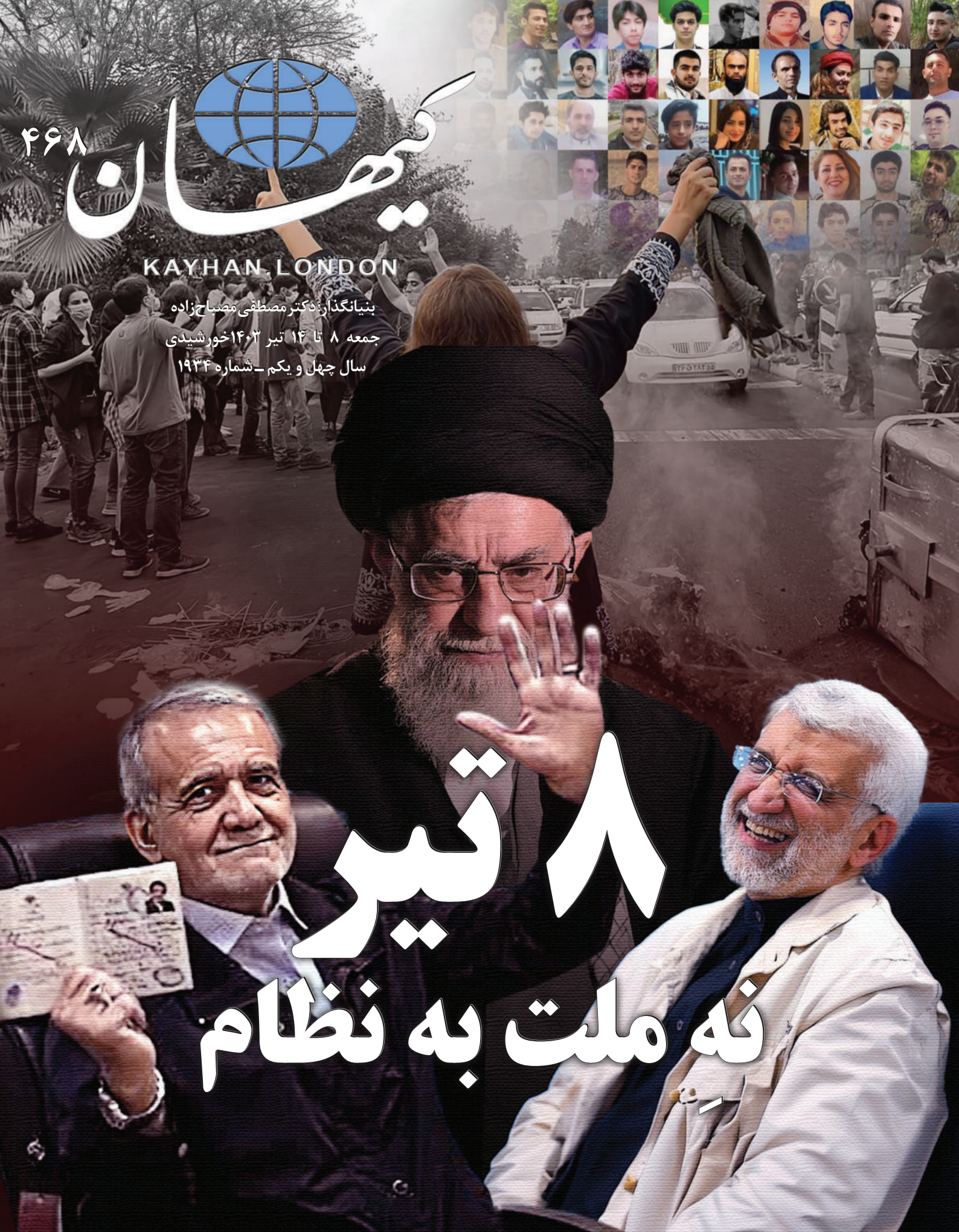


۴۶۸

کیمپان

KAYHAN LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده
جمعه ۸ تا ۱۴ تیر ۱۴۰۳ خورشیدی
سال چهل و یکم - شماره ۱۹۳۴



اتیر نه ملت به نظام

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

سال چهل و یکم
کیهان شماره ۱۹۳۴ (۴۶۸)

جمعه ۸ تا ۱۴ تیر ۱۴۰۳
۲۸ ژوئن تا ۴ ژوئیه ۲۰۲۴



آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:
www.kayhan.london
روابط عمومی:
info@kayhan.london
آگهی و تبلیغات:
ads@kayhan.london
سر دبیری:
editorial@kayhan.london



کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت
به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)»

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com
www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green,
NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda,
MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30
Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Rousseau, 75018 Paris,
FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24,
50676 Köln, GERMANY

پیشگفتارها: رضا تقی‌زاده و حسن شریعتمداری

کیهان

* فهرست مطالب *

سر مقاله - توس رژیم از افکار عمومی نیست، از رفتار عمومی است!! / الاهه بقرات ۴

تیر هفته - ۸ تیر نه ملت به نظام ... / ۴-۵

۶ بررسی وضعیت برجام در نشست شورای امنیت ... / ۶

۷ پریشان گوئی و وضعیت ذهنی بایدن در مناظره دموکرات ها را نگران کرده است ... / ۷

۸-۹ تحریم بی سابقه «سیرک انتخابات» از سوی ایرانیان از جمله اصناف، دانشجویان و ... / ۸-۹

۹ روزنامه «تلگراف»: حزب کارگر بریتانیا در صورت پیروزی در انتخابات ... / ۹

۱۰-۱۱ اعلام نتیجه «سیرک انتخابات»: عدم مشارکت مردم در وقتن مسعود پز شکیان وسعید جلیلی ... / ۱۰-۱۱

۱۱ بیار، اما اسمش را نیار! ... / خیراندیش (احمد / حرار) ۱۱

۱۲-۱۳ سیاست و سیاستگذاری اقتصادی در ایران - خاطرات علیقی عالیخانی (بخش ۲۱) ... / ۱۲-۱۳

۱۳ سفر وزیر دفاع اسرائیل به واشنگتن با هدف دریافت محموله «بمب های ستکین» ... / ۱۳

۱۴-۱۵ تشدید لحن نامزدها برای گرم کردن تنور سر د انتخابات نمایشی و ... / ۱۴-۱۵

۱۵ محصول مناظره های سیرک انتخابات! کارتون های ... / بهنام محمدی ۱۵

۱۶-۱۷ نظر سنجی هایی در رابطه با «سیرک انتخابات»: از «کمان» تا «دانشگاه» ... / ۱۶-۱۷

۱۸-۱۹ دعوی همه نامزدها با هم در «سیرک انتخابات»: ریاکاری پز شکیان بارای مردم و ... / ۱۸-۱۹

۱۹ تبلیغ انتخاباتی پز شکیان و ظرفیت پز سر مزار برخی قربانیان «پرواز ۷۵۲» ... / ۱۹

۲۰-۲۱ بیش از پنجاه سال خبررسانی در آلمان درباره ایران (بخش ۵) ... / الاهه بقرات ۲۰-۲۱

۲۲ پورمحمدی عضو «هیئت مرگ»: چکار کنیم؟ «پروژه لحظه های سخت نظام» بود! ... / ۲۲

۲۳ در یوزگی جهت جمع کردن رای برای «نامزد اصلاح» ... / ۲۳

۲۴-۲۵ «ظریف» نامزد نیابتی نظام: هیئات من الجای دیش! ... / ۲۴-۲۵

۲۵ درخواست توقیف اموال خانواده یک زندانی سیاسی به سود «ستاد اجرایی» ... / ۲۵

۲۶-۲۷ ناکامی نامزدهای جانشینی «قاضی مرگ» در ارائه وعده های اقتصادی که نتوانند ... / ۲۶-۲۷

۲۷ دو هواپیمای ایرباس که از لیبوتانی به سر یاتکا پرواز می کردند به طرز مشکوکی ... / ۲۷

۲۸ احضار محمد حبیبی فعال صنفی آموزگاران چندروز پس از انتقاد از ... / ۲۸

۲۹ «تکرار میکنند»: دادخواهان با یادآوری تباہکاری اصلاح طلبان بر «تحریم» ... / ۲۹

۳۰-۳۱ سالگرد اعدام ده زن بهائی در شیراز: ۴۵ سال است که داستان ما یکست ... / ۳۰-۳۱

۳۱ حمایت آمریکاز تروریستی اعلام شدن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی توسط کانادا! ... / ۳۱

۳۲ روزنامه «تلگراف»: حزب الله در فرودگاه بیروت مهمات و تسلیحات ارسال از ... / ۳۲-۳۳

۳۳ دیندار وزیرای دفاع آمریکا و اسرائیل در واشنگتن ... / ۳۳

۳۴-۳۵ شکیلا منفر د با ضرب و شتم به زندان منتقل شد ... / ۳۴-۳۵

۳۵ هشداری کانون نویسندگان ایران درباره سلامت مهدی بهمن نویسنده و نگارگر زندانی ... / ۳۵

۳۶ تحریم یک شبکه بزرگ پولشویی و «بانکداری در سایه» ... / ۳۶

۳۶-۳۷ روزنامه «نشنال»: نقل مکان رهبران حماس از دوحه به بغداد تحت محافظت ... / ۳۶-۳۷

۳۷ حمله هوایی به محموله تسلیحاتی گروه های نیابتی وابسته به جمهوری اسلامی ... / ۳۷

۳۸ نامزدهای انتخابات نمایشی دختران شان را «نمایش» می دهند و ... / ۳۸

۳۹ دفاع نامزدهای انتخابات از فیلتر بنگ برای حفظ نظام ... / ۳۹

۴۰ مرگ مشکوک ایمان پورقلی زاده سینماگر معترض و از بازداشت شدگان ... / ۴۰

۴۱ صدور حکم زندان و شلاق برای چهار متهم پرونده آتش سوزی زندان اوین ... / ۴۱

۴۲ در «آلتیه هنر مندان در تبعید» شهر پاریس: روز آزادی را جشن و ... / ۴۲

۴۲-۴۳ جزییات آتش سوزی در بیمارستان قائم رشت: پنج نفر بازداشت شدند ... / ۴۲-۴۳

۴۳ پرچم شیر و خورشید در محل شهرداری شهر بری در کانادا! ... / ۴۳

۴۴ اصرار به برگزاری کنسرت در پارسه؛ همزمان با فرودنشست، از تعاشات صوتی ... / ۴۴

۴۵ سیل، زلزله و آتش سوزی بهار را به کام ایران تلخ کرده است ... / ۴۵

۴۶-۴۷ جنگل ها و جانداران زاگرس همچنان می سوزند ... / ۴۶-۴۷

۴۷ یک زن ایرانی در مرز بلاروس و لهستان مورد اصابت گلوله قرار گرفت ... / ۴۷

۴۸ وعده های تخیلی نامزدهای نمایش انتخابات درباره فقرزدایی! ... / ۴۸

۴۹ از ابتدای امسال ۵ پز شک جوان خودکشی کردند ... / ۴۹

۵۰-۵۱ «همستر کامیت» محبوب تر از نامزدهایی با وعده های پوچ و دروغ در ... / ۵۰-۵۱

۵۱ جمهوری اسلامی تحریم شبکه پولشویی وابسته به نیروهای مسلح خود را ... / ۵۱

۵۲ اعتصاب سراسری هزاران کارگران پیمانی صنعت نفت همزمان با ... / ۵۲

۵۳ افزایش تورم نقطه به نقطه در خردادماه؛ شکست سیاست های تورمی دولت ... / ۵۳

۵۴ سهم ۱۶ درصدی زنان از بازار کار ایران ... / ۵۴

۵۵ هشدار معاون وزیر صمت درباره تشدید محدودیت برق ... / ۵۵

۵۶ شاخص فلاکت به تکبیک استانی در سال ۱۴۰۲؛ استان یزد در صدر جدول فلاکت! ... / ۵۶

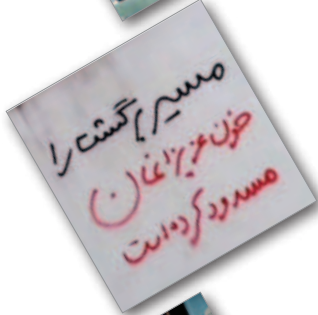
۵۷ سوء استفاده دولت از صنعت اتومبیل سازی برای جبران کسری بودجه ... / ۵۷

۵۸-۵۹ روزنامه «یدبعوت احر و نوت»: راهبرد اصلی اسرائیل باید مقابله با تهدیدات ... / ۵۸-۵۹

۵۹ قطع تماس و ملاقات رضارسانی در زندان و افزایش خطر اجرای حکم «اعدام» ... / ۵۹

۶۰-۶۱ خبرهای کوتاه ... / ۶۰-۶۱

۶۲ پشت جلد - عکس هفته / سرباز محافظ حوزه رای گیری هشتم تیر ۶۲



بازنشر
بازنشر

بازنشر

ترس رژیم از افکار عمومی نیست، از رفتار عمومی است!



همزمان با گسترش اینترنت و رسانه‌های اجتماعی، جمهوری اسلامی هم که اساسا برای «نظر» مردم و افکار عمومی ارزشی قائل نیست، با هدف تأثیرگذاری روانی و تبلیغاتی هر بار در موسم رأی‌گیری دو قوای مقننه و مجریه نظرسنجی‌هایی توسط نهادهای و رسانه‌های خود برگزار می‌کند.

وابستگان و لابیگران رژیم در خارج کشور نیز به ویژه در آمریکا و کانادا از این نوع نظرسنجی‌ها که هدف آنها عمدتاً تأثیرگذاری بر سیاست دولت‌ها و سیاستمداران غربی است برگزار می‌کنند. با اینهمه مستقل‌ترین و معتبرترین و علمی‌ترین نظرسنجی‌ها و با کمترین ضریب خطای محاسبه‌شده، ممکن است نشانگر افکار عمومی و یکسری تمایلات باشند اما الزاما بیانگر رفتار عمومی نیستند. چنانکه در سال‌های اخیر در دموکراسی‌ها نیز شاهد چنین نظرسنجی‌هایی بودیم چه برسد در جوامع بسته!

در مورد انتخابات نمایشی مانند آنچه در جمهوری اسلامی انجام می‌شود، به ویژه در شرایط ضعف و اختلافات درونی، درست است که تصمیم‌گیرندگان نهایی نمی‌توانند همه چیز را تعیین کنند، اما از آنجا که تمام ابزار اجرا تا پدیده آخر در دست خودشان است، می‌توانند روند را طوری سازماندهی کنند که با وجود رفتار عمومی مخالف نظام، در نهایت، فرد یا افراد دلخواه از صندوق بیرون بیایند. همان واقعیتی که خود وابستگان رژیم آن را «مهندسی» نامیده‌اند. در عین حال از آنجا که اعضای نهادهای به اصطلاح انتخابی رژیم یعنی قوه مقننه و مجریه افراد بی‌اختیار و تحت فرمان ولی فقیه هستند، فرقی نمی‌کند که افراد بیرون آمده از صندوق از کدام جناح و «بال» رژیم باشند چرا که همگی در خدمت منافع آن قرار دارند و در صورت مزاحمت یا مؤثر نبودن یا مضر بودن به آسانی حذف می‌شوند. اگر هم رأی‌دهندگان متوجه این واقعیت نشده و انتخابات نظام را جدی بگیرند و مثل ۸۸ به دنبال رأی خود باشند، ابزار سرکوب همواره آماده است تا همه چیز را «علاج» کند. روند افزایشی شمار تحریم‌کنندگان از جمله ریشه در همین واقعیت دارد. واقعیتی که به نظر می‌رسد دولت‌های غربی نه اینکه ندانسته باشند، بلکه سرانجام مجبور شده‌اند به آن اعتراف کنند.

در این میان، ممکن است بتوان با نظرسنجی‌های دروغین بر افکار عمومی تأثیر گذاشت اما رفتار عمومی را با اکثریت آرای که به ویژه در نمایش‌های انتخاباتی اخیر از رژیم دریغ شده می‌توان با هیچ مقامی «علاج» کرد مگر، هرچند موقت، با تهدید و تداوم سرکوب آنهم نه تنها با نیروهای داخلی بلکه با نیابتی‌هایی که در کشورهای دیگر پرورده شده و بیشتر نیز مردم با آنها تهدید شده بودند. سخنان اخیر خامنه‌ای با عنوان «حرکت مدافعان حرم ایران و منطقه را نجات خواهد داد» تکرار همان تهدید است. تهدیدی که صبح روز نهم تیر که هنوز نتیجه‌ی آرا بطور رسمی اعلام نشده بود اما خبر افشاحاش حتما به رهبر نظام رسیده بود، به تیرت نخست رسانه‌های حکومت تبدیل شد؛ با این تفاوت که او این نیروها را «مایه‌ی نجات و کامیابی انقلاب اسلامی» دانسته ولی در رسانه‌های رژیم «انقلاب اسلامی» به «ایران» تبدیل شده. این سخنان تقریباً ده روز پیش از کشیده شدن نمایش انتخابات به دور دوم، ایراد شده بود!

زمامداران نظام با توجه به مسئله جانشینی خامنه‌ای می‌دانند اگر دولت دوم روحانی پس از چند ماه با اعتراضات سراسری روبرو شود و دولت مستعجل رئیسی با موج عظیم جنبش ملی ۴۰۱ اساسا به پایان نرسید و خودش نیز به فجیع‌ترین شکل به کام مرگ فرستاده شد، تردیدی نیست که دولت چهاردهم با هر فردی که در رأس آن باشد، روزها و رویدادهای سرنوشت‌ساز رژیم در انتظارش است.

تیر نه ملت به نظام



● علی خامنه‌ای نیاز دارد از یکسو به غرب این پیام را مخابره کند که «شکاف» تنها میان بخشی از حکومت و نه کل نظام با مردم است؛ و از سوی دیگر به «براندازان» بگوید که حامیان حکومت هنوز آنقدر تُنگ و ضعیف نیستند که در برابر آنها فرو بریزند.

دیگر تصاویر و ویدئوها و شواهدیست که از شعبه‌های مختلف اخذ رأی در شهرهای مختلف و در ساعات متفاوت منتشر می‌شود و «آمارسازی» را برای حکومت دشوار می‌کند.

از سوی دیگر پس از اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱، شهروندان فعالیت اعتراضی خود را به اشکال مختلف از دیوارنویسی تا شعارهای شبانه، و مبارزه گسترده مدنی در برابر حجاب اجباری ادامه داده‌اند. مشکلات انباشته‌ی اقتصادی نیز شهرهای مختلف کشور را هر روزه صحنه تجمعات مختلف اصناف و گروه‌های زیان‌دیده و مالباخته کرده است.

علی خامنه‌ای نیاز دارد از یکسو به غرب این پیام را مخابره کند که «شکاف» تنها میان بخشی از حکومت و نه کل نظام با مردم است و جمهوری اسلامی همچنان حامیان و طرفدارانی دارد که برای «مشروعیت» نظام و رأی دادن به آن در صف‌های طولانی می‌ایستند؛ و از سوی دیگر به «براندازان» بگوید که حامیان حکومت هنوز آنقدر تُنگ و ضعیف نیستند که در برابر آنها فرو بریزند.

با اینهمه جمهوری اسلامی هشتم تیرماه از برگزاری نمایشی قابل ارائه به افکار عمومی خارج و داخل ناکام ماند و برای جبران آن در دور دوم که قرار است جمعه ۱۵ تیرماه برگزار شود بسیج می‌شود.

بر اساس آمار رسمی ۶۰ درصد از مردم در انتخابات شرکت نکردند. هرچند تصاویر حوزه‌ها و شواهد میدانی ثابت می‌کنند که عدم مشارکت بیش از رقم مورد ادعای حکومت است اما همین رقم و بیش از یک میلیون رأی باطله، باز هم طبق ادعای رژیم، نشان از شکست سنگین حکومت دارد.

ترفند دوقطبی جواب نخواهد داد

اکنون در ادامه این نمایش دو نامزدی مانده‌اند که ←

چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اسلامی با وجود «سیرکی» که جناحین حکومت برای داغ کردن تنور انتخابات برپا کردند، با تحریم گسترده واجدین شرایط روبرو شد و شهروندان توانستند بار دیگر حکومت را در «زمین» خودش شکست دهند. طراحی کشیده شدن انتخابات به دور دوم با دو نامزد اصولگرا و اصلاح‌طلب، بازی خامنه‌ای جهت ایجاد فضای دوقطبی و تلاش برای کشیدن مردم به پای صندوق رأی و ترمیم شکست سنگینی است که روز هشتم تیر ۱۴۰۳ علیه حکومت رقم خورد.

طبق اعلام رسمی مشارکت ۴۰ درصدی، بیش از یک میلیون رأی باطله، متوسل شدن به بلندگوهای مساجد و تهدید و تطمیع و التماس برای کسب رأی، عدم موفقیت نامزدها در کسب حتی ۱۰ میلیون رأی در کشوری که بیش از ۶۱ میلیون واجد شرایط رأی دادن دارد و نمایان شدن چهره شبکه حامی جمهوری اسلامی در خارج کشور با نقاب‌های پنهانده سیاسی و فعال حقوق بشر و تحلیلگر، خلاصه آنچه‌زیست که تحت عنوان چهاردهمین دوره از انتخابات ریاست جمهوری اسلامی برگزار شد.

جمهوری اسلامی سال‌هاست با تقلب گسترده و ریختن قلّه‌ای تعریف‌ها به صندوق رأی و آمارسازی شمار مشارکت را بسیار بالاتر از میزان واقعی اعلام می‌کند؛ همان چیزی که اصلاح‌طلبان در هر دوره از نمایش انتخابات که ناکام می‌مانند آن را «مهندسی» شده می‌نامند و هر بار که مانند این دوره نامزدشان با اراده خامنه‌ای به رقابت راه پیدا کرده، آن را «اراده ملت» و «حضور پرشور» قلمداد می‌کنند.

شکست در نمایش «حضور» آشکار است

در دو انتخابات پیشین ریاست جمهوری ۱۴۰۰ و دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی مشارکت در انتخابات به شکل قابل توجهی نسبت به دوره‌های گذشته کاهش یافته بود. آمارسازی اما یک روی ماجراست؛ روی

خواننده معترض در ایران آن را با کنایه «نفرین گیرندهی مادران» خوانده است.

بحران‌هایی که اصولگرا و اصلاح‌طلب نمی‌شناسد

کرد و برخی مقامات دیگر بطور رسمی از «قهر مردم» با صندوق رأی گفتند. هرچند استفاده از عبارت «قهر» بطور عامدانه از سوی اصلاح‌طلبان در برابر «تحریم» به عنوان فعل واقعی که مردم انجام دادند استفاده می‌شود. آنها

→ اظهارات انتخاباتی و سوابق آنها نشان می‌دهد که بیشترین ارادت و تبعیت را از رهبر حکومت دارند. مسعود پزشکیان از اردوگاه اصلاح‌طلبان اما با حمایت خطرناک مهره‌های قومگرا و تجزیه‌طلب داخل کشور در یکسوی



جمهوری اسلامی با بحران‌های زیادی روبروست که هر یک از دو نامزد اصلاح‌طلب یا اصولگرا که رئیس دولت چهاردهم شود، نمی‌تواند تهدیدهایی را که حکومت با آنها روبروست رفع کند.

در سیاست خارجی مواضع رهبری جمهوری اسلامی بر سر مذاکرات و امتیازهای دادنی و ستاندنی مشخص است و رئیس دولت جدید نیز مانند اسلاف خود ملزم به پیشبرد آن است. اینهمه در حالیست که از ماه نوامبر (آبان) آینده، نتیجه‌ی انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده می‌تواند ورق آنچه را علی‌خامنه‌ای در پیشبرد مذاکرات پنهان با آمریکا در دولت رئیسی پیش برده بود برگرداند. در نتیجه‌ی خامنه‌ای که به فکر جانشینی خود نیز هست، زمان زیادی ندارد و بی‌تردید با نامزدهایش اتمام حجت می‌کند تا مذاکرات هسته‌ای بدون کارشکنی و تحت طراحی و نظر او پیش برود.

در داخل کشور نیز مشکلات اقتصادی و اجتماعی مهمی وجود دارد که برای دولت بعدی بسیار مشکل‌آفرین است. این موضوع از آنجا که هیچ‌یک از دو نامزد باقیمانده نیز برنامه اقتصادی مشخصی ارائه ندادند، به معنی تداوم وضعیت دشوار در حوزه معیشتی و اقتصادی است. تشدید بحران‌های اقتصادی ریسک‌هایی جدی برای جمهوری اسلامی به همراه دارد زیرا هر لحظه احتمال انفجار خشم و ناراضی‌تای جامعه در کف خیابان‌ها می‌رود.

جمهوری اسلامی از اعتراضات جنبش ملی ۴۰۱ پوشش و اینترنت را از «حق» به دو ابزار سرکوب شهروندان تبدیل کرده و هر دو موضوع در حوزه اجتماعی به تقابلی جدید میان مردم و نظام تبدیل شده است. به همه معضلات موجود که دولت چهاردهم با هر شخصی در رأس خود با آن روبرو خواهد بود، می‌بایست مسئله مهاجران افغانستانی را نیز افزود که بی‌رویه وارد کشور شده و در بسیاری از مناطق سبب تغییر بافت جمعیت و تعارضات اجتماعی شده‌اند. معلوم نیست بر اساس کدام شواهد و پیشینه و تجربه، دولت چهاردهم تمایل و توانایی ساماندهی به این مسائل و حل این بحران‌ها را داشته باشد.

می‌خواهند با استفاده از عبارت «قهر» نشان دهند روابط مردم با حکومت مثل روابط خانوادگی و دوستانه تنها «دلخوری» و «ناراضی‌تای» است که به «قهر» کشیده شده وگرنه همه اینها بین خودشان «حل» خواهد شد. آنچه اما مردم با برنامه و به صورت آگاهانه و البته قاطعانه انجام دادند، «تحریم» صندوق رأی حکومتی بود که عامل فلاکت مملکت و کشتار و سرکوب ملت است و با استفاده از صندوق رأی برای خودش «مشروعیت» می‌خرد.

آن خارج‌نشینانی که خدمتگزار نظام‌اند

با اینکه رأی‌دهندگان در خارج کشور رقمی محسوب نمی‌شوند اما از نظر تبلیغاتی برای رژیم اهمیت دارند. در همین ارتباط پناهندگان صادراتی و به اصطلاح تحلیل‌گران رسانه‌ای و فعالان به ظاهر مخالف که در کشورهای مختلف با نشان دادن انگشت پیروزی به جمهوری اسلامی رأی می‌دهند، در نمایش ۸ تیر نیز به کار گرفته شدند. این رفتار هرچند در انتخابات پیشین نیز وجود داشت اما بعد از جنبش فراگیر اعتراضی ۱۴۰۱ و در شرایطی که بخش زیادی از جامعه‌ی زیر سرکوب در ایران، از جمله اصناف و خانواده‌های دادخواه و زندانیان سیاسی، با صراحت نمایش انتخابات را تحریم کرده‌اند، دهان کجی این افراد ابعاد دیگری پیدا می‌کند.

به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی توانسته در سال‌های گذشته گام دیگری در ایجاد شبکه‌ی حامی خود در خارج کشور بردارد که بسیاری از آنها تحت عنوان فعال حقوق بشر و تحلیل‌گر رسانه‌ای و فعال سیاسی و پناهنده در کشورهای غربی از زندگی و امکانات جهان آزاد بهره می‌برند اما در عمل در خدمت اهداف و پروژه‌های حکومت هستند. جمهوری اسلامی اگر شماری از حامیان خارج‌نشین‌اش را به پای صندوق‌های رأی خود کشاند اما در این دوره به هیچ وجه نتوانست بجز تعداد انگشت‌شماری از هنرمندان حکومتی، از ظرفیت سلبریتی‌های ورزشی و فرهنگی و هنری بهره‌مند شود. عموم آنها به مبلغان حکومت تبدیل نشدند و آن را تحریم کردند؛ تحریم گسترده‌ای که مهدی یراحی

فضای دوقطبی صحنه قرار گرفته و سعید جلیلی اصولگرا و تندرو و معتقد به ایدئولوژیک‌ترین لایه‌های ذهنی انقلاب اسلامی و جمهوری‌اش در سوی دیگر قرار دارد.

«کیهان لندن» در روزهای تبلیغات دور نخست انتخابات گزارش داده بود که در جریان مناظرات انتخاباتی، سعید جلیلی و مسعود پزشکیان تنها نامزدهایی بودند که بطور واضح درباره گشایش بن‌بست مذاکرات هسته‌ای و رفع تحریم‌ها سخن گفتند و نظر دادند؛ اما با شیوه و چشم‌اندازهای متفاوت.

دیگر نامزدها تلاش کردند تا حد امکان به این موضوع نپردازند تا دیدگاه‌های سفید و سیاه رأی‌دهندگان و معتقدان به حکومت بر آرای آنها اثر نگذارد. این در حالیست که نام پیروز نهایی انتخابات حکومت با خواست و اراده علی‌خامنه‌ای از صندوق بیرون خواهد آمد و رئیس دولت حتی اگر با وی زاویه نیز داشته باشد، در نهایت ملزم به ادامه راه و سیاست‌های رهبر حکومت است. تنها معیار علی‌خامنه‌ای برای انتخاب مسعود پزشکیان و سعید جلیلی به عنوان مهره‌های دور دوم انتخابات، تشدید فضای دوقطبی به امید «مشارکت پرشور» بوده است وگرنه هر دو «شخص دوم» نظام‌اند!

«مشروعیت»ی که بیش از پیش دود شد

جمهوری اسلامی که هفته گذشته برای جلب مشارکت مردم به درویزی افتاده بود، در ساعات برگزاری انتخابات نیز برای کشاندن آنها به حوزه‌های رأی هم تهدید و تطمیع و هم التماس می‌کرد.

ویدئوهایی از شعبه‌های اخذ رأی، از تهران تا سیستان و بلوچستان، منتشر شده که حکومتی‌ها با توسل به بلندگوهای مساجد مردم را با خواهش و تهدید به سوی صندوق فرا می‌خواندند.

عدم همراهی مردم در داخل کشور با صندوق رأی تا آنجا بود که برخی مقامات از جمله محمدجواد آذر جهرمی از نیروهای وزارت اطلاعات و از فعالان ستاد مسعود پزشکیان به مشارکت پایین در استان‌ها و شهرهای مختلف اعتراف

بررسی وضعیت برجام در نشست شورای امنیت؛ هشدار اروپایی‌ها به حکومت ایران در مورد فعال کردن «مکانیسم ماشه»



شورای امنیت سازمان ملل متحد / نیویورک

● رابرت وود معاون سفیر آمریکا در سازمان ملل: «[رژیم] ایران همزمان با گسترش فعالیت‌های اتمی خود در حال دامن زدن به درگیری و بی‌ثباتی در خاورمیانه است و با بی‌اعتنایی آشکار به قطعنامه‌های این شورا با ارائه تسلیحات به نیروهای نیابتی منطقه‌ای خود از جمله در یمن و لبنان، ادامه می‌دهد».

● باربارا وودوارد نماینده دائم بریتانیا در سازمان ملل متحد: «جمهوری اسلامی ۳۰ برابر حد مجاز اورانیوم را غنی‌سازی می‌کند که هیچ توجیه غیرنظامی معتبری ندارد و این پیشرفت‌ها ایران را در آستانه تولید سلاح اتمی قرار داده است... همه گزینه‌های دیپلماتیک از جمله مکانیسم ماشه برای جلوگیری از دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای روی میز است».

● توماس زانایسن نماینده آلمان و نیکلا دوریوئه نماینده فرانسه در نشست شورای امنیت سازمان ملل نیز خواستار بهره‌گیری و فعال‌سازی «مکانیسم ماشه» در قبال رفتارهای جمهوری اسلامی شدند. آنها نیز تأکید کردند که رژیم ایران در پنج سال گذشته مدام تعهدات برجامی خود را نقض کرده و عدم همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نگران‌کننده و گسترش غنی‌سازی، تعهد جمهوری اسلامی به مذاکرات مجدد را زیر سؤال می‌برد.

● در واکنش به این مواضع سعید ابروانی سفیر جمهوری اسلامی در سازمان ملل در یک متن طولانی ادعای صلح‌آمیز بودن برنامه‌های اتمی ایران را تکرار کرد و گفت: «فشار، ارباب، تهدید و تقابل راه‌گشا نیستند و در نهایت به بن‌بست منتهی خواهند شد. تنها گزینه عملی برای احیای برجام، گفتگو و همکاری سازنده صادقانه است».

نشست دوره‌ای شورای امنیت سازمان ملل متحد برای بررسی روند اجرای قطعنامه ۲۳۳۱ مرتبط با فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی بر اساس برجام روز دوشنبه ۲۵ ژوئن (چهارم تیرماه) برگزار شد.

در این نشست کشورهای عضو شورای امنیت به ویژه سه قدرت اروپایی (بریتانیا، آلمان و فرانسه) در مورد احتمال فعال‌سازی «مکانیسم ماشه» به تهران هشدار دادند و همزمان موضوع پشتیبانی‌های نظامی جمهوری اسلامی از روسیه در جنگ علیه اوکراین و حمایت از حوثی‌ها را نیز مطرح کردند.

رابرت وود معاون نماینده آمریکا در سازمان ملل در سخنانی اعلام کرد، جمهوری اسلامی همچنان در روند اجرای تعهدات خود در برجام «کارشکنی» می‌کند و روند نظارت و راست‌آزمایی از فعالیت‌های اتمی خود را مختل کرده است و نباید برای محکوم کردن این اقدامات بی‌ثبات‌کننده و خطرناک لحظه‌ای درنگ کنیم.

وی تأکید کرد گزارش‌های آژانس بین‌المللی نشان می‌دهد که [رژیم] ایران مصمم است برنامه هسته‌ای خود را به روش‌هایی که هیچ هدف غیرنظامی معتبری ندارد، گسترش دهد.

رابرت وود در بخش دیگری از بیانیه خود تأکید کرد که رژیم ایران همزمان با گسترش فعالیت‌های اتمی در حال دامن زدن به درگیری و بی‌ثباتی در خاورمیانه است و با بی‌اعتنایی آشکار به قطعنامه‌های این شورا با ارائه تسلیحات به نیروهای نیابتی منطقه‌ای خود از جمله در یمن و لبنان،

ادامه می‌دهد.

وی با اشاره به ارسال فناوری‌های موشک‌های بالستیک به حوثی‌ها توسط جمهوری اسلامی تأکید کرد، «شورای امنیت باید در محکومیت این فعالیت و قبحانه و بی‌ثبات‌کننده صریح و متحد باشد. زمانی که [جمهوری اسلامی] ایران بطور مکرر و بدون عواقب آشکارا قطعنامه‌های شورای امنیت را زیر پا می‌گذارد و نگرانی‌های آژانس را نادیده می‌گیرد، اعتبار و اقتدار این نهاد را که وظیفه پیشبرد صلح و امنیت بین‌المللی را بر عهده دارد، تضعیف می‌کند».

فعال شدن مکانیسم ماشه

باربارا وودوارد نماینده دائم بریتانیا در سازمان ملل متحد در این نشست هشدار داد، «جمهوری اسلامی بیش از هر زمان دیگری به توانایی تولید سلاح هسته‌ای نزدیک شده و این وضعیت منطقه و جهان را بسیار خطرناک‌تر و احتمال تشدید تنش توسط دیگران را بیشتر می‌کند».

این دیپلمات بریتانیایی تأکید کرد که جمهوری اسلامی ۳۰ برابر حد مجاز اورانیوم را غنی‌سازی می‌کند که هیچ توجیه غیرنظامی معتبری ندارد و این پیشرفت‌ها [رژیم] ایران را در آستانه تولید سلاح اتمی قرار داده است.

نماینده بریتانیا در شورای امنیت هشدار داد که «همه گزینه‌های دیپلماتیک برای جلوگیری از دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای روی میز است». وی به احتمال فعال شدن «مکانیسم ماشه» اشاره کرد.

او با صراحت گفت، «اگر حکومت ایران تعهداتش را عملی نکند، تا قبل از اکتبر ۲۰۲۵ (مهر و آبان ۱۴۰۴) مکانیسم ماشه را فعال می‌کنیم».

توماس زانایسن نماینده آلمان و نیکلا دوریوئه نماینده فرانسه در نشست شورای امنیت سازمان ملل نیز خواستار بهره‌گیری و فعال‌سازی «مکانیسم ماشه» در قبال رفتارهای جمهوری اسلامی شدند. آنها نیز تأکید کردند که حکومت ایران در پنج سال گذشته مدام تعهدات برجامی خود را نقض کرده و عدم همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

نگران‌کننده و گسترش غنی‌سازی، تعهد جمهوری اسلامی به مذاکرات مجدد را زیر سؤال می‌برد.

سه کشور اروپایی در ارتباط با مسائلی که از سوی نمایندگان آنها در نشست شورای امنیت بیان شد یک بیانیه مشترک نیز صادر کردند.

در این نشست واسیلی نبزیا سفیر روسیه در سازمان ملل متحد در سخنانی آمریکا را عامل به بن‌بست رسیدن برجام معرفی کرد و گفت: «تأکید روی سیاست فشار حداکثری بر تهران برای بازگشت به توافق هسته‌ای، حرف‌های توخالی است». وی همچنین عدم اجرای برجام از سوی دولت‌های اروپایی را از عوامل تشدید فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی دانست.

در واکنش به این مواضع سعید ابروانی سفیر جمهوری اسلامی در سازمان ملل در یک متن طولانی ادعای صلح‌آمیز بودن برنامه‌های اتمی را تکرار کرد و گفت، «فشار، ارباب، تهدید و تقابل راه‌گشا نیستند و در نهایت به بن‌بست منتهی خواهند شد. تنها گزینه عملی برای احیای برجام، گفتگو و همکاری سازنده صادقانه است».

در متن بیانیه‌ای که ابروانی خواند تأکید شده، «برنامه‌های فضایی و موشکی ایران همیشه خارج از حوزه و صلاحیت قطعنامه ۲۳۳۱ بوده‌اند... جمهوری اسلامی ایران هرگز در هیچ فعالیتی ناقض هیچ‌یک از قطعنامه‌های الزام‌آور شورای امنیت شرکت نکرده است». وی همچنین ارسال سلاح از سوی اوکراین به روسیه برای جنگ علیه اوکراین و همچنین پشتیبانی از حوثی‌ها را نیز انکار کرد.

پس از مدت‌های طولانی مباحثات دولت‌های غربی با جمهوری اسلامی و صدور ده‌ها بیانیه تکراری از سوی آمریکا، اتحادیه اروپا یا ناتو و «گروه هفت» برای نخستین بار پس از خروج آمریکا از برجام دولت‌های اروپایی علنی احتمال فعال شدن مکانیسم ماشه را مطرح کرده‌اند. موضوعی که کارشناسان معتقدند زمینه‌ساز بازگشت تمام تحریم‌های شورای امنیت علیه جمهوری اسلامی خواهد بود.

پریشان‌گویی و وضعیت ذهنی بایدن در مناظره دموکرات‌ها را نگران کرده است

ترامپ: ما البغدادی و سلیمانی را کشتیم که بزرگترین تروریست‌های جهان بودند



مناظره بایدن و ترامپ در شبکه سی‌ان‌ان / ژوئن ۲۰۲۴

● اولین مناظره انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴ آمریکا میان جو بایدن و دونالد ترامپ، پنجشنبه شب ۲۷ ژوئن (هفتم تیرماه) برگزار شد. این مناظره بطور اختصاصی از شبکه سی‌ان‌ان که به حزب دموکرات آمریکا نزدیک است پخش می‌شد.

● ضعف جسمی و پریشان‌گویی‌ها و لکنت زبان بایدن در این مناظره آنقدر زیاد بود که حتی سی‌ان‌ان به آن اشاره کرد و نوشت، «بایدن، با صدایی خشن و بی‌رمل، اغلب نمی‌توانست اختلافات خود را با ترامپ به وضوح بیان کند».

● بایدن روی اتهامات ترامپ و دادگاه‌های پی در پی وی دست گذاشت و مدعی شد که وقتی همسر ترامپ باردار بود وی با استورمی دانیلز ستاره فیلم‌های پورن، رابطه جنسی داشته است. ترامپ این ادعا را رد کرد و پای «هانتز بایدن» پسر بایدن را وسط کشید که با اتهاماتی از جمله رابطه با کودکان و مصرف مواد مخدر روبروست.

● شبکه سی‌ان‌ان نتایج نظرسنجی از مردم درباره نخستین مناظره دو نامزد ریاست جمهوری آمریکا را اعلام کرد که طبق آن حدود ۶۷ درصد ناظران گفتند دونالد ترامپ عملکرد بهتری در این مناظره داشت و فقط ۳۳ درصد از عملکرد بایدن در این مناظره راضی بودند.

اولین مناظره انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴ آمریکا میان جو بایدن و دونالد ترامپ، پنجشنبه شب ۲۷ ژوئن (هفتم تیرماه) برگزار شد. این مناظره بطور اختصاصی از شبکه سی‌ان‌ان که به حزب دموکرات آمریکا نزدیک است پخش می‌شد. بایدن ۸۱ ساله رئیس جمهوری آمریکا سه سال و هفت ماه از دونالد ترامپ ۷۸ ساله رئیس جمهور سابق آمریکا بزرگتر است. ضعف جسمی و پریشان‌گویی‌ها و لکنت زبان او در این مناظره آنقدر زیاد بود که حتی سی‌ان‌ان به آن اشاره کرد و نوشت، «بایدن، با صدایی خشن و بی‌رمل، اغلب نمی‌توانست اختلافات خود را با ترامپ به وضوح بیان کند. حتی در بخشی از مناظره، پس از اینکه بایدن از سوابق خود در زمینه امنیت مرزی دفاع کرد، ترامپ گفت، واقعاً نمی‌دانم او در آخر این جمله چه گفت... فکر نمی‌کنم خودشم فهمید چی گفت!»

ترامپ با زیر سؤال بردن نتایج انتخابات ۲۰۲۰ تأکید کرد، اگر نتایج انتخابات ۲۰۲۴ «عادلانه و قانونی» باشد می‌پذیرم. از سال ۲۰۲۰ این اولین بار است که این دو نفر رو در رو باهم مناظره کرده‌اند. همچنین برای نخستین بار در تاریخ آمریکا بود که یک رئیس جمهور مستقر و یک رئیس جمهور سابق به عنوان دو رقیب باهم مناظره می‌کردند.

اختلاف آنها بر سر موضوعاتی مثل سقط جنین، مهاجرت، سیاست خارجی و تورم زیاد بود و بارها باهم وارد درگیری لفظی شدند.

جدال این دو نفر از این مسائل نیز فراتر رفت و به یک رویارویی شدید کشیده شد. بایدن روی اتهامات ترامپ و دادگاه‌های پی در پی وی دست گذاشت و مدعی شد که وقتی همسر ترامپ باردار بود با استورمی دانیلز ستاره فیلم‌های پورن رابطه جنسی داشته است. ترامپ این ادعا را رد کرد و پای «هانتز بایدن» پسر بایدن را وسط کشید که با اتهاماتی از جمله رابطه با کودکان و مصرف مواد مخدر روبروست.

سی‌ان‌ان که در انتخابات ۲۰۲۰ ریاست جمهوری آمریکا

جمهوری اسلامی گفت چنین حمله‌ای در دولت او انجام نشد، چون «[رژیم] ایران ورشکسته بود». اشاره ترامپ به اجرای «کارزار فشار حداکثری» علیه جمهوری اسلامی بود. او در همین بخش تأکید کرد، «ما البغدادی [رهبر داعش] و سلیمانی [فرمانده سپاه قدس] را کشتیم که بزرگترین تروریست‌های جهان بودند».

جو بایدن در عوض گفت: «من کسی بودم که دنیا را برای دفاع از اسرائیل در برابر حمله موشکی ایران بسیج کردم.» او همچنین عنوان کرد، «وقتی در زمان ترامپ، ایران به پایگاه‌های آمریکا [عین‌الاسد] حمله کرد، او هیچ کاری نکرد.» بایدن در بخش دیگری از این مناظره گفت: «ترامپ هیچ درکی از دموکراسی آمریکا ندارد.» او پرسید کدام رئیس‌جمهور به کسانی که نشان نازی‌ها را دست می‌گیرند می‌گوید که آنها آدم‌های خوبی هستند؟ بایدن همچنین افزود، از ۴۴ مقام ارشد نزدیک به ترامپ ۴۰ نفرشان حاضر نیستند از او حمایت کنند.

شبکه سی‌ان‌ان نتایج نظرسنجی از مردم درباره نخستین مناظره دو نامزد ریاست جمهوری آمریکا را اعلام کرد که طبق آن حدود ۶۷ درصد ناظران گفتند دونالد ترامپ عملکرد بهتری در این مناظره داشت و فقط ۳۳ درصد از عملکرد بایدن در این مناظره راضی بودند. پیش از مناظره حدود ۵۵ درصد رأی‌دهندگان انتظار داشتند ترامپ عملکرد بهتری داشته باشد. این یعنی ترامپ فراتر از آنچه پیش‌بینی می‌شد در این مناظره ظاهر شد.

ضعف‌های بایدن در این مناظره آنقدر زیاد بود که دموکرات‌ها پیشنهاد داده‌اند گزینه دیگری را بجای بایدن معرفی کنند اگرچه برخی دیگر چنین امری را بعید دانسته‌اند.

این مناظره در بین ایرانیان نیز بازتاب زیادی داشت. در شبکه‌های اجتماعی به ویژه «ایکس» اغلب کاربران ایرانی از اینکه ترامپ توانسته بود عملکرد بهتری نسبت به بایدن در مناظره داشته باشد استقبال کرده‌اند.

علیه ترامپ شمشیر را از رو بسته بود، وضعیت بایدن را آنقدر بغرنج دید که در گزارشی مفصل در مورد مناظره، تأکید کرد که «مشکلات سالخوردهگی بایدن بدتر شده» و اغلب نمی‌توانست جملات خود را واضح بیان کند و در بیان آمار و استناد به قوانین نیز دچار اشتباه شد هر چند دو منبع مدعی شدند «بایدن در روزهای اخیر سرما خورده است!»

اگرچه انتخابات مقدماتی دموکرات‌ها مدت‌هاست به پایان رسیده است، اما عملکرد ضعیف بایدن در این مناظره آنها را بسیار نگران‌تر از گذشته کرد و حتی موضوع تغییر کاندیدای حزب دموکرات نیز مطرح شده اما شماری از مقامات ارشد این حزب گفتند چنین تغییری ممکن نیست.

بایدن و ترامپ در طول مناظره یکدیگر را «بدترین رئیس جمهور تاریخ آمریکا» دانستند. ترامپ بیشتر روی گفتار و محتوای صحبت‌هایش مسلط بود. سی‌ان‌ان در این ارتباط نوشت، بایدن به وضوح بیشتر زمان مناظره را در حال دفاع از عملکرد خود بود اما توضیحات واضحی از عملکرد خودش نمی‌داد. ترامپ بارها در طول مناظره صحبت‌های بایدن را قطع کرد یا با نیش و کنایه و لبخندهای معنی‌دار به پریشان‌گویی و ضعف‌های ذهنی بایدن واکنش نشان داد.

ترامپ سیاست‌های بایدن در مورد مهاجران را زیر سؤال برد و گفت، «برای همین سیاست‌های ابلهانه پناهجویان غیرقانونی وارد خاک آمریکا می‌شوند و مردم ما رو می‌کشند، اسم این کار جنایت مهاجرتی است اما من اسم آن را جنایت مهاجرتی بایدن می‌گذارم.»

یکی از مجادلات این دو رقیب در مورد وضعیت غزه بود. ترامپ خطاب به بایدن گفت، «بگذار اسرائیل زودتر کار را تمام کند.» او با کنایه از مواضع دولت بایدن در عدم همراهی کامل با اسرائیلی‌ها انتقاد کرد و گفت، «بایدن شده مثل فلسطینی‌ها، ولی آنها هم دوستش ندارند، چون یک فلسطینی کاربلد نیست، خیلی ضعیف است.»

ترامپ در بخشی از این مناظره درباره حمله تروریستی «هفت اکتبر» حماس به اسرائیل در ۲۰۲۳ و ارتباط آن با

تحریم بی سابقه‌ی «سیرک انتخابات» از سوی ایرانیان از جمله اصناف، دانشجویان و دادخواهان

● در روزهای گذشته بیانیه‌های و پیام‌های مختلف و بی‌سابقه‌ای از تحریم انتخابات از سوی اقشار مختلف از جمله کارگران، دانشجویان، آموزگاران و خانواده‌های دادخواه منتشر شده است.

● همزمان ایرانیان خارج کشور در پیام‌های ویدئویی و نوشتاری در شبکه‌های اجتماعی عدم شرکت خود را در سیرک انتخابات اعلام می‌کنند و در بسیاری از شهرهای جهان برای تجمع اعتراضی در هشتم تیر مقابل سفارتخانه‌های رژیم و همچنین اماکنی که برای جمع‌آوری رأی در کشورهای مختلف اعلام شده، فراخوان داده شده است. ● جناح‌های جمهوری اسلامی با به میدان آوردن همه توان خود تلاش کرده‌اند تا این دوره از انتخابات نمایشی را با مشارکت قابل توجه برگزار کنند.

● نظرسنجی‌های حکومتی مشارکت حدود ۵۰ درصدی اعلام کرده‌اند اما تحلیلگران میزان واقعی مشارکت را حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد عنوان می‌کنند. اینهمه در حالیست که جمهوری اسلامی سال‌هاست با تقلب و عددسازی، آمار مشارکت را «مهندسی» می‌کند. در حالی که امکاناتش برای نمایش حضور مردم در حوزه‌ها محدود است.

جمهوری اسلامی در حالی تمام نیروهای خود در داخل و خارج کشور را برای تشویق مردم به شرکت در نمایش انتخابات بسیج کرده که اقشار مختلف شهروندان «انتخابات نمایشی» و «انتصابات» حکومت را تحریم کرده‌اند. در روزهای گذشته بیانیه‌های و پیام‌های مختلف و بی‌سابقه‌ای از تحریم انتخابات از سوی اقشار مختلف از جمله کارگران، دانشجویان، آموزگاران و خانواده‌های دادخواه منتشر شده است.

در سال‌های اخیر میزان مشارکت در انتخابات جمهوری اسلامی روند کاهشی داشت اما در دو انتخابات اخیر، ریاست جمهوری ۱۴۰۰ و مجلس شورای اسلامی اسفند ۱۴۰۲، میزان تحریم انتخابات از سوی شهروندان به حدی بود که حتی جمهوری اسلامی نتوانست آن را انکار کند.

بیشترین مشارکت مردم در انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۶ و به میزان ۷۹/۹۲ بود که به پیروزی محمد خاتمی منتهی شد. در انتخابات دولت سیزدهم که در سال ۱۴۰۰ برگزار شد نرخ مشارکت اعلام شده توسط حکومت به ۴۸ درصد سقوط کرد.

در انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی که در دو مرحله و در اسفند ۱۴۰۲ و اردیبهشت ۱۴۰۳ برگزار شد نیز میزان مشارکت به شدت کاهش یافت بطوریکه در دوره دوم این انتخابات در شهرهای بزرگی چون کرج، تهران، شیراز و مشهد مشارکت زیر ۱۰ درصد بود!

انتخابات چهاردهمین دوره ریاست جمهوری در حالی قرار است فردا جمعه هشتم تیرماه برگزار شود که گزارش‌های میدانی از عدم توجه مردم به این انتخابات حکایت دارد. جناح‌های جمهوری اسلامی با به میدان آوردن همه توان خود تلاش کرده‌اند این دوره از انتخابات نمایشی را با مشارکت قابل توجه برگزار کنند.

نظرسنجی‌های حکومتی مشارکت حدود ۵۰ درصدی اعلام کرده‌اند اما تحلیلگران میزان واقعی را حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد عنوان می‌کنند. اینهمه در حالیست که جمهوری اسلامی سال‌هاست با تقلب و عددسازی، آمار مشارکت را



پشتیبانی می‌کنند، نوشتند حمایت آنها «خیانت به جان‌هایی است که خود را برای رهایی از ظلم و فساد و رسیدن به آزادی فدا کرده و همچنین مهر تأییدی بر رژیم جور، جهل و فاسد است.»

در این نامه آمده «چیدمان کاندیداهای این دوره نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی به جنگی علنی علیه مردم دست برداشته و تنها ابزاری که برای بقا در دست دارد خشونت است. پشتیبانی از انتصاب یکی دیگر از عوامل سرکوب و جنایت برای رسیدن به منصب ریاست جمهوری، خیانتی است بزرگ به علم، آزادی بیان و جنبش دانشجویی ایران.» در پایان این نامه تأکید شده که «ما از همه فرهیختگان دانشگاه‌ها می‌خواهیم که با تحریم این انتخابات نمایشی، از علم، آزادی بیان، دموکراسی و حقوق بشر در برابر یک رژیم جنایتکار دفاع کنند و در کنار مردم و دانشجویان برای آزادی و عدالت بایستند.»

جمعی از دانشجویان دانشگاه تهران نیز با صدور بیانیه‌ای اعلام کردند که «ما انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۳ را تحریم می‌کنیم» و توضیح دادند «رأی دادن در چارچوب سیاسی موجود، صرفاً به معنای پذیرش سرکوب است. اما رأی ندادن نیز به تنهایی کافی نیست. رأی ندادن در صورتی می‌تواند مفید واقع شود که با فکر کردن به آلترناتیوی برای وضع موجود و مبارزه برای آن همراه باشد.»

در ادامه بیانیه این دانشجویان آمده «دموکراسی برای ما، تنها مربوط به اصول کلی و انتزاعی نیست. دموکراسی، لازمه عبور از آشوب سیاسی و دستیابی به رفاه و توسعه است. چرا که در جهان پیچیده امروزی، دولت اقتدارگرا توان حل مسائل را نداشته و تنها با همراهی تمامیت جامعه در تصمیم‌گیری و اجرا است که می‌توان از چنین شرایطی عبور کرد. بنابراین، ساخت دموکراسی در عمیق‌ترین معنای آن، مسیر توان‌بخشی جامعه برای مدیریت زندگی و سرنوشت خویش است.»

هفته گذشته نیز ۱۰ تشکل دانشجویی، دو تشکل دانش‌آموزی و گروهی از دانشجویان و فعالان مدنی و سیاسی در بیانیه‌ای مشترک، خواستار «تحریم

«مهندسی» می‌کند! در حالی که امکاناتش آن برای نمایش حضور مردم در حوزه‌ها محدود است.

در این دوره از انتخابات تحریم گسترده‌ای از سوی اقشار و اصناف مختلف شکل گرفته است. دوم تیرماه ۵۲۰ تن از فرهنگیان ایران با انتشار بیانیه‌ای ضمن تأکید بر تحریم انتخابات ریاست جمهوری اسلامی اعلام کردند شرکت در انتخابات «معنایی جز پذیرش و تأیید وضعیت تحمیلی کنونی و توهین به شعور اجتماعی مردم ندارد.»

در پی این بیانیه ششصد تن از شهروندان مختلف از جمله زندانیان سیاسی، خانواده‌های دادخواه، معترضان آسیب‌دیده چشمی، فعالان صنفی و دانشجویی در بیانیه دیگری برای تحریم انتخابات نوشتند: «ما بر این باوریم با تکیه بر مقاومت مدنی و با نشر آگاهی و ایجاد اتحاد در عمل میتوان جنبش آزادی خواهی مردم ایران را به پیش ببریم.» امضاکنندگان از عموم مردم خواستند تا «متحد و یکپارچه از شرکت در این نمایش بدفرجام برای ایران و مردم ایران خودداری کنند.»

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان نیز طی یک هفته گذشته در دو بیانیه مجزا بر تحریم انتخابات تأکید کرده است.

در بخشی از بیانیه دوم این نهاد صنفی آمده که «انتخابات در این ساختار برای شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران موضوعیتی ندارد و ما مطالبات خود را از طریق تلاش برای تشکلیابی مستقل و تقویت نهادهای مردمی دنبال خواهیم کرد.»

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان تأکید کرده که «ما سوء استفاده از مطالبات صنفی برای گرم کردن تور انتخابات و توهین به شعور فرهنگیان بازنشسته و شاغل و همچنین جعل و سوء استفاده از نام شورای هماهنگی برای مقاصد انتخاباتی از سوی جناح‌های سیاسی را به شدت محکوم می‌کنیم.»

پنج تشکل دانشجویی نیز در نامه‌ای مشترک خطاب به دانشجویان و اساتیدی که از انتخابات ریاست جمهوری

انتخابات ریاست جمهوری» شدند و تاکید کردند که «رای ما انقلاب زن زندگی آزادی است».

در این بیانیه آمده «مشتی از سابقه داران جنایت علیه مردم ایران، برای ریاست جمهوری حکومتی که در جنگ علیه مردم است، مجدداً به صحنه آمده‌اند تا علی‌رغم درماندگی و چندپارگی، همچنان به سازمان‌دهی فضای سرکوب ادامه دهند.»

تعدادی از پرسنل نظامی در کارزاری با عنوان «رای بی رای» و با انتشار تصاویری و متونی از تحریم گسترده انتخابات حمایت کرده‌اند.

۱۴ نفر از آسیب‌دیدگان و بازداشت‌شدگان جنبش ملی ۱۴۰۱ با صدور بیانیه‌ای شرکت در انتخابات را تحریم و اعلام کردند به مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی ادامه خواهند داد. در بیانیه دیگری شماری از مادران دادخواه ساکن کردستان که فرزندانشان را در اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ کشته شدند «سیرک نمایشی» ریاست جمهوری را تحریم کردند و گفتند تا زمان محاکمه و مجازات قاتلان فرزندانشان، دست از عدالت‌خواهی برمی‌دارند.

فاطمه سپهری، زندانی سیاسی مشروطه‌خواه و از امضاکندگان نامه درباره استعفاي خامنه‌ای و عبور از جمهوری اسلامی، نیز شرکت در انتخابات ریاست جمهوری را تحریم کرد. فاطمه سپهری در پیام تحریم انتخابات نوشته «ما در سیرک انتصابات شما شرکت نخواهیم کرد. شما دروغگوترین انسان‌های اعصار تاریخ هستید. به شما اعتماد نداریم.»

صبا بختیاری عمه پویا بختیاری از جانب‌اختگان اعتراضات ۹۸ در شبکه «ایکس» خطاب به افرادی که تصمیم به شرکت در انتخابات دارند نوشته «انگشت در خون فرزندان ما نزنید. همه افرادی که کاندید انتصابات حکومت‌اند در قتل فرزندان ایران نقش داشته‌اند. جای قاتلان در زندان است نه جایگاه ریاست جمهوری، که با سرنگونی نظام فاسد میسر می‌شود.» فاطمه حیدری خواهر جواد حیدری از جان‌باختگان جنبش ملی ۱۴۰۱ با انتشار متنی از مردم خواست تا در انتخابات شرکت نکنند و نوشت: «روی سخنم با اکثریت مردم کشورم نیست که بارها نشان دادند شرافت و شجاعت چه معنی‌ای می‌دهد، اما با شما مزدورهای وقیح هستم. شما که خجالت نمی‌کشید و به چهره‌های رنجور و دردکشیده این ملت نگاه می‌کنید و از رای دادن صحبت می‌کنید. شما که ردیبلانه و بدون هیچ شرمی، قاتلان عزیزترین فرزندان این خاک و دشمنان قسم‌خورده‌ی ایران را به عنوان نماینده خودتان معرفی می‌کنید.»

گوهر عشقی مادر ستار بهشتی، زندانی سیاسی که زیر شکنجه ماموران در زندان جانباخت با انتشار ویدیویی در شبکه‌های اجتماعی شرکت در انتخابات را تحریم کرد و از مردم خواست در انتخابات نمایشی شرکت نکنند.

شمار زیادی از زندانیان کنونی و پیشین سیاسی نیز با انتشار متن‌هایی در شبکه‌های اجتماعی یا صدور پیام از زندان اعلام کردند انتخابات را تحریم می‌کنند و از مردم خواستند در انتخابات شرکت نکنند.

محبوبه رضایی، جواد لعل‌محمدی، ابوالفضل قدیانی، گلرخ ایرانی، برزان محمدی، غلامرضا مکعبیان، سعید ماسوری، حسین رونقی، و نرگس محمدی از جمله زندانیان کنونی و پیشین هستند که انتخابات را تحریم کردند.

همزمان ایرانیان خارج کشور در پیام‌های ویدئویی و نوشتاری در شبکه‌های اجتماعی عدم شرکت خود را در سیرک انتخابات اعلام می‌کنند و در بسیاری از شهرهای جهان برای تجمع اعتراضی در هشتم تیر مقابل سفارتخانه‌های رژیم و همچنین اماکنی که برای جمع‌آوری رأی در کشورهای مختلف اعلام شده، فراخوان داده شده است.

روزنامه «تلگراف»: حزب کارگر بریتانیا در صورت پیروزی در انتخابات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را تروریستی اعلام می‌کند



نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در راهپیمایی حکومتی «روز قدس» / عکس: رویترز

برای تغییر رویکرد بریتانیا در مقابله با تروریسم و اصلاح برخی قوانین در دستور کار دارد که در نهایت راه را برای تروریستی اعلام کردن سپاه هموار می‌کند.

کن مک‌کالوم مدیرکل سازمان امنیت داخلی بریتانیا موسوم به ام‌آی‌فایو (MI5) پیش از این با اشاره به «اقدامات خصمانه جمهوری اسلامی در خاک بریتانیا» گفت که مقابله با تهدیدات تهران از اولویت‌های اصلی لندن به شمار می‌رود.

بر مبنای طرح پیشنهادی حزب کارگر، روند قرار دادن نام «عوامل حکومت‌محور» در فهرست گروه‌های تروریستی تسهیل خواهد شد.

در این طرح با با پلیس ضدتروریسم و سازمان‌های اطلاعاتی بریتانیا همکاری خواهد شد تا در نهایت تصویب شود.

انتخابات عمومی بریتانیا برای مشخص شدن تکلیف دولت آینده این کشور پنجم ژوئیه (۱۴ تیرماه) برگزار می‌شود.

بیش از ۱۰۰ نماینده مجلس بریتانیا اواسط بهمن‌ماه ۱۴۰۲ از ریشی سوناک نخست‌وزیر این کشور خواستند تا در مقابل «جنگ‌طلبی» رژیم ایران با قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی اقدام متناسب انجام دهند. این نمایندگان به نخست‌وزیر محافظه‌کار بریتانیا هشدار دادند: «ما در قبال رژیم ایران به یک استراتژی جدید نیاز داریم.»

نمایندگان در بیانیه‌ای هشدار دادند در میان درگیری‌های رو به افزایش در خاورمیانه، رژیم تهران «سر مار» است و از سپاه پاسداران برای گسترش «تروریسم» و جلوگیری از صلح استفاده می‌کند.

عوامل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بریتانیا از یکسو هواداران افراطی حماس را تحریک می‌کنند و از سوی دیگر علیه روزنامه‌نگاران و فعالان سیاسی مخالف رژیم اقدام می‌کنند. بر اساس گزارش سازمان امنیت داخلی بریتانیا، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که برای گسترش نفوذ خود در این کشور تلاش می‌کند، بارها مرتکب آدم‌ربایی و سر به نیست کردن فعالان سیاسی مخالف رژیم شده است.

در همین ارتباط مؤسسه تونی بلر (نخست‌وزیر پیشین انگلستان)، قبلاً هشدار داده بود که تلاش‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شامل انتشار تبلیغات اسلامگرایی افراطی است که برای جذب شهروندان غربی جهت عملیات مرتبط با تروریسم و همچنین فعالیت‌هایی در بریتانیا برای ترویج سپاه پاسداران و ایدئولوژی آن در مساجد، مدارس و موسسات خیریه طراحی شده است.

● روزنامه بریتانیایی «تلگراف» ۲۵ ژوئن (پنجم تیرماه) گزارش داد حزب کارگر در صورت پیروزی در انتخابات آینده به دنبال اصلاح برخی قوانین است تا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار دهد. ● ایوت کوپر و دیوید لمی که قرار است در صورت به قدرت رسیدن حزب کارگر، به ترتیب عهده‌دار اداره وزارت کشور و وزارت خارجه بریتانیا شوند، از تروریستی اعلام شدن سپاه حمایت خواهند کرد.

● بر همین اساس حزب کارگر یک طرح سه مرحله‌ای برای تغییر رویکرد بریتانیا در مقابله با تروریسم و اصلاح برخی قوانین در دستور کار دارد که در نهایت راه را برای تروریستی اعلام کردن سپاه هموار می‌کند.

روزنامه بریتانیایی «تلگراف» ۲۵ ژوئن (پنجم تیرماه) گزارش داد حزب کارگر در صورت پیروزی در انتخابات آینده به دنبال اصلاح برخی قوانین است تا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار دهد. ایوت کوپر و دیوید لمی که قرار است در صورت به قدرت رسیدن حزب کارگر، به ترتیب عهده‌دار اداره وزارت کشور و وزارت خارجه بریتانیا شوند، از تروریستی اعلام شدن سپاه حمایت خواهند کرد.

ریشی سوناک نخست‌وزیر فعلی بریتانیا می‌گوید تروریستی اعلام کردن سپاه به روابط دیپلماتیک میان جمهوری اسلامی و انگلیس آسیب می‌زند. دولت این کشور با همین توجیه از قرار دادن سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی خودداری کرد.

جیمز کلورلی وزیر خارجه پیشین بریتانیا گفته بود قرار دادن سپاه در فهرست گروه‌های تروریستی ممکن است به منافع بریتانیا ضربه وارد کند هرچند وزارت کشور بریتانیا موافق تروریستی اعلام شدن سپاه بوده است.

دیوید کامرون وزیر خارجه فعلی بریتانیا نیز ۳۰ آوریل (۱۱ اردیبهشت) در کمیته روابط بین‌الملل و دفاع مجلس اعیان بریتانیا حضور پیدا کرد و ضمن مخالفت با قرار گرفتن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی، تاکید کرد این اقدام به نفع بریتانیا نیست. وی حفظ روابط سیاسی با جمهوری اسلامی را «ضروری» خواند.

تلگراف در گزارش خود عنوان می‌کند، حزب کارگر به این نتیجه رسیده که رویکرد فعلی دولت بریتانیا در قبال سپاه اشتباه بود و باید رویکرد جدیدی را اتخاذ نمود. بر همین اساس حزب کارگر یک طرح سه مرحله‌ای

اعلام نتیجه «سیرک انتخابات»؛ عدم مشارکت مردم و رفتن مسعود پزشکیان و سعید جلیلی به دور دوم



● مسعود پزشکیان با ۱۰۴۱۵،۹۹۱ نفر نخست بوده اما به دلیل عدم کسب اکثریت آرا به عنوان پیروز انتخابات شناخته نشده و باید با سعید جلیلی با ۹،۴۷۳،۲۹۸ رأی در دور دوم رقابت کند.

● در ردیف دوم و سوم با اختلاف زیادی از نفرات اول و دوم، محمدباقر قالیباف با ۳،۳۸۳،۳۴۰ رأی و مصطفی پورمحمدی با ۲۰۶،۳۹۷ رأی قرار دارند.

● مشارکت در انتخابات نمایشی ۴۰ درصد ادعا شده و تعداد آرای باطله نیز از سوی حکومت یک میلیون و ۵۶ هزار و ۱۵۹ رأی اعلام شده است.

● اختلاف ناچیز آرای سعید جلیلی و مسعود پزشکیان در دور نخست و همچنین احتمال سرزیر شدن بخشی از آرای محمدباقر قالیباف به صندوق سعید جلیلی، رقابت در دور دوم انتخابات را تنگاتنگ خواهد کرد.

● اصلاح‌طلبان خواهند کوشید بخشی از تحریم‌کنندگان را با ترساندن از شرایط کشور در صورت پیروزی جلیلی به عنوان یک اصولگرای تندرو، قانع کنند در دور دوم به مسعود پزشکیان رأی بدهند و آرای دو نامزد اصولگرای انصراف‌داده و بخشی از آرای قالیباف هم به سوی جلیلی به صندوق ریخته خواهد شد.

● با اینهمه تحریم غمناک انتخابات در دور دوم نیز مثل هشتم تیر رژیم را تحت فشار ثقل و رأی‌سازی قرار خواهد داد تا مشارکت مطلوبی را ادعا کند به ویژه آنکه افکار عمومی بر این نظر است که نه تنها فرد مورد نظر خامنه‌ای از صندوق بیرون خواهد آمد بکه در نهایت فرقی ندارد رئیس جمهوری اسلامی و «شخص دوم مملکت» چه کسی باشد!

اعلام نتیجه شمارش آرای انتخابات چهاردهمین دوره ریاست جمهوری نشان می‌دهد تعداد پایین آرای نامزدها سبب دو مرحله‌ای شدن انتخابات شده و مسعود پزشکیان و سعید جلیلی به دور دوم رقابت‌ها رفتند. اعلام رسمی یک میلیون آرای باطله و مشارکت ۴۰ درصدی با وجود تقلب‌ها و آمارسازی‌ها شکست دیگری را برای جمهوری اسلامی در برابر اراده مردم ایران رقم زد.

ستاد انتخابات کشور دقایقی پیش نتیجه نهایی چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری را اعلام کرد که نشان می‌دهد به دلیل عدم موفقیت هیچ‌یک از نامزدها برای کسب نیمی از آرا، انتخابات مایشی با حضور مسعود پزشکیان و سعید جلیلی به دور دوم کشیده شده است.

بر اساس اعلام ستاد انتخابات کشور تعداد کل آرای اخذ شده ۲۴،۵۳۵،۱۸۵ بوده است. تعداد واجدین شرایط برای شرکت در انتخابات در داخل و خارج از کشور ۶۱ میلیون و ۴۵۲ هزار و ۳۲۱ نفر اعلام شده بود. این ارقام نشان از این دارد که جمهوری اسلامی با همه آمارسازی‌ها و تعرفه‌های فله‌ای و تلاش‌های امنیتی و غمناک اصلاح‌طلبان و شعار پنجاه بعلاوه یک نتوانسته مشارکت در انتخابات را حداکثر بالای ۴۰ درصد اعلام کند.

همچنین آرای نامزدهای انتخابات به ترتیب مسعود پزشکیان با ۱۰،۴۱۵،۹۹۱ نفر نخست بوده اما به دلیل عدم کسب نیمی از آرای شرکت‌کنندگان، به عنوان پیروز انتخابات شناخته نشده است. او باید با نفر دوم، سعید جلیلی در دور دوم انتخابات به رقابت بپردازد.

اینکه نتایج آرا به شورای نگهبان ارسال شده گفته است که دور دوم این انتخابات پس از تأیید شورای نگهبان احتمالاً جمعه آینده ۱۵ تیرماه برگزار خواهد شد.

در دور دوم انتخابات باید دو بال نظام یعنی یک نامزد اصلاح‌طلب و یک نامزد اصولگرا به رقابت بپردازند. این در حالیست که بخشی از آرای اصولگرایان در دور نخست به صندوق قالیباف و مصطفی پورمحمدی ریخته شد.

اختلاف ناچیز آرای سعید جلیلی و مسعود پزشکیان در دور نخست و همچنین احتمال سرزیر شدن بخشی از آرای محمدباقر قالیباف به صندوق سعید جلیلی، رقابت در دور دوم انتخابات را تنگاتنگ خواهد کرد. اصلاح‌طلبان نیز فرصت دارند تا بخشی از مردمی را که انتخابات را تحریم کرده‌اند با ترساندن از شرایط کشور در صورت پیروزی جلیلی به عنوان یک اصولگرای تندرو، قانع کنند که در دور دوم به مسعود پزشکیان رأی بدهند.

همچنین به نظر می‌رسد دو نامزد انصراف‌داده از انتخابات، امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی و علیرضا زاکانی نیز آرای خود را به سوی سعید جلیلی هدایت خواهند کرد. در همین رابطه لطف‌الله فروزنده رئیس ستاد انتخاباتی علیرضا زاکانی کاندیدای انصرافی چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در صفحه‌اش در «ایکس» نوشت: «در دور دوم انتخابات ضمن حمایت قاطع از سعید جلیلی اعلام می‌دارد: کلیه ستادهای تبلیغاتی زاکانی در سراسر کشور با تمام توان و ظرفیت برای پیروزی کاندیدای جبهه انقلاب تلاش خواهند کرد. بدون شک تلاش برای ایجاد فضای روانی دو قطبی برای افزایش مشارکت مردم در دور انتخابات نیز در دستور کار جمهوری اسلامی قرار خواهد داشت.»

با اینهمه تحریم غمناک انتخابات در دور دوم نیز مثل هشتم تیر رژیم را تحت فشار ثقل و رأی‌سازی قرار خواهد داد تا مشارکت مطلوبی را ادعا کند به ویژه آنکه افکار عمومی بر این نظر است که نه تنها فرد مورد نظر خامنه‌ای از صندوق بیرون خواهد آمد بکه در نهایت فرقی ندارد رئیس جمهوری

سعید جلیلی با ۹،۴۷۳،۲۹۸ رأی و با اختلاف حدود یک میلیون رأی نسبت به پزشکیان نفر دوم شده است. در ردیف دوم و سوم با اختلاف زیادی از نفرات اول و دوم، محمدباقر قالیباف با فقط ۳،۳۸۳،۳۴۰ رأی و مصطفی پورمحمدی با ۲۰۶،۳۹۷ رأی قرار دارند. تعداد آرای باطله نیز از سوی حکومت یک میلیون و ۵۶ هزار و ۱۵۹ رأی اعلام شده است.

عدم مشارکت مردم در انتخابات در حالیست که جمهوری اسلامی همه توان خود را برای افزایش مشارکت تا آخرین دقایق برگزاری انتخابات به کار گرفت و زمان آن را تمدید کرد. خامنه‌ای نیز در روزهای گذشته بارها بر لزوم افزایش مشارکت مردم در انتخابات تأکید کرده بود. او دیروز پس از انداختن رأی در صندوق گفته بود: «دوام و قوام و عزت و آبروی جمهوری اسلامی در دنیا متوقف به حضور مردم است. برای اثبات صحت و صداقت نظام جمهوری اسلامی حضور مردم لازم و واجب است.»

رهبر جمهوری اسلامی سه روز پیش از این نیز در یک سخنرانی به لزوم افزایش مشارکت مردم در انتخابات اشاره کرد و گفت: «هر وقت میزان مشارکت در انتخابات بالا بوده است، زبان بدگویان کوتاه شده و نتوانستند ملامت و شادی کنند.» او مشارکت بالا در انتخابات را موجب «سرافرازی» و نشانی از حمایت مردم از نظام ارزیابی کرد و گفت: «مشارکت بالا که ما روی آن خیلی اصرار می‌کنیم به خاطر این است که جمهوری اسلامی دشمن دارد، یکی از چیزهایی که جمهوری اسلامی را بر دشمنانش فائق می‌کند، انتخابات است. اگر در این انتخابات مشارکت خوب مردم مشاهده بشود، این مایه سرافرازی جمهوری اسلامی است. مشارکت مردم در ذات جمهوری اسلامی است.»

به این ترتیب معلوم نیست تکلیف «دوام و قوام و عزت و آبرو و سرافرازی و ذات جمهوری اسلامی» با این سطح از مشارکت که با تقلب و آمارسازی ۴۰ درصد اعلام شده چه خواهد شد! محسن اسلامی سخنگوی ستاد انتخابات کل کشور با بیان

بیار، اما اسمش را نیار!

خبراندیش (احمد احرار)

(کیهان لندن شماره ۱۰۷۹) آبان ماه ۱۳۸۴



لب آوردند و مشت گره کردند و فریاد زدند و تهدید کردند که نه قطعنامه را می‌پذیرند، نه از شورای امنیت می‌ترسند، نه پروتکل الحاقی را تصویب می‌کنند، نه به عملیات غنی سازی اورانیوم در نیروگاه اصفهان خاتمه می‌دهند و نه مذاکره با سه کشور اروپایی را از سر می‌گیرند. حتی اگر آژانس بین‌المللی از حرفش برنگردد و آمریکا و اروپا سر جایشان ننشینند جمهوری اسلامی بر NPT فاتحه می‌خواند و از آژانس و عنداللزوم از سازمان ملل متحد خارج می‌شود. اما به تدریج، همین که دریافتند سمه پر زور است و این تو بمیری از آن تو بمیری‌ها نیست، ماستها را کیسه کردند و لحنشان عوض شد و خشمشان فرو نشست و از در سلوک و مدارا و صلح و صفا درآمدند.

دبیر شورای عالی امنیت ملی گفت بعضی از موارد مندرج در قطعنامه برای ایران قابل اجراء است. سخنگوی وزارت امور خارجه اظهار داشت ما همکاری خوب و سازنده‌ای با آژانس داشته‌ایم و این همکاری را ادامه خواهیم داد.

وزیر امور خارجه اعلام کرد اروپا هر زمان آمادگی ادامه مذاکرات با ایران را داشته باشد زمینه برای مذاکره آماده است.

و سرانجام، دو ماه پس از صدور قطعنامه، بیانیه رسمی جمهوری اسلامی انتشار یافت که در آن آمده است «جمهوری اسلامی ایران... برای تقویت همکاریهای متقابل با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی آمادگی خود را برای انجام مذاکرات با کلبه کشورهای عضو آژانس از جمله سه کشور اروپایی بدون هر گونه پیش‌شرطی اعلام می‌کند».

پیش‌شرط اروپا، از سرگیری مذاکرات در کادر موافقتنامه پاریس، یعنی تعلیق غنی‌سازی اورانیوم است که اروپاییها، و همچنین آژانس، آن را قابل انصراف نمی‌دانند. حکومت تهران هم این را می‌داند فقط می‌گوید بیار، اما اسمش را نیار!

خانی به همراه نوکرش عزم سفر کرد. هوا به سختی سرد بود و برف می‌بارید. سر شب به آسیاب خرابه‌ای رسیدند و مجبور شدند در آنجا اتراق کنند. خان، بنا به عادت، نوکرش را گفت رختخواب مرا آماده کن. رختخواب سفری در آن دوران که مردم با اسب و الاغ سفر می‌کردند عبارت بود از گلیمی و بالاپوشی سبک‌وزن. خان که به خفتی در رختخواب نرم و گرم عادت داشت ناگزیر روی گلیم دراز کشید و بالاپوش را به خود پیچید و چشم بر هم نهاد اما از شدت سرما خواب به چشمش نمی‌رفت. نوکرش را صدا کرد و از او خواست چیزی بر بالاپوش بیفزاید. نوکر گفت چیز دیگری نداریم جز جُل خر، می‌روم آن را بیاورم. خان، با خشم و خشونت از جای جست و نوکرش را به فحش و کتک گرفت که مردک، خان را با خر یکی می‌دانی؟ چه‌طور به خودت اجازه می‌دهی چنین جسارتی بکنی؟ من سرمای زمهریر را هم تحمل می‌کنم و زیر بار این ننگ نمی‌روم!

خان خشمگین و نوکر فحش و کتک خورده هر کدام به جای خود بازگشتند و کوشیدند که بخشند اما سرما امان نمی‌داد. نزدیک سحر، سرما چنان بر خان فشار آورد که دیگر طاقتش نماند. نوکرش را صدا زد و گفت آن را که سر شب گفתי بیار، اما اسمش را نیار!

هارت و پورتی را که حکومت آخوندی در برخورد با قطعنامه آخری شورای حکام به‌راه انداخت البته از یاد نبرده‌ایم: «چه غلط‌ها؟... ما را از شورای امنیت می‌ترسانند... هر چه صبر و حوصله نشان دادیم کافست... بیش از این تحمل نمی‌کنیم... مذاکره بی مذاکره... اگر باز هم به ما فشار بیاورند و بخواهند آپارتاید هسته‌ای را بر ما تحمیل کنند به منافعشان در همه جا ضربه می‌زنیم... دنیا را برایشان ناامن می‌کنیم!»

از «مقام معظم رهبری» گرفته تا اتمه جمعه و جماعت، از رئیس جمهوری و رئیس مجلس اسلامی و رئیس شورای عالی امنیت ملی گرفته تا تظاهرکنندگان کوچک و خیابان، کف بر

اسلامی و «شخص دوم مملکت» چه کسی باشد! اینهمه در حالیکه اندکی پس از اعلام نتایج انتخابات نمایشی از سوی علی خامنه‌ای نخستین گام برای ایجاد فضای دوقطبی برداشته شد. وبسایت او و رسانه‌های حکومتی متن یک سخنرانی وی را که مربوط به روزهای گذشته است با تأخیر منتشر کرده‌اند. رهبر جمهوری اسلامی با اشاره به نقش قاسم سلیمانی در «محور مقاومت» تأکید کرد، «دشمن در طراحی خود قصد داشت با تصرف منطقه و همزمان با وارد کردن فشارهای اقتصادی و سیاسی و همچنین عقیدتی و مذهبی به ایران، نظام اسلامی را از بین ببرد، با چنین نگاهی حرکت مدافعان حرم ایران و منطقه را نجات داد».

رهبر جمهوری اسلامی همچنین در پایان این سخنان طولانی خود گفت: «بنده نتیجه می‌گیرم که مدافعان حرم و خانواده‌هایشان ماهی افتخار و سرافرازی ایران اسلامی‌اند؛ ماهی نجات و کامیابی انقلاب اسلامی هستند».

سعید جلیلی نیز در جریان تبلیغات انتخاباتی خود بارها به تعریف و تمجید از سلیمانی و راه او پرداخت. طرفداران جلیلی که با شکست خوردن قالیباف، اکنون برای نامزد مطلوب خود شانس پیروزی را متصورند از طرفداران قالیباف می‌خواهند به خاطر قاسم سلیمانی در دور دوم با آنها وحدت کنند.

بر همین اساس کانال‌های تلگرامی وابسته به جلیلی و «سپاه قدس» تبلیغات گسترده‌ای را به راه انداخته‌اند و او را نامزد انقلاب در مقابل مسعود پزشکیان به عنوان «جریان غربگرا» معرفی می‌کنند. هرچند شمار دیگری به نقل از قاسم سلیمانی ادعا می‌کنند که او گفته بود «اگر جلیلی رئیس جمهور شود یک روز در سپاه قدس نمی‌مانم».

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی چند روز پیش از انتخابات در سخنرانی به مناسبت «عید غدیر» نیز «نامزد اصلح» را فردی دانست که سیاست رویارویی با آمریکا را ادامه دهد. وی گفت: «بعضی از سیاست‌مداران در کشور ما تصور می‌کنند باید آویزان به این قدرت و آن قدرت بشوند و بدون آویزان شدن به فلان قدرت معروف و بزرگ، نمی‌شود پیش رفت. یا خیال می‌کنند که همه راه‌های پیشرفت از آمریکا می‌گذرد». رهبر حکومت در ادامه گفت: «این کسانی که چشم‌شان به خارج از مرزهای کشور است و این ظرفیت‌های کشور را نمی‌بینند. وقتی ندیدند، وقتی قدرش را ندانستند، طبعاً برنامه‌ریزی هم برای استفاده‌ی از آنها نمی‌کنند».

برخی تحلیلگران این سخنان علی خامنه‌ای را نشانه‌ای از مخالفت او با ریاست جمهوری مسعود پزشکیان نامزد اصلح طلبان که خاتمی وی را «تحول‌خواه» نیز معرفی کرده ارزیابی کرده‌اند.

از سوی دیگر روزنامه «جمهوری اسلامی» ساعاتی پس از پایان انتخابات نمایشی در سرمقاله روز شنبه نهم تیرماه نوشت: «سطح نامزدهای ریاست جمهوری از نیاز واقعی کشور، بسیار پائین‌تر است. این موضوع به تعریف «رجل سیاسی» مربوط می‌شود که به دلیل نادرست بودن آنچه در مصوبات مرتبط با این عنوان وجود دارد، چنین مشکلی پدید می‌آید».

این روزنامه نوشته «ویژگی‌هایی از قبیل سابقه وزارت، معاونت قوه، استانداری، نمایندگی مجلس و... به هیچ وجه نمی‌توانند الزاماً مقوم عنوان «رجل سیاسی» باشند. چه بسا افرادی که در این پست‌ها حضور داشته باشند ولی فاقد تدبیر لازم و مدیریت کافی برای انجام همان مسئولیت‌ها بوده باشند». روزنامه «جمهوری اسلامی» تأکید کرده «روشن است که باید در تعریف عنوان «رجل سیاسی» تجدید نظر اساسی صورت بگیرد تا کشور از وضعیت نامطلوب کنونی نجات یابد و مردم بتوانند به راحتی افراد مناسب کلان‌ترین مدیریت کشور را انتخاب کنند. در شرایط کنونی، انتخاب صالح ناممکن است چه رسد به انتخاب اصلح».

افزایش بهای نفت و بنزین:

تصمیمی ناپخته که با اعتراض و مقاومت مردم روبرو شد

در جلسه شورای عالی نفت، دکتر اقبال دولت را از افزایش قیمت نفت برحذر داشت اما کسی به حرفش گوش نکرد
سرلشکر پاکروان معاون نخست وزیر و رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور از تصمیم دولت بی اطلاع بود!

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از بهمن ماه ۱۳۸۰ تا مهرماه ۱۳۸۱ - از شماره ۸۹۲ تا ۹۲۳)

مقدمه

«بنیاد مطالعات ایران» هفتمین مجلد از مجموعه «توسعه و عمران ایران» را چاپ و منتشر کرد. این مجلد به خاطرات و ملاحظات دکتر علینقی علیخانی وزیر بازرگانی و رئیس دانشگاه تهران در دوران قبل از انقلاب اختصاص دارد. ازین مجموعه، قبلاً گفتگو با عبدالرضا انصاری (آب و برق خوزستان) گفتگو با اکبر اعتماد (برنامه انرژی اتمی ایران) گفتگو با پرویز مینا (تحول صنعت نفت ایران) گفتگو با منوچهر گودرزی و خداداد فرمانفرمائیان و عبدالمجید مجیدی (برنامه ریزی عمرانی و تصمیم گیری سیاسی) گفتگو با محسن شیرازی (صنعت گاز ایران) گفتگو با باقر مستوفی (صنعت پتروشیمی ایران) انتشار یافته که گزیده‌هایی از هرکدام را خوانندگان ما در صفحه «خاطرات و تاریخ» ملاحظه کرده‌اند. غلامرضا افخمی که آرشو تاریخ شفاهی بنیاد مطالعات زیر نظر او قرار دارد در مقدمه‌ای بر «سیاست و سیاستگذاری اقتصادی در ایران» می‌نویسد:

«علینقی علیخانی از ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۸ یعنی بیشترین سالهای دهه چهل شمسی، مسئولیت سیاستگذاری و اجرای سیاستهای اقتصادی کشور را به عهده داشته است. رابطه او با علم صمیمی، با منصور رسمی و با هویدا، اقلاد در سالهای اول، دوستانه بود... شاه همواره پشتیبان علیخانی و نظرات او بود اما در همان حال، شاه و هویدا هر دو معتقد به اولویت رسالت دولت در توسعه اقتصادی بودند... تضاد میان نیاهای اقتصاد آزاد و الزامات سیاسی حکومت، تنش می‌آفرید و بر جو سیاسی اثر می‌گذاشت. این تنشها متدرجاً رابطه علیخانی و هویدا را مشکل کرد و در نهایت منجر به استعفا علیخانی شد.»
ازین کتاب بخشهایی را برگزیده‌ایم که به تدریج می‌خوانید. طبق معمول کوشیده‌ایم مطالب را طوری تنظیم و تقسیم بندی کنیم که هر شماره تا حدود امکان مطلب مستقلی باشد.

روز سوم آذرماه ۱۳۴۳ اعلام شد که بهای نفت و بنزین و نیز عوارض مشروبات الکلی و الکل صنعتی و مسافرت به خارج افزایش یافته است.
بنزین از لیتری ۵ ریال به لیتری ده ریال، نفت سفید از ۲/۵ ریال به ۳/۵ ریال افزایش یافت. همچنین مقرر شد که اتومبیل‌های گزوتیلی در تهران ماهی ۴۰۰۰ ریال و در شهرستانها ۱۵۰۰ ریال عوارض بپردازند.

این تصمیم با اعتراض عمومی روبرو شد. تاکسیرانان در تهران دست به اعتصاب زدند و وزارت کار و شهربانی کل کشور با صدور اعلامیه مشترکی اخطار کردند که هرگاه رانندگان تاکسی تا دهم آذرماه دست از اعتصاب نکشند پروانه آنان لغو خواهد شد. سرانجام، روز بیستم دی ماه، شاه در جلسه شورای اقتصاد دستور داد بهای نفت و بنزین کاهش یابد و نفت سفید به قیمت سابق و بنزین به قیمت کمتری در اختیار مردم قرار گیرد.
تنها ده روز بعد، حسنعلی منصور نخست وزیر هدف گلوله فدائیان اسلام قرار گرفت و کشته شد.

ع. ن. ع - جریان دیگری که به تضعیف منصور انجامید، افزایش ناگهانی قیمت فرآورده‌های نفتی بود. توضیح این که اعلیحضرت ناگهان تصمیم گرفتند که بودجه ارتش را به مقدار هنگفتی بالا ببرند. این تصمیم در وسط سال که برنامه‌های عمرانی سوم می‌بایست شروع بشود باعث تعجب همه شد. برای اینکه شاه از یک طرف همیشه می‌گفتند که تنها جایی که روی برنامه‌های درازمدت کار می‌کنند و کارها حساب و کتاب دقیق دارد، ارتش است. از طرف دیگر، هرچند یک بار، همه را غافلگیر می‌کردند و طرحهای تازه برای ارتش می‌آوردند جلو، که هیچ با برنامه‌ریزی درازمدت مورد ادعا جور درمی‌آمد. در این مورد هم یک باره دولت خودش را مواجه با وضعی دید که می‌بایست از بسیاری از طرحهای مفید و مهم کشور



سیاست و سیاستگذاری اقتصادی در ایران

(بخش ۲۱)

خاطرات علینقی علیخانی
ویراستار - دکتر غلامرضا افخمی

● اینها مهم نبود چون چیزی از آنها گیر نمی‌آمد؟

آن چیزی که مهم بود قیمت نفت و بنزین بود، که شما با افزایش این قیمت می‌توانستید به اندازه کافی تأمین نیازهایتان را بکنید. باز هم می‌خواهم بگویم منصور در این وسط گیر افتاده بود. یکبار دید که همه ما موافق هستیم که باید از جای دیگری درآمد پیدا بکنیم. خود من هم از کسانی بودم که

صرفنظر بکنند تا بودجه اضافی ارتش را تأمین کند. در جلسه‌ای در شورای اقتصاد این صحبت شد که اگر واقعاً ارتش به یک چنین بودجه‌ای احتیاج دارد، پس از جای دیگری درآمدی برای خودمان ایجاد بکنیم که بتواند جایگزین اضافه هزینه‌ای بشود که باید به ارتش بدهیم تا ما بتوانیم هم هزینه‌های ارتش را بدهیم و هم برنامه‌های عمرانی‌مان را



دکتر منوچهر اقبال

قویاً طرفداری می‌کردم. اینها را می‌خواهم بگویم که باز روشن بشود که منصور در این مورد مسئولیت فردی و تنها نداشت. همه ما، یا به هر حال آن کسانی که در شورای اقتصاد حرف می‌زدند و مؤثر بودند، موافق بودند. هیچ کدام ما مخالف نبودیم. آمدیم و گفتیم که خوب، بنزین، که گمان می‌کنم آن موقع لیتری ۵ ریال بود، بشود لیتری یک تومان. یعنی یکمترتبه دو برابر شود.



سرلشکر حسن پاکروان

انجام بدهیم. می‌بایست اینجا حضورتان بگویم که خود من یکی از طرفدارهای مطلق این فکر بودم که می‌بایست از یک جایی یک درآمد مالی دیگری برای خودمان کسب بکنیم. در صحبتهایی که کردیم، بهترین راهی که پیدا کردیم این بود که بهای نفت و بنزین را بالا ببریم.

● غ. او- احياناً عوارض مشروبات الکلی، مسافرت به خارج... آنها خیلی مهم نبود. هیچ کدام اینها.



سفر وزیر دفاع اسرائیل به واشنگتن با هدف دریافت محموله «مب‌های سنگین» از آمریکا



یوآو گالانت وزیر دفاع اسرائیل

● وزیر دفاع اسرائیل که برای دیدار با مقامات آمریکایی به واشنگتن سفر کرده است می‌گوید درباره مسائلی مذاکره خواهد کرد که «برای آینده جنگ، تعیین‌کننده و حیاتی است».

● به نوشته روزنامه «تایمز اسرائیل» یوآو گالانت تلاش خواهد کرد آمریکا را متقاعد کند تا محموله‌های مب سنگین را که از ارسال آنها به اسرائیل خودداری شده در اختیار ارتش این کشور قرار دهد.

● یکی از مسائل مورد بحث گالانت در این سفر تهدیدات از سوی جمهوری اسلامی ایران و حزب‌الله لبنان است.

وزیر دفاع اسرائیل روز یکشنبه ۲۳ ژوئن (سوم تیرماه) به واشنگتن رفت، هدف اصلی این سفر مذاکره با مقامات آمریکایی برای ارسال محموله مب‌های سنگینی است که تا کنون از ارسال آنها به اسرائیل خودداری شده است.

یوآو گالانت قبل از پرواز به واشنگتن در سخنانی بر اهمیت روابط اسرائیل با ایالات متحده تأکید کرد و درباره اهمیت این سفر گفت: «دیدار با مقامات ارشد دولتی برای آینده جنگ حیاتی است. من قصد دارم در این دیدارها درباره تحولات [در جبهه‌های جنوبی و شمالی]، غزه و لبنان گفتگو کنم.»

گالانت ادامه داد: «ما برای هر اقدامی که ممکن است در غزه، لبنان و در مناطق دیگر مورد نیاز باشد آماده هستیم.»

وی خاطرنشان کرد: «آغاز مرحله سوم عملیات در غزه از اهمیت بالایی برخوردار است. من در مورد این وضعیت با مقامات آمریکایی گفتگو خواهم کرد و در مورد اینکه چگونه ممکن است اقدامات بیشتری امکان‌پذیر باشد، صحبت خواهم کرد و می‌دانم که در این مورد نیز با ایالات متحده همکاری نزدیک خواهیم داشت.» وزیر دفاع اسرائیل اما توضیح نداد منظور از «مرحله سوم» چیست.

به نوشته روزنامه «تایمز اسرائیل» وزیر دفاع اسرائیل تلاش خواهد کرد آمریکا را متقاعد کند تا محموله‌های مب سنگین را که از ارسال آنها به اسرائیل خودداری شده در اختیار ارتش این کشور قرار دهد.

برخی منابع امنیتی اسرائیل می‌گویند که توافق با آمریکا بر سر دریافت این محموله‌ها «بسیار نزدیک» است اما منابع دیگری می‌گویند دولت بایدن بعید است موافقت کند. بعضی نهادهای حقوق بشری به استفاده از این نوع مب‌ها

به هر تقدیر، در جلسه شورایعالی اقتصاد و بعد هم در هیأت وزیران تصویب شد که نرخ فرآورده‌های نفتی را، گویا در مورد تمام فرآورده‌های اصلی، دوبرابر بکنیم. خیلی هم شاد بودیم که به این صورت برنامه‌های عمرانی خودمان را نجات دادیم. چون روشن بود که شاه تصمیم خودش را گرفته و مقداری از بودجه عمرانی منحرف می‌شود به طرف هزینه‌های نظامی. طبق قانون تصویب بالا بردن نرخ فرآورده‌های نفتی با شورایعالی نفت بود. جلسه شورایعالی نفت به این منظور در شرکت ملی نفت ایران تشکیل شد. من به‌عنوان وزیر اقتصاد نایب رئیس این شورا بودم و وزیر دارایی، یعنی امیرعباس هویدا، رئیس بود. خوب به خاطر دارم که دکتر اقبال، مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران، خیلی صریح و دلسوزانه به ما گفت که در عالم دولتخواهی من به شما توصیه می‌کنم این کار را نکنید. این کار خطاست. شما شب زمستان نمی‌توانید نرخ فرآورده‌های نفتی را به این صورت بالا ببرید. این تحمیل خیلی بزرگی است برای مردم معمولی، که نفت هم وسیله گرمای آنهاست و هم وسیله پخت و پز. از این گذشته، بهای بنزین از طریق تأثیر بر نرخ کامیون و اتوبوس در رفت و آمد مردم نقش بزرگی را بازی می‌کند. ما البته در عالم تئوریهای اقتصادی خودمان بودیم که اثر این کار در مجموع در می‌آید مثلاً فلان درصد، فلان قدر، و بنابراین ناچیز است و اثر آنچنانی نمی‌گذارد. استدلالی که ما می‌کردیم، از نظر تئوری خیلی بی ربط نبود. ولی دوبرابر شدن قیمت فرآورده‌های نفتی از نظر روانی روی مردم خیلی اثر می‌گذاشت.

روز بعد مردم که رفتند جلو پمپ بنزین دیدند که نرخ بنزین دوبرابر شده. خوب به‌خاطر دارم که مرحوم سرلشکر پاکروان، که رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور بود، گفت من می‌خواستم به جایی بروم و راننده‌ام را فرستادم که ماشین را بنزین پُر کند و بعد بیاید مرا برد. برگشت و سراسیمه به من گفت نرخ بنزین دوبرابر شده. من که رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور بودم هیچ خبر نداشتم که شما چنین کاری می‌خواهید بکنید. شما به چه حسابی رفتید این برنامه را انجام دادید که زندگی همه مردم را مغشوش می‌کند. یعنی می‌خواهم بگویم در این حد همه مخالفت می‌کردند و دکتر اقبال در آن روز واقعاً آخرین نصیحت دلسوزانه‌ای را که یک مقام بالای دولتی می‌توانست بکند به ما کرد، ولی به آن توجه نکردیم. البته پشت سر آن واکنش خیلی شدیدی در همه جا بود. قیمتها به صورت غیر معقولی گرایش به سوی بالا رفتن پیدا کرد و تظاهراتی شد و اعتصابات شروع شد بین تاکسیرانان و غیره. دولت در وضع بحرانی خیلی بدی قرار گرفت و یکی دو هفته بعد ناچار شدیم قیمتها را برگردانیم تقریباً به نرخ پیشین خودش. یعنی مثلاً بنزین را گمان می‌کنم بالا بردیم ولی یک مقدار خیلی کم، خاطر من نیست، ده‌شاهی یا یک ریال، یک چنین چیزی بالا بردیم. نفت سفید که برای مصرف خانگی مردم خیلی مهم بود را به نرخ پیشین خودش برگردانیم.

● درسی که آموختیم

درسی که این جریان به ما داد عبارت از این بود که یکمرتبه چشمان باز شد که شما که نظر مردم را درباره امور نمی‌خواهید، نمی‌بایست توقع داشته باشید که این مردم در برابر هر کاری که شما می‌کنید ساکت بنشینند. بنابراین یا با مردم مسائلتان را در میان بگذارید و مثلاً بگویید ما الان گیر کرده‌ایم و فلان هزینه‌ها را باید بکنیم و تنها راه این است که قیمت فرآورده‌های نفتی را بالا ببریم و ۶ ماه هم در این مورد بحث کنید و همه را آماده کنید و بعد نرخها را بالا ببرید، یا اینکه اگر با مردم نمی‌خواهید بحث بکنید، به آنها اجازه صحبت نمی‌دهید، به عبارت دیگر به

در مناطق پر تراکم غزه انتقاد دارند.

گالانت با آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا و لوید آوستین وزیر دفاع این کشور و همچنین با ویلیام برنز رئیس سی‌ای‌ای دیدار می‌کند. نتایج او نیز قرار است در روزهای آینده به آمریکا سفر کند.

یکی از مسائل مورد بحث گالانت در این سفر تهدیدات از سوی جمهوری اسلامی ایران و حزب‌الله لبنان است.

همزمان با سفر وزیر دفاع اسرائیل به واشنگتن، شمار دیگری از فرماندهان ارشد حزب‌الله در عملیات هوایی ارتش اسرائیل کشته شدند.

دفتر گالانت در بیانیه‌ای اعلام کرد که او قرار است عملیات برای دستیابی به اهداف جنگ علیه سازمان تروریستی حماس، تلاش‌ها برای اطمینان از بازگشت گروگان‌ها و اقدامات لازم برای دستیابی به ثبات منطقه را مورد بحث و بررسی قرار دهد.

در این بیانیه آمده است که «او همچنین زمینه‌های همکاری منحصر به فرد بین مؤسسات دفاعی آمریکا و اسرائیل را با تأکید بر تلاش‌های تقویت نیرو و پیش‌بینی قدرت و در عین حال حفظ برتری کیفی اسرائیل در منطقه، مطرح خواهد کرد».

این باره فکر کردم که اگر ما می‌آمدیم و مثلاً در همان موقع بنزین سوپر را در بازار، که صحبتش هم بود، به نرخ یک تومان هر لیتر می‌فروختیم و بعد بنزین معمولی را کم کم نایاب می‌کردیم، هیچکس حرفی نمی‌زد. یعنی در عرض ۶ ماه یا یک سال به تدریج بنزین معمولی کم می‌شد، بنزین سوپر جایش را می‌گرفت. می‌گفتیم اینها با هم فرق دارد. اما آنکه شما یک دفعه شب بخواهید صبح بلند شوید قیمت همان بنزین را دوبرابر بکنید، خوب مردم نمی‌توانند ساکت بنشینند. این یک تجربه بدی بود. ولی خارج از این داستان چیزی که به منصور شدیداً لطمه زد، لایحه مربوط به جرایم سرایان آمریکایی بود. و البته هم بالا بردن جریان نفت و بنزین. اما، واقعاً در هر دو مورد او تنها نبود. کاسه و کوزه سر او خراب شد. او هم، عرض کردم، با رفتار خودش یک مقدار واکنش منفی در کسانی که احیاناً با نظراتش موافق نبودند ایجاد می‌کرد.

(ادامه دارد)

دموکراسی یا اعتقاد ندارید یا نظام شما نظام دموکراتیک نیست، باید متوجه باشید که واکنش مردم واکنش معمولی نیست. واکنش خیلی تندی خواهد بود. ما گمان می‌کردیم که چون اعلیحضرت قدرت دارند، هر کاری را می‌توانند بکنند. ولی در واقع این قدرت در یک چهارچوب مشخصی می‌توانست کار بکند و بر پایه فرضیاتی، که یکی از آنها این بود که شاه هم یک کاری نمی‌کند که به زندگی روزمره مردم لطمه وارد بیاورد، آن هم در مقیاس سراسر کشور. چون فرآورده‌های نفتی همه را درگیر می‌کرد. این برای ما یک درسی بود. تا یک حدودی هم چشم همه را باز کرد و متوجه شدیم که هر کاری دلمان بخواهد نمی‌توانیم بکنیم. از این گذشته، متوجه شدیم اصولاً در این طور کارها شما وقتی که می‌خواهید به هر کاری دلمان بخواهد برای نظام اقتصادی خودتان، با توجه به قدمهایی که تعیین شده، ترتیب تازه‌ای بدهید، این کارها را باید تدریجی انجام بدهید. بعداً، بارها من در

تشدید لحن نامزدها برای گرم کردن تنور سرد انتخابات نمایشی و اعتراف به «قهر مردم با صندوق رأی»



تصویری از نماز خواندن نامزدهای انتخابات در صداوسیما و پیش از مناظره پنجم

فعالان مدنی و هنری و فرهنگی هم پا به پای مردم برعکس تبلیغات رژیم مطالب مختلف منتشر می‌کنند.

جمهوری اسلامی سالها با تزویر و ریا مردم را به پای صندوق رأی کشانده است تا از این طریق «نمایش مشروعیت» برای مخالفان در داخل و جامعه جهانی اجرا کند. جالب آنکه خامنه‌ای و دیگر مقامات جمهوری اسلامی این موضوع را با صراحت نیز مطرح می‌کنند که رأی مردم اعتبار بخشیدن به جمهوری اسلامی است.

در مناظره شب گذشته نیز بار دیگر نامزدهای انتخابات در طول مناظره اتهاماتی را از جمله در زمینه «فساد» و «نادانی» و «خواب‌نما بودن» متوجه یکدیگر کردند؛ برنامه‌ای برای سیاست خارجی در صورت پیروزی ارائه نکردند و در نهایت سطح جدال لفظی را افزایش دادند.

مسعود پزشکیان با هدف اثرگذاری بر افکار عمومی تلاش کرد با «مزیت» خواندن برجام رقیب اصولگرای خود را مانعی برای به نتیجه رسیدن مذاکرات و برطرف شدن تحریم‌ها قلمداد کند.

موضع پزشکیان با واکنش دیگر نامزدها روبرو شد. امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی گفت: «کسانی که می‌خواهند بار دیگر با وعده رفع تحریم‌ها رای جمع کنند، نتوانستند تحریم را لغو کنند.»

این نامزد اصولگرا افزود که «تحریم بخشی از راهبرد امنیتی ایالات متحده است و با تعطیلی کل برنامه هسته‌ای ایران نیز حل نشد.»

سعید جلیلی که او را «ضد توافق»ترین نامزد در میان شش «خودی» حکومت ارزیابی می‌کنند در حالی که وعده ساز و کاری برای رفع تحریم داد همزمان تهدید کرد که باید «تحریم‌کننده» را هم «پشیمان» کرد.

در این میان محمدباقر قالیباف با مواضعی متعادل‌تر نسبت به حرف‌های قبلی خود درباره سیاست خارجی و تحریم‌ها ظاهر شد و با اشاره به تأثیر تحریم‌های بین‌المللی، بر رفع آنها تأکید کرد. محمدباقر قالیباف افزود که مردم ایران در شرایطی هستند که «نجابت» به خرج

جریانات رقیب و درواقع کل نظام را یادآوری کردند! نامزدهای انتخابات با وجود جدال برای کسب رأی و بالا بردن مشارکت مردم اما به تحریم انتخابات از سوی مردم نیز اعتراف کرده‌اند.

امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی با اشاره به فضای سرد انتخاباتی گفت: «مردم به دلیل دوگانگی‌ها با صندوق رأی قهر کردند.»

مصطفی پورمحمدی هم گفت «متأسفانه امروز که با هم صحبت می‌کنیم، افزایش مشارکت نمی‌بینیم و نظرسنجی‌ها این را نشان نمی‌دهد و به همان اعداد و ارقام اولیه نزدیک است. سهم افراد هم همان است که در سبدهای رای قبلی وجود داشته است.»

او افزود که «هیچ حس و حال جدیدی در جامعه نمی‌بینم و این ضعف عمده امروز ایران است. انتخابات ناموس سیاسی کشور است. جمهوری اسلامی با رأی و حضور مردم شکل گرفته است. از روز اول، امام راحل موضوع انتخابات را با جدیت مطرح کرد.»

هرچند بر اساس این گفته مصطفی پورمحمدی نظام درواقع «بی‌ناموس» شده و مردم اهمیتی برای انتخابات حکومت قائل نیستند اما همچنان تلاش‌ها از سوی جناحین حکومت و نامزدها برای کشاندن مردم به پای صندوق رأی ادامه دارد.

علی خامنه‌ای هم شخصاً به میدان آمده تا اقدامی برای گرم کردن تنور یخ‌زدهی انتخابات انجام دهد. حساب کاربری رهبر جمهوری اسلامی در شبکه‌های اجتماعی که چند روز پیش اطمینان داده بود: «هر رأی در انتخابات رأی به جمهوری اسلامی است» اینبار جمله‌ای از او را همزمان با چهارمین مناظره انتخاباتی نامزدها در شب گذشته منتشر کرد: «هر رأی در انتخابات، باعث افزایش اعتبار و مصونیت جمهوری اسلامی است.»

این در حالیکه چنین تبلیغاتی بیشتر به خشم و انزجار مردم و موضوع تحریم و «قهر کردن با صندوق» رأی دامن می‌زند. بسیاری از فعالان فضای مجازی و همچنین

● در مناظره‌های انتخاباتی نامزدهای جانشینی ابراهیم رئیسی بهانه یافتند که به یکدیگر بتازند تا شاید بر آتش بی‌رمق تنور انتخابات بدمند اما در عمل بخش‌های بیشتری از تباهی‌های نظام را به نمایش گذاشتند و هر کدام رسوایی‌های جریانات رقیب و درواقع کل نظام را یادآوری کردند!

● امیر حسین قاضی‌زاده هاشمی با اشاره به فضای سرد انتخاباتی گفت: «مردم به دلیل دوگانگی‌ها با صندوق رأی قهر کردند.»

● مصطفی پورمحمدی هم گفت «متأسفانه امروز که با هم صحبت می‌کنیم، افزایش مشارکت نمی‌بینیم و نظرسنجی‌ها این را نشان نمی‌دهد.»

● قاضی‌زاده هاشمی همچنین گفت علاوه بر چهارده راهکار اساسی، به اقدامات فوری برای تسکین درد و مشکلات مردم نیز دست خواهد زد!

● مصطفی پورمحمدی هم بر «زیرساخت‌های رشد اقتصاد و تولید مرکز» تأکید کرد. بخش زیادی از وعده‌های او مرتبط با بازار بورس بود.

● اشتغال و ارزآوری و توسعه اقتصاد روستایی از محورهای وعده‌های کلی و مبهم سعید جلیلی بودند.

● علیرضا زاکانی مدعی شد برای «عدالت و توزیع عادلانه کشور و خلق ثروت» به میدان آمده و تأکید کرد اولویت او «بارانه طلایی» با پرداخت سالیانه ۲۰ میلیون تومان به هر ایرانی است.

● پزشکیان وعده حل «موضوعات ملی مانند برجام» و کم کردن «شدت منازعات و شکاف بین مردم و دولت» را داد.

● قالیباف هم «هیچ» برنامه‌ای ارائه نداد و فقط به سخنان علی خامنه‌ای اتکا کرد و گفت «گیر اساسی ما این است که وقتی بر پست نشستیم دغدغه مردم ممکن است دغدغه دوم ما باشد.»

تلاش ناکام جمهوری اسلامی برای جلب توجه افکار عمومی به آنچه «انتخابات ریاست جمهوری» می‌نامد سبب شده رفتارهای هیجانی، لحن‌های تند و نمایش ریاکاری و اتهام زدن نیز در دستور کار نامزدهای جانشینی ابراهیم رئیسی و مشاورانشان قرار بگیرد. در دو مناظره آخر تلویزیونی آنها به واقعیت قهر مردم با صندوق رأی نیز اعتراف شد.

مناظره شامگاه دوشنبه چهارم تیرماه میان شش نامزد انتخابات ریاست جمهوری به «سیاست خارجی» اختصاص داشت و موضوعاتی مانند برجام و قرارداد کرنت بهانه اجرای نمایش رفتارهای هیجانی و لحن تند نامزدها علیه یکدیگر را فراهم کرد.

پنجمین و آخرین مناظره شش نامزد «خودی» حکومت نیز با موضوع «کارآمدسازی دولت» ظهر امروز، سه‌شنبه پنجم تیرماه، برگزار شد. چهار مناظره پیشین هشت شب برگزار شده بودند.

مردم همچنان یا به نمایش انتخاباتی جمهوری اسلامی بی‌تفاوت هستند و یا آن را دستمایه طنز و تمسخر حکومت کرده‌اند. در مناظره‌های انتخاباتی نامزدهای جانشینی ابراهیم رئیسی بهانه یافتند که به یکدیگر بتازند تا شاید بر آتش بی‌رمق تنور انتخابات بدمند اما در عمل بخش‌های بیشتری از تباهی‌های نظام را به نمایش گذاشتند و هر کدام رسوایی‌های

بورس، فقدان شفافیت، حضور دولتی‌ها و شبه‌دولتی‌ها به عنوان مانع رقابت واقعی و تعارض منافع نهادها در بازار بورس» را به عنوان مشکلات بازار سرمایه خواند. او گفت طی یک سال تراز بورس را مثبت خواهد کرد.

مسعود پزشکیان هم در کلی‌گویی‌های تبلیغاتی گفت حل مسائل اقتصادی و بعد سیاست خارجی و فرهنگی هستند و او می‌خواهد به این پاسخ دهد که چرا این مسائل در ایران حل نمی‌شوند!

پزشکیان وعده حل «موضوعات ملی مانند براجام» و کم کردن «شدت منازعات و شکاف بین مردم و دولت» را هم داد. قالیباف هم «هیچ» برنامه‌ای ارائه نداد و فقط به سخنان علی خامنه‌ای اتکا کرد و گفت «گیر اساسی ما این است که وقتی بر پست نشستیم دغدغه مردم ممکن است دغدغه دوم ما باشد.»

او خطاب به دیگر نامزدها هم گفت: «در نقشه دشمن حرکت نکنیم» و با «حرکات و بیانات و تصمیمات، نقشه دشمن را تکمیل نکنیم و مردم را پریشان‌تر» نکنیم!

هیچکدام از این نامزدهای جمهوری اسلامی که همگی در مقام و مناصب مختلف به خدمتگزاری نظام مشغول هستند نگفتند که چرا به وعده‌های خود، یا دست‌کم به بخشی از آنها، در همین مناصبی هستند که عمل نمی‌کنند و در مقام رئیس جمهوری تدارکاتچی و مجری اوامر ولی فقیه قرار است چه اختیارات و امکاناتی داشته باشند که الان ندارند؟!

داد و گفت «عده‌ای هنوز از خواب بیدار نشده‌اند». همچنین در حالی که قرار بود نامزدها در مناظره امروز و آخرین دور از مناظره‌های تلویزیونی برنامه‌های خود را در صورت پیروزی را ارائه کنند، همچنان یا طرح‌های توخالی و عوام‌فریبانه ارائه دادند یا به کلی گویی و وعده‌های سر خرم پرداختند.

برای نمونه امیرحسین قاضی‌زاده هاشم گفت علاوه بر چهارده راهکار اساسی، به اقدامات فوری برای تسکین درد و مشکلات مردم نیز دست خواهد زد!

علیرضا زاکانی هم مدعی شد برای «عدالت و توزیع عادلانه کشور و خلق ثروت» به میدان آمده و تأکید کرد اولویت او «یارانه طلایی» با پرداخت سالیانه ۲۰ میلیون تومان به هر ایرانی است.

علیرضا زاکانی در ادامه وعده‌های فریبکارانه افزود در صورت پیروزی در انتخابات، قیمت بنزین را به ۱۵۰۰ تومان بازمی‌گرداند، بساط قاچاق، ناترازی انرژی و آسیب‌زدن به محیط زیست را جمع می‌کند و با برنامه‌های او، بیش از ۹۰ درصد مردم ثروتمند می‌شوند.

اشتغال و ارزآوری و توسعه اقتصاد روستایی هم از محورهای وعده‌های کلی و مبهم سعید جلیلی بودند.

مصطفی پورمحمدی هم به «زیرساخت‌های رشد اقتصاد و تولید محرکز» تأکید کرد. بخش زیادی از وعده‌های پورمحمدی مرتبط با بازار بورس بود و مواردی چون «دخالت دولت در

می‌دهند، اما تحمل‌شان بسر آمده است. امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی در مناظره امروز، سه‌شنبه ۵ تیر، گفت «اجازه نمی‌دهیم دوباره آبان ۹۸ تکرار شود». وی گفت ستاد مسعود پزشکیان در اختیار افراد دولتی است که «همان ماجرای بنزین را رقم زدند».

او همچنین در واکنش به اینکه پزشکیان پیشتر او را متهم به راه انداختن دعوا کرده بود با اشاره به اعتراضات سال ۸۸ گفت: «چه کسی بساط دعوا را در کشور شروع کرد؟ وقتی به قدرت نمی‌رسید مردم را به کف خیابان دعوت می‌کرد؟» او گفت: «نگرانم اگر پزشکیان رأی نیاورد حامیانش دوباره ادعای تقلب کنند و مردم را به خیابان بخوانند.»

امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی همچنین پزشکیان را غیرمستقیم متهم به رانت‌خواری کرد و گفت: «یکی از آقایان حامی دکتر پزشکیان از او پرسید چرا به رئیس جمهوری وقت، نهم و دهم [دولت‌های اول و دوم محمود احمدی‌نژاد] ور می‌روید؟ گفت چون سفره را جمع کرد.»

او در بخش دیگری از مناظره به بازی دولت روحانی برای جبران کسری بودجه از بازار بورس اشاره کرد و گفت: «دولت وقت دستش را در بورس به جیب مردم کرد، بعضی بزرگان پول مردم را برداشتند اما صدای شما درنیامد و اعتراضی نکردید.»

«قرارداد کرسنت» نیز به یکی از محورهای مهم مناظره تبدیل شد. علیرضا زاکانی با اشاره به پرونده‌های «کرسنت»، «توتال» و «استات‌ویل» گفت در دوره محمد خاتمی بزرگ‌ترین خیانت‌های نفتی به کشور شد. او تأکید کرد که آماده است بر سر این موضوعات با خاتمی، روحانی و زنگنه مناظره کند.

مصطفی پورمحمدی با سابقه حضور در هیئت مرگ و همچنین هیئت دولت‌های اصلاح‌طلب محمد خاتمی و حسن روحانی از عقد این قرارداد دفاع کرد و سعید جلیلی و علیرضا زاکانی را متهم کرد که با نقش داشتن در لغو آن باعث ضرر هنگفت ایران شدند.

سعید جلیلی در تلافی، مصطفی پورمحمدی را متهم کرد که درباره این قرارداد چیزی نمی‌داند؛ علیرضا زاکانی نیز گفت او تسلط بر مسائل آن قرارداد دارد و از برگزاری مناظره استقبال کرد.

قرارداد کرسنت توافقی بود که در سال ۱۳۸۰ بین جمهوری اسلامی و شرکت اماراتی «کرسنت» امضا شد اما در پی عدم انجام تعهدات از سوی جمهوری اسلامی، شرکت اماراتی پس از چند سال به دادگاه لاهه شکایت کرد.

بر اساس مفاد این قرارداد، ایران متعهد بود از سال ۲۰۰۵ با احداث خط لوله در خلیج فارس، روزانه ۵۰۰ میلیون فوت مکعب گاز فرآوری نشده میدان سلمان، میدان مشترک با امارات، را به امارات صادر کند. دیوان داوری بین‌المللی در مهرماه ۱۴۰۰ با صدور حکمی ایران را به پرداخت ۲/۴۳ میلیارد دلار خسارت محکوم کرد.

مصطفی پورمحمدی که به نظر می‌رسد یکی از مهمترین نقش‌هایش در این انتخابات تخریب چهره سعید جلیلی باشد، اتهام دیگری را متوجه سعید جلیلی کرد و گفت وقتی در دولت اول محمود احمدی‌نژاد وزیر کشور بوده قصد ساماندهی انجمن‌های مردم‌نهاد را داشته اما سعید جلیلی معاون او را احضار کرده و این نهادها را متهم به «انقلاب مخملی» در ایران کرده است.

سعید جلیلی در پاسخ به این اتهام گفت به نظر می‌رسد مصطفی پورمحمدی «خواب‌ها» شده باشد. جلیلی در ادامه مناظره نیز بار دیگر پورمحمدی را با کنایه مورد اشاره قرار

محصول مناظره‌های سیرک انتخابات!



نظرسنجی‌هایی در رابطه با «سیرک انتخابات» از «گمان» تا «دانشگاه امام صادق»



مسعود پزشکیان و سعید جلیلی از آرای بیشتری نسبت به دیگر نامزدها برخوردار هستند و محمدباقر قالیباف در جایگاه سوم قرار گرفته است. حدود ۱۸ درصد رای دهندگان هم هنوز درباره اینکه به چه کسی رای بدهند، تصمیم نگرفته‌اند. در میان آنهایی که هنوز درباره شرکت یا عدم شرکت در انتخابات مردد هستند، اقبال به مسعود پزشکیان بیش از دیگر کاندیداهاست. همچنین، حدود ۱۵ درصد مرددین شرکت در این انتخابات، احتمال دارد که رای سفید (باطله) بدهند. «گمان» از کسانی که نمی‌خواهند در انتخابات ریاست جمهوری رای دهند یا هنوز تصمیم قطعی نگرفته‌اند سوال کرده که «اگر در انتخابات رای نمی‌دهید، دلیل اصلی رای ندادن شما چیست؟» حدود ۶۸ درصد آنها «مخالفت با کلیت نظام جمهوری اسلامی» را دلیل رای ندادن خود اعلام کرده‌اند؛ همچنین ۱۸ درصد از این گروه «کم‌اختیار بودن مقام ریاست جمهوری اسلامی»، و حدود ۸ درصد هم «رد صلاحیت کاندیدای مطلوب خود» را علت عدم شرکت در انتخابات اعلام کردند.

از کسانی که می‌خواهند رای بدهند یا هنوز تصمیم قطعی نگرفته‌اند سوال شد که «اگر در انتخابات رای می‌دهید، انگیزه اصلی شما برای رای دادن چیست؟» حدود ۵۰ درصد آنها «مشارکت سیاسی، استفاده از حق رای و راهگشایی برای بهبود شرایط» را انگیزه خود برای رای دادن اعلام کردند. همچنین ۳۸ درصد از این افراد «انتخاب کاندیدای اصلح، حمایت از نظام و رهبری، و مایوس ساختن دشمنان» را انگیزه اصلی خود برای رای دادن دانستند. از سوی دیگر، ۸ درصد آنها هم اظهار داشتند که «از سر اجبار یا برای داشتن مهر در شناسنامه» در انتخابات رای

م تفاوت در ارتباط با نمایش انتخابات زودهنگام ریاست جمهوری اسلامی در ایران منتشر شده است از جمله نتایج یک نظرسنجی که توسط مؤسسه «گمان» انجام شده نشان می‌دهد مشارکت در انتخابات این دوره کمتر از ۴۰ درصد خواهد بود.

مؤسسه «گمان» مستقر در هلند نتایج یک نظرسنجی را با عنوان «نگرش ایرانیان به انتخابات ۱۴۰۳» منتشر کرده است. بر اساس یافته‌های این نظرسنجی بیش از ۶۵ درصد از مردم ایران در این انتخابات شرکت نخواهند کرد. نتایج این نظرسنجی همچنین نشان می‌دهد حدود ۱۰ روز به انتخابات ریاست جمهوری، ۳۴ درصد جامعه از زمان برگزاری آن اطلاع نداشتند.

مؤسسه «گمان» همچنین نوشته مقایسه رفتار انتخاباتی پاسخ‌دهندگان در انتخابات اسفند ۱۴۰۲ و تصمیم آنها برای انتخابات پیش رو نیز نشان می‌دهد ۸۵ درصد کسانی که در انتخابات سال قبل شرکت نکردند، قصد شرکت در انتخابات امسال را هم ندارند. در مقابل، ۶ درصد از کسانی که در آن انتخابات رای نداده‌اند، اعلام کردند که در این رای‌گیری که قرار است هشتم برگزار شود حضور خواهند یافت. همچنین حدود ۱۲ درصد از شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی هنوز برای شرکت در این رای‌گیری تصمیم قطعی نگرفته‌اند.

بر اساس گزارش مؤسسه «گمان» ۴۸ درصد از رأی‌اولی‌ها که با رسیدن به سن قانونی ۱۸ سال، برای نخستین بار می‌توانند در انتخابات شرکت کنند، قصد شرکت در انتخابات را ندارند. در مقابل حدود ۳۴ درصد از آنها می‌خواهند رای دهند. در میان کسانی که قصد دارند در انتخابات رای دهند،

● بر اساس یافته‌های نظرسنجی مؤسسه «گمان» مستقر در هلند بیش از ۶۵ درصد جامعه آماری ساکن کشور در نمایش انتخابات هشتم تیر شرکت نخواهند کرد.

● بر اساس نتایج این نظرسنجی، مجموع آرای اجباری (۸۱ درصد) و آرای احتمالی باطله (۱۵ درصد) و کسانی که در رأی‌گیری هشتم تیر شرکت نخواهند کرد (بیش از ۶۵ درصد) به بیش از ۸۸ درصد می‌رسد!

● این در حالیست که نظرسنجی «دانشگاه امام صادق» ادعا کرده میزان مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری ۵۱/۷ درصد خواهد بود.

● مرکز افکارسنجی «اپسیا» وابسته به جهاد دانشگاهی نیز نتایج یک نظرسنجی را منتشر کرده که نشان می‌دهد ۲۷/۲ درصد به هیچ وجه در انتخابات شرکت نخواهند کرد.

● روندی که جامعه ایران از جمله در سال‌های اخیر طی کرده بارها نتایج نظرسنجی‌های هدفمند و روایت‌های آنها را به پرسش کشیده است. این در حالیست که نمی‌توان تأثیر تبلیغی این نظرسنجی‌ها را بر افکار عمومی نادیده گرفت حتی اگر رفتار عمومی در نهایت خلاف آنها باشد. اینبار نیز نمایش انتخابات هشتم تیر و رفتار عمومی نشان خواهد داد که هر کدام از نظرسنجی‌های انجام شده چقدر با واقعیت همخوانی دارند و تا چه اندازه بازتاب افکار عمومی و تمایلات جامعه هستند. آنهم در حالی که جمهوری اسلامی تمام توان خود را برای «حضور» مردم و رأی‌سازی و اعلام نتایج به سود «مشروعیت» خود به کار گرفته که یک دستکاری هدفمند و سازمانیافته در واقعیت و خواست شهروندان به شمار می‌رود.

در روزهای گذشته نتایج نظرسنجی‌هایی با ارزیابی‌های

به این ترتیب، بر اساس این نتایج، مجموع آرای اجباری (۸ درصد) و آرای احتمالی باطله (۱۵ درصد) و کسانی که در رأی گیری هشتم تیر شرکت نخواهند کرد (بیش از ۶۵ درصد) به بیش از ۸۸ درصد می‌رسد!

طبق اعلام ستاد انتخابات کشور، شمار واجدان شرایط رأی دادن حدود ۶۱ میلیون و ۱۷۲ هزار و ۲۹۰ نفر است.

بر اساس اطلاعات منتشر شده در وبسایت مؤسسه «گمان» نظرسنجی «نگرش ایرانیان به انتخابات ۱۴۰۳» از تاریخ ۲۸ تا ۳۰ خرداد ۱۴۰۳ به مدت ۳ روز انجام شده است. «گمان» همچنین نوشته است: «نتایج این گزارش بر مبنای نمونه آماری متوازن شده [تعدیل شده]، شامل ۷۷ هزار و ۲۱۶ پاسخ‌دهنده از داخل ایران می‌باشد. یافته‌های این گزارش، دیدگاه افراد باسواد بالای ۱۹ سال ساکن ایران (برابر با ۹۰ درصد جمعیت بزرگسال ایران) را بازتاب می‌دهد و با سطح اعتبار ۹۵ درصد و فاصله اعتبار ۵ درصد [ضریب خطای ۵ درصد] قابل تعمیم به این جامعه هدف است». بر اساس این اعلام، نتایج منتشر شده پاسخ افرادی را که از خارج کشور در این نظرسنجی شرکت کرده و حق شرکت در نمایش انتخابات هشتم تیر را دارند، در نظر نگرفته است.

در ایران نیز بازار نظرسنجی‌های انتخاباتی داغ است. خبرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران و کانال تلگرامی «سپاه قدس» صبح روز دوشنبه چهارم تیرماه نتایج یک نظرسنجی را منتشر کردند که در آن ادعا می‌شود میزان مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری ۵۱/۷ درصد خواهد بود. به گزارش «تسنیم» این نظرسنجی در روزهای دوم و سوم تیرماه از سوی «مرکز رشد دانشگاه امام صادق» انجام شده است. همچنین گفته شده که داده‌های این نظرسنجی از «پانل ملی متا» با نمونه ۱۵۰۰ نفری گردآوری و با روش مدل‌سازی جمعیتی تحلیل شده است.

در گزارشی از یافته‌های این نظرسنجی آمده ۲۴/۴ درصد از مشارکت‌کنندگان قطعی و احتمالی در انتخابات، گفته‌اند به مسعود پزشکیان رأی خواهند داد. محمدباقر قالیباف با ۲۳/۴ درصد رای و سعید جلیلی با ۲۱/۵ درصد به ترتیب در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند.

امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی با ۴/۵ درصد، علیرضا زاکانی و مصطفی پورمحمدی به ترتیب با ۲/۴ درصد و ۲ درصد در مراحل بعدی قرار گرفته‌اند. همچنین بر اساس این نظرسنجی، ۲۱/۸ درصد از مردم هنوز تصمیم نگرفته‌اند که رأی خود را به نفع کدام نامزد به صندوق ببندازند.

مرکز افکارسنجی «ایسپا» وابسته به جهاد دانشگاهی نیز روز دوشنبه چهارم تیرماه نتایج یک نظرسنجی درباره انتخابات ریاست جمهوری را منتشر کرده که نشان می‌دهد ۲۷/۲ درصد به هیچ وجه در انتخابات شرکت نخواهند کرد. بر اساس نتایج این نظرسنجی، ۴۲/۵ درصد قطعاً در انتخابات شرکت می‌کنند، ۷/۷ درصد به احتمال زیاد شرکت خواهند کرد. ۱۶/۱ درصد هنوز تصمیمی نگرفته‌اند، ۶/۵ درصد احتمال کمی دارد در انتخابات شرکت کنند.

این نظرسنجی در روزهای دوم و سوم تیرماه برگزار شده و نتایج آن نشان می‌دهد مسعود پزشکیان با ۲۴/۴ درصد آرای شرکت‌کنندگان قطعی یا شرکت‌کنندگانی که به احتمال زیاد در انتخابات حضور خواهند داشت، صدرنشین رقابت کاندیداهاست.

پس از او سعید جلیلی با ۲۴ درصد، محمدباقر قالیباف با ۱۴/۷ درصد، امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی با ۲ درصد، علیرضا زاکانی با ۱/۷ درصد و مصطفی پورمحمدی با ۰/۷ درصد در رتبه‌های دوم تا ششم قرار دارند. مرکز افکارسنجی «ایسپا» هفته گذشته نتایج نظرسنجی

دیگری را که در روزهای ۲۹ و ۳۰ خردادماه ۱۴۰۳ برگزار شده بود منتشر کرد که در آن سعید جلیلی پیش‌تاز انتخابات معرفی شده بود.

«ایسپا» اعلام کرده بود از میان کسانی که قطعاً یا به احتمال زیاد در انتخابات شرکت می‌کنند در پاسخ به این سوال که اگر همین الان انتخابات برگزار شود به کدام یک از نامزدهای ریاست جمهوری رای می‌دهید؟ ۲۶/۲ درصد عنوان کردند سعید جلیلی؛ ۱۹/۸ درصد مسعود پزشکیان؛ ۱۹ درصد محمد باقر قالیباف؛ ۲/۶ درصد امیرحسین قاضی‌زاده؛ ۲ درصد علیرضا زاکانی؛ ۰/۹ درصد هم مصطفی پورمحمدی و ۲۷/۴ نیز هنوز تصمیمی نگرفته‌اند.

چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری قرار است چهار روز دیگر در هشتم تیرماه برگزار شود. مسعود پزشکیان نماینده جریان اصلاح‌طلب حکومت است و محمدباقر قالیباف، سعید جلیلی، مصطفی پورمحمدی، امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی و علیرضا زاکانی نامزدهای وابسته به جریان اصولگرایی رژیم هستند.

میزان بازتاب واقعیت در نظرسنجی‌ها

همه این نظرسنجی‌ها بر این مبنا صورت گرفته که هر شش نامزد جانشینی ابراهیم رئیسی تا روز انتخابات از رقابت صرف نظر نکنند. در صورت انصراف هر کدام از آنها قاعدتاً نتایج این نظرسنجی‌ها نیز که اختلاف بین آنها هم نشان می‌دهد که قابل تعمیم به مواضع و رفتار همه واجدان شرایط رأی دادن نیستند، تغییر خواهد کرد.

در این میان اگر نظرسنجی مؤسسه «گمان» که در خارج کشور مستقر است بیشتر از منابع داخلی مورد اعتماد شرکت‌کنندگان باشد و پاسخ‌دهندگان در داخل ایران نیز با اطمینان از امنیت خود در آن شرکت کرده باشند، باز هم نتایج اعلام شده به عنوان «چکیده یافته‌های نظرسنجی» چندان بیانگر فضای جامعه ایران در داخل و خارج کشور به نظر نمی‌رسد.

«گمان» علاوه بر برخی پرسش‌ها که نتایج پاسخ به آنها را منتشر کرده، نظر شرکت‌کنندگان را در ارتباط با شیوهی اداره کشور، شکل نظام سیاسی مورد قبول، انتخاب دو نماینده در یک انتخابات آزاد احتمالی از میان بیش از سی اسم، دو حزب مورد قبول در یک انتخابات آزاد احتمالی بر اساس اهداف برنامه‌ای آنها و غیره نیز مطرح کرده بود که تا لحظه تنظیم این گزارش در آنچه منتشر شده به نتایج آنها پرداخته نشده است.

در عین حال پاسخ و نمودار مربوط به گرایش سیاسی جامعه که این مؤسسه منتشر کرده چندان با آنچه در سال‌های اخیر در ایران روی داده، از جمله تحریم انتخابات خرداد ۱۴۰۰ که بر اساس آن رئیسی به ریاست دولت سیزدهم رسید و جنبش ملی ۴۰۱ و همچنین مشارکت به شدت پایین در انتخابات مجلس شورای اسلامی اسفند ۱۴۰۲ و اردیبهشت ۱۴۰۳ و نیز فضای عمومی کنونی در جامعه ایران نزدیک به نظر نمی‌رسد.

بر اساس یافته‌های مؤسسه «گمان» در نظرسنجی اخیر، فقط حدود ۳۴ درصد جامعه «خواهان براندازی جمهوری اسلامی به عنوان پیش‌شرط هر تغییر» و در عوض ۲۴ درصد «خواهان تحولات ساختاری و گذار از جمهوری اسلامی» هستند. ۱۳ درصد هم «خواهان اصلاحات تدریجی در چارچوب نظام جمهوری اسلامی» و ۱۱ درصد «خواهان حفظ اصول و ارزش‌های انقلاب و حامی سیاست‌های نظام و رهبری»‌اند و حدود ۱۷ درصد هم خود را متعلق به هیچ‌یک از این گرایش‌ها نمی‌دانند که با توجه به اینکه پاسخ‌دهندگان در یک نظرسنجی کاملاً سیاسی شرکت کرده‌اند، قابل توجه

است که دانست این میزان زیاد از پاسخ‌دهندگان خواهان چه هستند.

«گمان» نموداری را منتشر کرده که «پایگاه اجتماعی گرایش‌های سیاسی در داخل ایران را در پنج نظرسنجی اخیر» این مؤسسه «در سه سال گذشته نشان می‌دهد» که میزان «هیچ‌کدام» از حدود ۹ درصد در سال ۱۴۰۰ به حدود ۱۷ درصد در سال ۱۴۰۳ افزایش یافته که با توجه به شفاف شدن صحنه سیاسی در سه سال اخیر مبهم به نظر می‌رسد.

افکار عمومی و رفتار عمومی

صرف نظر از سه نظرسنجی که در این گزارش به نتایج آنها اشاره شد، بطور کلی نظرسنجی‌هایی که نه برای سنجش واقعی افکار عمومی بلکه برای تولید نتایج منطبق با روایت مورد نظر برگزارکنندگان طراحی و انجام می‌شوند سبب می‌شود که اساساً ناقص باشند زیرا نتایج قابل اتکایی از دیدگاه‌های واقعی مردم ارائه نمی‌دهند و عمدتاً به عنوان ابزار تبلیغ برای تأثیرگذاری بر یک رویداد مثلاً «انتخابات» عمل می‌کنند.

این جهت‌گیری‌ها در طراحی آگاهانه و عمدانه نظرسنجی‌ها، اهمیت نیاز به نظرسنجی‌های شفاف و فراگیر برای بازتاب واقعی افکار عمومی و به دست دادن درک نسبتاً دقیق از چشم‌انداز سیاسی را بیش از پیش برجسته می‌کند. این در حالیست که حتی یک نظرسنجی بی‌نهایت شفاف و بی‌طرف نیز فقط ممکن است تا اندازه‌ای مسیر و یا تمایل جامعه را نشان دهد. چنانکه به ویژه در سال‌های اخیر در دموکراسی‌ها نیز نظرسنجی‌های مؤسسات معتبر و مستقل و آزاد چندان منطبق با واقعیت و رفتار سیاسی و اجتماعی شهروندان نبوده‌اند. این ابهام و عدم انطباق در نظرسنجی‌ها هنگامی که شرایط جوامع غیرعادی و ملت‌هت است بیشتر شده و اتکاء بر نتایج را با مشکل روبرو می‌کند. یکی از روش‌هایی که در برخی نظرسنجی‌های مربوط به مسائل سیاسی ایران به کار گرفته می‌شود، برای مثال، مطرح کردن نام‌های بی‌مورد در کنار افراد شاخص است. این سبب می‌شود که نظری یا رأی پاسخ‌دهندگان بین شمار زیادی از افراد «سرشکن» شود تا توجهات از فرد یا افراد معین منحرف و در نهایت، میزان محبوبیت و یا عدم محبوبیت آنها مخدوش شده و آنگونه که در واقعیت هست، ارائه نشود. به این ترتیب اثر تبلیغی نظرسنجی به سود یا علیه یک فرد یا جریان یا رویداد جلوگیری می‌گردد. به همین دلیل است که مؤسسات وابسته به جمهوری اسلامی خارج کشور که عمدتاً در دانشگاه‌های آمریکا و کانادا فعالیت دارند، برای تأثیرگذاری بر سیاست‌های دولت‌های غربی به ارائه نظرسنجی‌های تقلبی می‌پردازند و آنها را بیش از آنکه برای افکار عمومی ایران و جهان منتشر کنند، در اختیار سیاستمداران و لابی‌گران و محافل مؤثر اقتصادی قرار می‌دهند. با اینهمه روندی که جامعه ایران از جمله در سال‌های اخیر طی کرده بارها نتایج نظرسنجی‌های هدفمند و روایت‌های آنها را به پرسش کشیده است. این در حالیست که نمی‌توان تأثیر تبلیغی این نظرسنجی‌ها را بر افکار عمومی نادیده گرفت حتی اگر رفتار عمومی در نهایت خلاف آنها باشد.

اینبار نیز نمایش انتخابات هشتم تیر و رفتار عمومی نشان خواهد داد که هر کدام از نظرسنجی‌های انجام‌شده چقدر با واقعیت همخوانی دارند و تا چه اندازه بازتاب افکار عمومی و تمایلات جامعه هستند. آنهم در حالی که جمهوری اسلامی تمام توان خود را برای «حضور» مردم و رأی‌سازی و اعلام نتایج به سود «مشروعیت» خود به کار گرفته که یک دستکاری هدفمند و سازمان‌یافته در واقعیت و خواست شهروندان به شمار می‌رود.

دعوی همه نامزدها با هم در «سیرک انتخابات» ریاکاری پزشکيان با رأی مردم و حرکت در خط «رهبری»



نداریم. ما باید اصل موضوع را حل کنیم!»
مصطفی پورمحمدی همچنین به قالیباف حمله کرد و گفت: «همین آقای قالیباف، در این چهار سال باید تلاش می‌کردید در مجلس! الان ۲۵ برنامه مهم در سند توسعه معطل است برای یک تصمیم. شماها باید پاسخ مسئولیت‌تان را بدهید. شما که از آسمان نمی‌آید.»
پورمحمدی در بخش دیگری از سخنانش با کنایه به قالیباف گفت مجلس در مورد تحریم‌ها «اقدام» نکرد. قالیباف هم توپ را در زمین خامنه‌ای انداخت و پاسخ داد: «من هم معتقدم تحریم کاغذپاره نیست و به کشور آسیب می‌زند. با مذاکره موافقم منتها مذاکره یک روش مبارزه است.» و «در شورای عالی امنیت ملی مصوبه شد که مجلس قانونی بگذارد و این قانون تصویب شد. آقا [خامنه‌ای] هم فرمودند این قانون به نفع کشور و مردم و صنعت هسته‌ای است و کشور را از بلاتکلیفی بیرون آورده است.»
او در میان سخنانش اعتراف کرد که «هنوز فضای انتخاباتی گرم نیست!»
علیرضا زاکانی نیز از فرصت‌های به دست آمده در مناظره برای تخریب رقبا استفاده کرد. او پزشکيان را دنباله‌رو دولت حسن روحانی خواند و گفت «وقتی از درون اتاق‌های شیشه‌ای و ماشین‌های آنچنانی مسیر را دنبال کردند، در سال ۹۲ بدهی‌شان ۲۰۵ هزار میلیارد بود ولی وقتی تحویل دادند ۱۳۰۰ هزار میلیارد تومان بدهی داشتند. بودجه یک سال را آقای روحانی پیشخور و دولت را بدهکار کرد.»
مسعود پزشکيان اقدامات زیانبار دولت حسن روحانی را رد نکرد فقط یک نمودار مقابل دوربین گرفت و مدعی شد وضعیت در دولت رئیسی «بدتر» شده است.

درگیری‌های لفظی میان نامزدهای انتخاباتی که خامنه‌ای تلاش داشت در نهایت آرامش برگزار شود در دومین مناظره افزایش یافت. در بخشی از مناظره علیرضا زاکانی به مسعود پزشکيان که گفته بود نباید دعوا کنیم، گفت دعوی ما به خاطر حق مردم است. وقتی هم پزشکيان گفت «پدر»

می‌دهد. همین رویه پزشکيان سبب انتقاد برخی هواداران و تحلیلگران اصلاح‌طلبان در داخل و البته خارج از ایران شده است!

پزشکيان هفته گذشته در نشست انتخاباتی در دانشگاه تهران گفته بود «بنده رهبری را قبول دارم؛ اصلاً ذوب در رهبری هستم» و «هماهنگی با مقام معظم رهبری در رابطه با پیشگیری سیاست‌ها در حل کردن مشکلات مسیر من است.»
دیگر نامزدهای انتخاباتی که از جریان اصولگرا هستند، بر خلاف پزشکيان، از کارت «رهبر» برای تبلیغات خود استفاده نکرده‌اند و همین موضوع موقعیت مسعود پزشکيان را به عنوان یک نامزد اصلاح‌طلب بیش از آنها تضعیف کرده است.

اینهمه در حالیست که بطور کلی میان نامزدهای انتخابات بیش از آنکه رقابت در جریان باشد، کینه‌ورزی و لجبازی و تخریب و دعوا برقرار است.
مناظره تلویزیونی شب گذشته بار دیگر صحنه درگیری و حملات تند کلامی کاندیداهای مورد اعتماد و وثوق علی خامنه‌ای با یکدیگر شد.

در بخشی از مناظره مصطفی پورمحمدی از چهره‌های تبهکار قضایی و امنیتی گفت: «این آقای پزشکيان در ستادشان غلغله است و همه منتظر پست! وقتی برجام مطرح شد شیپور پیروزی زدید! من موضع مشخص است و معتقدم از هر روزنه باید استفاده کرد. ولی آقایان گفتند همه مشکلات حل می‌شود و از فرصت خنثی‌سازی تحریم استفاده نکردند.»

او فاش کرد که هشت سال پیش سعید جلیلی موافق پذیرش اف‌ای‌تی‌اف بوده اما گفته می‌شود این اتفاق در دولت روحانی بیافتد؛ ادعایی که با سکوت جلیلی به نظر درست می‌آید. پورمحمدی مدعی شد که «یادم است در شورای عالی امنیت ملی در سال ۹۵، من مفصل صحبت کردم درباره مشکلات اف‌ای‌تی‌اف؛ ایشان پایان جلسه گفت اگر تو مسئول باشی ما قبول داریم ولی بقیه آقایان را قبول

● مسعود پزشکيان در کمال وقاحت گفت «هر کسی به ستاد من بیاید می‌پذیرم چون می‌خواهم رأی بگیرم!» وی افزود هیچ برنامه‌ای ویژه‌ای برای اداره کشور جز «سیاست‌های کلی مقام معظم رهبری» ندارد.

● مصطفی پورمحمدی که از سوی زاکانی درباره فساد در پرونده کرسنت مورد پرسش قرار گرفت، در شبکه «ایکس» به او نوشت: «جناب آقای دکتر زاکانی، ممنونم. ای کاش خودتان پوششی نبودید. ای کاش وعده‌هایتان پوشالی نبود.»

● در بخشی از مناظره وقتی پزشکيان گفت «پدر این مردم را ما در آورديم»، علیرضا زاکانی پاسخ داد که «شما پدر مردم را در آورده‌اید، ما در نیاورديم و باید به مردم بگوئید چکار کرده‌اید و پاسخگو باشید!»

● مصطفی پورمحمدی به قالیباف حمله کرد و گفت: «همین آقای قالیباف، در این چهار سال باید تلاش می‌کردید در مجلس! الان ۲۵ برنامه مهم در سند توسعه معطل است برای یک تصمیم. شماها باید پاسخ مسئولیت‌تان را بدهید. شما که از آسمان نمی‌آید.»

● مصطفی پورمحمدی: این آقای پزشکيان در ستادشان غلغله است و همه منتظر پست! وقتی برجام مطرح شد شیپور پیروزی زدید! من موضع مشخص است و معتقدم از هر روزنه استفاده کرد. ولی آقایان گفتند همه مشکلات حل می‌شود و از فرصت خنثی‌سازی تحریم استفاده نکردند.
● در مناظره شب گذشته آمارهایی ارائه شد که نشان می‌دهد نامزدهای مشتاق جانشینی «قاضی مرگ» یا در حال ماستمالی کردن و فرافکنی هستند، یا آمارها را به درستی بررسی نکرده‌اند.

یک هفته مانده به چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، شش نامزد انتخابات بجای رقابت در حال نبرد با یکدیگر هستند و صحنه مناظره‌ها و اظهارات آنها عمق شکاف‌ها در ساختار جمهوری اسلامی را به نمایش گذاشته است. مسعود پزشکيان نامزد اصلاح‌طلبان نیز اعتراف کرده آغوش ستادش باز است تا رأی مردم را جمع کند اما اگر پیروز شد در خط علی خامنه‌ای حرکت خواهد کرد.

شامگاه پنجشنبه ۳۱ خردادماه دومین دور از مناظره‌های نامزدهای چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری برگزار شد و صحنه دیگری از درگیری عمیق میان چهره‌ها و جریان‌ها درون حکومت نمایان شد؛ افرادی که برای رسیدن به قدرت ابزار تخریب را به کار گرفته و حتی در پی حفظ «آبروی» نداشتی نظام‌شان را هم ندارند!

مسعود پزشکيان نماینده اصلاح‌طلبان در کمال وقاحت در مقابل دوربین و در برنامه زنده گفت «هر کسی به ستاد من بیاید می‌پذیرم چون می‌خواهم رأی بگیرم!» وی افزود هیچ برنامه‌ای ویژه‌ای برای اداره کشور جز «سیاست‌های کلی مقام معظم رهبری» ندارد.

پزشکيان همچنین تأکید کرد «خط قرمز من سیاست‌های مقام معظم رهبری است.»

اصلاح‌طلبان در حالی ربع قرن با زاویه نشان دادن با مواضع علی خامنه‌ای تلاش کردند او را مشکل‌کشورداری جمهوری اسلامی نشان داده و پایگاه اجتماعی کسب کنند که مسعود پزشکيان در این دور از انتخابات بطور کامل خود را مطیع و گوش به فرمان علی خامنه‌ای نشان



پزشکیان و ظریف بر سر مزار قربانیان حمله موشکی سپاه به هوایمایی «اوکراین اینترنشنال»

تبلیغ انتخاباتی پزشکیان و ظریف بر سر مزار برخی قربانیان «پرواز ۷۵۲» خانواده‌های دادخواه: این کار وقیحانه است!

این اقدام با واکنش تند خانواده شماری از قربانیان این جنایت روبرو شد از جمله جواد سلیمانی همسر الناز نبی که در حساب «ایکس» خود نوشت: «در مورد تباهی عروسک‌های خیمه شب بازی سیرک انتخابات که نیاز نیست صحبت بشه.»

او افزود: «اما فراموش نمی‌کنیم فایل صوتی ظریف را که گفت هیچ بعید نیست سرنگونی هوایمایی اوکراینی عامدانه باشه ولی بهشون گفتیم بگید تا علاجش کنیم تا به دادگاه بین‌المللی کشیده نشه. چقدر وقیح باید آدم باشه که وظیفه‌اش رو خون‌شویی جنایات بدون.»

وی همچنین در «ایکس» نوشت: «علاج‌کنندگان و توجیه‌گران جنایت هوایمایی اوکراینی را در کنار آمران و عاملان این جنایت نه می‌بخشیم نه فراموش می‌کنیم.»

شمار زیادی از کاربران در شبکه‌های اجتماعی ظریف را «وقیح» و «بی‌شرم» خطاب کردند و این اقدام را سوء استفاده و توهین به قربانیان این جنایت و خانواده‌های آنها دانستند. در همین ارتباط خانواده‌های جانب‌خاستگان پرواز PS752 در پیامی اعلام کردند، «جواد ظریف یکی از عوامل لاپوشانی جنایت هجدهم دی‌ماه ۱۳۹۸ است و سر زدن هر کدام از عاملین و آمرین جنایت ۱۸ دیماه ۱۳۹۸ به مزار عزیزان ما بار دیگر نشان می‌دهد وقاحت مقامات جمهوری اسلامی مرزی ندارد. جواد ظریف و سایر عوامل سرنگونی کردن پرواز پی‌اس ۷۵۲ از حاجی‌زاده تا سلامی و از اپراتور تا خامنه‌ای باید در دادگاهی عادلانه محاکمه شوند. آن روز خواهد رسید.»

در این پیام که متن آن را انجمن خانواده‌های جانب‌خاستگان پرواز PS752 منتشر کرده تأکید شده است «ما آمرین و عاملین این جنایت را نه فراموش می‌کنیم و نه می‌بخشیم.» بسیاری می‌گویند ظریف برای گرم کردن «سیرک انتخابات» از سوی نهادهای امنیتی چراغ سبز گرفته است. او در اصفهان در یکی از ستادهای انتخاباتی پزشکیان علیه بسیجی‌ها سخنرانی کرد و آنها را «ضد رهبری» خواند و آنقدر هواداران پزشکیان و حزب‌اللهی‌ها را تحریک کرد تا به جان هم افتادند و دعوا کردند.

در آستانه برگزاری چهاردهمین انتخابات نمایشی ریاست جمهوری اسلامی که بطور زود هنگام پس از کشته شدن ابراهیم رئیسی در سقوط هلی‌کوپتر در ۳۰ اردیبهشت قرار است هشتم تیر برگزار شود، محمدجواد ظریف به شکلی کاملاً صریح و آشکار به میداندار ستاد انتخاباتی پزشکیان تبدیل شده است. روشن است که چنین نقشی از سوی نهادهای امنیتی پشتیبانی می‌شود و این موضوع را از محافظانی هم که در هر اجتماعی دور تا دور ظریف حلقه می‌زنند می‌توان دید.

● مسعود پزشکیان از نامزدهای انتخابات نمایشی ریاست جمهوری و محمدجواد ظریف مشاور وی روز جمعه اول تیرماه در یک اقدام تبلیغاتی به سر مزار شماری از قربانیان «پرواز ۷۵۲» رفتند که دی‌ماه ۱۳۹۸ با موشک‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بر فراز تهران سرنگون شد. آن زمان ظریف وزیر خارجه جمهوری اسلامی بود که همان زمان به خامنه‌ای و سرداران سپاه اعلام کرد که اگر جمهوری اسلامی مرتکب این جنایت شده، بگویند تا او بتواند «علاج» کند.

● این اقدام با واکنش تند خانواده شماری از قربانیان این جنایت روبرو شد از جمله جواد سلیمانی همسر الناز نبی که در حساب «ایکس» خود نوشت: «در مورد تباهی عروسک‌های خیمه‌شب بازی سیرک انتخابات که نیاز نیست صحبت بشه.» وی پرسید، «چقدر آدم باید وقیح باشه که وظیفه‌اش رو خون‌شویی جنایات بدون؟»

● خانواده‌های جانب‌خاستگان پرواز PS752 نبر در پیامی اعلام کردند، «جواد ظریف یکی از عوامل لاپوشانی جنایت هجدهم دی‌ماه ۱۳۹۸ است و سر زدن هر کدام از عاملین و آمرین جنایت ۱۸ دیماه ۱۳۹۸ به مزار عزیزان ما بار دیگر نشان می‌دهد وقاحت مقامات جمهوری اسلامی مرزی ندارد. جواد ظریف و سایر عوامل سرنگونی کردن پرواز پی‌اس ۷۵۲ از حاجی‌زاده تا سلامی و از اپراتور تا خامنه‌ای باید در دادگاهی عادلانه محاکمه شوند. آن روز خواهد رسید.»

● محمدجواد ظریف به شکلی کاملاً صریح و آشکار به میداندار ستاد انتخاباتی پزشکیان تبدیل شده است. روشن است که چنین نقشی از سوی نهادهای امنیتی پشتیبانی می‌شود و این موضوع را از محافظانی هم که در هر اجتماعی دور تا دور ظریف حلقه می‌زنند می‌توان دید.

مسعود پزشکیان از نامزدهای انتخابات نمایشی ریاست جمهوری و محمدجواد ظریف مشاور وی روز جمعه اول تیرماه در یک اقدام تبلیغاتی به مزار شماری از قربانیان «پرواز ۷۵۲» رفتند که دی‌ماه ۱۳۹۸ با موشک‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بر فراز تهران سرنگون شد. آن زمان ظریف وزیر خارجه جمهوری اسلامی بود که همان زمان به خامنه‌ای و سرداران سپاه اعلام کرد که اگر جمهوری اسلامی مرتکب این جنایت شده، بگویند تا او بتواند «علاج» کند.

هفت نفر از جانب‌خاستگان «پرواز ۷۵۲» در اصفهان دفن شدند و پزشکیان به همراه ظریف و شماری از اعضای ستاد انتخاباتی او از فرصت استفاده کرده و به اسم «ادای احترام» در «گلزار شهداء اصفهان» بر مزار آنها حاضر شدند تا تبلیغات انتخاباتی‌شان در این شهر تکمیل شود.

➔ این مردم را ما در آوردیم»، علیرضا زاکانی پاسخ داد که «شما پدر مردم را درآورده‌اید، ما در نیارودیم و باید به مردم بگویید چکار کرده‌اید و پاسخگو باشید!»
در بخش دیگری از مناظره زاکانی خطاب به پورمحمدی گفت که «ترامپ‌هراسی آقای پورمحمدی راه به جایی نمی‌برد.»

پورمحمدی در دفاع از خودش گفت: «شیوه مدیریتی من نشان داده است که جزو قوی‌ترین عناصر این کشور در مواجهه با دشمن بوده‌ام. با منافقان و ضدانقلاب و با دشمن خارجی قوی‌ترین بوده‌ایم، در حالی که نصف آن را هم نمی‌توانیم بگوییم که چه کارهایی برای امنیت مردم کرده‌ایم. از این بیانات نفرمایید به وقتش همه را توضیح می‌دهیم اگر کسی هم بخواهد مقابل ترامپ بایستد ماها هستیم و در آینده ثابت خواهد شد.»

زاکانی در پاسخ اما به فساد پورمحمدی در سرپوش گذاشتن بر پرونده کرسنت اشاره کرد و گفت: «بعد ایشان توضیح دهند که با اسناد اساف او چکار کردند اسنادی که از خارج آمد در دفتر ایشان بایگانی شد. بعد با هم بحث می‌کنیم. ما با شما کار داریم، راجع به اسناد کرسنت.»

مصطفی پورمحمدی درگیری با زاکانی را در شبکه «ایکس» نیز ادامه داده است. او شب گذشته و در زمان استراحت در مناظره، در شبکه «ایکس» به علیرضا زاکانی نوشت: «جناب آقای دکتر زاکانی، ممنونم. ای کاش خودتان پوششی نبودید. ای کاش وعده‌هایتان پوشالی نبود.»

محمدباقر قالیباف نیز در جمع‌بندی سخنان خود دو وعده داد؛ او گفت واردات اتمبیل را حتماً انجام خواهد داد تا صنعت اتمبیل‌سازی رقابتی شود. در وعده دیگر بار دیگر موضوع دیوارکشی در مرزهای شرقی ایران با افغانستان و پاکستان برای جلوگیری از ورود مهاجران غیرقانونی را تأکید کرد. او پیشتر هم وعده برخورد با مهاجران را داده بود و دیشب هم تکرار کرد که «امروز اتباع غیرمجاز آسیب‌های اجتماعی جدی در حوزه مواد مخدر، اشتغال، طلاق و... همه آسیب‌های جدی ریشه در شرق کشور دارد.»

در مناظره شب گذشته همچنین آمارهایی ارائه شد که نشان می‌دهد نامزدهای انتخابات یا در حال ماستمالی کردن و فرافکنی هستند، یا آمارها را به درستی بررسی نکرده‌اند. برای فونو امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی مدعی شد که ۹۱۱ هزار کودکی که از تحصیل بازمانده بودند، در دولت ابراهیم رئیسی به تحصیل بازگشتند.

این تعداد دانش‌آموز بازمانده از تحصیل در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در سال ۱۴۰۰ مطرح شده بود اما دولت رئیسی از آن پس آمار را به‌روز نکرد. همچنین معصومه نجفی پازوکی معاون ابتدایی وزیر آموزش و پرورش شهریور ۱۴۰۲ تأکید کرده بود آمارها درباره کودکان بازمانده از تحصیل دقیق نیست. در چنین شرایطی مشخص نیست امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی بر چه مبنایی ادعای عجیب بازگشت همه کودکان بازمانده از تحصیل به کلاس درس را مطرح کرده است.

بازار وعده‌های پوپولیستی هم در مناظره‌های انتخاباتی جمهوری اسلامی داغ است. برای مثال علیرضا زاکانی گفته از ابتدای دولت ۲۲ میلیون یارانه اعتباری انرژی با اعتبار طلا می‌دهیم. قیمت ۳۰۰۰ تومانی بنزین حذف و بنزین ۱۵۰۰ تومانی جایگزین خواهد شد.

به نظر می‌رسد در میان شش نامزدی که مشتاق جانشینی «قاضی مرگ» هستند، سعید جلیلی و امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی تلاش دارند از صحنه نبرد میان نامزدها دور بمانند. در مقابل مصطفی پورمحمدی، مسعود پزشکیان و علیرضا زاکانی بیشترین درگیری لفظی و تنش را با یکدیگر داشته‌اند.

بیش از پنجاه سال خبررسانی در آلمان درباره ایران با استناد به مجله «اشپیگل» - (بخش ۵)

بازنشر



الاهه بقراط

ویژه اروپا در ارتباط با ایران باشد، علاوه بر منابع دیگر از آرشیو مستندات و مطالب خود «اشپیگل» از سال ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۶ (دوران اصلاحات و دولت اول احمدی نژاد) استفاده شده است.
این گزارش مفصل اکنون پس از ۱۶ سال به مناسبت مصاحبه اخیر «اشپیگل» با شاهزاده رضا پهلوی که با عنوان «بله، من خواهان یک انقلاب هستم» منتشر شد، در چند شماره کیهان هفته بازنشر می‌شود.

این گزارش تحقیقی در پاییز ۲۰۰۸/۱۳۸۷ منتشر شد. روی جلد مجله «اشپیگل» با عکس شاه جوان که در این گزارش آمده مربوط به شماره ۳۴ این هفته‌نامه آلمانی به تاریخ ۲۰ اوت ۱۹۵۲ درست یکسال پیش از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ است که یکی از خوانندگان کیهان لندن سال‌ها پیش از آن از کتابخانه شخصی خود به نویسنده هدیه کرده بود.
در تهیه این گزارش که می‌تواند نمونه‌ای از برخورد رسانه‌های غرب به

و بمب اسلامی» درباره «آژیر خطر سبز» (۳۱ دسامبر ۲۰۰۷) می‌نویسد. لیکن ظاهراً هیچکس علاقه و وقت ندارد تا به این موضوع بپردازد که کی، چگونه و کجا این آژیر خطر آغاز شد.

پس از سه سال، رؤیاهای یکی از آخرین پادشاهان مطلقه به یک سراب دسترسی ناپذیر تبدیل می‌شوند: جهش بزرگ به جلو، یک برنامه ریزی خطا بود. ریخت و پاش و تورم

بخش پنجم

در این میان، هر بار که پای برنامه‌های مشترک اقتصادی بین ایران و آلمان به میان می‌آمد، گزارش‌های ناخوشایند از اشپیگل ناپدید می‌شدند. با این همه، توافق سال ۱۹۷۳ مبتنی بر تأسیس یک پالایشگاه عظیم، ناکام می‌ماند. شاه برنامه‌های خود را برای کشورش در یک گفتگو با اشپیگل (۴ ژانویه ۱۹۷۴) مطرح می‌کند. در این گفتگو او درباره منابع و امکانات ایران لاف زده و می‌گوید:

«ما دو دلیل قانع کننده برای تأسیس صنایع اتومبیل سازی داریم. یک دلیل این است که هیچ کشوری در جهان نمی‌تواند فولاد را به قیمتی که ما تولید می‌کنیم، تولید کند چرا که ما دارای منابع آهن و گاز هستیم و به همین دلیل می‌توانیم فولاد را به نصف آن قیمتی تولید کنیم که شما تولید می‌کنید. دلیل دوم مساحت و فاصله عظیم شهرهای ماست. کشور ما کوهستانی است. به بسیاری از مناطق نمی‌توان با اتومبیل رفت و آمد کرد. در طول ده سال آینده جمعیت کشور ما بالغ بر ۴۵ میلیون نفر خواهد شد. تا ده سال دیگر ما به قدرت خرید عظیمی دست خواهیم یافت. آن وقت ما درآمد سرانه‌ای در کشور خود خواهیم داشت مانند آنچه شما در جمهوری فدرال آلمان دارید.»

در پاسخ این پرسش که آیا ایران قصد فروش این اتومبیل‌ها را در بازار جهانی دارد، شاه می‌گوید:

«چرا که نه؟ چه کسی می‌تواند با قیمتی که ما ارائه می‌کنیم، رقابت کند؟»

این برنامه‌ها اما به صورت آرزوهای پادشاهی که می‌خواست مرزهای امکانات خود را زیر پا بگذارد، بایست بر روی کاغذ می‌ماندند. چرا که اگر بازار نفت علیه ایران به حرکت در می‌آمد، آنوقت این برنامه‌ها محکوم به شکست بودند. و اتفاقاً درست همین حرکت خیلی زود روی داد. درآمدهای نفتی مرتب کاهش می‌یافتند و نمی‌توانستند توقعات موجود را پاسخ دهند.

سال‌های دهه هفتاد سرشار از گزارش‌هایی درباره موقعیت اقتصادی ایران، برنامه‌های اقتصادی و روابط اقتصادی با ایران هستند. در طول دو سال، از سال ۷۴ تا ۷۶، هیئت تحریری اشپیگل سه گفتگو با شاه انجام می‌دهد. و هر بار پرسش‌ها بر سر اقتصاد، نفت و همکاری بین ایران و آلمان است. کاملاً دیده می‌شود که برنامه‌های همکاری‌های اقتصادی ایران و آلمان مانند حباب صابون می‌ترکند و به جای آلمان، این آمریکا و انگلیس و فرانسه و ژاپن هستند که در ایران جا باز می‌کنند. یک سال بعد اشپیگل با شادی ناشی از شکست دیگری، گزارش می‌دهد:

«وقتی که در سال ۱۹۷۴ سیل درآمدهای نفتی به ایران جاری شد، شاه اعلام کرد که در طول یک نسل ایران به یکی از پنج قدرت بزرگ جهانی تبدیل خواهد شد. اما حالا



به این ترتیب، نخستین ماه‌های سال ۱۹۷۹ با یک گفتگو با زمامدار جدید ایران به پایان می‌رسند: آیت الله خمینی. گفتگو درباره «نقش دین در حکومت» است. هنوز دو ماه از این مصاحبه نمی‌گذرد، که همگان در خیابان‌های تهران به «نقش دین» پی می‌برند.

«یا روسری یا توسی» عنوان یکی از گزارش‌های اشپیگل است که توسط یکی از اعضای تحریری این مجله به نام اریش ویدمان Erich Wiedemann درباره «زندگی روزانه انقلابی در ایران» تهیه کرده است. او می‌نویسد: «بسیاری از کسانی که کمک کردند تا شاه و خاندان او سرنگون شوند، از نتیجه این انقلاب خشنود نیستند. نه بزرگان نخست وزیر، و نه میلیون‌ها ایرانی که با این انقلاب شغل خود را از دست داده‌اند. احتمالاً یکی از این ناراضیان باید این شعر را بر دیوار خیابانی در تهران نوشته باشد: «جاوید شاه، درود بر خمینی، مرگ بر سی و پنج میلیون احمق!» (۱۹ مارس ۱۹۷۹).

پس از انقلاب اسلامی

ایران پس از انقلاب اسلامی برای آلمان چه اهمیتی داشت؟ دیگر ملایان بر اریکه قدرت تکیه زده بودند. بنا بر یکی از تیت‌های اشپیگل که با عاریت از شعر حافظ و آنچه مردم آن زمان در کوچه و بازار می‌خواندند: دیو چو بیرون رود، فرشته در آید، «دیو» رفته و «فرشته» آمده بود. ←

افزایش می‌یابد. چراغ‌های ایران، این غول انرژی، یکی پس از دیگری خاموش می‌شوند» (ایران: رؤیای ناکام ابرقدرتی؛ جهش بزرگ با پای لنگ؛ ۱۵ اوت ۱۹۷۷).

درباره دلیل این ناکامی‌ها اشپیگل پیش از این، اگر چه خیلی کوتاه، گزارش داده بود: «از زمانی که عربستان سعودی و امارات متحده عربی نفت خود را ارزاتر از دیگر اعضای اوپک می‌فروشد، صادرات نفت ایران تا سی و هشت درصد، و دریافتی‌های روزانه آن تا بیست و سه و نیم میلیون دلار کاهش یافته است. معلوم نیست که آیا شاه می‌تواند به مفاد قرارداد گاز با اتحاد شوروی عمل کند یا نه. چرا که کاهش تولید نفت همزمان به معنای کاهش تولید گاز است» (حساب منفی شاه؛ ۱۴ ژانویه ۱۹۷۷).

غرب فقط از این راه می‌توانست شاه را متوقف کند. و کرد. با نفت ارزان و کاهش درآمدهای نفتی، دیگر امکانی برای تحقق برنامه‌های رؤیایی باقی نمی‌ماند. غرب اینگونه فرس را از زیر پای ایران کشید.

در سال ۱۹۷۸ افغانستان با یک کودتا به دامان اتحاد شوروی افتاد. «خطر سرخ» غرب را نگران ساخته بود. ایران باید نقش دیگری بر عهده می‌گرفت و به یکی از اعضای استراتژیک به اصطلاح «کمربند سبز» تبدیل می‌شد. امروز (ژانویه ۲۰۰۸) اشپیگل در مقاله‌ای زیر عنوان «مبارزه بر سر پاکستان؛ سوء قصد به بی نظیر بوتو، القاعده

مجرم و افراد مظنون اعدام شدند، لیکن هرگز روشن نشد که کار چه کسانی بوده است.

اشپیگل بر اساس نامه یک شاهد عینی که به آیت‌الله خمینی نوشته بود، زیر عنوان «روز خون و آتش» درباره صادق خلخالی، حاکم شرع بدنام گزارش می‌دهد که گاه در هر ساعت تا هفتاد حکم اعدام صادر می‌کرد.

گزارش‌های سال‌های دهه هشتاد مملو از خون، اعدام، جنگ و سرکوب است. این واقعیات اگرچه در آن دوران چهارچوب‌های ژورنالیستی را درباره ایران تعیین می‌کرد، لیکن همزمان تصویری بسیار منفی از ایران بطور عام به نمایش می‌گذاشت. درباره مقاومت‌ها و دگردیسی‌شان گزارشی داده نمی‌شود. تصویر زمامداران اسلامی و حکومت‌الله (این عنوان را رسانه‌های آلمان با علاقه به کار می‌برند) به تصویر ایران و مردم آن تبدیل می‌شود. بر اساس همین تصویر، ایرانیان نه تنها در آمریکا و از سوی آمریکاییان، که به هر حال دلایل خود را برای احساسات منفی خود نسبت به

مجبوریم؛ ۱۷ دسامبر ۱۹۷۹). در دهه هشتاد نیز بر سر حمله نظامی هدفمند آمریکا به تأسیسات نظامی ایران حدس و گمان زده می‌شد. «جنگ» حتی اگر هرگز روی ندهد، لیکن همواره برای خبرگزاری‌ها و رسانه‌ها به عنوان «خبر بزرگ» Big News عمل می‌کند.

خیلی زود پس از انقلاب اسلامی، همه اخبار و گزارش‌ها در یک قاب جدید و هیجان‌انگیز، ارائه می‌شوند. نخست ماجرای گروگانگیری در سفارت آمریکا در تهران (۴ نوامبر ۱۹۷۹ تا ۲۱ ژانویه ۱۹۸۱) و بعد جنگ ایران و عراق (۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ تا ۲۰ اوت ۱۹۸۸).

روز گروگانگیری برای رسانه‌ها یک رؤیای خبری به شمار می‌رود. علاوه بر این یک آکازپون جالب مانند هشت سال جنگ هم بر آن افزوده شد. جنگی که طی آن، شرق و غرب، و حتی اسرائیل به هر دو طرف اسلحه می‌فروختند. سال‌های دهه هشتاد پر از گزارش‌های مختلف درباره

حالا، مجله اشپیگل درباره چه چیز گزارش می‌دهد؟ چگونه و چرا؟

پیش از آنکه خمینی با یک جت فرانسوی به تهران پرواز کند، تمامی برنامه‌های اقتصادی ایران با کشورهای غربی، از جمله با آلمان، متوقف شده بودند. تأسیسات نیمه کاره مانند مخروبه به نظر می‌رسند. آمریکایی‌ها نیز دیگر در ایران نیستند. عقب نشینی آمریکا از ایران، بسیاری از حکومت‌های حاشیه خلیج فارس را دچار نگرانی ساخت. شوروی‌ها تلاش می‌کنند عربستان سعودی را به سوی خود جلب نمایند. کشورهای صنعتی در برابر یک بحران نفتی جدید قرار گرفته‌اند. ایران، این دومین تولیدکننده نفت جهان، می‌خواهد شیرهای نفت خود را ببندد.

اشپیگل گزارش می‌دهد: «کسب قدرت برای آیت‌الله خمینی آسانتر از حفظ آن بود» چرا که در برابر تصورات اسلامی او از حکومت و دولت، مقاومت وجود دارد. با گذشت زمان اما حفظ قدرت برای خمینی بیش از پیش



ایرانیان داشتند، بلکه هم چنین در اروپا زیر فشارهای اجتماعی قرار می‌گیرند. در رسانه‌های آلمان هیچ مرزی بین حکومت‌الله که ایرانیان را سرکوب و اعدام می‌کند، با ایرانیانی که سرکوب و اعدام می‌شوند، وجود ندارد. به ندرت می‌توان گزارشی درباره مقاومت در ایران یافت تا به این وسیله بتوان نه تنها تصویر کشوری را که در حال غرق شدن در بنیادگرایی اسلامی بود، کمی ملایم کرد، بلکه بتوان از این راه کمی هم به مقاومت کنندگان یاری رساند. به این ترتیب تصویر ایرانیان در قاب منفی وحشت در سراسر جهان به نمایش در می‌آید.

شاید بتوان این شرح کوتاه اشپیگل را به عنوان نمونه تصویر ایران در دهه هشتاد ارائه کرد: «آیت‌الله احساس اطمینان می‌کند: هزاران ایرانی که در برابر حکومت وی مقاومت می‌کردند، اعدام شدند. توده مردم در وحشت بسر می‌برد. تنها خطری که اکنون رژیم را تهدید می‌کند، دوگانگی درونی خود ملایان است» (۱۱ ژانویه ۱۹۸۲).

ولی نه اطمینان آیت‌الله، نه مقاومت مخالفان و نه دوگانگی درونی حکومت، هیچ کدام چون عناصر ثابت باقی نماندند. بی اطمینانی رژیم، گسترش دامنه مخالفان و جنبش‌های اجتماعی و تشدید تناقضات درونی حکومت، به مثابه پیامدهای ناگزیر نظام حاکم بر ایران بیش از پیش به عناصر غالب مناسبات سیاسی تبدیل شدند. (ادامه دارد)

تجارت اسلحه هستند. «اسلحه‌های شوروی برای عراقی‌ها و ایرانی‌ها، هواپیماهای آمریکایی که از لیبی برای آیت‌الله تدارکات تسلیحاتی می‌فرستند، هواپیماهای شوروی که دستگاه‌های نظامی از عربستان سعودی برای عراق می‌برند، اسرائیلی‌ها که با موافقت سوریه از طریق بیروت برای ایران وسایل نظامی می‌فرستند. ظاهراً برای کسانی که به جنگی که در منطقه سرشار از ذخایر نفتی در گرفته است، یاری می‌رسانند، دشمنی‌های قدیمی به شمار نمی‌آیند... اینکه دو طرف [ایران و عراق] تا کی می‌توانند به این جنگ، که گاه از سوی آمریکاییان زیر عنوان «جنگ میکی ماوس» به مسخره گرفته می‌شود، ادامه دهند، به دلیل شمار زیاد کسانی که به این جنگ آن هم بطور نامنظره و غیر قابل حساب کمک می‌کنند، اصلاً قابل پیش بینی نیست» (ایران و عراق: چه کسی به آنها اسلحه می‌دهد؟؛ ۲۴ نوامبر ۱۹۸۰).

در همین زمان اما کمر مردم ایران زیر فشار ترور و سرکوب دولتی خم شده است. «فضایی مانند آنچه بر انقلاب فرانسه در دوران رویسپیر حاکم بود، بر آسمان ایران سنگینی می‌کند. مردم از دستگیری و اعدام می‌ترسند و ملایان از کسانی وحشت دارند که با عملیات تروریستی هر بار دست به سوء قصد می‌زنند بدون آنکه هویت آنها معلوم شود» (ایران: پدران باید فرزندان خود را معرفی کنند؛ ۰۷ سپتامبر ۱۹۸۱). ترورهای آن زمان با اینکه بسیاری به عنوان

آسان می‌شود. از یک سو با اعدام‌های سازمان یافته مخالفان انقلاب اسلامی و به وسیله سرکوب همگانی که از هزار و چهارصد سال پیش یکی از ابزار شناخته شده اسلامی هاست، و از سوی دیگر با مردمی نشسته و مدهوش یک زندگی جدید در آزادی و رفاه که آگاه نیست چه در حال روی دادن است. مردم اطاعت می‌کنند، بدون آنکه فکر کنند. در عوض آیت‌الله خمینی و «فداییان اسلام» با فکر روشن و برنامه‌های مشخص حکومت می‌کنند.

نتیجه این وضعیت نمی‌تواند چیز دیگری غیر از این گزارش اشپیگل باشد: «در حالی که اقلیت‌های قومی مانند کردها و بلوچ‌ها برای استقلال خود می‌جنگند، اقلیت‌های مذهبی مانند یهودیان در ایران بیش از پیش مورد فشار قرار می‌گیرند» (در انتظار و دعا؛ ۰۵ مارس ۱۹۷۹).

سرکوب خشن در سراسر کشور گسترش می‌یابد. اقلیت‌های قومی و مذهبی، دانشجویان، زنان، دگردیسی‌شان، چپها و لیبرالها، همگی با خشونت تمام قلع و قمع می‌شوند در حالی که خارج از ایران، اروپاییان در کنار شوروی‌ها تلاش می‌کنند از غیبت آمریکا به بهترین شکل به سود خود استفاده کنند. آلمان نمی‌خواهد ایران را زیر فشار قرار دهد. اشپیگل می‌نویسد: «با وجود فشار آمریکا، آلمان قصد مشارکت در فشار اقتصادی بر ایران را ندارد. به نظر آلمان این نوع فشارها برای هیچ کس سودی در بر ندارد» (از قرار معلوم

پورمحمدی عضو «هیئت مرگ» درباره اعدام‌های دهه شصت: چکار کنم؟ «پروژه لحظه‌های سخت نظام» بود!

درباره اینکه خاکستری اصولاً تداعی کننده وسط‌باز بودن و یکی به نعل و یکی به میخ زدن، و بی‌موضع بودن است گفت «من که یک آدم جدی اجرایی هستم. در مقام عمل بی‌تفاوت نیستم. مقام عمل مقام جدیت است. مقام تصمیم روشن است. عزم و اراده بر انجام فعل است. اما یک مقام دیدن است. جامعه را درست دیدن.»

مصطفی پورمحمدی از سال ۱۳۹۷ تا کنون دبیرکل «جامعه روحانیون مبارز» است؛ نهادی دینی-سیاسی که هدف آن حفظ دستاوردهای انقلاب ۵۷ است.

مصطفی پورمحمدی چند ماه پس از پیروزی انقلاب ۵۷ به عنوان دادستان انقلاب اسلامی در قوه قضاییه مشغول به کار شد و تا سال ۱۳۶۵ به عنوان دادستان خوزستان، هرمزگان، کرمانشاه و خراسان فعالیت داشت.

او که همواره با اصلاح‌طلبان رابطه خوبی داشته اما خود را اصولگرا می‌داند، در دولت محمد خاتمی قائم مقام وزارت اطلاعات و در دولت حسن روحانی وزیر دادگستری بود. او همچنین در دولت نخست محمود احمدی‌نژاد هم وزیر کشور و هم‌زمان با فعالیت دولت دوم محمود احمدی‌نژاد رئیس سازمان بازرسی کل کشور بود.

بدنامی مصطفی پورمحمدی بیش از همه به نقش او در اعدام‌های هزاران معترض و دگراندیش و فعال سیاسی در دهه شصت گره خورده است. به ویژه اعدام دستجمعی هزاران زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ که با فرمان مستقیم و فتوای روح‌الله خمینی انجام شد.

از مصطفی پورمحمدی نمایندگی وقت وزارت اطلاعات در زندان اوین، حسینعلی نیری حاکم پیشین شرع جمهوری اسلامی، مرتضی اشراقی دادستان وقت تهران و سید ابراهیم رئیسی معاون وقت دادستان تهران به عنوان اعضای «هیئت مرگ» نام برده شده که آمر و مجری اعدام زندانیان بودند.

اکنون در حالی مصطفی پورمحمدی در کمال وقاحت از این اعدام‌ها دفاع و آن فاجعه ضدبشری را «مطالبه مردم عصبانی» می‌خواند که همچنان با گذشت بیش از سه دهه، جمهوری اسلامی آزار خانواده‌ها و بازمانده‌های قربانیان این اعدام‌ها را رها نکرده است.

در هفته‌های گذشته بار دیگر درهای آرامستان خاوران که گفته محل تدفین بخشی از اعدام‌شدگان در گورهای دستجمعی است، به روی خانواده‌های دادخواه بسته شد.

منابع حقوق بشری اسفندماه گذشته نیز خبر دادند که جمعی از خانواده‌های دادخواه زندانیان سیاسی اعدام شده در دهه ۶۰ روز جمعه چهارم اسفند، «برای بزرگداشت یاد عزیزان خود به گلزار خاوران رفتند اما مأموران امنیتی با بستن در ورودی گورستان، مانع ورود آنها شدند و از آنان کارت ملی خواستند.»

بر اساس این گزارش‌ها، خانواده‌های خاوران با این خواسته مخالفت کردند و در نهایت، «با گذاردن و پرپر کردن گل‌های خود در مقابل در ورودی خاوران یاد اعدام‌شدگان را گرامی داشتند.»

گزارش منابع حقوق بشری همچنین حاکی از آنست که بیش از دو سال است که با وجود مقاومت خانواده‌های بهایی و مخالفت خانواده‌های خاوران، درگذشتگان جامعه بهایی را در بخشی از خاوران که گورهای دستجمعی اعدام‌شدگان قرار دارد، دفن می‌کنند.



کنترل کن که تدروی نشود!

این چهره بدنام امنیتی و قضایی که در دولت محمد خاتمی قائم مقام وزارت اطلاعات و در دولت حسن روحانی وزیر دادگستری بود در بخش دیگری از گفتگو مدعی شد که صدور حکم اعدام «مقتضای» کار قاضی است و «بسیاری به دست او عفو شده‌اند!»

او همچنین گفته از بازداشت‌شدگان سیاسی می‌پرسیدند که «آیا با مبارزه مسلحانه موافقی یا خیر؟ آیا بیرون بروید با ما مبارزه می‌کنی؟» و اگر جواب مثبت بود آنها را اعدام می‌کردند! مصطفی پورمحمدی گفته «اقدام قاطع و جدی حتماً پیامدهای خود را دارد» و تأکید کرده «اگر مسئولان نظام در آن زمان تجربیات امروز را داشتند، ترتیباتی می‌دادند تا حاشیه‌های این اقدام را به شدت کاهش بدهیم.»

او همچنین با انکار اینکه از درپچه روابط قضایی امنیتی وارد حوزه سیاسی شده و تا نامزدی انتخابات ریاست جمهوری اسلامی رسیده، گفت در دولت میرحسین موسوی هم حضور داشته و از همان زمان با مجلس شورای اسلامی هم ارتباط داشته است. مصطفی پورمحمدی همچنین از رابطه نزدیک خودش و آیت‌الله منتظری گفت و با این ادعا که منتظری به دیگران [احتمالاً دیگر اعضای هیئت‌های مرگ] می‌گفته «چرا مثل پورمحمدی عمل نمی‌کنید؟» گفت: «زمانی که با همین هیئت قرار شد برویم پیش آقای منتظری، رو کرد به یکی از این جماعت ما و گفت اگر این را آدم متدینی نمی‌دانستم و پورمحمدی را بچه خوبی نمی‌دانستم اصلاً راه‌تان نمی‌دادم اینجا.»

او در بخش دیگری از این مصاحبه گفت که مشکلات جامعه و کشور و مطالبات مردم و جامعه را نمی‌شود سیاه و سفید دید. عمده مسائل در هم آمیخته است. او خودش را خاکستری و ترکیبی میانه‌ی سیاه و سفید ارزیابی کرد و گفت سیاه‌ها آنهايي هستند که «ذهن بسته» دارند و فکر می‌کنند فقط آنها می‌فهمند و آنها درست می‌گویند و همه جامعه باید مثل آنها فکر کند و اگر غیر از این بود باید «زیر میز» زد. او مدعی شده که «ما» یا همان حکومتی‌ها به خاطر «بلوک‌بندی»، «جناب‌بازی»، «مافیای سیاسی»، «قدرت‌طلبی» زنگ‌ها را تیز می‌کنیم و «می‌گوییم نون توی دعواست.» مصطفی پورمحمدی در ادامه و در پاسخ به پرسش مجری

● مصطفی پور محمدی صدور و اجرای احکام فله‌ای اعدام را با کار جراحان مقایسه کرده و گفته «من چکار کنم؟ من قاضی بودم یک مقطعی. یا باید محاکمه می‌کردم یا باید کیفرخواست می‌نوشتم. یک عده جرمه می‌شدند. یک عده زندان می‌گرفتند. یک عده اعدام می‌گرفتند. مثل پزشک که نامش با جراحی گره می‌خورد!»

● این چهره بدنام امنیتی و قضایی که در دولت محمد خاتمی قائم مقام وزارت اطلاعات و در دولت حسن روحانی وزیر دادگستری بود در بخش دیگری از سخنان خود مدعی شد که صدور حکم اعدام «مقتضای» کار قاضی است و «بسیاری به دست او عفو شده‌اند!»

مصطفی پورمحمدی مدعی شده اعدام زندانیان در دهه شصت «پروژه لحظه‌های سخت نظام» بوده و «۳۰ هیئت» درباره اعدام‌ها تصمیم‌گیری می‌کردند. وی با وجود عضویت در یکی از هیئت‌های معروف به «هیئت مرگ» گفته که در آن زمان قاضی بوده و مسئولیت امنیتی نداشته و چاره‌ای نداشته است.

مصطفی پورمحمدی از چهره‌های امنیتی و قضایی جمهوری اسلامی و نامزد چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اسلامی در برنامه اینترنتی «جیوه» ادعاهای عجیبی درباره نقش‌اش در سرکوب‌ها و اعدام‌های دهه شصت، قتل‌های زنجیره‌ای، هواپیمای اوکراینی و قتل مهسا امینی مطرح کرده است.

کیهان لندن در همین ارتباط با انتشار بخشی از سخنان وی در رسانه‌های اجتماعی خود نوشت که «مصطفی پورمحمدی عضو «هیئت مرگ» که مرتکب کشتار زندانیان سیاسی در دهه شصت شد برای تبلیغ خود به عنوان نامزد سیرک انتخابات به این افتخار می‌کند که تعداد کمتری از مخالفان را اعدام کرده است!»

او در این برنامه در پاسخ به مجری که گفت «در فضای مجازی نام شما با اعدام پیوند خورده»، جنایت خود را با کار «جراح» مقایسه کرد و گفت: «من چکار کنم؟ من قاضی بودم یک مقطعی. یا باید محاکمه می‌کردم یا باید کیفرخواست می‌نوشتم. یک عده جرمه می‌شدند. یک عده زندان می‌گرفتند. یک عده اعدام می‌گرفتند. مثل پزشک که نامش با جراحی گره می‌خورد.»

پورمحمدی گفت درباره اعدام‌های دهه شصت ۳۰ هیئت در ساختار حکومت فعال بودند که هر کدام بین سه تا پنج عضو داشته‌اند. در بخش دیگری نیز صدور و اجرای احکام زندان را به گردن خود زندانیان انداخت و گفت: «مخاطب ما هیچانی بود و خون جلوی چشمانش را گرفته بود. دو سه بار می‌گفتم آقا، خانم، این حرفی که داری می‌زنی حکم قبلی‌ات باید اجرا شود.»

او همچنین پای مردم را نیز به میان کشید و مدعی شد «داستان دهه شصت خیلی فرق می‌کند. مردم مدافع ما بودند، همفکر ما بودند و اتفاقاً مطالبات مردم تندتر بود و تقاضای احکام شدیدتر داشتند.»

عضو «هیئت مرگ» گفت در دهه شصت مردم از «جنایات بزرگ» سازمان مجاهدین خلق عصبانی بودند و مقامات جمهوری اسلامی هم هراس از «تندروی و افراط» داشتند و به همین دلیل مصطفی پورمحمدی را به یکی از هیئت‌های تصمیم‌گیر دعوت کردند و به او گفتند که «کمی

دریوزگی جهت جمع کردن رأی برای «نامزد اصلح»

از علی خامنه‌ای اصولگرا تا محمد خاتمی اصلاح‌طلب و تحول‌خواه به میدان آمدند

انتخابات ریاست جمهوری اسلامی در ایران زمان باقیمانده و نظرسنجی‌های حکومتی کم‌کم به مشارکت زیر ۵۰ درصد مردم اعتراف می‌کنند. مرکز افکارسنجی «ایسپا» وابسته به جهاد دانشگاهی بر پایه آخرین نظرسنجی صورت گرفته میزان مشارکت در انتخابات را ۴۳/۹ درصد ادعا کرد. این نظرسنجی در روزهای ۲ و ۳ تیرماه به روش حضوری و با اندازه نمونه ۴۰۵۷ نفر در سراسر کشور (شهر و روستا) انجام شده است.

ایسپا نوشته تغییر محسوسی در میزان مشارکت مردم در انتخابات نسبت به موج قبل (۲۹ و ۳۰ خردادماه) رخ نداده است. بطوری که میزان مشارکت قطعی از ۴۲/۵ درصد در موج قبلی به ۴۳/۹ درصد در نظرسنجی حاضر رسیده است. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز یک نظرسنجی درباره مشارکت مردم در انتخابات منتشر و مدعی شده ۴۵/۷ درصد از مردم گفته‌اند قطعاً در این انتخابات شرکت خواهند کرد! ۳۱/۶ درصد در این خصوص مردد بوده و ۲۲/۶ درصد ابراز کرده‌اند که قطعاً در انتخابات هشتم تیر شرکت نخواهند کرد.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با امید مدعی شده که «انتظار می‌رود با نزدیک شدن به روز برگزاری چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، میزان مشارکت مردم افزایش پیدا کند.»

دیگر نظرسنجی‌ها هم هنوز مدعی مشارکت ۶۰ درصد یا بالاتر که مورد نظر حکومت است نشده‌اند. نظرسنجی صدواسیمای حکومت از مشارکت ۴۶/۸ درصدی، نظرسنجی موسسه «خرد» از مشارکت ۴۸/۵ درصدی و نظرسنجی موسسه «شناخت» نیز از مشارکت ۵۳ درصد خبر می‌دهند. تحلیلگران اما معتقدند فضای جامعه و اظهارات میدانی مردم از مشارکتی حدود ۲۰ تا نهایتاً ۳۰ درصد حکایت دارد. آمارهای جمهوری اسلامی نشان می‌دهد بیشترین مشارکت مردم در انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۶ و به میزان ۷۹/۹۲ بود که به پیروزی محمد خاتمی منتهی شد. نرخ مشارکت مردم در انتخابات جمهوری اسلامی اما طی سال‌های گذشته با کاهش قابل توجهی روبرو شده بطوری که در انتخابات دولت سیزدهم که در سال ۱۴۰۰ برگزار شد نرخ مشارکت اعلام شده توسط حکومت به ۴۸ درصد سقوط کرد. نظرسنجی‌های داخلی همچنین مسعود پزشکیان را دارای بیشترین رأی معرفی می‌کنند. محمدباقر قالیباف و سعید جلیلی در رتبه‌های دوم و سوم جایجا می‌شوند. در همین ارتباط نظرسنجی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی اعلام کرده «مسعود پزشکیان با داشتن ۲۳/۵ درصد از آراء پیشتاز است. پس از او به ترتیب انتخاب ۱۶/۹ درصد محمدباقر قالیباف، و انتخاب ۱۶/۳ درصد سعید جلیلی است. ۲/۲ درصد از این پاسخگویان سیدامیرحسین قاضی‌زاده هاشمی، ۱/۲ درصد علیرضا زاکانی و ۰/۵ درصد مصطفی پورمحمدی را به عنوان نامزد منتخب خود اعلام کرده‌اند. همچنین، ۲۸/۵ درصد از این پاسخگویان مردد بوده و هنوز نامزد موردنظرشان را انتخاب نکرده‌اند و ۳ درصد گفته‌اند که در این انتخابات رأی سفید یا باطله می‌دهند. لازم به ذکر است که دو گزینه آخر برای فرد پاسخگو خوانده نشده است.»

اینهمه در حالیکه که انصراف برخی نامزدها از ادامه رقابت نیز منتفی نیست.



برجام خوب نیست بگوید و چه گزینه دیگری دارند؟ بگویند چه کسی از دیوار سفارت‌ها بالا رفت که امروز (امکانات کریدور) ترانزیت ما به این وضعیت رسیده است؟!» او همچنین گفته بود که «هیچ کشوری در طول تاریخ نتوانسته با بستن مرزها و اینکه بخواهد تنها خودش کار کند، به رونق و رشد برسد.»

این سخنان شعاری در حالی مطرح می‌شود که نه تنها اختیار مذاکرات و روابط خارجی جمهوری اسلامی بلکه حتی اختیار صندوق رأی ریاست جمهوری نیز در دستان علی خامنه‌ای است و این موضوع دیگر حتی برای دولت‌های غربی نیز کم و بیش روشن شده است. اختلاف نظر اصلاح‌طلبان با علی خامنه‌ای درباره روابط با آمریکا اما باعث نشده که او از ظرفیت هرچند ناچیز آنها برای بالا بردن مشارکت استفاده نکند. محمدجواد ظریف به عنوان نامزد نیابتی جمهوری اسلامی طی روزهای گذشته همه استعداد و توان خود را برای بالا بردن توجه مردم به انتخابات با ایجاد فضای دوقطبی و مواضعی علیه نامزدهای اصولگرا به ویژه سعید جلیلی به کار گرفت.

در روزهای منتهی به انتخابات و با تحقق نیافتن هدف «فمایش حضور» محمدجواد ظریف، محمد خاتمی رهبر اصلاح‌طلبان هم با شعار «تحول‌خواهی» بار دیگر پا به میدان گذشته و در یک پیام ویدئویی خواستار حضور مردم در انتخابات شده است. محمد خاتمی و دیگر اصلاح‌طلبان با سخنان تکراری و رویافروشی درباره بهبود اوضاع به دنبال کسب آرا به سود مسعود پزشکیان هستند.

دیگر شخصیت‌های حکومت هم هر یک از تریبون‌های مختلفی که در دسترس دارند برای افزایش مشارکت و اثرگذاری بر بخشی از جامعه در تلاش هستند. حسین یکتا عضو فرارگاه «عمار» دست به دامان «امام زمان» و «ظهور» شده و گفته «روز انتخابات وقت امتحان ماست» و «هر کس اهل ظهور و منتظر آمدن امام زمان است، باید در پای صندوق‌های رأی حاضر شود.» این عضو فرارگاه «عمار» افزوده «امکان ندارد کسی که خود را اهل ظهور بداند، ولی هشتم تیرماه در انتخابات شرکت نکند.» کمتر از ۴۸ ساعت به آغاز برگزاری چهاردهمین دوره

● علی خامنه‌ای: هر وقت میزان مشارکت در انتخابات بالا بوده است، زبان بدگویان کوتاه شده و نتوانستند ملامت و شادی کنند!

● محمد خاتمی رهبر اصلاح‌طلبان هم با شعار «تحول‌خواهی» به میدان آمده و با «رویافروشی» و استدلال شکست‌خورده‌ی «بد و بدتر» خواستار حضور مردم در انتخابات شده است.

رهبر جمهوری اسلامی نگران تحریم گسترده انتخابات هشتم تیرماه از سوی مردم و «دراز شدن زبان دشمنان و بدگویان» است و در همین حال مشخص کرده معیارش برای «انتصاب» رئیس دولت روابط خارجی حکومت است. رژیم درمانده از بی‌توجهی مردم به انتخابات فمایشی، بار دیگر کارت «محمد خاتمی» را با حرف‌های تکراری و نخ‌نما به بازی گرفته است.

دو روز مانده به برگزاری چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری همچنان تنور انتخابات سرد است. علی خامنه‌ای در سخنان اخیر خود بر لزوم افزایش مشارکت تأکید کرده و محمد خاتمی رهبر اصلاح‌طلبان و تحول‌خواهان هم به میدان آمده و با «رویافروشی» و استدلال شکست‌خورده‌ی «بد و بدتر» خواستار حضور مردم در انتخابات شده است. علی خامنه‌ای روز گذشته در سخنرانی به مناسبت «عید غدیر» به لزوم افزایش مشارکت مردم در انتخابات اشاره کرد و گفت: «هر وقت میزان مشارکت در انتخابات بالا بوده است، زبان بدگویان کوتاه شده و نتوانستند ملامت و شادی کنند.»

او مشارکت بالا در انتخابات را موجب «سرافرازی» و نشانی از حمایت مردم از نظام ارزیابی کرد و گفت: «مشارکت بالا که ما روی آن خیلی اصرار می‌کنیم به خاطر این است که جمهوری اسلامی دشمن دارد، یکی از چیزهایی که جمهوری اسلامی را بر دشمنانش فائق می‌کند، انتخابات است. اگر در این انتخابات مشارکت خوب مردم مشاهده بشود، این مایه سرافرازی جمهوری اسلامی است. مشارکت مردم در ذات جمهوری اسلامی است.»

او در بخش دیگری از سخنانش «نامزد اصلح» را فردی دانست که سیاست رویارویی با آمریکا را ادامه دهد و گفت: «بعضی از سیاسیون در کشور ما تصور می‌کنند باید آویزان به این قدرت و آن قدرت بشوند و بدون آویزان شدن به فلان قدرت معروف و بزرگ، نمی‌شود پیش رفت. یا خیال می‌کنند که همه راه‌های پیشرفت از آمریکا می‌گذرد.»

رهبر حکومت در ادامه گفت: «این کسانی که چشم‌شان به خارج از مرزهای کشور است و این ظرفیت‌های کشور را نمی‌بینند. وقتی ندیدند، وقتی قدرش را ندانستند، طبعاً برنامه‌ریزی هم برای استفاده‌ی از آنها نمی‌کنند.»

برخی تحلیلگران این سخنان علی خامنه‌ای را نشانه‌ای از مخالفت او با ریاست جمهوری مسعود پزشکیان نامزد اصلاح‌طلبان که خاتمی وی را «تحول‌خواه» نیز معرفی کرده ارزیابی می‌کنند که نسبت به پنج رقیب اصولگرای خود مواضع ملایم‌تری نسبت به روابط و مذاکره با ایالات متحده دارد. مسعود پزشکیان وعده گشایش گره مذاکرات را به مردم داده و از بهبود روابط با ایالات متحده حمایت کرده است. او درباره مواضع نامزدهای به اصطلاح تندرو در مناظرات گفته بود: «اینها چه فرقی با ترامپ و دشمنان دارند؟ اگر می‌گویند

«ظریف» نامزد نیابتی نظام: هیئات من الچای دبش! خامنه‌ای به نامزدها: حرفی نزنید که دشمن شاد کند ما را!



شینم نعمت‌زاده دختر وزیر صمت، محمد مهدی آخوندی پسر عباس آخوندی وزیر راه و شهرسازی و محمد هادی رضوی داماد محمد شریعتمداری دیگر وزیر راه دولت روحانی، یقه‌داری نکرد و فریادی نکشید!

محمد جواد ظریف همچنین ادعا کرده «ما سرکوبگر اقلیت نیستیم مثل اقلیتی که سرکوبگر اکثریت شده است. دوستان ما به اقلیت احترام می‌گذاریم، به اقلیت توهین نمی‌کنیم. ما مثل اقلیت نیستیم که با اکثریت مردم با چماق برخورد کنیم.» البته معلوم نیست در این میان وی چه کسانی را اکثریت و چه کسانی را اقلیت می‌داند در حالی که رأی با تقلب اعلام شده‌ی اصلاح‌طلبان و اعتدال‌گرایان در نمایش انتخابات ۱۴۰۰ فقط ۳ درصد و کمتر از آرای باطله بوده است! با هیچ عقل و منطقی جور در نمی‌آید که پس از کشتار معترضان در جنبش ملی ۴۰۱ و خراب شدن اوضاع کشور از همه نظر، این سه درصد افزایش پیدا کند مگر با تصمیم نظام و تقلب!

اینهمه دروغ در حالیست که یکی از بزرگترین سرکوب‌های شهروندان در اعتراضات آبان ۹۸ با ۱۵۰۰ کشته و هزاران زخمی و بازداشتی در دولت حسن روحانی رخ داد. همچنین برای نخستین بار قطع سراسری و بلندمدت اینترنت توسط دولت حسن روحانی و با نقش‌آفرینی محمدجواد آذری جهرمی از دیگر چهره‌های فعال در ستاد انتخاباتی مسعود پزشکیان رخ داد.

شلیک به هواپیماهای اوکراینی از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که مورد حمایت تمام‌عیار اصلاح‌طلبان است در دی‌ماه ۹۸ هنگامی رخ داد که دولت حسن روحانی با وزارت خارجه محمدجواد ظریف سر کار بود. محمد جواد ظریف وقاحت و تزویر را به آنجا رسانده که حتی در تور انتخاباتی با مسعود پزشکیان بر مزار جانب‌اختگان حمله مشکویی به این هواپیما نیز حضور پیدا کرد! ظریف بود که در فایل صوتی اعتراف کرد که به سرداران و رهبری نظام در ارتباط با پنهانکاری‌های رژیم در مورد این

نظر می‌رسد حضور ضعیف و انتقادآمیز مسعود پزشکیان در بازار مکاره انتخابات و با توجه به اینکه او نتوانست به دوقطبی کردن فضا برای جلب توجه افکار عمومی موفق عمل کند، اصلاح‌طلبان با چراغ سبز علی خامنه‌ای، محمدجواد ظریف را وارد صحنه کرده‌اند.

حضور محمدجواد ظریف و عربده‌کشی‌های عصبی او از پشت تریبون بیش از آنکه «جمعیت خاکستری» را برای شرکت در انتخابات تحریک کند، با اعلام انزجار و تمسخر افکار عمومی روبرو شده است. گویی وی نیز آمده تا مانند بقیه نامزدها مردم را به تحریم تشویق کند!

محمدجواد ظریف جمعه گذشته با حضور در گردهمایی تبلیغاتی مسعود پزشکیان در شهر کاشان با فریادهای مکرر و حالتی غیرطبیعی پشت تریبون حاضر شد. او وقتی با شعار شماری از حاضران که خطاب به او فریاد «دروغگو، دروغگو» و «هیئات من‌الذله» سر دادند روبرو شد، با فریادهای مکرر و چشمانی دریده از پشت تریبون چند بار فریاد زد «هیئات من‌الذله، هیئات من‌الچای دبش، هیئات من‌الچای دبش!»

او در ادامه گفت «یادتان نیست نا نماینده کاشان که روزگار من را در مجلس سیاه کرده بود، گند چای دبش را درآورد. ببینید همه اختلاسگران از آغاز تاریخ تا آخرش را بیاورید، به اندازه چای دبش نمی‌شود.»

این فریادهای «کی بود؟ کی بود؟ من نبودم!» در حالی سر داده شد که اسناد مربوط به فساد بزرگ «گروه کشت و صنعت دبش» با برند تجاری «چای دبش» با رقم ۳ میلیارد و ۳۷۰ میلیون دلار معادل ۱۴۰ هزار میلیارد تومان از سال ۹۸ و در دولت حسن روحانی آغاز شده و در دولت ابراهیم رئیسی ادامه یافته است.

محمدجواد ظریف اما با ریاکاری برای فسادهای گسترده که در طول هشت سال دولت حسن روحانی رخ داده از جمله از سوی حسین فریدون برادر حسن روحانی، مهدی جهانگیری برادر اسحاق جهانگیری معاون اول روحانی،

● به نظر می‌رسد حضور ضعیف و انتقادآمیز مسعود پزشکیان در بازار مکاره انتخابات و با توجه به اینکه او نتوانست به دوقطبی کردن فضا برای جلب توجه افکار عمومی موفق عمل کند، اصلاح‌طلبان با چراغ سبز علی خامنه‌ای، محمدجواد ظریف را وارد صحنه کرده‌اند.

● حضور محمدجواد ظریف و عربده‌کشی‌های عصبی او از پشت تریبون بیش از آنکه «جمعیت خاکستری» را برای شرکت در انتخابات تحریک کند، با اعلام انزجار و تمسخر افکار عمومی روبرو شده است. گویی وی نیز آمده تا مانند بقیه نامزدها مردم را به تحریم تشویق کند!

● فریادهای «هیئات من‌الچای دبش» و «کی بود؟ کی بود؟ من نبودم!» از سوی ظریف در حالی سر داده شده که اسناد مربوط به فساد بزرگ «گروه کشت و صنعت دبش» با برند تجاری «چای دبش» با رقم ۳ میلیارد و ۳۷۰ میلیون دلار معادل ۱۴۰ هزار میلیارد تومان از سال ۹۸ و در دولت حسن روحانی آغاز شده و در دولت ابراهیم رئیسی ادامه یافته است.

● محمد جواد ظریف همچنین ادعا کرده «ما سرکوبگر اقلیت نیستیم مثل اقلیتی که سرکوبگر اکثریت شده است...» البته معلوم نیست وی چه کسانی را اکثریت و چه کسانی را اقلیت می‌داند در حالی که رأی با تقلب اعلام شده‌ی اصلاح‌طلبان و اعتدال‌گرایان در نمایش انتخابات ۱۴۰۰ فقط ۳ درصد و کمتر از آرای باطله بوده است! با هیچ عقل و منطقی جور در نمی‌آید که پس از کشتار معترضان در جنبش ملی ۴۰۱ و خراب شدن اوضاع کشور از همه نظر، این سه درصد افزایش پیدا کند مگر با تصمیم نظام و تقلب!

● درگیری میان شش نامزد حکومت همچنان در جریان است ولی نمایش‌های آنها نیز نتوانسته مانند نقش‌آفرینی محمدجواد ظریف بر افکار عمومی موثر باشد در حالی که همزمان از عمق افتضاح و فساد که در ساختار جمهوری اسلامی جاریست بیش از پیش پرده برداشته است. فضای انتخاباتی که جمهوری اسلامی به دنبال «پرشور» شدن آن بود حالا به فضایی «مسموم» علیه خود حکومت تبدیل شده است.

● علی خامنه‌ای: من توصیه‌ام این است که این مباحثاتی که آقایان نامزدها در تلویزیون با هم می‌کنند یا اظهاراتی که می‌کنند یا در جمع‌شان یا تک‌تک، این اظهارات موجب نشود که یک نامزدی برای غلبه بر رقیب حرفی بزند که دشمن شاد کند ما را!

صحنه چهاردهمین دوره انتخابات نمایشی ریاست جمهوری اسلامی با بازیگری محمدجواد ظریف در روزهای گذشته به معنای واقعی به «سیرک» تبدیل شده است. درگیری‌های جریان‌ات درون حکومت به جایی رسیده که رهبر جمهوری اسلامی از تریبون رسمی درباره مواضع «دشمن‌پسند» و «دشمن‌شادکن» نامزدها تذکر داده است. محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه دولت حسن روحانی به یکی از بازیگران گرم کردن تنور سرد نمایش انتخابات در روزهای گذشته تبدیل شده و تلاش کرده به چهره محوری چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اسلامی برای یک نامزد دیگر تبدیل شود که اصلاح‌طلبان رژیم تا همین چند وقت پیش عارشان می‌آمد او را جزو خود بدانند! به

درخواست توقیف اموال خانواده یک زندانی سیاسی به سود «ستاد اجرایی فرمان امام»!



۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی تهران او را به ۱۵ سال حبس تعزیری محکوم کرد.

وی در اسفندماه ۹۹ از زندان اوین به زندان سمنان تبعید شد. خبرگزاری «هرانا» گزارش داده که این زندانی سیاسی بدون رعایت اصل تفکیک جرائم و عدم وجود امکانات بهداشتی در بند عمومی این زندان بسر می‌برد.

دادگاه اتهام این زندانی سیاسی را «هواداری از سازمان مجاهدین خلق» اعلام کرده اما حسن جعفری همسر مریم اکبری منفرد گفته «تنها ارتباط» او با این سازمان «چند تماس تلفنی با خواهر و برادرش در کمپ اشرف در عراق» بوده است. سه برادر و یک خواهر مریم اکبری منفرد نیز در کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ اعدام شدند. مریم اکبری منفرد همچنین بهمن ۱۳۹۵ شکایتی را در کارگروه «ناپدیدشدگان قهری» سازمان ملل ثبت کرد و از این نهاد خواست تا جمهوری اسلامی را درباره پرونده و سرنوشت خواهر و برادرش که در سال ۱۳۶۷ اعدام شدند مورد سوال قرار دهد.

سازمان حقوق بشر ایران شهریور گذشته اعلام کرد که این زندانی سیاسی در پرونده‌ای جدید در شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری سمنان، با اتهام «نشر اکاذیب در فضای مجازی»، به دو سال حبس تعزیری جدید و ۱۵۰ میلیون ریال جریمه نقدی محکوم شده است. یک منبع آگاه به سازمان حقوق بشر ایران گفته بود که یک پرونده مریم اکبری منفرد مربوط به دوران حبس این زندانی در زندان اوین است و او به «تبلیغ علیه نظام» متهم شده است.

او در پرونده دیگری که در زندان سمنان علیه او گشوده شد به مواردی چون «توهین به رهبری»، «تبلیغ علیه نظام»، «اجتماع و تبانی»، «نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی» و «تحریک مردم علیه امنیت داخلی و خارجی» متهم شد. منابع حقوق بشری پیشتر گزارش داده بودند که نامه‌ها، حمایت‌های این زندانی از دیگر زندانیان، و انتقال گزارش‌ها و اخبار به بیرون از زندان از جمله مصادیق اتهامات او در دو پرونده جدید بوده است.

● در پرونده جدید مریم اکبری منفرد توقیف و تملک اموال خانواده اکبری منفرد و بستگان او به سود «ستاد اجرایی فرمان امام» درخواست شده است!

● این زندانی سیاسی که ۱۵ سال است بدون حتی یک روز مرخصی در زندان بسر می‌برد و در حال گذراندن آخرین ماه‌های حبس خود است، در پرونده دیگری به دو سال زندان محکوم شده است.

● وی دی ۱۳۸۸ در پی اعتراضات آن سال در روز «عاشورا» بازداشت شد و ابوالقاسم صلواتی در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی تهران او را به اتهام «هواداری از سازمان مجاهدین خلق» به ۱۵ سال حبس تعزیری محکوم کرد.

مریم اکبری منفرد زندانی سیاسی تنها چند ماه به پایان دوران محکومیت ۱۵ ساله با پرونده جدیدی روبرو شده است. در این پرونده «ستاد پیگیری و نظارت پرونده‌های اصل ۴۹ قانون اساسی» خواستار توقیف اموال خانواده و بستگان مریم اکبری منفرد به سود «ستاد اجرایی فرمان امام» شده است!

حسین تاج وکیل مریم اکبری منفرد در گفتگو با «شبکه شرق» از طرح پرونده جدیدی در شعبه ۶ دادگاه انقلاب علیه موکل خود خبر داده که پانزده سال است بدون حتی یک روز مرخصی در زندان بسر می‌برد. به گفته حسین تاج این زندانی سیاسی که در حال گذراندن آخرین ماه‌های ۱۵ سال زندان است، در پرونده دیگری هم به دو سال زندان محکوم شده است. حسین تاج گفته «مهرماه سال جاری، ۱۵ سال حبس خانم اکبری منفرد در پرونده اول به پایان می‌رسد. او در این مدت حتی یک روز هم به مرخصی اعزام نشده است. خانم اکبری منفرد همچنین به ۲ سال حبس بابت پرونده دیگری محکوم شده است. اخیراً هم پرونده جدیدی علیه او تشکیل شده که مبنای آن، درخواست ستاد پیگیری و نظارت پرونده‌های موضوع اصل ۴۹ قانون اساسی است.»

به گفته این وکیل دادگستری «در ادعای مطروحه از سوی این ستاد، مطالبی به خانواده خانم اکبری منفرد و بستگان او نسبت داده شده است. و این ستاد درخواست توقیف و تملک اموال خانواده اکبری منفرد و بستگان او به سود «ستاد اجرایی فرمان امام» را داده است. این پرونده به شعبه ۶ دادگاه انقلاب ارجاع شده، این شعبه مخصوص رسیدگی به موارد مربوط به اصل ۴۹ قانون اساسی است. هنوز زمان رسیدگی به این پرونده مشخص نشده و صرفاً برای مرداد ماه، وقت نظارت تعیین شده است.»

حسین تاج با اشاره به اصل فقهی و حقوقی «شخصی بودن جرائم و مجازات‌ها» گفته که «اصل شخصی بودن جرائم و مجازات‌ها که هم در فقه و هم در حقوق بین‌الملل و قانون مجازات ایران، تاکید دارد که مجازات صرفاً باید به فرد وارد شود و نزدیکان او را شامل نشود. به همین دلیل، امیدواریم شعبه محترم، موارد مطروحه از سوی ستاد پیگیری و اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی را نپذیرد و حتی وارد رسیدگی به پرونده نشود.»

مریم اکبری منفرد فعال سیاسی و از خانواده‌های دادخواه اعدام‌شدگان دهه شصت در زندان سمنان محبوس است.

مریم اکبری منفرد متولد سال ۱۳۵۴ متأهل و دارای سه فرزند است. او ۱۰ دی ۱۳۸۸ در پی اعتراضات آن سال در روز «عاشورا» بازداشت شد و ابوالقاسم صلواتی در شعبه

فاجعه گفته است که اگر آنها موشک را زده‌اند به او بگویند تا «علاج» کند! با چنین کارنامه‌ای است که خانواده جانبازگان این پرواز نیز به نمایش اصلاح‌طلبان واکنش نشان داده و این اقدام ظریف را به عنوان سخنگو و نیروی نیابتی پزشکیان «وقیحانه» دانستند.

محمدجواد ظریف در حالی در شهرستان‌های مختلف لاف عدم سرکوبگری می‌زند که وقتی وزیر امور خارجه دولت روحانی بود در واکنش به محکومیت به اعدام شهروندان معترض و فعالان سیاسی در جمهوری اسلامی گفته بود: «این اعدام‌ها مربوط به قاچاقچیان مواد مخدر است و ما به مقابله با این معضل افتخار می‌کنیم.»

محمدجواد ظریف همچنین در کاشان در حالی که تلاش می‌کند خود را ذوب در علی خامنه‌ای و معتمد وی نشان دهد، با سخنانی اینطور القاء کرد که اصلاح‌طلبان ظاهراً رقیب اصلی خود در انتخابات هشتم تیرماه را سعید جلیلی می‌دانند. او گفت قاسم سلیمانی گفته بود که اگر جلیلی رئیس جمهور بشود من نمی‌مانم.

او در سخنانی مطرح کرد که «دوستان خودتان در حزب پایداری گفتند، سردار سلیمانی گفت اگر جلیلی رئیس جمهور بشود من نمی‌مانم. شما همه مخالفانات را به اسم شهید، به اسم شهید سلیمانی خفه کردید. آیا صحبت‌های شهید سلیمانی را نشنیدید که گفت آن دختر بدحجاب هم دختر من است. نشنیدید؟ چرا روی سرش باتوم زدید؟ شما میراث دار سلیمانی نیستید. با خون شهید کاسی نکنید. مردم ایران اگر می‌خواهند این اقلیت پرگو به خانه‌های خود برگردند، روز جمعه از خانه‌های خود بیرون بیایید.»

او در این سخنان نشان داد نقش ویژه او در سیرک انتخابات با این نمایش مضحک و عصبی، کشاندن مردم پای صندوق رأی و فقط بالا بردن حضور رأی‌دهندگان در انتخابات است!

مسعود پزشکیان نامزد اصلاح‌طلبان در تأیید این هدف شامگاه پنجشنبه ۳۱ خردادماه در دومین دور مناظره‌های انتخاباتی گفته بود «هر کسی به ستاد من بیاید می‌پذیرم چون می‌خواهم رأی بگیرم!» وی افزود هیچ برنامه‌ی ویژه‌ای برای اداره کشور جز «سیاست‌های کلی مقام معظم رهبری» ندارد. پزشکیان همچنین تأکید کرد «خط قرمز من سیاست‌های مقام معظم رهبری است.»

درگیری میان شش نامزد حکومت همچنان در جریان است ولی نمایش‌های آنها نیز نتوانسته مانند نقش‌آفرینی محمدجواد ظریف بر افکار عمومی موثر باشد در حالی که همزمان از عمق افتضاح و فساد که در ساختار جمهوری اسلامی جاریست بیش از پیش پرده برداشته است.

فضای انتخاباتی که جمهوری اسلامی به دنبال «پرشور» شدن آن بود حالا به فضایی «مسموم» علیه خود حکومت تبدیل شده است. به همین دلیل علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی هشدار داده که از سوی نامزدها و مشاوران و فعالان ستادهایشان «حرف دشمن‌پسند زده نشود». او گفته «من توصیه‌ام این است که این مباحثاتی که آقایان نامزدها در تلویزیون با هم می‌کنند یا اظهاراتی که می‌کنند یا در جمعشان یا تک‌تک، این اظهارات موجب نشود که یک نامزدی برای غلبه بر رقیب حرفی بزند که دشمن شاد کند ما را!»

چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری چهار روز دیگر، جمعه هشتم تیرماه، برگزار خواهد شد. این نمایش زودهنگام پس از سقوط مشکوک هلی‌کوپتر و کشته شدن سیدابراهیم رئیسی معروف به قاضی مرگ که یکشنبه ۳۰ اردیبهشت در ارتفاعات استان آذربایجان شرقی روی داد برگزار می‌شود.

ناکامی نامزدهای جانشینی «قاضی مرگ» در ارائه وعده‌های اقتصادی که بتواند تنور نمایش انتخابات را گرم کند



کردن دارد.

او همچنین گفته «مردم روی شعارهای بوری نامزدها حساب باز نکنند». وی تأکید کرده بازار بیش از آنکه به وعده‌های بوری نمایندگان نگاه کند، به رویکرد آنها در زمینه سیاست خارجی و گشایش‌ها یا بسته شدن تجارت خارجی بعد از پیروزی هر یک از آنها نگاه می‌کند. او توضیح داده که «با توجه به تضاد دو طیف کاندیدها قرار دارد. این دو تأثیری که بورس از انتخابات می‌پذیرد را قوی‌تر از دوره‌های قبلی خواهد کرد. قطعاً اینکه کدام گفتمان برنده شود برای بازار سرمایه و برای اقتصاد مهم خواهد بود.» موسی عنبری استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه تهران نیز با اشاره به وعده رشد اقتصادی پنج تا هشت درصد که از سوی نامزدهای انتخابات مطرح شده، نوشته «با توجه به چالش‌هایی که تاکنون در حوزه کمبودهای آب، تخریب جنگل‌ها، ریزگردها و خشک شدن برخی تالاب‌ها و مسائل محیط‌زیستی تجربه کرده‌ایم، آیا امکان تحقق رشد بالا برای کشور میسر است؟»

او در ادامه این یادداشت نوشته «رشد نباید به تخریب بسترهای اکولوژیک کشور انجامد. چه تعادلی باید بین رشد کشاورزی و رشد صنعتی و خدمات در کشور ایجاد شود تا پایداری در توسعه ما اتفاق افتد؟ شاید به‌عنوان نمونه، تأکید بر موضوعی به‌نام «گردشگری» رشدی هم‌سو و دوست‌دار طبیعت را برای ما به ارمغان آورد. بنابراین، لازم است که رشد و معیشت پایدار با تأکید بر عدالت محیط‌زیستی در بستر ملی و جهانی، شعار محوری برای همه کاندیداهای ریاست‌جمهوری باشد.»

خرگزاری «رویترز» نیز امروز چهارشنبه ششم تیرماه در گزارشی به عدم توجه مردمی که با مشکلات متعدد اقتصادی روبرو هستند به وعده‌های انتخاباتی ریاست جمهوری پرداخته است.

«رویترز» با اشاره به بحرانی که جمهوری اسلامی پس از خروج دونالد ترامپ از برجام و بازگشت تحریم‌ها

اولویت او «یارانه طلایی» با پرداخت سالیانه ۲۰ میلیون تومان به هر ایرانی است.

علیرضا زاکانی در ادامه وعده‌های فریبکارانه افزود در صورت پیروزی در انتخابات، قیمت بنزین را به ۱۵۰۰ تومان بازمی‌گرداند، بساط قاچاق، ناترازی انرژی و آسیب‌زدن به محیط زیست را جمع می‌کند و با برنامه‌های او، بیش از ۹۰ درصد مردم ثروتمند می‌شوند!

دو بازار بورس و مسکن نیز مورد توجه ویژه برخی نامزدها قرار گرفت. سردار پاسدار محمدباقر قالیباف هم گفته «چشم‌انداز ما این است که یک کارمند ایرانی اگر همه درآمدش را برای مسکن قرار دهد بتواند بعد از ۷ سال صاحب خانه شود در صورتی که این شاخص در حال حاضر ۱۳ سال است.»

علیرضا زاکانی شهردار کنونی تهران مدعی شده که امروز اگر تدبیر دولت به دادن مشوق برای ترمیم بافت‌های ناپایدار و فرسوده صورت بگیرد، «مردم خودشان با این نقدینگی سرگردان می‌توانند خانه‌ها را بسازند و بجای چهار میلیون وعده دولت، مردم ۱۰ میلیون واحد خانه می‌سازند.» درباره بازار بورس نیز که در طول سه سال گذشته با نوسانات شدیدی روبرو بوده و سرمایه‌گذاران زیادی را فراری داده، در وعده‌های برخی نامزدها پررنگ بود.

مصطفی پورمحمدی از چهره‌های امنیتی و قضایی جمهوری اسلامی، و از اعضای «هیئت مرگ» گفته در صورت پیروزی در انتخابات و طی یک سال تراز بازار بورس را مثبت خواهد کرد.

او «دخاله دولت در بورس، فقدان شفافیت، حضور دولتی‌ها و شبه‌دولتی‌ها به عنوان مانع رقابت واقعی و تعارض منافع نهادها در بازار بورس» مشکلات اصلی بازار بورس هستند.

حسن حسین نیا تحلیلگر بازار سرمایه با تأکید بر اینکه «فی‌شود روی کامنت‌ها یا شعارهای انتخاباتی حساب باز کرد» گفته شعارهای اقتصادی نامزدها بیشتر جنبه رأی جمع

دامنه وعده‌های اقتصادی از کلی‌گویی‌های شعارگونه تا وعده‌های فریبکارانه گسترده بود و هیچ نامزدی نتوانست با تکیه بر این وعده‌ها در میان بیش از ۶۱ میلیون رأی‌دهنده پایگاهی بسازد و آرای آنها را به سوی خود جلب کند. حسن حسین نیا تحلیلگر بازار سرمایه با تأکید بر اینکه «فی‌شود روی کامنت‌ها یا شعارهای انتخاباتی حساب باز کرد» گفته شعارهای اقتصادی نامزدها بیشتر جنبه جمع کردن رأی دارد.

«رویترز» با اشاره به بحران‌های متعدد اقتصادی در ایران نوشته غالب رأی‌دهندگان معتقدند اقتصاد ایران با موضوع مذاکرات هسته‌ای و گشایش روابط بین‌المللی گره خورده است.

روزنامه «فایننشال تایمز» نوشته پیروز انتخابات، با مشکلات اقتصادی مختلفی روبرو خواهد بود که با خروج دولت دونالد ترامپ از برجام تشدید شده است.

تبلیغات انتخاباتی بمب‌های جمهوری اسلامی ساعتی دیگر پایان می‌یابد آنهم در حالی که آنچه شش نامزد مورد نظر علی خامنه‌ای در روزهای گذشته در حوزه اقتصاد مطرح کردند جملاتی شعاری و بی‌پشتوانه و عوام‌فریبانه بوده و نتوانسته اعتماد عمومی را جلب کند.

نامزدهای چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری تا آخر وقت امروز چهارشنبه ششم تیرماه فرصت تبلیغات داشتند و عیار هر یک از آنها از توجه به دغدغه‌های مردم و مشکلات کشور مشخص شده است.

مشکلات اقتصادی و معیشتی را می‌توان عمومی‌ترین دغدغه بخشی از جامعه ارزیابی کرد که وعده‌های نامزدهای انتخابات برای آنها مهم است. اما هیچ‌یک از شش نامزد نتوانسته‌اند در روزهای گذشته برنامه شفاف و کارآمد اقتصادی ارائه کنند.

دامنه وعده‌های اقتصادی از کلی‌گویی‌های شعارگونه تا وعده‌های فریبکارانه گسترده بود و هیچ نامزدی نتوانست با تکیه بر این وعده‌ها در میان بیش از ۶۱ میلیون رأی‌دهنده پایگاهی بسازد و آرای آنها را به سوی خود جلب کند.

نامزدهایی که همگی سال‌ها سابق قانونگذاری و اجرایی در کشور دارند، بجای ارائه راهکار، به توضیح و تفسیر مشکلات، آنهم با لحن طلبکار، پرداختند و انگشت اتهام را به سوی یکدیگر دراز کردند.

وعده‌هایی کلی بدون اینکه پشتوانه آنها مشخص باشد از جمله کاهش تورم، دستیابی به رشد اقتصادی بر اساس برنامه توسعه هفتم، کاهش فقر، افزایش اشتغال، مسکن ارزان، افزایش حقوق‌ها و اجرای قانون همسان‌سازی دستمزد از جمله مواردیست که لابلای ادعاها و وعده‌های نامزدها مطرح شد.

برای نمونه محمدباقر قالیباف بجای ارائه طرح و برنامه، در مناظره آخر با جملاتی کلی گفت: «مردم دغدغه‌هایی همچون اجاره مسکن دارند که با سررسید اجاره خانه‌شان، کجا زندگی کرده و در کدام حاشیه شهر رفته و به کدام روستا پناه ببرند؛ آنها در حوزه تحصیلات و معیشت مشکل داند پس برای مردم آرامش ایجاد کنیم.»

پوپولیسیتی‌ترین وعده‌ها نیز از سوی علیرضا زاکانی شهردار کنونی تهران ارائه شد. او با شعار «عدالت و توزیع عادلانه کشور و خلق ثروت» به میدان آمده و تأکید کرد

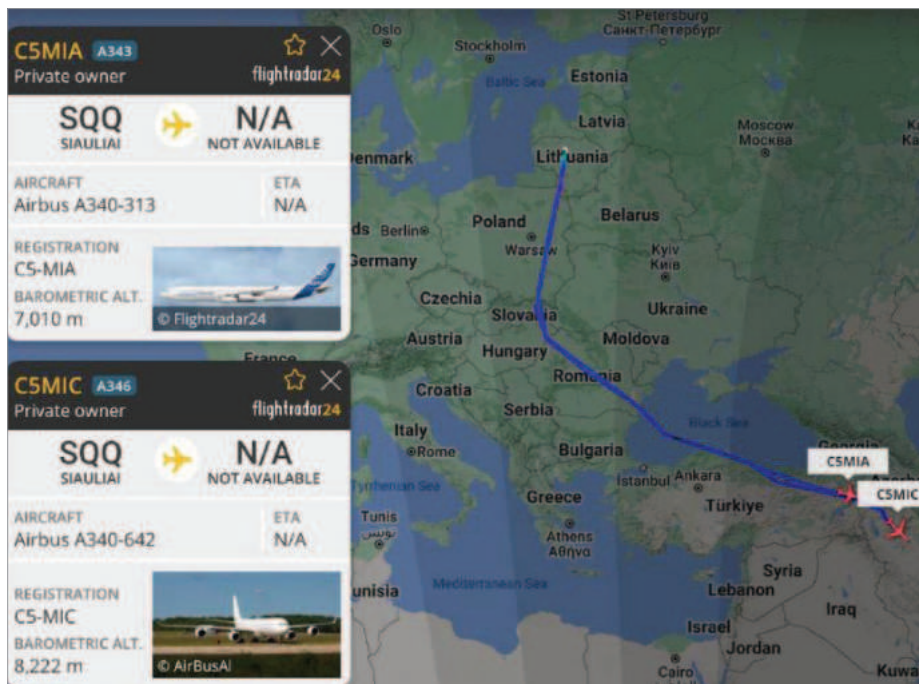
ایران به زمین بنشیند.

منابع خبری لیتوانی گزارش دادند اواخر فوریه ۲۰۲۴ (اسفند ۱۴۰۲) دو فروند هواپیمای ایرباس A340 متعلق به شرکت «ماکا اینوست» (Macka Invest) گامبیا که قرار بود از فرودگاه «شولی» لیتوانی به مقصد سرلانکا در جنوب غربی آسیا پرواز کنند، از ایران سر درآوردند.

روزنامه «اورشلیم پست» ۲۳ ژوئن (سوم تیرماه) گزارش داد فرستنده‌های این هواپیماها که امکان شناسایی آنها را در رادارهای کنترل ترافیک هوایی فراهم می‌کرد، پس از ورود به حریم هوایی ایران خاموش شدند. پایگاه داده هوانوردی ch-aviation گزارش داد که یک فروند هواپیما در فرودگاه مهرآباد تهران و دیگری در فرودگاه گنارک نزدیک چابهار به زمین نشستند.

برخی منابع ادعا کردند هواپیمای سوم شرکت گامبیایی به دلیل نقص فنی در فرودگاه شولی لیتوانی باقی ماند و از پرواز احتمالی به ایران بازماند اما مدیر فرودگاه شولی گفت که از پرواز هواپیمای سوم جلوگیری شد زیرا به

دو هواپیمای ایرباس که از لیتوانی به سرلانکا پرواز می‌کردند به طرز مشکوکی در ایران فرود آمدند



اطلاعات مربوط به پرواز دو هواپیمای ایرباس که در ایران فرود آمدند

نظر می‌رسد که آن هواپیما نیز احتمالاً در ایران به زمین بنشیند.

در دسامبر ۲۰۲۲ نیز گزارش شده بود چهار فروند هواپیمای تجاری ایرباس A340 که از ژوهانسبورگ به مقصد ازبکستان پرواز می‌کردند، فرستنده‌های خود را خاموش کردند و ظاهراً در ایران فرود آمدند.

شرکت‌های هواپیمایی داخلی ایران به علت تحریم‌ها از راه‌های غیرقانونی اقدام به وارد کردن هواپیماهای فرسوده و قدیمی از شرکت‌های گمنام می‌کنند.

برخی منابع غیررسمی می‌گویند این دو هواپیما توسط آمریکا تحریم شده بودند اما حین پرواز از لیتوانی به فیلیپین و سرلانکا رفته بودند.

رسانه‌های لیتوانی مدعی شدند «ماهان ایر» این دو هواپیما را پنهانی به ایران وارد کرده است. شرکت هواپیمایی ماهان که از سال ۲۰۱۱ تحت تحریم‌های آمریکا قرار دارد، در تابستان گذشته نیز یک هواپیمای از رده خارج شده ایرباس را از طریق اندونزی وارد ایران کرده بود.

● منابع خبری لیتوانی گزارش دادند اواخر فوریه ۲۰۲۴ (اسفند ۱۴۰۲) دو فروند هواپیمای ایرباس A340 متعلق به شرکت «ماکا اینوست» (Macka Invest) گامبیا که قرار بود از فرودگاه «شولی» لیتوانی به مقصد سرلانکا در جنوب غربی آسیا پرواز کنند، از ایران سر درآوردند.

● روزنامه «اورشلیم پست» ۲۳ ژوئن (سوم تیرماه) گزارش داد فرستنده‌های این هواپیماها که امکان شناسایی آنها را در رادارهای کنترل ترافیک هوایی فراهم می‌کرد، پس از ورود به حریم هوایی ایران خاموش شدند. پایگاه داده هوانوردی ch-aviation گزارش داد که یک فروند هواپیما در فرودگاه مهرآباد تهران و دیگری در فرودگاه گنارک نزدیک چابهار به زمین نشستند.

● برخی منابع ادعا کردند هواپیمای سوم شرکت گامبیایی به دلیل نقص فنی در فرودگاه شولی لیتوانی باقی ماند و از پرواز احتمالی به ایران بازماند اما مدیر فرودگاه شولی گفت که از پرواز هواپیمای سوم جلوگیری شد زیرا به نظر می‌رسد که آن هواپیما نیز احتمالاً در

برای فروش نفت دارد اشاره کرده و نوشته این بحران تورم را در سطح ۴۰ درصد ثابت نگه داشته و دولت را با کسری بودجه شدیدی روبرو کرده بطوری که به افزایش درآمدهای مالیاتی متوسل شده است.

این گزارش تأکید کرده هرچند جمهوری اسلامی با تخفیفات زیادی توانسته چین را به عنوان مشتری نفتی حفظ کند و کمی فروش نفت خام را بالا برد اما همچنان سطح صادرات نفت ایران خیلی پایین‌تر از سال ۲۰۱۸ و پس از خروج ایالات متحده در هشتم ماه مه همان سال برجام است.

«رویتز» با این مقدمه و با اشاره به کاهش شدید ارزش پول ملی و افزایش قیمت‌ها در بازارهای مختلف مصرفی که بر معیشت خانوار فشار وارد کرده، نوشته غالب رأی‌دهندگان معتقدند اقتصاد ایران با موضوع مذاکرات هسته‌ای و گشایش روابط بین‌المللی گره خورده است؛ با اینهمه اکثر نامزدها بر انکاب اقتصاد بدون نفت برای کاهش اثرات تحریم اصرار کرده و تنها مسعود پزشکیان نامزد اصلاح‌طلب و سعید جلیلی که نامزد تندرو و اصولگراست بر لزوم باز کردن روابط برای کمک به اقتصاد تأکید داشتند. روزنامه «فایننشال تایمز» نیز روز گذشته در گزارشی موضوع اقتصاد ایران و چالش‌های نامزدی که نام او از صندوق رأی خارج شود پرداخته است. بر اساس این گزارش پیروز انتخابات، با مشکلات اقتصادی مختلفی روبرو خواهد بود که با خروج دولت دونالد ترامپ از برجام تشدید شده است.

سال‌ها تجربه تورم ۴۰ درصدی و بالاتر، کاهش فزاینده ارزش ریال، و تداوم ناتوانی حکومت از فروش نفت از جمله موارد زمینه‌ساز انواع چالش برای رئیس جمهوری بعدی در حوزه اقتصاد ارزیابی شده است.

این گزارش همچنین اتومبیل پراید معروف به «ارابه مرگ» را به عنوان معیار سنجش وضعیت اقتصاد کشور مورد ارزیابی قرار داده و نوشته یک دهه پیش در ایران یک خانواده چهار نفره کارگری با دستمزدی حداقلی می‌توانست با ۱/۴ برابر درآمد سالیانه خود یک اتومبیل پراید خریداری کند. این در حالیست که همین خانوار اکنون باید سه برابر درآمد سالیانه خود را برای خرید این اتومبیل هزینه کند! خبرگزاری «آسوشیتدپرس» نیز هفته گذشته در گزارشی میدانی از وضعیت اقتصادی مردم در بنبوه چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اسلامی به محبوبیت «همستر کامبت» در ایران اشاره و تأکید کرده وعده‌های اقتصادی نامزدها نتوانسته توجه مردم را جلب کند.

این گزارش نوشته محبوبیت «همستر کامبت» در ایران این حقیقت تلخ را نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی در آستانه انتخابات برای مشخص شدن جانشین ابراهیم رئیسی، با یک اقتصاد ویران به دلیل تحریم‌های غرب، تورم شدید و بحران اشتغال روبروست.

این گزارش اشتیاق مردمی را که حتی در خیابان و پشت چراغ قرمز خیابان‌ها هم در حال ضربه زدن روی گوشی خود و بازی با اپلیکیشن «همستر کامبت» هستند، نشانه «نامیدی» مردم از حال و آینده اقتصاد ارزیابی کرده است. «آسوشیتدپرس» نوشت قیمت دلار که چند سال پیش و در زمان توافق هسته‌ای و امضای برجام حدود سه هزار تومان بود اکنون به ۵۸ هزار تومان رسیده است. هزینه جاری زندگی مردم بطور مداوم در حال افزایش است بطوریکه طی یک سال گذشته قیمت میوه و سبزیجات ۵۰ درصد، قیمت گوشت ۷۰ درصد، نرخ تاکسی دو برابر و نرخ بلیت مترو که ارزان‌ترین وسیله حمل و نقل است نیز ۳۰ درصد افزایش یافته است.

احضار محمد حبیبی فعال صنفی آموزگاران چند روز پس از انتقاد از مشاور فرهنگی پزشک‌یان نامزد انتخابات نمایشی!



پزشک‌یان گفت: «در مورد اخراج اساتید به نحوی صحبت کردید که با استادی که تخلف هم کرده می‌خواهید مباحثات کنید؛ دکتر فاضلی که کنار شما هستند عضو هیئت علمی پیمانی دانشگاه شهید بهشتی بودند، طبق مقررات عضو هیئت علمی عضو پیمانی نه می‌تواند مأمور باشد نه خارج از دانشگاه سمت بگیرد. ایشان در ریاست جمهوری و وزارت نیرو سمت داشتند و طبق گفته رئیس دانشگاه و مدیر گروه دو سال مراجعه و حضور در دانشگاه نداشتند، ۸ سال دوره پیمانی‌شان طول کشیده اخراج شدند! چه «ام شنگه‌ای» در دانشگاه‌ها و رسانه‌ها راه انداختند. ۹۰ هزار عضو هیئت علمی داریم، به خاطر ۵ نفر حیثیت آموزش عالی ما را خدشه‌دار کردند. اینها بازی سیاسی است، مقهور بازی‌های سیاسی نشوید.»

پس از این جملات محمد فاضلی ناگهان برآشفته شد و به شهاب اسفندیاری گفت «دروغ می‌گویید». او با عصبانیت و پرخاش بدون اینکه درباره علت اخراج‌اش از هیئت علمی دانشگاه توضیحی ارائه دهد، از جای خود بلند شد و میکروفون را پرت کرد و از استودیو بیرون رفت!

او دقایقی بعد پستی در شبکه «ایکس» منتشر اما بعد از ساعتی آن را پاک کرد. تصویر این پست اما همچنان در شبکه‌های اجتماعی موجود است. او نوشته بود: «دکتر پزشک‌یان شایسته اون برخورد بود. وقتی برای حمایت از او به صداوسیما رفته‌ام، توهین آمیز، من را بی‌فرهنگ خطاب بکنند، پاسخش ترک صداوسیما حکومت و نامزد کوتاه‌قامت است. ما بازپچه کوتاه‌قامتان نیستیم.»

محمد حبیبی با کنایه به بیانیه حمایتی محمد فاضلی از شرکت در انتخابات نوشته: «سخت بود آقای محمد فاضلی؟ دفعه بعد که خواستی بیانیه روزنه‌گشایی بدهی، به هزاران معلم و دانشجو و کارگری فکر کن که بازداشت شدند، کتک خوردند، حبس کشیدند، تحقیر شدند و اخراج شدند. به آن بازنشسته‌ای که در مقابل چشمان همسرش، دستش را شکستند. به دخترانی که هر روز سرکوب می‌شوند.»

هیچوقت نتایج تحقیقات این نهادها اعلام نشد و در نهایت کل ماجرای تروریستی گسترده در سطح کشور را به «مجبک بدبو» مرتبط دانستند.

نجات بهرامی یکی از مقامات پیشین وزارت آموزش و پرورش در گفتگو با «کیهان لندن» مسموم ساختن دانش‌آموزان را اقدامی از سوی جریانی در درون حکومت اعلام کرده بود.

محمد حبیبی پیشتر در تاریخ دهم اردیبهشت ماه ۱۴۰۱، در ارتباط با پرونده‌های دیگر توسط نیروهای امنیتی در تهران بازداشت و در تاریخ نوزدهم بهمن‌ماه همان سال، از زندان اوین آزاد شده بود. جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات محمد حبیبی در این پرونده در مهرماه ۱۴۰۱ در دادسرای اوین برگزار شد.

محمد حبیبی در آبان ماه ۱۴۰۱ توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران از بابت اتهام اجتماع و تبانی به سه سال و هفت ماه، بابت اتهام تبلیغ علیه نظام به یک سال حبس، دو سال محرومیت از فعالیت و عضویت در گروه‌ها و منع خروج از کشور محکوم شده بود.

پرونده جدید علیه محمد حبیبی آنهم در رابطه با پرونده‌های که یکبار پیشتر در آن محاکمه شده نشان از تشدید فضای سرکوب در کشور در آستانه انتخابات نمایشی ریاست جمهوری اسلامی دارد که قرار است هشتم تیرماه برگزار شود.

محمد حبیبی پس از آنکه به محمد فاضلی مشاور فرهنگی مسعود پزشک‌یان که فعلاً فقط نامزد انتخابات نمایشی است انتقاد کرد، به قوه قضاییه احضار شده است!

شامگاه چهارشنبه گذشته مسعود پزشک‌یان به همراه محمد فاضلی و محمد بهشتی دو مشاور «فرهنگی» خود در میزگرد فرهنگی انتخابات در شبکه دو صداوسیما حکومت حضور پیدا کردند.

در بخش پایانی میزگرد که به صورت زنده پخش می‌شد، شهاب اسفندیاری کارشناس برنامه خطاب به مسعود

● محمد حبیبی فعال صنفی آموزگاران و سخنگوی کانون صنفی معلمان تهران برای دفاع درباره اتهام «اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی کشور» به شعبه دوم دادگاه انقلاب اسلامی شهریار احضار شده است.

● این فعال صنفی پس از آنکه به محمد فاضلی مشاور فرهنگی مسعود پزشک‌یان که فعلاً فقط نامزد انتخابات نمایشی است انتقاد کرد، به قوه قضاییه احضار شده است!

● محمدحبیبی با انتشار مطلبی در شبکه «ایکس» این احضار را «غیرقانونی» خوانده و نوشته است: «برای پرونده‌ای که یکبار محاکمه شده‌ام، به دادگاه احضار شده‌ام.»

محمد حبیبی فعال صنفی آموزگاران با تشکیل پرونده جدیدی به «اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی کشور» متهم شده در حالی که در گذشته به همین اتهام یکبار محاکمه شده است. محمد حبیبی چند روز پیش به یکی از مشاوران مسعود پزشک‌یان نامزد انتخابات ریاست جمهوری شدیداً انتقاد کرده بود.

محمد حبیبی فعال صنفی آموزگاران و سخنگوی کانون صنفی معلمان تهران برای دفاع درباره اتهام «اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی کشور» به شعبه دوم دادگاه انقلاب اسلامی شهریار احضار شده است.

نهادهای صنفی آموزگاران گزارش داده‌اند که محمد حبیبی سال گذشته و در فروردین‌ماه سال ۱۴۰۲ به خاطر اعتراض به مسمومیت‌های سریالی دانش‌آموزان بازداشت شد و در دی ماه همان سال به اتهام «اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی کشور» در دادگاه انقلاب شهریار محاکمه شد و حالا مجدداً برای همان پرونده به همان دادگاه احضار شده است.

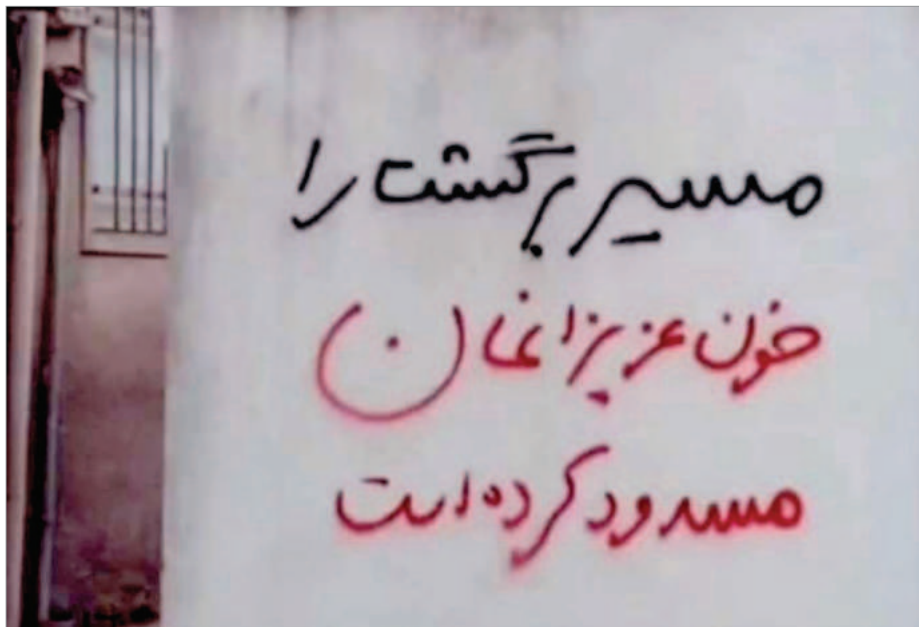
خبرگزاری «هرانا» نیز نوشته بر اساس احضاریه‌ای که روز گذشته توسط شعبه دوم دادگاه انقلاب شهرستان شهریار صادر و به محمد حبیبی ابلاغ شده، از وی خواسته شده است تا در تاریخ نهم تیرماه ۱۴۰۳، جهت دفاع از اتهام اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم بر ضد امنیت داخلی و خارجی، در این شعبه حاضر شود.

محمدحبیبی با انتشار مطلبی در شبکه «ایکس» این احضار را «غیرقانونی» خوانده و نوشته است: «برای پرونده‌ای که یکبار محاکمه شده‌ام، به دادگاه احضار شده‌ام.» این فعال صنفی فرهنگیان در ادامه نوشته «در حالی که عاملان آن حوادث هرگز بازخواست نشده‌اند، امثال من، ضیا نبوی و هستی امیری باید تاوان اعتراض بحق‌مان را بدهیم.»

محمد حبیبی در اواسط فروردین ۱۴۰۲، توسط مأموران امنیتی در محل کار خود بازداشت و اواخر اردیبهشت‌ماه همان سال با قرار وثیقه از بند ۲۰۹ زندان اوین آزاد شد. کیفرخواست این فعال صنفی در این پرونده اوایل اردیبهشت ۱۴۰۲ صادر و پرونده وی به دادگاه انقلاب شهریار ارجاع شد.

مسموم ساختن دانش‌آموزان در مدارس عمدتاً دخترانه از نهم آذر ۱۴۰۱ در قم آغاز شد و ماه‌ها در سراسر ایران جریان داشت. این رویداد سبب مسموم شدن هزاران دختر و پسر دانش‌آموز در سطح کشور شد و با وجود ادعای نهادهای امنیتی و انتظامی برای پیگیری این ماجرا،

«#تکرار_میکنند»؛ دادخواهان با یادآوری تباہکاری اصلاح‌طلبان بر «تحریم انتخابات» تأکید می‌کنند



به دلیل اعتراض مسالمت‌آمیز این چنین حوادثی را شاهد بودند.

کاربری نیز نوشته «تقویم‌مان آغشته به خون‌هایست که هرگز فراموش نخواهد شد...» و کاربر دیگری تأکید کرده «آنها تکرار می‌کنند گردن‌هایی که به دار آویختند و قلب‌هایی که به گلوله بستند...»

اصلاح‌طلبان که دولت مورد حمایت‌شان، دولت حسن روحانی، نقش اصلی در کشتار ۱۵۰۰ شهروند در اعتراضات سال ۹۸ را داشته، و در اعتراضات ۱۴۰۱ نیز شاهد کشتار خیابانی و اعدام شهروندان معترض بودند، بار دیگر به عنوان یکی از بال‌های نظام وارد صحنه شدند و در روزهای گذشته برای داغ کردن تنور سرد انتخابات‌نمایشی و کشاندن مردم پای صندوق رأی همه تلاش خود را به کار گرفتند.

آنها بی‌اعتنا به سرکوب گسترده شهروندان و تباہکاری‌های حکومت‌شان، کمپین‌های انتخاباتی را با «شور» و «شادی» به راه انداخته برای کسب قدرت و رانت پا روی خون مردمی گذاشتند که با سرکوب‌های گسترده روبرو شده‌اند.

هشتگ «#تکرار_میکنند» یادآور پیام محمد خاتمی رهبر اصلاح‌طلبان است که در سال ۱۳۹۶ با انتشار ویدیویی تصویری با چند بار «تکرار» از مردم خواست در انتخابات شرکت و رأی خود را برای شکل گرفتن دولت دوم حسن روحانی «تکرار» کنند!

کاربران در شبکه‌های اجتماعی همچنین با هشتگ «#در_خانه_میمانیم» تأکید کرده‌اند امروز جمعه هشتم تیرماه از خانه بیرون نروند. کاربران با انتشار تصاویر جانباختگان و اعدام‌شدگان اعتراضات و خانوادہ‌های داغدار و دادخواه‌شان نوشته‌اند در خانه می‌مانند.

نخستین تصاویر و ویدیوها از ایران بیانگر تحریم گسترده‌ی سیرک انتخابات از سوی مردم است.

هرگز از ما مردم ایران نبوده و نیستید. چهره‌ی مظلوم به خودتان نگریید که «ما به فکر فردا و ایرانیم» نه، شما خود جمهوری اسلامی‌اید، دشمن ملت ایران و آزادی و زندگی.»

لیلا مهدوی مادر «سیاوش محمودی از جانباختگان اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ نیز با انتشار تصویر فرزندش و استفاده از هشتگ #تکرار_میکنند نوشت: «به صورت غرق در خونت یک قدم عقب نخواهم کشتید، آن تبری که به سر تو زدن اکنون در قلب من است؛ پس بلند فریاد می‌زنم تکرار می‌کنند.»

مرضیه آدینه‌زاده خواهر ابوالفضل آدینه‌زاده از دیگر جانباختگان اعتراضات جنبش ملی با انتشار تصویری از پیکر برادرش نوشته «برادر ۱۷ ساله‌ام ابوالفضل آدینه‌زاده را در اعتراضات سال ۱۴۰۱ با بیش از ۱۰۰ گلوله ساچمه‌ای از فاصله زیر یک متر مورد هدف قرار دادند و کشتند.»

کاربر دیگری با انتشار عکس محمود رخشانی از جانباختگان نوشته «۱۴۰۲ بازداشت شد، زیر شکنجه جمع‌هایش را شکستند. به کما رفت و بعد از سه ماه کشته شد. پدرش از غصه ۵ روز بعد فوت کرد. از این جنایت‌ها می‌گذرید!»

شبنم اسکندری خواهر محمدرضا اسکندری نیز نوشته «دریایی از خون بین ما و شما، فاصله ست! مگه میشه که خون جاری شدش، کف زمین یادمون بره! مگه میشه جای گلوله جنگی روی کتفش یادمون بره! مگه میشه تتو freedom روی دستش که با خون آغشته شد، یادمون بره!»

حساب کاربری موسسه مشاوره حقوقی «دادبان» نیز با انتشار یک ویدیو از اعتراضات جنبش ملی نوشته «این صحنه‌هایی از جنبش خیزش ۱۴۰۱ است، نامزدهای ریاست جمهوری در حالی وعده و وعید آزادی و قائل‌شدن حق اعتراض برای مردم می‌دهند که مردم ما در سال ۱۴۰۱ تنها

خانواده‌های دادخواه با وجود همه فشارهای امنیتی و قضایی کارزار تحریم انتخابات در شبکه‌های اجتماعی را پیش برده‌اند.

هشتگ «#تکرار_میکنند» یادآور پیام محمد خاتمی رهبر اصلاح‌طلبان است که در سال ۱۳۹۶ با انتشار ویدیویی تصویری با چند بار «تکرار» از مردم خواست در انتخابات شرکت و رأی خود را برای شکل گرفتن دولت دوم حسن روحانی «تکرار» کنند!

کاربران در شبکه‌های اجتماعی همچنین با هشتگ «#در_خانه_میمانیم» تأکید کرده‌اند امروز جمعه هشتم تیرماه از خانه بیرون نروند.

کاربری نوشته «تقویم‌مان آغشته به خون‌هایست که هرگز فراموش نخواهد شد...» و کاربر دیگری نیز تأکید کرده «آنها تکرار می‌کنند گردن‌هایی که به دار آویختند و قلب‌هایی که به گلوله بستند...»

شمار زیادی از خانواده‌های دادخواه در روزهای منتهی به برگزاری چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری با هشتگ «#تکرار_میکنند» به تباہکاری اصلاح‌طلبان برای داغ کردن تنور انتخابات اشاره کرده و از مردم ایران خواستند در انتخابات شرکت نکنند.

چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری که یک سال زودتر از موعد و به دلیل مرگ ابراهیم رئیسی امروز هشتم تیرماه برگزار می‌شود با تحریم گسترده اقشار و اصناف مختلف روبرو شده است. در این میان خانواده‌های دادخواه که عزیزانشان در سال‌های گذشته و در پی سرکوب‌های دولت‌های اصلاح‌طلب و اصولگرا جان باخته‌اند نیز با وجود همه فشارهای امنیتی و قضایی کارزار تحریم انتخابات در شبکه‌های اجتماعی را پیش برده‌اند.

این کارزار با هشتگ «#تکرار_میکنند» و با یادآوری تباہکاری اصلاح‌طلبان برای کشاندن مردم پای صندوق رأی در سال ۱۳۹۶ راه افتاده است.

فاطمه حیدری خواهر جواد حیدری از جانباختگان اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ با هشتگ #تکرار_میکنند، از مردم خواست تا در انتخابات شرکت نکنند.

او در شبکه ایکس نوشت: «روی سختم با اکثریت مردم کشورم نیست که بارها نشان دادند شرافت و شجاعت چه معنی‌ای می‌دهد، اما با شما مزدورهای وقیح هستم. شما که خجالت نمی‌کشید و به چهره‌های رنجور و دردکشیده این ملت نگاه می‌کنید و از رای دادن صحبت می‌کنید. شما که رذیلا نه و بدون هیچ شرمی، قاتلان عزیزترین فرزندان این خاک و دشمنان قسم‌خورده‌ی ایران را به عنوان نماینده خودتان معرفی می‌کنید. شما که نه معنی خون بی‌گناه رو می‌فهمید نه معنی انسانیت و شرافت رو.»

او در ادامه نوشت: «ما تنها دو دسته داریم. آنها که با جمهوری اسلامی‌اند و آنهایی که از مردمند. دسته‌ی سومی وجود ندارد. و شما، شما می‌کنید که امروز سرتان را بالا گرفته و بدون لکنت از رای دادن صحبت می‌کنید، شما پادوهای حقیر جمهوری اسلامی هستید. شما شریک دزد، همدست قاتل و عامل جنایتید. شما

«سیرک انتخابات»؛ انصراف دو نامزد پوششی اصولگرا و اصرار اصلاح طلبان برای گرم کردن تنور سرد نمایش انتخابات



و در پاسخ به اینکه پزشکيان او را با کنایه پوششی خوانده و پرسیده بود «تا آخر می‌مونی دیگه؟» گفت «حتماً می‌مانم و نمی‌گذارم شما رئیس جمهوری شوید!»
نظرسنجی‌های حکومتی مسعود پزشکيان را دارای بیشترین اقبال برای بیرون آمدن نامش از صندوق رأی اعلام می‌کنند. در روزهای گذشته بسیاری از اصولگرایان خواستار ائتلاف و کناره‌گیری پنج نامزد اصولگرا به نفع هم شده بودند تا در نهایت یک نامزد اصولگرا در رقابت با مسعود پزشکيان قرار بگیرد.

این در حالیست که پنج نامزد اصولگرا گفته بودند تا پایان رقابت‌ها خواهند ماند. اختلاف نظرها میان تیم محمدباقر قالیباف و سعید جلیلی تا کنون مانع از کناره‌گیری یکی از آنها به نفع دیگری شده است.

محمدباقر قالیباف پیشتر حرف‌ها درباره احتمال انصراف خود را «شایعه» خوانده و تأکید کرده بود که این راه را تا انتها دنبال می‌کند و آن را «وظیفه ملی» می‌داند.

او ساعاتی پیش در واکنش به انصراف قاضی‌زاده و زاکانی تأکید کرد که «تا آخر ایستاده‌ایم تا دولتی کارآمد و انقلابی تشکیل شود.»

او با انتشار پستی در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشت: «از برادران عزیز آقایان زاکانی و قاضی‌زاده که مطالبات نیروهای انقلاب در راستای ایجاد ائتلاف و وحدت را لیبک گفتند، تشکر می‌کنم. روشنگری در خصوص پروژه بازگشت به دهه نود و دفاع از میراث شهید رئیسی جز با مجاهدت آنها ممکن نمی‌شد. تا آخر ایستاده‌ایم تا دولتی کارآمد و انقلابی تشکیل شود.»

حساب کاربری سعید جلیلی نیز در شبکه‌های اجتماعی شامگاه چهارشنبه با انتشار ویدئویی بر جمله‌ای او که گفته «مگر می‌شود وقتی مردم در صحنه حاضرند، از این میدان فرار کنیم؟» تأکید کرد.

و در پاسخ به درخواست مکتوب شورای عالی اجماع نیروهای انقلاب و برخی از علمای اعلام و دلسوزان، انصراف خود را از نامزدی چهاردهمین انتخابات ریاست جمهوری اعلام می‌دارم.»

امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی که از بی‌خاصیت‌ترین افراد این نمایش بود تأکید کرد «اجماع در جبهه انقلاب را برای نیل به اهداف ذکر شده که همان ادامه راه شهید رئیسی عزیز است، امری لازم و ضروری می‌بینم و امیدوارم با کمک سایرین، اجماع در جبهه نیروهای انقلاب محقق گردد.»
علیرضا زاکانی شهردار بدنام تهران نیز در بیانیه انصراف خود نوشته «از دو نامزد دیگر جبهه انقلاب، برادران عزیزم آقایان جلیلی و قالیباف می‌خواهم برای وحدت و انسجام تلاش کنند و مطالبه بحق نیروهای انقلاب را بی‌پاسخ نگذارند و مانع تشکیل «دولت سوم روحانی» شوند.»

در این میان وزارت کشور اعلام کرده است که ۶۰ هزار شعبه و ۹۰ هزار نقطه رأی‌گیری در سراسر کشور سازماندهی شده و تعرفه‌های انتخابات هم چاپ شده و در حال ارسال هستند. همچنین دستگاه‌های احراز هویت تحت بازنگری قرار گرفته و آماده شده‌اند. برقراری امنیت بر عهده فراجا است و ۱۸۰ هزار نفر برای برقراری امنیت در حوزه‌های انتخاباتی پیش‌بینی شده است.

پس از اعلام نتایج بررسی صلاحیت داوطلبان شرکت در انتخابات نمایشی و تأیید شش نفر از میان ۸۰ «خودی» نظام برای حضور در کارزار انتخابات، بسیاری معتقد بودند که امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی و علیرضا زاکانی «نامزدهای پوششی» هستند و فقط برای گرم کردن تنور انتخابات حضور خواهند داشت و در آخرین روزها انصراف خواهند داد. نامزدهای پوششی و نامزد اصلاح طلبان، مسعود پزشکيان، بیشترین تلاش را در روزهای گذشته برای گرم کردن تنور انتخابات داشتند. علیرضا زاکانی پیشتر در جریان مناظره‌ها

بسیاری از قبل معتقد بودند که امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی و علیرضا زاکانی «نامزدهای پوششی» هستند و برای گرم کردن تنور انتخابات حضور خواهند داشت و در آخرین روزها انصراف خواهد داد.

اختلاف نظرها میان تیم محمدباقر قالیباف و سعید جلیلی تا کنون مانع از کناره‌گیری یکی از آنها به نفع دیگری شده است.

مصطفی پورمحمدی هرچند خاستگاه اصولگرا دارد اما به اصلاح طلبان نزدیک‌تر است و در دولت محمد خاچی و حسن روحانی در هیئت دولت حضور داشته است.

بسیاری از تحلیلگران می‌گویند در صورت ماندن محمدباقر قالیباف و سعید جلیلی احتمال کشیده شدن روند انتخابات نمایشی به دور دوم وجود دارد.

اصلاح طلبان از هم‌اکنون ژست پیروزی گرفته و کنایه به اصولگرایان را آغاز کرده‌اند. احمد زیدآبادی روزنامه‌نگار اصلاح طلب در مطلبی از «بوی شکست» اصولگرایان نوشته است.

یک روز مانده به برگزاری چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اسلامی، امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی و علیرضا زاکانی دو نامزد اصولگرا از رقابت انصراف دادند. طی روزهای گذشته فشار زیادی از سوی اصولگرایان بر پنج نامزد اصولگرا وجود داشت تا به نفع یکدیگر کنار بروند تا احتمال پیروزی مسعود پزشکيان نامزد اصلاح طلبان کاهش پیدا کند. این در حالیست که علی خامنه‌ای تعیین‌کننده نامی است که قرار است از صندوق رأی جمهوری اسلامی بیرون بیاید و همه از جمله خود نامزدها و کسانی که سعی می‌کنند تنور سرد این نمایش را گرم کنند نیز این را می‌دانند!
آخرین ساعات شامگاه چهارشنبه ششم تیرماه امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی در شبکه «ایکس» نوشت از انتخابات انصراف می‌دهد: «به منظور حفظ انسجام نیروهای انقلاب

سالگرد اعدام ده زن بهائی در شیراز ۴۵ سال است که داستان ما یکیست



میهمان ویژه این مراسم مونا محمودی استاد ریاضی، کارشناس امنیت سایبری و بنیانگذار «بنیاد محمودی» بود. ژینوس، مادر مونا، اولین مدیر زن سازمان هواشناسی ایران بود که ۶ دی ۱۳۶۰ در تهران اعدام شد. همسرش هوشنگ ۳۰ مرداد ۱۳۵۹ بازداشت گشت و از آن روز خبری از او در دست نیست. احمد رأفت در حاشیه این مراسم با مونا محمودی گفتگویی انجام داده است.

«داستان ما یکیست» کارزاری است که از سال گذشته توسط جامعه جهانی بهائی به مناسبت چهلمین سالگرد اعدام شایبه ده زن بهائی در میدان چوگان شیراز راه اندازی شده است. امسال به همین مناسبت در لندن مراسمی نیز برگزار شد که در کنار چند سخنرانی و برنامه هنری، نمایشگاهی نیز از آثار برخی هنرمندان ایرانی به تماشای عموم گذاشته شد.

اصلاح حکمرانی در کشور و یا اقبال به اپدولوژی آنان شده است. این تصوری باطل است. در تمام سطوح جامعه ناراضیاتی و سرخوردگی از عملکرد آنان عیان تر از درخشش آفتاب است. بنابراین، بخش قابل توجهی از مردم همچنان اگر احتمال دهند فرصتی برای اصلاح حکمرانی و رهایی از سلطه انحصاری این نیروها پیش آمده است، آن را از دست نمی دهند. این فعال اصلاح طلب که پیشتر مدعی شده بود برای شرکت در انتخابات مردد است، در آخرین مطلب خود در تلگرام نوشته نسبت به پیروزی احتمالی آقای پزشکیان در انتخابات قدری مطمئن شده است! تحلیل های وی درباره «سوء تفاهم» اصولگرایان درباره «گرایش مردم» در حالیست که خود وی نیز در شناخت جامعه و گرایش مردم به شدت دچار سوء تفاهم و توهم است!

اصلاح طلبان از همه امکانات خود برای کشاندن حتی یک نفر بیشتر پای صندوق رأی جمهوری اسلامی استفاده می کنند. آنها نیز عین علی خامنه ای به حضور مردم نیاز دارند و بعید است ندانند نامزد پیروز همان است که رهبرشان تعیین کرده است.

روزنامه «جوان» که از روزنامه های اصولگرای حامی محمدباقر قالیباف است با کنایه به اخلاق تند سعید جلیلی نوشته «اگر به کسی برای بیان خویش در ردیف کردن مشکلات یا فریاد زدن سر دیگری به خاطر عملکرد منفی اش رأی دادید و رئیس جمهور شد، فردا الزاماً انتظار مدیریت خوب کشور را نداشته باشید، چه آنکه نه برای مدیر خوب بودن، بلکه برای خوب دعوا کردن به او رأی داده اید و خوب دعوا کردن هم از ویژگی های رئیس جمهور اصلح نیست.» روز چهارشنبه ششم تیر، مهدی عرب صادق، دبیر سیاسی پیشین حزب مؤتلفه نیز در روزنامه «هم میهن» نوشته بود که اصولگرایان در تصورات شان بین «صالح مقبول» و «اصلح غیرمقبول» گیر افتاده اند.

در آنسو اما اصلاح طلبان از هم اکنون ژست پیروزی گرفته و کنایه به اصولگرایان را آغاز کرده اند. احمد زیدآبادی روزنامه نگار اصلاح طلب در مطلبی با عنوان «بوی شکست!» نوشته «کناره گیری کاندیداهای جبهه نیروهای انقلاب به نفع یکدیگر، حتی اگر در فرصت باقیمانده عملی شود، بعید است کمکی به آنها کند. آنها اصولاً دچار سوء تفاهم عمیقی نسبت به گرایش مردم شده اند.»

او در ادامه نوشته «تصورشان این است که رویگردانی جامعه از اصلاح طلبان پس از به بن بست رسیدن دولت شیخ حسن روحانی، به معنای بی تفاوت شدن مردم نسبت به

مصطفی پورمحمدی هم هرچند خاستگاه اصولگرا دارد اما به اصلاح طلبان نزدیک تر است و در دو دولت محمد خاتمی و حسن روحانی در هیئت دولت حضور داشته است. نظرسنجی ها آرای احتمالی او را بسیار کم ارزیابی کرده اند. بسیاری از تحلیلگران معتقدند در صورت ماندن هم محمدباقر قالیباف و هم سعید جلیلی احتمال کشیده شدن نمایش انتخابات به دور دوم وجود دارد.

حسین شریعتمداری مدیرمسئول روزنامه «کیهان» چاپ تهران از جمله چهره هایی است که طی روزهای گذشته بر اتحاد اصولگرایان تأکید کرده است. او در سرمقاله روز گذشته این روزنامه نوشته بود: «ائتلاف نامزدهای اصولگرا یک ضرورت اسلامی و انقلابی است. اصلاح طلبان با یک عملیات روانی می خواهند آنها را در حالی از رودربایستی قرار داده و مانع از ائتلاف و کناره گیری شان شوند. نامزدهایی که مناظره ها از باقی ماندن خود در عرصه خبر داده اند، نباید کناره گیری به نفع دیگری را بی توجهی به قول پیشین خود تلقی کنند. امام خمینی فرموده بود مرد آن است که از حرفش برگردد!»

مدیرمسئول «کیهان» تهران امروز نیز نوشته «بالاخره باید به این نکته توجه داشت که هریک از نامزدها، در کنار خصوصیات مثبت و برجسته ای که دارند، با کاستی هایی نیز روبرو هستند. مهم آن است که اصلی ترین ویژگی های لازم را داشته باشند که دارند و نه آنکه از هر نقیصه ای دور باشند. امام معصوم که نیستند! نهایتاً باید یکی از آنها را برگزید و دیگری و دیگران را در همان سمت و سو به کار گرفت. هنوز دیر نشده، هرکدام به اسلام و انقلاب دلباختگی بیشتری دارند باید در پیشنهاد خدایپسندانه کنار رفتن به نفع دیگری پیشقدم شود.»

روزنامه اصولگرای «وطن امروز» هم نوشته: «شرط لازم برای پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری، تبیین ماهیت و عملکرد جریان غربگرا در کشور بود که باید به نامزدهای اصولگرا بابت موفقیت در آن دست مریزاد گفت اما آیا کار در همین نقطه تمام است؟! آیا در اینجا می توان از شرط کافی یعنی وحدت اصولگرایان و اجماع آنها حول یک نامزد واحد غافل شد؟»

علی خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی دو روز پیش در سخنرانی به مناسبت «عید غدیر» بر مشارکت بالای مردم در انتخابات تأکید کرد و «نامزد اصلح» را فردی دانست که سیاست رویارویی با آمریکا را ادامه دهد.

او گفت: «بعضی از سیاسیون در کشور ما تصور می کنند باید آویزان به این قدرت و آن قدرت بشوند و بدون آویزان شدن به فلان قدرت معروف و بزرگ، نمی شود پیش رفت. یا خیال می کنند که همه راه های پیشرفت از آمریکا می گذرد.» رهبر حکومت در ادامه گفت: «این کسانی که چشم شان به خارج از مرزهای کشور است و این ظرفیت های کشور را نمی بینند. وقتی ندیدند، وقتی قدرش را ندانستند، طبعاً برنامه ریزی هم برای استفاده از آنها نمی کنند.»

طرفداران محمدباقر قالیباف و سعید جلیلی، هر کدام نامزد مورد نظر خودشان را «اصلح» می دانند.

بر اساس ویدئوی منتشر شده در شبکه های اجتماعی، طرفداران سعید جلیلی و محمدباقر قالیباف شامگاه چهارشنبه ششم تیرماه حوالی دانشگاه تهران به دلیل اختلاف در اینکه کدام یک به نفع دیگری کنار برود درگیر شدند. در این درگیری با وجود زد و خورد میان بسیجی ها و لباس شخصی ها، مأموران نیروی انتظامی فقط تماشاگر بودند و تلاشی برای خامه دادن به دعوی دو گروه نکردند. برخی شعار می دادند «جلیلی صد درصد، قالیباف خاک بر سر» و طرف مقابل همین شعار را با تعویض جای نام ها تکرار می کرد.

روزنامه «تلگراف»: حزب الله در فرودگاه بیروت مهمات و تسلیحات ارسالی از جمهوری اسلامی را ذخیره می کند



فرودگاه «رفیق حریری» بیروت

● روزنامه «تلگراف» چاپ انگلیس روز یکشنبه ۲۳ ژوئن (سوم تیرماه) گزارش داد حزب الله لبنان مقادیر زیادی تسلیحات ساخت جمهوری اسلامی از جمله انواع موشک و مواد منفجره در فرودگاه بیروت ذخیره کرده است.

● طبق این گزارش جعبه های بزرگ که حاوی مهمات هستند با پروازهایی که از ایران آمده اند در فرودگاه بیروت تخلیه می شوند. بسیاری از افسران لبنانی در ازای دریافت رشوه اجازه می دهند این جعبه ها از گمرک عبور کند.

● کارمندان فرودگاه بیروت می گویند، «اعضای حزب الله مانع بررسی جعبه های ارسالی از ایران می شوند».

-وزیر حمل و نقل و خدمات عمومی لبنان با رد گزارش روزنامه «تلگراف» مدعی شد اسرائیل بطور مداوم اقدام به تبلیغات منفی درباره فرودگاه بیروت می کند.

روزنامه «تلگراف» چاپ انگلیس روز یکشنبه ۲۳ ژوئن (سوم تیرماه) گزارش داد حزب الله لبنان مقادیر زیادی تسلیحات ساخت جمهوری اسلامی از جمله انواع موشک و مواد منفجره در فرودگاه بیروت ذخیره کرده است.

طبق این گزارش جعبه های بزرگ که حاوی مهمات هستند با پروازهایی که از ایران آمده اند در فرودگاه بیروت تخلیه می شوند. بسیاری از افسران لبنانی در ازای دریافت رشوه اجازه می دهند این جعبه ها از گمرک عبور کند.

طبق اطلاعات منابع امنیتی، بخشی از این مهمات شامل موشک های «فلکی» ساخت ایران، موشک های کوتاه برد «فاتح-۱۱»»، موشک های بالستیک متحرک جاده ای و موشک های «M-600» با برد بیش از ۱۵۰ تا ۲۰۰ مایل است. خش دیگری از این مهمات که در انبار فرودگاه ذخیره شده شامل موشک های هدایت شونده لیزری ضد تانک «Kornet»، موشک های بالستیک کوتاه برد «بورکان» ←

حمایت آمریکا از تروریستی اعلام شدن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی توسط کانادا



ماتیو میلر سخنگوی وزارت خارجه آمریکا

فهرست سازمان های تروریستی قرار گرفت هرچند که یکی از گزینه های دولت بایدن و بطور ویژه رابرت مالی مسئول امور ایران در وزارت خارجه آمریکا حامی حذف نام سپاه از فهرست سازمان های تروریستی آمریکا بود.

واکنش میلر به توسعه فعالیت های اتمی جمهوری اسلامی اخیراً گزارش شد که آژانس های اطلاعاتی ایالات متحده و اسرائیل در حال بررسی اطلاعات جدیدی درباره «مدلسازی کامپیوتری متخصصان هسته ای ایران برای پژوهش و توسعه تسلیحات هسته ای» هستند. همچنین گزارش شد که جمهوری اسلامی تولید اورانیوم در تأسیسات اتمی فردو را سه برابر افزایش داده است. در همین ارتباط ماتیو میلر گفت: «ایران به گسترش برنامه هسته ای خود به روش هایی ادامه می دهد که هدف صلح آمیز معتبری ندارند. ما عمیقاً نگران فعالیت های هسته ای ایران هستیم و به نظارت دقیق آنها ادامه خواهیم داد. همانطور که در بیانیه مشترکی که روز جمعه با گروه هفت ارائه دادیم، گفته شد ایران باید بدون تأخیر بیشتر با آژانس همکاری کند.»

وی در ادامه با اشاره به خبرها در مورد «مدلسازی کامپیوتری برای توسعه تسلیحات هسته ای» توسط جمهوری اسلامی نیز توضیح داد: «بدیهی است که من در مورد مسائل اطلاعاتی اظهار نظر نمی کنم. همانطور که قبلاً شنیده اید، ما نشانه هایی نمی بینیم که ایران در حال حاضر فعالیت های کلیدی را انجام می دهد که برای تولید یک دستگاه هسته ای قابل آزمایش ضروری است، اما البته این چیزی است که ما همچنان به دقت نظارت می کنیم.»

در شرایطی که طبق گزارش آژانس بین المللی انرژی اتمی جمهوری اسلامی اورانیوم کافی برای ساخت سه بمب اتم را ذخیره دارد، اظهارات سخنگوی وزارت خارجه دولت بایدن در مورد اینکه «نشانه ای از فعالیت های کلیدی ایران نمی بینیم» ساده انگارانه به نظر می رسد.

از اواسط سال ۱۴۰۲ زنده ترین بازرسان آژانس بین المللی انرژی اتمی از ایران اخراج شدند و رافائل گروسی مدیرکل آژانس بارها هشدار داده دیگر قادر به راست آزمایی و نظارت بر صلح آمیز بودن برنامه های اتمی جمهوری اسلامی نیست.

● ماتیو میلر سخنگوی وزارت خارجه دولت بایدن در یک کنفرانس خبری گفت «تروریسم و توطئه مرگبار سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کل جهان را تهدید می کند و ما از سایر کشورها که قصد دارند سپاه را به عنوان یک سازمان تروریستی معرفی کنند، حمایت می کنیم».

● وی در پاسخ به این پرسش که «حمایت واشنگتن از این کشورها به چه صورت خواهد بود؟» عنوان کرد: «ما می توانیم اطلاعات در مورد فعالیت های سپاه را در اختیار آنها قرار دهیم، اطلاعاتی را که با متحدانمان به اشتراک می گذاریم از جمله پشتیبانی های سپاه پاسداران از گروه های تروریستی».

تروریستی اعلام شدن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی توسط دولت کانادا، با استقبال مقامات دولت بایدن روبرو شد. سخنگوی وزارت خارجه آمریکا از این اقدام حمایت کرد و از سایر متحدان واشنگتن خواست سپاه را به عنوان یک سازمان تروریستی معرفی کنند. ماتیو میلر در یک کنفرانس خبری که ۲۰ ژوئن (۳۱ خردادماه) برگزار شد، با اشاره به اینکه آمریکا سالهاست سپاه پاسداران را در فهرست سازمان های تروریستی قرار داده گفت، «تروریسم و توطئه مرگبار سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کل جهان را تهدید می کند و ما از سایر کشورها که قصد دارند سپاه را به عنوان یک سازمان تروریستی معرفی کنند، حمایت می کنیم».

وی در پاسخ به این پرسش که «حمایت واشنگتن از این کشورها به چه صورت خواهد بود»، گفت: «ما می توانیم اطلاعات در مورد فعالیت های سپاه را در اختیار آنها قرار دهیم، اطلاعاتی را که با متحدانمان به اشتراک می گذاریم از جمله پشتیبانی های سپاه پاسداران از گروه های تروریستی».

علی باقری کنی سرپرست موقت وزارت خارجه جمهوری اسلامی در واکنش به تروریستی اعلام شدن سپاه توسط دولت کانادا در «ایکس» تهدید کرده و شعر نوشته بود، «مسئولیت عواقب این تصمیم تحریک آمیز و غیرمسئولانه، بر عهده دولت کانادا خواهد بود. همه دشمنان از تو پر بیم باد؛ دل بدسگالان به دو نیم باد!»

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در دولت دونالد ترامپ در

دیدار وزرای دفاع آمریکا و اسرائیل در واشنگتن؛ یوآو گالانت: زمان برای مقابله با «ایران اتمی» رو به پایان است



دیدار گالانت با آوستین در واشنگتن / ژوئن ۲۰۲۴

لبنانی ویرانگر خواهد بود.»
یوآو گالانت وزیر دفاع اسرائیل نیز در این دیدار به آوستین هشدار داد، «زمان مقابله با دستیابی جمهوری اسلامی به تسلیحات هسته‌ای رو به پایان است.» وی حکومت ایران را «بزرگترین تهدید خاورمیانه» دانست و تأکید کرد اسرائیل و آمریکا باید برای جلوگیری دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح اتمی با یکدیگر همکاری کنند.
وزیر دفاع اسرائیل در مورد جنگ با حزب‌الله در جبهه شمالی توضیح داد: «ما مصمم هستیم که امنیت را برقرار کنیم، [می‌خواهیم] واقعیت را تغییر دهیم و مردم خود را با خیال راحت به خانه‌هایشان در آن مناطق بازگردانیم. ما برای دستیابی به توافق از نزدیک با هم کار می‌کنیم، اما باید در مورد آمادگی برای هر سناریوی ممکن نیز صحبت کنیم. بزرگترین تهدید برای آینده جهان جمهوری اسلامی است و زمان در حال از دست رفتن است، زمان تحقق تعهد سال‌های گذشته آمریکا در مورد جلوگیری از دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای فرا رسیده است.»
به نظر می‌رسد سفر گالانت به واشنگتن به باز شدن برخی گره‌ها در روابط میان واشنگتن و تل‌آویو کمک کرده است. پایگاه خبری «آکسیوس» به نقل از پنج مقام اسرائیلی و آمریکایی گزارش داد که طرفین برای از سر گرفتن گفتگوهای مشترک بر سر تهدیدات جمهوری اسلامی توافق کرده‌اند.
برگزاری نشست‌های «گروه مشورتی استراتژیک ایالات متحده و اسرائیل» (SCG) که روی برنامه هسته‌ای ایران کار می‌کند و متشکل از مقامات امنیتی اسرائیل و آمریکا است از ماه مارس ۲۰۲۴ لغو شد. این انجمن در سال ۲۰۰۹ در دوران باراک اوباما تشکیل شد اما افزایش اختلاف میان بنیامین نتانیاهو و دولت بایدن به این منجر شد که جلسات آن برگزار نشود.
یکی از موارد اختلاف میان نتانیاهو و بایدن، ارسال کمک‌های تسلیحاتی برای ارتش اسرائیل از جمله موشک و مپ‌های قدرتمند است. با اینهمه گزارش شده است که آمریکا دست‌کم با سه پرواز از ماکرش محموله مهمات به اسرائیل ارسال کرده است.

● در شرایطی که اختلاف میان آمریکا و اسرائیل در مورد ادامه عملیات ارتش اسرائیل علیه حماس در غزه و رفع و همچنین بر سر افزایش درگیری‌ها با حزب‌الله همچنان ادامه دارد، وزاری دفاع دو کشور روز سه‌شنبه ۲۵ ژوئن (پنجم تیرماه) در واشنگتن دیدار کردند.
● لوید آوستین وزیر دفاع آمریکا در این دیدار جمهوری اسلامی را «منشأ بسیاری از خشونت‌ها و بی‌ثباتی‌های منطقه» دانست و تأکید کرد، ایالات متحده برای تضمین اینکه جمهوری اسلامی هرگز نتواند به سلاح هسته‌ای دست یابد، کنار اسرائیل می‌ایستد.
● یوآو گالانت وزیر دفاع اسرائیل نیز در این دیدار به آوستین هشدار داد، «زمان مقابله با دستیابی جمهوری اسلامی به تسلیحات هسته‌ای رو به پایان است.» وی حکومت ایران را «بزرگترین تهدید خاورمیانه» دانست و تأکید کرد اسرائیل و آمریکا باید برای جلوگیری دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح اتمی با یکدیگر همکاری کنند.
در شرایطی که اختلاف میان آمریکا و اسرائیل در مورد ادامه عملیات ارتش اسرائیل علیه حماس در غزه و رفع و همچنین بر سر افزایش درگیری‌ها با حزب‌الله همچنان ادامه دارد، وزاری دفاع دو کشور روز سه‌شنبه ۲۵ ژوئن (پنجم تیرماه) در واشنگتن دیدار کردند.
لوید آوستین وزیر دفاع آمریکا در این دیدار جمهوری اسلامی را «منشأ بسیاری از خشونت‌ها و بی‌ثباتی‌های منطقه» دانست و تأکید کرد، ایالات متحده برای تضمین اینکه جمهوری اسلامی هرگز نتواند به سلاح هسته‌ای دست یابد، کنار اسرائیل می‌ایستد.
وی بسته کمکی ۱۴ میلیارد دلاری الحاقی دولت آمریکا به اسرائیل را که بعد از حمله موشکی و پهبادی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به خاک اسرائیل به تصویب رسید، از نشانه‌های «تعهد آهنین» واشنگتن به آن کشور دانست اما تأکید کرد: «تحركات حزب‌الله لبنان تهدیدی برای کساندن اسرائیل و مردم لبنان به جنگی است که هیچ‌یک از آنها نمی‌خواهند.»
این مقام آمریکایی افزود: «چنین جنگی برای لبنان فاجعه‌بار خواهد بود و برای غیرنظامیان بی‌گناه اسرائیلی و

و مواد منفجره RDX (یک پودر سفید سمی که به نام سیکلونیت) است.

این افشاگری‌ها وضعیت در فرودگاه بین‌المللی «رفیق حریری» را نگران‌کننده کرده زیرا احتمال انفجارهای سهمگین در صورت یک خطا یا حمله احتمالی می‌تواند فاجعه‌بار باشد. یکی از پرسنل فرودگاه که نخواست نامش فاش شود، می‌گوید: «این موضوع بسیار جدی است، جعبه‌های بزرگ مشکوک که با پروازهای مستقیم از ایران می‌رسند، نشانه بدتر شدن اوضاع است... وقتی این جعبه‌ها را به فرودگاه آوردند من و دوستانم ترسیدیم زیرا می‌دانستیم که اتفاق عجیبی رخ داده است.»

این فرد با یادآوری انفجار مهیب در یک سیلوی گندم در سال ۲۰۲۰ در بندر بیروت هشدار داد: «بیروت نابود می‌شود، معلوم نیست چقدر خسارات و تلفات به دنبال خواهد داشت، مسئله الان فقط زمان است تا یک فاجعه در فرودگاه اتفاق بیفتد.»

حزب‌الله در سال‌های گذشته بارها متهم به استفاده از فرودگاه‌های غیرنظامی برای اهداف نظامی از جمله ذخیره سلاح و انتقال نیرو شده است. مقامات اسرائیلی بارها به رهبران حزب‌الله و دولت لبنان در این مورد هشدار داده‌اند. یکی دیگر از پرسنل فرودگاهی گفته، «در ماه نوامبر جعبه‌های بزرگ غیرمعمول با یک پرواز مستقیم از ایران به بیروت رسید. این خیلی زیاد اتفاق می‌افتد، اما دقیقاً زمانی اتفاق افتاد که همه در لبنان از احتمال جنگ صحبت می‌کردند.»
یک فرد دیگر به روزنامه «تلگراف» گفته است که «سال‌هاست عملیات حزب‌الله را در فرودگاه بیروت می‌بینیم، اما وقتی این کار را در زمان جنگ انجام می‌دهند، فرودگاه را به یک هدف تبدیل می‌کنند... اگر آنها به آوردن این کالاها ادامه دهند که من اجازه بررسی آن را ندارم، واقعاً معتقدم که در اثر انفجار می‌میرم یا از مپاران کالاها توسط اسرائیل می‌میرم. این فقط ما نیستیم، مردم عادی هستند، افرادی که وارد و خارج می‌شوند و به تعطیلات می‌روند. اگر فرودگاه مپاران شود، لبنان تمام شده است.»

در این میان پای مدیران ارشد فرودگاه بیروت در میان است. فردی به اسم «وفیق صفا» که از عوامل ارشد امنیتی حزب‌الله لبنان است اغلب در فرودگاه در بخش گمرک دیده می‌شود. تلگراف در بخش دیگری از این گزارش به نقل از «انجمن حمل و نقل بین‌المللی» نوشت: «سال‌هاست می‌دانیم حزب‌الله سلاح‌های خود را در فرودگاه بیروت ذخیره می‌کند، ما به دنبال تعطیلی فرودگاه بیروت هستیم تا همه سلاح‌ها و مواد منفجره را انتقال دهیم.»

دولت لبنان تکذیب کرد

اما وزیر حمل و نقل و خدمات عمومی لبنان با رد گزارش روزنامه «تلگراف» مدعی شد اسرائیل بطور مداوم اقدام به تبلیغات منفی درباره فرودگاه بیروت می‌کند. وی تأکید کرد، «اسرائیل در طول سال‌های گذشته، فرودگاه بین‌المللی بیروت را مورد حمله سایبری قرار داده است، از همه سفرا و رسانه‌ها می‌خواهیم از همه بخش‌های فرودگاه بازدید میدانی کنند.»

این مقام لبنانی همچنین گفت: «در حال آماده کردن دادخواست برای اقامه دعوی علیه روزنامه تلگراف هستیم. زیرا گزارش این روزنامه با هدف تخریب وجهه فرودگاه بین‌المللی رفیق الحریری بیروت منتشر شده است.»
با افزایش احتمال درگیری‌ها میان حزب‌الله و اسرائیل ده‌ها نفر از شهروندان خارجی و همچنین لبنانی‌ها در حال ترک این کشور هستند. برخی منابع می‌گویند وقوع جنگ محتمل است زیرا حزب‌الله دست از حملات موشکی به شمال اسرائیل برنداشته است.

شکیلا منفرد با ضرب و شتم به زندان منتقل شد

● شکیلا منفرد زندانی سیاسی در حالی که یک روز به پایان مرخصی پنج روزه او باقی مانده بود روز چهارشنبه ششم تیرماه، در حالی که برای تمدید مرخصی به دادرسی ناحیه هشت تهران مراجعه کرده بود، ماموران زندان در مقابل پدرش او را با ضرب و شتم بازداشت و به زندان زنان اوین منتقل کردند.

● یک منبع مطلع نزدیک به خانواده این زندانی سیاسی ضمن تایید این خبر به کیهان لندن گفت: «شکیلا در این سه روز به دنبال انجام کارهای درمانی و آزمایش‌های آندوسکوپی و پاتولوژی بود ولی با این نحوه بازداشت، مراحل درمان وی ناتمام باقی ماند.»

● شکیلا منفرد در پرونده‌های مختلف از جمله به اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام و توهین به مقدسات اسلام» در مجموع به بیش از ۱۱ سال حبس محکوم شده که طبق قانون مجازات جمهوری اسلامی طولانی‌ترین حکم قابل اجراست.

شکیلا منفرد زندانی سیاسی در حالی که یک روز به پایان مرخصی پنج روزه او باقی مانده بود روز چهارشنبه ششم تیرماه، در حالی که برای تمدید مرخصی به دادرسی ناحیه هشت تهران مراجعه کرده بود، ماموران زندان در مقابل پدرش او را با ضرب و شتم بازداشت و به زندان زنان اوین منتقل کردند.

یک منبع مطلع نزدیک به خانواده این زندانی سیاسی ضمن تایید این خبر به کیهان لندن گفت: «شکیلا در این سه روز به دنبال انجام کارهای درمانی و آزمایش‌های آندوسکوپی و پاتولوژی بود ولی با این نحوه بازداشت، مراحل درمان وی ناتمام باقی ماند.»

به گفته این فرد آگاه نزدیک به خانواده شکیلا منفرد، یک روز قبل از بازداشت، او در پارک دانشجویی تهران با یکی از دوستانش نشسته بود که چند نفر که خود را خبرنگار یک خبرگزاری خارجی معرفی کردند در همان محل با او مصاحبه‌ای انجام دادند. به اعتقاد این فرد نزدیک به خانواده شکیلا منفرد، احتمال می‌رود این مصاحبه نقشه‌ای از طرف سازمان اطلاعات سپاه (ساس) جهت به دام انداختن و گرفتن بهانه برای صدور احکام سنگین‌تر علیه این زندانی ۳۰ ساله بوده باشد.

به گزارش «دادبان»، دادگاه تجدید نظر استان تهران شکیلا منفرد زندان سیاسی را که با حکم در مجموع ۱۱ سال حبس در زندان اوین اسیر است، در یک پرونده دیگر به یک سال حبس و مجازات‌های تکمیلی محکوم کرد.

شکیلا منفرد در این پرونده که در دوران حبس برای او ساخته شده، به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به دوازده ماه حبس، دو سال تبعید به خارج از تهران و استان‌های مجاور، دو سال منع خروج از کشور، دو سال منع عضویت در گروه‌های اجتماعی-سیاسی و دو سال منع استفاده از تلفن هوشمند محکوم شده است!

سال گذشته نیز این زندانی سیاسی در حکمی دیگر این به ۱۵ ماه حبس دیگر محکوم شد. منابع حقوق بشری در پنجم اسفند ۱۴۰۲، گزارش دادند که شکیلا منفرد، در پرونده‌ای جدید به ۱۵ ماه حبس دیگر و سایر مجازات‌های تکمیلی محکوم شد.

این حکم اواخر دی‌ماه به صورت غیابی و به اتهام

نمایشنامه‌ای به نام انتخابات



تقلب و دستکاری در نتایج انتخابات نیز یکی دیگر از ابزارهای مهندسی انتخابات در ایران است. نمونه بارز این امر، انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ است که با اعتراضات گسترده و سرکوب شدید همراه شد. در آن انتخابات، با وجود مشارکت بالای مردم و حمایت گسترده از نامزدهای اصلاح‌طلب، نتیجه به نفع نامزد اصولگرا اعلام شد و موجی از اعتراضات و تظاهرات در سراسر کشور به راه افتاد. این حوادث نشان داد که در ایران، حتی اگر مردم به پای صندوق‌های رأی بیایند و به کاندیدای مورد نظر خود رأی بدهند، باز هم نمی‌توانند به نتایج واقعی انتخابات اعتماد کنند.

رسانه‌های تحت کنترل، ابزاری برای تبلیغات یکسویه
رسانه‌ها، به ویژه رسانه‌های دولتی و به‌خصوص صداوسیما رژیم که تحت کنترل هستند، نقش مهمی در مهندسی انتخابات ایفا می‌کنند. این رسانه‌ها با پوشش یکسویه و جانبدارانه از یک نامزد خاص، عملاً تبلیغات گسترده‌ای به نفع او انجام می‌دهند و فرصت برابر برای سایر نامزدها فراهم نمی‌کنند. علاوه بر این، رسانه‌های مستقل و منتقد با محدودیت‌ها و فشارهای فراوانی مواجه هستند و نمی‌توانند بطور آزادانه اخبار و اطلاعات مربوط به انتخابات را پوشش دهند، و در نتیجه کشور را به صورت زندان بزرگ روزنامه‌نگاران تبدیل کرده است. به این ترتیب، مردم از دسترسی به اطلاعات دقیق و بی‌طرفانه محروم می‌شوند و نمی‌توانند انتخاب آگاهانه‌ای حتی بین نامزدهای مورد قبول و تأییدشده نظام داشته باشند.

شکست تهموم اصلاحات و لازمه براندازی رژیم
انتخابات در ایران، به ویژه انتخابات ریاست جمهوری اسلامی، بجای آنکه نمادی از دموکراسی و مشارکت مردمی باشد، به یک نمایش مهندسی‌شده برای تبلیغات در رسانه‌های غرب تبدیل شده تا بتوانند از فشارهای بین‌المللی بر رژیم تا حدی بکاهند.

نظارت استصوابی، حذف رقبا، تقلب در نتایج و تبلیغات یکسویه، همگی ابزارهایی هستند که حاکمان برای حفظ قدرت خود به کار می‌گیرند. در چنین شرایطی، اصلاحات در داخل رژیم به کلی با شکست مواجه شده و تهموم آن فریادهای «اصلاح‌طلب اصولگرا، دیگه تهموم ماجرا» بیانگر خواست اکثریت مردم ایران برای تغییر و تعویض رژیم است. فقط با سقوط این رژیم نکبت و قرون وسطایی می‌توان به تحقق واقعی مردم‌سالاری و احترام به اراده مردم دست یافت. *بهرام فرخی دانش‌آموخته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل از دانشگاه رم و ساکن ایتالیا است.

● نظارت استصوابی، حذف رقبا، تقلب در نتایج و تبلیغات یکسویه، همگی ابزارهایی هستند که حاکمان برای حفظ قدرت خود به کار می‌گیرند. در چنین شرایطی، اصلاحات در داخل رژیم به کلی با شکست مواجه شده و تهموم آن فریادهای «اصلاح‌طلب اصولگرا، دیگه تهموم ماجرا» بیانگر خواست اکثریت مردم ایران برای تغییر و تعویض رژیم است.

بهرام فرخی - انتخابات ریاست جمهوری اسلامی در ایران، همواره با جنجال‌ها و حواشی فراوانی همراه بوده است. این رأی‌گیری‌ها که بر اساس قانون هر چهار سال یکبار برگزار می‌شوند، نه تنها نمادی از دموکراسی و مشارکت مردمی نیستند، بلکه بیشتر به یک نمایشنامه شباهت دارند. در این مقاله، به بررسی ابعاد مختلف انتخابات مهندسی‌شده در ایران می‌پردازم و نشان می‌دهم که چگونه این انتخابات‌ها بجای تقویت مردم‌سالاری، در خدمت تقویت قدرت حاکمان هستند.

نظارت استصوابی: ابزاری برای حذف رقبا
یکی از مهم‌ترین ابزارهای مهندسی انتخابات در ایران، «نظارت استصوابی» شورای نگهبان است. این نهاد، که اعضای آن توسط رهبر جمهوری اسلامی منصوب می‌شوند، وظیفه دارد صلاحیت نامزدهای انتخابات را تأیید یا رد کند. اما در عمل، این وظیفه به ابزاری برای حذف رقبا و کاندیداهای ناخواسته تبدیل شده است. شورای نگهبان بطور معمول با دلایل واهی و گاهی حتی بدون ارائه دلیل، صلاحیت بسیاری از نامزدهای مستقل و منتقد را رد می‌کند. به این ترتیب، تنها کسانی که مورد تأیید نظام حاکم هستند، اجازه حضور در عرصه انتخابات نمایشی را پیدا می‌کنند.

انتخاب بین بد و بدتر
انتخابات مهندسی‌شده در ایران به گونه‌ای طراحی شده که مردم مجبور به انتخاب بین گزینه‌های محدود و از پیش تعیین‌شده باشند. حتی در مواردی که چندین نامزد تأیید صلاحیت می‌شوند، تفاوت‌های بنیادی میان آنها وجود ندارد و همه به نوعی وفاداری خود را به نظام ولایت فقیه اعلام کرده‌اند. در این شرایط، رقابت‌های انتخاباتی بیشتر به یک نمایش سیاسی شباهت دارند تا یک روند دموکراتیک واقعی. مردم عملاً بین بد و بدتر یا بین دو نامزدی که سیاست‌های مشابهی دارند، و با نام اصلاح‌طلب و اصولگرا مشخص می‌شوند، حق «انتخاب» دارند.

تقلب و دستکاری در نتایج انتخابات
علاوه بر نظارت استصوابی و حذف نامزدهای مستقل،

هشدار کانون نویسندگان ایران درباره سلامت مهدی بهمن نویسنده و نگارگر زندانی



مشکلات معده و دردهای مزمن زانو و کمر، از زندان اوین به بیمارستان «لقمان» منتقل شد.

این منبع آگاه گفته مهدی بهمن در شرایطی به بیمارستان منتقل شد که مدت طولانی از این بیماری‌ها رنج می‌برده و با بی‌توجهی مسئولان زندان روبرو بوده است.

مهدی بهمن نویسنده، نگارگر و پژوهشگر ادیان است که در جریان اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ ایران در ۱۹ مهر همان سال بازداشت شد. دادگاه مهدی بهمن روز سوم دی‌ماه ۱۴۰۱ در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی عموزاد برگزار شد. «کمیته پیگیری وضعیت بازداشت‌شدگان» روز پنجشنبه ۸ دی‌ماه با انتشار خبر محکومیت مهدی بهمن به «اعدام» تأکید کرد که این نویسنده در این مدت از حق برخورداری از وکیل تعیینی (انتخابی) محروم بوده است.

مدتی بعد اما حکم اعدام مهدی بهمن در دادگاه تجدیدنظر به پنج سال حبس تعزیری کاهش یافت. او از آن زمان تا کنون در زندان بوده و از حق مرخصی، حتی برای درمان، محروم مانده است.

مهدی بهمن بیش از ۲۰ سال در حوزه «همزیستی ادیان» فعالیت کرده و فعالیت‌هایی در راستای گفتگوی ادیان انجام داده است.

او آثار و کتاب‌هایی از جمله تورات، زبور و انجیل را تذهیب کرده است. از میان این کتب، کتاب زبور در کتابخانه کنگره آمریکا و کتاب عزرا در اسرائیل نگهداری می‌شود.

مجموعه داستان «سرمای استخوان سوز» عنوان کتابی از مهدی بهمن است که به خاطر ممنوعیت انتشار و سانسور کتاب در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در سال ۲۰۱۹ توسط نشر «روناک» در آمستردام منتشر شد.

کیهان لندن در بهمن ۱۳۹۹ به ارتباط با مجموعه داستان مهدی بهمن و اینکه چرا آن را در خارج کشور به چاپ رسانده با وی گفتگو کرده بود. این نویسنده و هنرمند در این گفتگو اشاره کرده بود: «اینکه جهان داستان‌های من اینقدر سیاه است عمده‌ترین دلیلش این است که من در «ایران» زندگی می‌کنم با همه فراز و نشیب‌های تاریخی و اجتماعی آن.»

● کانون نویسندگان ایران تأکید کرده این زندانی «اکنون در قرنطینه‌ی زندان اوین بسر می‌برد، به داروهایش دسترسی ندارد و شرایط وخیمی را از سر می‌گذراند.»

● یک منبع آگاه به خبرگزاری «هرانا» گفته مهدی بهمن در شرایطی به بیمارستان منتقل شد که مدت طولانی از این بیماری‌ها رنج می‌برده و با بی‌توجهی مسئولان زندان روبرو بوده است.

● یک فرد نزدیک به مهدی بهمن به کیهان لندن می‌گوید که وی پدر و مادر سالخورده‌ای دارد که نمی‌توانند هر هفته به ملاقات وی بروند.

● مهدی بهمن در جریان اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ ایران در ۱۹ مهر همان سال بازداشت و به اعدام محکوم شد. حکم اعدام او در دادگاه تجدید نظر به پنج سال زندان کاهش یافت.

کانون نویسندگان ایران نسبت به سلامت مهدی بهمن نویسنده و نگارگر زندانی هشدار داد و نوشت این زندانی سیاسی پس از وخامت حال جسمی به بیمارستان منتقل شده اما پس از مدت کوتاهی و بدون انجام روند درمانی به زندان بازگردانده شده است.

کانون نویسندگان ایران گزارش داده مهدی بهمن دو روز پیش و در چهارم تیرماه ۱۴۰۳ به دلیل وضعیت نامساعد جسمی به بیمارستان منتقل اما پس از ۲۴ ساعت مجدداً به زندان بازگردانده شد.

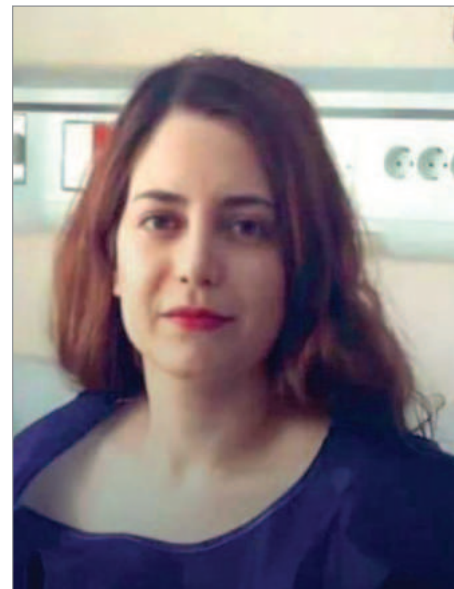
کانون نویسندگان ایران تأکید کرده این زندانی «اکنون در قرنطینه‌ی زندان اوین بسر می‌برد، به داروهایش دسترسی ندارد و شرایط وخیمی را از سر می‌گذراند.»

یک فرد نزدیک به مهدی بهمن به کیهان لندن می‌گوید که وی پدر و مادر سالخورده‌ای دارد که نمی‌توانند هر هفته به ملاقات وی بروند. همچنین چندی پیش یکی از دوستان نزدیک وی خودکشی کرد که همین موضوع او را به شدت تحت تأثیر قرار داده است.

خبرگزاری «هرانا» نیز به نقل از یک منبع آگاه گزارش داده مهدی بهمن به دلیل بیماری‌هایی از جمله عارضه قلبی،

«تبلیغ علیه نظام» صادر شده بود و پس از رد تجدید نظر، قطعی و به او در زندان اوین ابلاغ شد.

اشکان منفرد، فعال سیاسی و برادر شکیلا منفرد که ساکن خارج از ایران است، در توییتری نوشت که اتهام جدید پس از آن طرح شد که «روز عمل روی تخت بیمارستان زنگ زدم و حالش را پرسیدم» و اتهام او «ارتباط با عنصر معاند نظام» ذکر شده است.



شکیلا منفرد در تاریخ ۱۰ شهریورماه ۱۳۹۹، هنگام خروج از منزل توسط نیروهای امنیتی در تهران بازداشت و پس از اتمام مراحل بازجویی در یکی از بازداشتگاه‌های سازمان اطلاعات سپاه (ساس) به زندان اوین منتقل شد. وی در تاریخ ۲۴ شهریورماه با وثیقه ۴۰۰ میلیون تومانی از این زندان آزاد شد.

جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات شکیلا منفرد به همراه دو تن دیگر از بابت پرونده‌ای مشترک در تاریخ ۱ بهمن‌ماه ۹۹ در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران برگزار شد. این زندانی سیاسی پس از پایان جلسه دادگاه، توسط ماموران اطلاعات سپاه (ساس) بازداشت و به زندان منتقل شد.

وی در نهایت از سوی شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی ایمان افشاری به اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام و توهین به مقدسات اسلام» به شش سال حبس تعزیری و چهار ماه کار اجباری در جهاد کشاورزی محکوم شد. در نهایت شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران شکیلا منفرد را به چهار سال و دو ماه حبس قطعی محکوم کرد. در دی‌ماه سال ۱۴۰۰، شکیلا منفرد بابت پرونده‌ای که در دوران حبس برای وی گشوده شد، در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران محاکمه و در نهایت در خردادماه ۱۴۰۱، با حکم شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران به اتهام «عضویت در گروه‌های مخالف نظام» به دو سال و هشت ماه حبس تعزیری و به اتهام «نشر اکاذیب» به پرداخت ۱۰ میلیون تومان جزای نقدی محکوم شد.

همچنین این زندانی سیاسی در شانزدهم خردادماه ۱۴۰۲، بابت گشایش یک پرونده جدید دیگر در دوران حبس به اتهام «اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت کشور» در شعبه دوم دادسرای شهید مقدس (اوین) با ریاست قاضی تاریمان مواجه شد که در نهایت برای این پرونده قرار منع تعقیب صادر شد. همچنین در فروردین ماه سال جاری، شکیلا منفرد بابت پرونده‌ای که آن نیز در دوران حبس علیه وی گشوده شد توسط شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر استان تهران به دوازده ماه حبس، دو سال تبعید و مجازات‌های تکمیلی محکوم شد.

تحریم یک شبکه بزرگ پولشویی و «بانکداری در سایه» وابسته به نیروهای مسلح جمهوری اسلامی



روغایی سپاه از موشک‌های «خبرشکن»

روزنامه «نشنال»:
نقل مکان رهبران
حماس از دوحه به
بغداد تحت محافظت
جمهوری اسلامی؛
حماس تکذیب کرد



اسماعیل هنیه در دوحه / رویترز

● در شرایطی که عملیات نظامی اسرائیل علیه حماس در غزه ادامه دارد، روزنامه «نشنال» دوشنبه ۲۴ ژوئن (چهارم تیرماه) گزارش داد، کادر رهبری حماس، در حال بررسی انتقال از دوحه پایتخت قطر به عراق هستند.

● گفته می‌شود که جمهوری اسلامی ایران مسئولیت حفاظت از رهبران، دفاتر و کارکنان حماس در بغداد را بر عهده خواهد گرفت. با این حال، بر اساس گزارش وبسایت روزنامه اسرائیلی «یدیوت آحرانوت»، حماس این ادعاها را رد کرد و گفت: «گزارش‌ها در مورد برنامه‌ریزی حماس برای ترک قطر و انتقال به عراق حقیقت ندارد.»

● این تصمیم پس از گفتگو بین اسماعیل هنیه و نمایندگان از دولت‌های عراق و حکومت ایران گرفته شده است. یک نماینده ارشد پارلمان عراق فاش کرد که دولت این کشور ماه گذشته این اقدام را تأیید کرده است.

● برخی منابع گفته‌اند که حماس همین ماه یک دفتر سیاسی به رهبری محمد النحی یکی از مقامات ارشد این گروه در بغداد افتتاح کرده است. برنامه‌هایی برای افتتاح دفتر رسانه‌ای حماس در بغداد طی هفته‌های آینده نیز وجود دارد.

● این منابع افزودند که به مقامات حماس گفته شده است که اگر این گروه در مذاکرات انعطاف نشان ندهد، ممکن است با اخراج از قطر و اقدامات تنبیهی از جمله مسدود کردن دارایی‌های خارج از غزه مواجه شوند.

در شرایطی که عملیات نظامی اسرائیل علیه حماس در غزه ادامه دارد، روزنامه «نشنال» دوشنبه ۲۴ ژوئن (چهارم تیرماه) گزارش داد، کادر رهبری حماس، در حال بررسی انتقال از دوحه پایتخت قطر به عراق هستند.

گفته می‌شود که جمهوری اسلامی ایران مسئولیت

عظیم را که توسط نیروهای مسلح جمهوری اسلامی برای پولشویی میلیاردها دلار درآمدهای نفتی و سایر درآمدهای غیرقانونی استفاده می‌شد تحریم کرده است.

این مقام آمریکایی همچنین مدعی شد، «از زمان روی کار آمدن پرزیدنت بایدن، صدها نهاد و شخص درگیر در فعالیت‌های غیرقانونی نفت و پتروشیمی ایران را تحریم کرده‌ایم و به تعقیب کسانی که به دنبال تأمین مالی فعالیت‌های تروریستی بی‌ثبات‌کننده [رژیم] ایران هستند، ادامه خواهیم داد. ما به همکاری با متحدان و شرکا و همچنین صنعت مالی جهانی برای افزایش هوشیاری در مقابل نقل و انتقال پول‌هایی که صرف حمایت از تروریسم می‌شود، ادامه می‌دهیم.»

یکی از تحریم‌شدگان «صرافی سید محمد مثنایی نجیبی و شرکاء» است. این فرد یک صراف ترکیه‌ای- ایرانی است که از سال ۲۰۱۹ تا کنون چندین شرکت مبادلات ارزی را در ایران و ترکیه با هماهنگی وزارت دفاع جمهوری اسلامی جهت دور زدن تحریم‌های آمریکا و اروپا مدیریت کرده است.

محمد مثنایی نجیبی از طریق چند شرکت پوششی در ترکیه از جمله «گلدن استارز» نقل و انتقال ارز و طلا بین ایران و ترکیه را به ارزش ده‌ها میلیون دلار برای وزارت دفاع جمهوری اسلامی انجام داده است.

دو شرکت صرافی با نام «امید سپه» و «ایران حکمت» وابسته به بانک سپه و بانک «حکمت ایرانیان» نیز که از سال ۲۰۲۰ اقدام به پولشویی به نفع نیروهای مسلح جمهوری اسلامی می‌کردند در فهرست تحریم‌ها قرار گرفتند.

اسدالله سیفی یک صراف ایرانی است که به اتهام دور زدن تحریم‌های جمهوری اسلامی در فهرست سیاه وزارت خزانه‌داری آمریکا قرار گرفته است. وی از طریق چند شرکت صوری در امارات و همچنین صرافی «انصار» برای نیروهای مسلح جمهوری اسلامی دسترسی به درهم امارات را فراهم می‌کرد. ده‌ها شرکت صوری ثبت شده در هنگ‌کنگ، امارت و جزایر مارشال نیز در فهرست تحریم‌های آمریکا قرار گرفته‌اند.

● دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه داری (OFAC) روز سه‌شنبه ۲۵ ژوئن (پنجم تیرماه) حدود ۵۰ نهاد و شخص را در چندین شاخه از شبکه گسترده «بانکداری در سایه» که اقدام به پولشویی برای وزارت دفاع جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌کردند در فهرست تحریم‌های خود قرار داد.

● یکی از تحریم‌شدگان «صرافی سید محمد مثنایی نجیبی و شرکاء» است. این فرد یک صراف ترکیه‌ای- ایرانی است که از سال ۲۰۱۹ تا کنون چندین شرکت مبادلات ارزی را در ایران و ترکیه با هماهنگی وزارت دفاع جمهوری اسلامی جهت دور زدن تحریم‌های آمریکا و اروپا مدیریت کرده است.

● ده‌ها شرکت صوری ثبت شده در هنگ‌کنگ، امارت و جزایر مارشال نیز در فهرست تحریم‌های آمریکا قرار گرفته‌اند.

● دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه داری (OFAC) روز سه‌شنبه ۲۵ ژوئن (پنجم تیرماه) حدود ۵۰ نهاد و شخص را در چندین شاخه از شبکه گسترده «بانکداری در سایه» که اقدام به پولشویی برای وزارت دفاع جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌کردند در فهرست تحریم‌های خود قرار داد.

بر اساس بیانیه وزارت خارجه آمریکا، این شبکه از سال ۲۰۲۰ امکان دسترسی غیرقانونی سپاه پاسداران و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی را به سیستم مالی بین‌المللی و پردازش میلیاردها دلار پول حاصل از درآمدهای نفتی و پتروشیمی را فراهم می‌کرد.

در این شبکه پولشویی، چندین صرافی ایرانی و ده‌ها شرکت صوری خارجی امکان معاملات مخفیانه برای وزارت دفاع و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در خارج کشور به وجود آورده و از همین طریق جمهوری اسلامی اقدام به تأمین مالی برای ساخت انواع موشک و پهپاد و همچنین حمایت مالی از گروه‌های تروریستی منطقه و نیز ارسال سلاح به روسیه برای استفاده در جنگ علیه اوکراین می‌کرد. والی آدیمو معاون وزیر خزانه‌داری آمریکا درباره این تحریم‌ها گفت: «ایالات متحده یک سیستم بانکی در سایه

حمله هوایی به محموله تسلیحاتی گروه‌های نیابتی وابسته به جمهوری اسلامی در شرق سوریه



حمله هوایی به محموله‌های سلاح و مراکز نظامی در روستای «الحمدان» و «السكریه» در منطقه البوکمال در استان دیرالزور سوریه

شدند. بر اساس اعلام منابع غیررسمی در این حمله حبیب‌الله اکبر مجاهد از افغان‌های لشکر «فاطمیون» و عبدالله رزاق الصافی عضو «کتاب سیدالشهداء» کشته شدند. هنوز مشخص نیست آیا نیروهای ایرانی نیز در میان کشته‌ها حضور داشتند یا نه.

منابع امنیتی اسرائیل می‌گویند «سپاه قدس» ارسال سلاح به حزب‌الله لبنان و همچنین گروه‌های جهادی فلسطینی در کرانه باختری را افزایش داده است. اصلی‌ترین مسیر انتقال این تسلیحات از عراق به سوریه و سپس لبنان است. برخی از این تسلیحات نیز از مرز اردن ارسال می‌شود.

وزیر دفاع اسرائیل دوشنبه ۱۷ ژوئن (۲۸ خردادماه) در بازدید از شمال کرانه باختری که شهر جنین در آن منطقه واقع شده، گفت با توجه به تلاش‌های جمهوری اسلامی برای ارسال غیرقانونی تسلیحات به منطقه، اسرائیل تیم‌های دفاع محلی را از نظر تسلیحاتی تقویت کرده و اقدامات کنترلی و نظارتی در شهرک‌ها افزایش پیدا یافته‌اند.

ژنرال یوآو گالات اعلام کرد که حکومت ایران از طریق شرق کرانه باختری [از راه اردن] برای افزایش اسلحه در میان باندهای مسلح در گروه‌های نیابتی تلاش می‌کند.

اسرائیل همزمان با جنگ در مرزهای شمالی خود علیه حزب‌الله، کارزار خنثی‌سازی مأموریت‌های «سپاه قدس» در سوریه را نیز پیش می‌برد. در یکی از آخرین حملات به سوریه دوشنبه ۱۴ خردادماه، سعید آبیاری یکی از اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در حومه حلب کشته شد.

سردار پاسدار حسین سلامی فرمانده کل سپاه ۱۶ خردادماه در پیامی به مناسبت کشته شدن وی گفت، «جنايتكاران صهيونيست بدانند تاوان خون‌های پاک ريخته شده در اين جنايت را خواهند پرداخت، در انتظار پاسخ باشند!»

● یک کاروان تسلیحاتی در حال عبور از عراق به سوریه جمعه شب ۲۱ ژوئن (اول تیرماه) هدف حملات پهپادی قرار گرفت. در این حملات یک مجتمع نظامی در شهر حُصص نیز هدف قرار داده شد.

● برخی منابع گزارش دادند محموله‌ای که در دیرالزور حوالی مرز عراق (جنوب شرقی سوریه) هدف قرار گرفت متعلق به جمهوری اسلامی بوده است.

● بعضی مدعی‌اند اسرائیل و برخی دیگر گفته‌اند آمریکا پشت این حملات قرار دارند. اما هیچ‌کدام از این دو کشور مسئولیت این عملیات را به عهده نگرفته‌اند.

● تعداد تلفات و خسارات این حمله مشخص نیست اما گفته می‌شود دست‌کم ۵ کامیون حامل مهمات کاملاً منهدم شد که آتش‌سوزی بزرگی ایجاد کرد و شمار قابل توجهی نیروهای وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کشته شدند.

یک کاروان تسلیحاتی در حال عبور از عراق به سوریه جمعه شب ۲۱ ژوئن (اول تیرماه) هدف حملات پهپادی قرار گرفت. در این حملات یک مجتمع نظامی در شهر حُصص نیز هدف قرار داده شد.

برخی منابع گزارش دادند محموله‌ای که در دیرالزور حوالی مرز عراق (جنوب شرقی سوریه) هدف قرار گرفت متعلق به جمهوری اسلامی بوده است.

بعضی مدعی‌اند اسرائیل و برخی دیگر گفته‌اند آمریکا پشت این حملات قرار دارند؛ اما هیچ‌کدام از این دو کشور مسئولیت این عملیات را به عهده نگرفته‌اند.

تعداد تلفات و خسارات این حمله مشخص نیست اما گفته می‌شود دست‌کم ۵ کامیون حامل مهمات کاملاً منهدم شد که آتش‌سوزی بزرگی ایجاد کرد و شمار قابل توجهی از نیروهای وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کشته

حفاظت از رهبران، دفاتر و کارکنان حماس در بغداد را بر عهده خواهد گرفت. با این حال، بر اساس گزارش وبسایت روزنامه اسرائیلی «یدیعوت آحرانوت»، حماس این ادعاها را رد کرد و گفت: «گزارش‌ها در مورد برنامه‌ریزی حماس برای ترک قطر و انتقال به عراق حقیقت ندارد.»

گفته می‌شود این تصمیم پس از گفتگو بین اسماعیل هنیه و نمایندگان از دولت‌های عراق و حکومت ایران گرفته شده است. یک نماینده ارشد پارلمان عراق فاش کرد که دولت این کشور ماه گذشته این اقدام را تأیید کرده است.

این نماینده ارشد عراقی به «نشنال» می‌گوید: «هیچ اتفاق نظری میان گروه‌های سیاسی عراقی در مورد انتقال حماس به بغداد وجود ندارد. برخی، به‌ویژه کردها و برخی سنی‌ها می‌ترسند که این اختلافات با ایالات متحده را عمیق‌تر کند. اما با وجود عدم توافق نظر، تصمیم دولت برای میزبانی از حماس لغو نخواهد شد.»

این نماینده پارلمان عراق تأکید کرد، دولت محمد شیاع السوداني از گزینه انتقال حماس به عراق استقبال کرده است اما هنوز تاریخ مشخصی برای عملی شدن این طرح اعلام نشده است.

آنها گفتند که حماس همین ماه یک دفتر سیاسی به رهبری محمد الحفی یکی از مقامات ارشد این گروه در بغداد افتتاح کرده است. برنامه‌هایی برای افتتاح دفتر رسانه‌ای حماس در بغداد طی هفته‌های آینده نیز وجود دارد.

اسرائیل می‌گوید حماس عامل اصلی عدم دستیابی به توافق صلح است. دولت بنیامین نتانیاهو بارها گفته ادامه حکومت حماس در غزه را نخواهد پذیرفت.

یک منبع دیگر به روزنامه «نشنال» می‌گوید، حماس قصد دارد همچنان دفتر دوحه را برای هماهنگی و نظارت بر روابط با قطر فعال نگه دارد.

دوحه متحد نزدیک واشنگتن و محل استقرار بزرگ‌ترین پایگاه نظامی آمریکا در خاورمیانه، برای سال‌ها حامی مالی اصلی گروه حماس در غزه بوده است. جمهوری اسلامی ایران نیز که روابط گرمی با قطر دارد، یکی از حامیان اصلی حماس نیز هست.

این منابع گفتند که تیم‌های امنیتی و لجستیک حماس برای نظارت بر روند انتقال به عراق راهی بغداد شده‌اند. اخبار مربوط به این اقدام هفته‌ها پس از آن منتشر شد که برخی منابع فاش کردند رهبران حماس تحت فشار فزاینده قطر برای پذیرش پیشنهادهای آمریکا برای آتش‌بس و مبادله گروگان‌ها و زندانیان فلسطینی با اسرائیل قرار دارند.

حماس این پیشنهادها را رد کرده و خواسته‌های خود را تکرار کرده است که هر توافقی باید امکان آتش‌بس دائمی در منطقه، خروج کامل نیروهای اسرائیلی، بازسازی غزه و بازگشت بی‌قید و شرط فلسطینی‌های آواره را فراهم کند.

این منابع افزودند که به مقامات حماس گفته شده است که اگر این گروه در مذاکرات انعطاف نشان ندهد، ممکن است با اخراج از قطر و اقدامات تنبیهی از جمله مسدود کردن دارایی‌های خارج از غزه مواجه شوند.

این هشدار به رهبری سیاسی حماس، از جمله هنیه، در گفتگوهای ماه جاری در دوحه با میانجی‌های قطری و مصری داده شد. گفتگوهایی که پس از سفر ویلیام برنز رئیس سازمان اطلاعاتی آمریکا «CIA» به دوحه انجام شد. وی به عنوان میانجی ارشد واشنگتن برای برقراری آتش‌بس تلاش می‌کند.

ایالات متحده، مصر و قطر ماه‌ها تلاش کرده‌اند تا جهت برقراری آتش‌بس در غزه میانجی‌گری کنند؛ جایی که تنها آتش‌بس یک هفته قبل از پایان آن در اول دسامبر به طول انجامید.

نامزدهای انتخابات نمایشی دختران شان را «نمایش» می‌دهند و از «حجاب اجباری» دفاع می‌کنند!

بی‌تی‌اس و نتفلیکس سبک زندگی زنان ما را تعیین می‌کنند. سعید جلیلی رقیب دیگر جانشینی ابراهیم رئیسی گفت «افرادی که با قاتلان در غزه عکس می‌گیرند نگران زنان در ایران می‌شوند چرا که می‌بینند ایران زنان را کنار گذاشته و مدلی از آنها را نشان می‌دهد که همه متحیر ماندند، زن نمونه، زن دانشمند.»

سعید جلیلی توهم توطئه حکومت درباره زنان را بازگو کرده و گفته «دشمن» بر موضوع زنان متمرکز شده چون مسئله زنان یک «نقطه قوت» برای جمهوری اسلامی است. امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی نیز با فرافکنی گفته اصلا مسئله زنان ایرانی «حجاب» نیست و آنها به دنبال فرصت‌های برابر هستند.

مواضع نامزدهای نمایش انتخابات درباره زنان با واکنش‌هایی در شبکه‌های اجتماعی همراه شده است. برخی معتقدند اصلاح‌طلبان به دنبال جمع رأی از هواداران «زن، زندگی، آزادی» هستند اما با اظهارات پزشک‌های امکان ندارد بتوانند رأی شهروندان را به سود خود جمع کنند.

برخی نیز به عدم تفاوت میان اصلاح‌طلبان و اصولگرایان در نگرش به موضوعاتی مانند زنان اشاره کرده و بر لزوم شکست جمهوری اسلامی و تداوم مبارزات مردمی علیه حکومت تأکید می‌کنند.

اینهمه در حالیست که نامزدهای جانشینی ابراهیم رئیسی تلاش کرده‌اند در نمایشی مشترک، دختران چادری خود را در جریان تبلیغات انتخاباتی به «نمایش» بگذارند و مدعی شوند برای زنان ارزش قائل هستند.

امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی و مسعود پزشکیان به همراه دختران‌شان برای ثبت‌نام در انتخابات در ستاد انتخابات کشور حاضر شده بودند. دختران محمداقرباب قالیباف و علیرضا زاکانی و مصطفی پورمحمدی نیز در روزهای گذشته با حضور در صداوسیما حکومت از نامزدی و رئیس‌جمهور شدن پدران خود دفاع کردند.

منیره پورمحمدی دختر مصطفی پورمحمدی همچنین به عنوان مشاور اقتصادی پدرش نیز در انتخابات فعال است. او پدرش را در میزگرد اقتصادی انتخاباتی نیز همراهی کرد. پورمحمدی در اینباره نوشت: «دخترم، دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه تهران، همراهم در میزگرد اقتصادی بود تا درباره اثرگذاری تحریم سخن بگوید.»

در این میان سعید جلیلی که تنها یک پسر دارد، نتوانسته مانند پنج رقیب خود با دخترش نمایش انتخاباتی اجرا کند. نکته قابل توجه اینکه سعید جلیلی در برنامه «گفتگوی صمیمی» صداوسیما حکومت که با یک عضو خانواده نامزدهای انتخابات گفتگو می‌کند نیز پسرش، سجاد، را نفرستاد. بجای وی، امیرحسین ثابتی نماینده کنونی مجلس شورای اسلامی و از حامیان جلیلی در برنامه صداوسیما دولتی حضور پیدا کرد.

چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری بطور زود هنگام و به دلیل کشته شدن ابراهیم رئیسی دولت سیزدهم در سقوط هلی‌کوپتر (۳۰ اردیبهشت) قرار است جمعه هشتم تیرماه ۱۴۰۳ برگزار شود. جمهوری اسلامی با همه کوشش‌ها نتوانسته تنور یخ‌زده‌ی انتخابات را گرم کند و عموم شهروندان یا به روند انتخابات بی‌تفاوت هستند و یا به تمسخر «سیرک انتخابات» می‌پردازند.



او در حالی به شستشوی مغزی از دوران خردسالی و در مهدکودک اشاره کرد که در جملاتی تبلیغاتی نیز گفت: «برخوردم ما با زنان در خیابان‌ها درست نیست.»

این ادعا در حالی مطرح شده که طرح راه‌اندازی گشت‌های ارشاد در دولت محمد خاتمی که مسعود پزشکیان آن زمان عضو هیئت دولت بود، تصویب و اجرای آن به دولت محمود احمدی‌نژاد موکول شد.

جالب آنکه پزشکیان در سال ۹۱ که نماینده مجلس شورای اسلامی بود طرح سؤال از محمود احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور وقت را امضا کرده که «چرا طرح عفاف و حجاب اجرا نشده است!» او همچنین تأکید کرده بود که حجاب قانون است و باید اجرا شود.

پنج نامزد اصولگرا نیز مانند مسعود پزشکیان بر تحمیل حجاب اجباری علیه زنان تأکید کردند. محمداقرباب قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی در بخشی از مناظره گفت: «برابری جنسیتی را قبول نداریم اما دنبال عدالت جنسیتی هستیم.»

او در وعده‌ای عجیب گفت در دولت‌شان مقابل دوراهی کار در خانه یا اشتغال در بیرون از خانه قرار نمی‌گیرند.

علیرضا زاکانی هم بر «شرعی» و «قانونی» بودن حجاب تأکید کرده و گفته «نوع مواجهه با بی‌حجابان جز از طریق احترام و مواجهه قانونی میسر نیست. احترام، احترام و احترام.» مصطفی پورمحمدی از چهره‌های امنیتی و قضایی و اعضای «هیئت مرگ» که سازماندهی و اجرای اعدام زندانیان سیاسی در دهه شصت را بر عهده داشت هم گفته «عده‌ای جای زبان اعتماد و رضایت را با زبان تهدید و باتوم اشتباه گرفته‌اند و جواب‌شان هم فحش و ناسزا است.»

او با اعتراف به نقش سرکوبگری که در جمهوری اسلامی داشته گفته «من که در خشن‌ترین نقش‌ها مجبور بودم اشد علی الکفار باشم می‌گویم باید در برابر زنان خاکسار باشیم!»

این چهره امنیتی همچنین گفته «الان هالیوود و بالیوود،

نامزدهای جانشینی ابراهیم رئیسی تلاش کرده‌اند در نمایشی مشترک، دختران چادری خود را در جریان تبلیغات انتخاباتی به «نمایش» بگذارند و مدعی شوند برای زنان ارزش قائل هستند.

پزشکیان گفته باید سیاست تحمیل حجاب اجباری را از مهدکودک آغاز کرد و امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی بطور کلی منکر وجود مسئله‌ای به نام حجاب برای زنان ایرانی شد.

مصطفی پورمحمدی با اعتراف به نقش سرکوبگری که در جمهوری اسلامی داشته گفته «من که در خشن‌ترین نقش‌ها مجبور بودم اشد علی الکفار باشم می‌گویم باید در برابر زنان خاکسار باشیم!»

محمداقرباب قالیباف گفت: «برابری جنسیتی را قبول نداریم اما دنبال عدالت جنسیتی هستیم.»

اصلاح‌طلبان تصور می‌کردند با مسعود پزشکیان می‌توانند بخشی از پایگاه اجتماعی از دست رفته‌ی خود و بخشی از ظرفیت شهروندان معترض را به خود اختصاص دهند اما قافیه را باخته‌اند!

نامزدهای انتخابات چهاردهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی همگی مواضع مشترکی درباره «حجاب اجباری» دارند و تنها نقطه اختلاف آنها در چگونگی «تحمیل» آن به زنان ایران است. آنها با وجود مواضع ضدزن، دختران‌شان را برای تبلیغات انتخاباتی به نمایش گذاشته‌اند!

شش نامزد انتخابات ریاست جمهوری اسلامی که پنج تن از آنها از جریان اصولگرا هستند و یک نفر از جریان اصلاح‌طلب است، در مناظره‌ها و تبلیغات انتخاباتی درباره تحمیل حجاب اجباری به زنان ایرانی و مخالفت با پوشش اختیاری هم‌عقیده‌اند.

سومین مناظره تلویزیونی میان نامزدهای انتخابات شامگاه جمعه اول تیرماه برگزار و موضوع زنان و حجاب اجباری به یکی از محورهای آن تبدیل شد. «حجاب اجباری» با عناوینی چون «حجاب اسلامی» و «سبک زندگی اسلامی» مورد بحث قرار گرفت و هر شش نامزد مورد تأیید علی‌خامنه‌ای نشان دادند با تحمیل اجباری به زنان موافق هستند. اصلاح‌طلبان که تصور می‌کردند با سرمایه‌گذاری بر چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اسلامی می‌توانند بخشی از پایگاه اجتماعی از دست رفته‌ی خود و بخشی از ظرفیت شهروندان معترض را به خود اختصاص دهند، با مواضع مسعود پزشکیان قافیه را باختند!

مسعود پزشکیان نامزد اصلاح‌طلبان نسخه پیچیده که حجاب را باید از مراحل اولیه و از مهد کودک جا انداخت! این نگاه دقیقاً همان نگاهی است که از سوی دولت ابراهیم رئیسی و به ویژه رضا مرادصحرائی وزیر آموزش و پرورش در دو سال گذشته پیگیری شده است. طرح‌های مختلفی از سوی وزارت آموزش و پرورش برای جاسازی طلبه‌ها و نیروهای «ارزشی» در مدارس و آموزش‌های ایدئولوژیک به کودکان پیگیری شده است.

مسعود پزشکیان همچنین در بخشی از سخنانش در مناظره شب گذشته گفت: «همه خانواده من باحجابند، عروسام، خواهرام، چادری هم هستند، یعنی اینجوری هم نیست که بگیم مانع و روسری دارن.»

دفاع نامزدهای انتخابات از فیلترینگ برای حفظ نظام وعده‌های متناقض و بی‌منا درباره اینترنت

اینترنت» در جهان تبدیل می‌کند. او در ادامه ادعاهای خود افزوده بود که جمهوری اسلامی به لطف داشتن صنعت فضایی و مخابراتی می‌تواند بر «قله حکمرانی اینترنت جهانی» بایستد.

مسعود پزشکیان هم هفته گذشته در شبکه «ایکس» مدعی شد برای «اصلاح نظام ناکارآمد فیلترینگ» تلاش می‌کند تا کسب‌وکارهای فعال در فضای مجازی را به چرخه اقتصاد برگرداند. محمدجواد آذری جهرمی، وزیر ارتباطات دولت حسن روحانی و از نیروهای وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی اکنون قائم مقام ستاد تبلیغات مسعود پزشکیان است. محمد جواد آذری جهرمی برای نخستین بار خاموشی سراسری اینترنت در ایران را در اعتراضات آبان ۱۳۹۸ اجرایی کرد و نقش موثری در سرکوب شهروندان از طریق قطع اینترنت دارد.

گزارش‌ها نشان می‌دهد در سال ۱۴۰۱ بیش از ۸۰ درصد کاربران در ایران برای ورود به شبکه‌های اجتماعی از فیلترشکن استفاده کردند.

جمهوری اسلامی برای تشدید سرکوب شهروندان از طریق محدود ساختن اینترنت «طرح صیانت از حقوق کاربران فضای مجازی و ساماندهی پیام‌رسان‌های اجتماعی» معروف به «طرح صیانت» را در دستور کار دارد.

فیلترینگ زبانی گسترده نیز برای اقتصاد کشور و به ویژه کسب و کارها به دنبال داشته است. آمارهای منتشرشده از سوی top10vpn نشان می‌دهد در سال گذشته میلادی مسئولان جمهوری اسلامی اینترنت ایران را برای مدت ۵۱۶ ساعت قطع کرده‌اند. شبکه‌های اجتماعی بین‌المللی نیز در این بازه زمانی برای مدت ۱۳ هزار و ۱۴۰ ساعت فیلتر بوده‌اند.

خسارت ناشی از این مدت قطع اینترنت در کشور ۹۲۰ میلیون دلار، معادل بیش از ۵۰ هزار میلیارد تومان بوده است. این رقم بیش از سه برابر بودجه سال ۱۴۰۲ وزارت ارتباطات و فن‌آوری اطلاعات است.

روزنامه «دنیای اقتصاد» هم سال گذشته در گزارشی با اشاره به این آمارها نوشته بود قطع اینترنت توسط دولت‌ها به هر دلیل - سالانه میلیاردها دلار به اقتصاد جهان ضرر می‌زند و به شکل زخمی ظاهر می‌شود که آنها بر پیکر اقتصاد کشورهایشان وارد می‌آورند. اینترنت ایران هم سال‌هاست که با فیلترینگ و قطع شدن‌های عمدی دست و پنجه نرم می‌کند و این اختلالات، ضررهای هنگفتی به کاربران و البته کسب و کارهای آنلاین زده است.

این گزارش افزوده بود که کارشناسان اقتصادی و جامعه‌شناسان معتقدند که قطع عمدی اینترنت به‌عنوان شدیدترین شکل سانسور اینترنت، یکی از اشکال کنترل و نظارت اجتماعی بر مردم هر کشور است که جلوی دسترسی آزاد آنها به اینترنت می‌گیرد و در نهایت هدف از ردگیری شاخص هزینه جهانی قطع اینترنت، جلب توجه عموم مردم به آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی است که چنین اقداماتی می‌تواند به دنبال داشته باشند.

به همین دلیل فعالان حقوق بشر معتقدند که در سال میلادی گذشته نیمی از قطع شدن‌های عمدی اینترنت از سوی دولت‌ها، منجر به پایمال شدن حقوق و آزادی‌های اجتماعی افراد شده است.



وی پی ان به وجود بیاید که هم مخاطره امنیت و هم محدودیت در سرعت ایجاد می‌کند.»

پورمحمدی درباره پیام‌رسان‌ها هم گفت «خواستیم با یک کشور شرقی شراکت کنیم و یک پیام رسان قوی درست کنیم اما این اتفاق نیفتاد و ما فرصت‌ها را از دست داده‌ایم و امروز با یکسری مشکلات جدی از فیلترینگ و غیره مواجه هستیم.»

امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی نیز در سخنانش از «محدودیت‌های فکرنشده» در حوزه اینترنت انتقاد کرد و به عنوان مثال فیلتر شدن گوگل پلی را «مردم آزاری» دانست.

سعید جلیلی هم از محدودکردن پیام‌رسان‌های خارجی حمایت کرد و در عین حال اپلیکیشن‌های ایرانی مانند پیام‌رسان سروش، روبیکا و دیجی کالا را مورد تمجید قرار داد.

در روزهای گذشته نیز نامزدهای انتخابات اظهارنظرهایی درباره اینترنت و فیلترینگ داشتند که با واکنش وزیر ارتباطات دولت سیزدهم روبرو شد.

عیسی زارع‌پور وزیر ارتباطات جمهوری اسلامی روز شنبه ۳۱ خردادماه گفت: «نامزدهایی که می‌گویند فیلترینگ را ال می‌کنیم و بل می‌کنیم، خودشان می‌دانند که تصمیم‌گیری درباره این موضوعات در جلساتی گرفته می‌شود که رأی اکثریت با دولت نیست و توجه کنند که این قول‌هایی که می‌دهند باید بتوانند انجام دهند.»

مصطفی پورمحمدی هفته گذشته وعده داده بود که در صورت پیروزی در انتخابات به فیلترینگ پایان خواهد داد. او گفته بود که «در حوزه اجتماعی، اینترنت موضوعی جدی برای من است. امروز اینترنت مانند آب است برای زندگی» و «این فیلترینگ در شأن این مردم بزرگ نیست، در انتخاب وزیر ارتباطات بسیار با دقت و وسواس عمل خواهیم کرد.» امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی دیگر نامزد انتخابات نیز مدعی شده بود که ایران را به یکی از «تولیدکنندگان

نامزدهای انتخابات فایضی ریاست جمهوری فیلترینگ را برای تداوم حکومت لازم و ضروری ارزیابی می‌کنند و به نوعی آن را در ادامه دیگر سیاست‌های سرکوبگرانه با هدف حفظ نظام می‌دانند.

مسعود پزشکیان و محمدباقر قالیباف مدعی هستند که در اعتراضات سال ۱۴۰۱ و در شرایطی که نظام با تهدید امنیتی روبرو شده بود، قطع اینترنت اقدامی ضروری به شمار می‌رفت.

وزیر ارتباطات در واکنش به وعده‌های نامزدهای انتخابات درباره کاهش فیلترینگ گفته «تصمیم‌گیری درباره این موضوعات در جلساتی گرفته می‌شود که رأی اکثریت با دولت نیست.»

موضوع «اینترنت» و «فیلترینگ» از جمله محورهای وعده‌ها و اظهارات نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری اسلامی است. شش نامزدی که همگی از مقامات کنونی هستند و سال‌ها سابقه در نهادهای قانونگذار و اجرایی حکومت داشته‌اند بطور آشکار یا در لافاه فیلترینگ و سانسور اینترنت موافق هستند.

در مناظره شامگاه جمعه اول تیرماه نیز بار دیگر موضوع فیلترینگ مطرح شد و محمدباقر قالیباف، مصطفی پورمحمدی و مسعود پزشکیان بطور مستقیم و غیرمستقیم سانسور اینترنت و فیلترینگ گسترده در جریان اعتراضات جنبش ملی در سال ۱۴۰۱ را اقدامی ضروری دانسته و از آن دفاع کردند.

محمدباقر قالیباف مدعی شد که در اعتراضات سال ۱۴۰۱ و در شرایطی که نظام با تهدید امنیتی روبرو شده بود، قطع اینترنت اقدامی ضروری به شمار می‌رفت.

وی در جملاتی متناقض افزود که با موضوع فیلترینگ مخالف است، چون خطرات و فساد زیادی به دنبال خواهد داشت.

نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری فیلترینگ را برای تداوم حکومت لازم و ضروری ارزیابی می‌کنند و به نوعی آن را در ادامه دیگر سیاست‌های سرکوبگرانه با هدف حفظ نظام می‌دانند. آنها ضمن دفاع از این سیاست، برای جلب افکار عمومی موضعی هم در نقد فیلترینگ می‌گویند.

مسعود پزشکیان نامزد اصلاح‌طلبان نیز مانند قالیباف از فیلترینگ دفاع کرده و در سخنانی متناقض وعده تغییر سیاست‌های مرتبط با فیلترینگ را داده است.

او سرکوب شهروندان با قطع اینترنت را «مداخله» خوانده و آن را در شرایط بحرانی ضروری دانسته و گفته «وقتی در بحران خاصی لازم است مداخله شود، مداخله خواهیم کرد.» مسعود پزشکیان در سخنانی ریاکارانه گفته «اگر به ریاست جمهوری برسم، قطع و یقین، این روند فیلترینگ که زندگی مردم را متاثر کرده و مردم را عصبانی می‌کند را تغییر خواهم داد، این چه روندی است که مردم را مجبور می‌کنیم ۲۰۰ هزار تومان پول فیلترشکن بدهند در حالی که قبض تلفن‌شان ۵۰ هزار تومان است.»

مصطفی پورمحمدی از مقاماتی که نقش محوری در انواع سرکوب‌ها در دهه‌های گذشته داشته نیز در اظهاراتش گفت فیلترینگ در مقطعی کار درست و قابل دفاعی بود اما استمرار آن نگران‌کننده است. او گفته «محدودیت در اینترنت باعث شده است مافیای

مرگ مشکوک ایمان پورقلی‌زاده سینماگر معترض و از بازداشت‌شدگان اعتراضات



ایمان پورقلی‌زاده

- در خبرهای کوتاه منتشر شده در رسانه‌های داخلی درباره مرگ ایمان پورقلی‌زاده به زمان دقیق و علت درگذشت این سینماگر جوان اشاره نشده است.
- مراسم تشییع و خاکسپاری این فیلمساز معترض صبح امروز پنجشنبه پنجم تیرماه در قطعه هنرمندان «بهشت زهرا» برگزار شد.
- اواخر خردادماه نیز خبر مرگ مشکوک بهاره لاهی کارگردان و سازنده فیلم‌های کوتاه و مستند و از بازداشت‌شدگان اعتراضات منتشر شده بود.

پیکر بی‌جان ایمان پورقلی‌زاده سینماگر جوان ایرانی و از جمله بازداشت‌شدگان اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ در خانه‌اش پیدا شد. تعداد قابل توجهی از بازداشت‌شدگان اعتراضات اخیر پس از آزادی به شکل مشکوکی جان خود را از دست داده‌اند.

رسانه‌های داخلی از درگذشت ایمان پورقلی‌زاده سینماگر ایرانی خبر داده‌اند. در خبر کوتاه منتشر شده در این رسانه‌ها به زمان دقیق و علت درگذشت این سینماگر جوان اشاره نشده است.

ایمان پورقلی‌زاده سابقه دو بار بازداشت در سال ۹۱ و در اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ داشته است. درباره پرونده یا حکم احتمالی صادر شده علیه او اطلاعاتی منتشر نشده است.

خبرگزاری‌های داخلی خبر داده‌اند مراسم تشییع و خاکسپاری این فیلمساز صبح امروز پنجشنبه پنجم تیرماه در قطعه هنرمندان «بهشت زهرا» برگزار شد.

«خانه سینما» هم در بیانیه کوتاهی خبر درگذشت ایمان پورقلی‌زاده را تأیید و محل و زمان برگزاری مراسم خاکسپاری او را منتشر کرده است. در این اطلاعیه نیز به زمان و چگونگی درگذشت این هنرمند اشاره نشده است. ایمان پورقلی‌زاده سابقه فعالیت در زمینه تدوین، برنامه‌ریزی و دستیاری کارگردانی و نیز فیلمسازی را داشت. دستیاری کارگردان در فیلم «آخرین ملکه زمین»، دستیاری فیلمبرداری و نورپردازی در فیلم «و باز هم عشق»، دستیاری کارگردان فیلم «گوشواره»، تدوین مستند کوتاه «مانع بسته شدن در نشوید» از جمله سوابق حرفه‌ای این هنرمند است.

ایمان پورقلی‌زاده دومین سینماگر جوانی است که در روزهای گذشته به شکل مشکوک جان باخته است. اواخر خردادماه نیز خبر مرگ مشکوک بهاره لاهی کارگردان و سازنده فیلم‌های کوتاه و مستند منتشر شده بود.

گزارش‌ها حاکی از آن بود که این فیلمساز جوان در اسفند ۱۴۰۲ توسط نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی بازداشت و در اواخر اسفند ماه ۱۴۰۲ مفقود شد و در چهاردهم فروردین پیکر او به عنوان «مجهول‌الهویه» در «بهشت سکیه» کرج دفن شد.

بهاره لاهی نیز در جریان اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ بازداشت شده بود و همواره حضور فعالی در اعتراضات مردمی داشته است.

پس از اعلام خبر درگذشت بهاره لاهی، امیر توده روستا رئیس هیئت مدیره انجمن فیلم کوتاه ایران وابسته به خانه سینما خواستار تحقیق درباره مرگ این فیلمساز شد.

اعتراضات بازداشت شد. او روز ۵ آذر، تنها دو روز پس از آزادی قید وثیقه، درگذشت.

آرش (میلاد) فروزنده جمالی از شهروندان معترض ساکن تهران و از جمله شهروندان معترضی که در جریان اعتراضات هم در شبکه‌های اجتماعی و هم به صورت میدانی فعالیت داشت، از دیگر نمونه مرگ‌های مشکوک است.

آرش فروزنده جمالی ۱۹ اسفندماه ۱۴۰۱ در تهران و در نزدیکی میدان تجریش توسط چند مأمور امنیتی لباس شخصی بازداشت و به داخل اتومبیلی هدایت شد. پس از نیم ساعت مأموران مدعی شده‌اند اشتباهی در بازداشت آرش رخ داده و او را آزاد کردند اما همزمان یک بطری به ظاهر آب معدنی به او داده‌اند که بنوشد. آرش پیش از آزادی آب بطری را نوشیده و نیم ساعت بعد در خانه دچار درد شدید در ناحیه شکم، تهوع و استفراغ شده است. مسمومیت بیش از یک هفته ادامه داشته و در نهایت ۲۷ اسفندماه ۱۴۰۱ با وخامت حال جسمی به اورژانس بیمارستان «شریعتی» تهران منتقل شده و ساعاتی بعد در بامداد ۲۸ اسفند جان می‌بازد.

ریم آروین وکیل پایه یک دادگستری هفته نخست آذر ۱۴۰۱ بازداشت شد و حدود سه هفته بعد آزاد شد اما چند هفته بعد به طرز مشکوکی جانباخت.

برخی گزارش‌ها علت درگذشت این وکیل جوان را «خودکشی در پی وضعیت دشوار و فشارهای نیروهای امنیتی و قضایی» عنوان کردند.

مریم آروین طی سه ماه نخست اعتراضات وکالت شماری از بازداشت‌شدگان استان کرمان به ویژه آندسته از شهروندانی را که برای پرداخت هزینه وکالت مشکل داشتند پذیرفته بود. او همچنین به صورت رایگان مشاوره‌های حقوقی زیادی به خانواده بازداشت‌شدگان ارائه می‌داد.

امیر توده روستا در این نامه که خطاب به مدیرعامل خانه سینما نوشته شد با اشاره به اینکه بهاره لاهی یکی از اعضای انجمن فیلم کوتاه ایران بوده، بر لزوم دریافت یک «گزارش واقعی» از نهادهای امنیتی، انتظامی و قضایی درباره احتمال «قتل، فوت یا درگذشت مشکوک» این فیلمساز تأکید کرده بود.

قوه قضائیه جمهوری اسلامی اما مدعی شد که بهاره لاهی سابقه بازداشت ندارد و تحقیقات در مورد علت درگذشت او در جریان است.

بهاره لاهی سابقه عضویت در آکادمی داوری فیلم کوتاه جشن خانه سینما و جشنواره سینمای جوان را در کارنامه خود داشت و در سال‌های اخیر مدرس انجمن سینمای جوانان ایران و همزمان مدرس هنرستان سینمایی «سوره» بود.

پس از اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ گزارش‌های زیادی از مرگ مشکوک بازداشت‌شدگان پس از آزادی منتشر شد. هر چند پزشکی قانونی علت درگذشت این شهروندان را غالباً خودکشی و یا ایست قلبی اعلام کرده اما روایت‌هایی نیز از قتل سازمانیافتهی این شهروندان معترض منتشر شده است.

سازمان حقوق بشر ایران شهریورماه گذشته اسامی و مشخصات ۲۳ مرگ مشکوک در ارتباط با اعتراضات جنبش ملی را منتشر کرد.

در این گزارش به نام جوانانی چون پویا قیسوندی ۲۶ ساله، علیرضا فیلی کودک ۱۷ ساله، یلدا آقافضلی ایردموسی ۱۹ ساله و رضا شرفی ۳۶ ساله اشاره شده که در جریان اعتراضات بازداشت اما در فاصله چند روز پس از آزادی به شکل مشکوکی جانباختند.

همچنین عرشیا امام‌قلی‌زاده علم‌داری کودک ۱۶ ساله اهل جلفا در استان آذربایجان شرقی که در آبان ۱۴۰۱ در

صدور حکم زندان و شلاق برای چهار متهم پرونده آتش‌سوزی زندان اوین



حسن ملک‌شاهی، محمدعلی دلخواسته، سعید خدایپور، سید میلاد ابوالوفایی، اشکان کافی، علیرضا والی، محمد خان میرزایی، کامران نادعلی، امید آستانه، علیرضا ناظری، رحمان علیپور، سید علی موسوی، مجید کریمی و علی صادقی شیرسوار از زندانیانی هستند که در این دادگاه به اتهام نقش داشتن در آتش‌سوزی زندان اوین محاکمه شدند.

شامگاه شنبه ۲۳ مهر ۱۴۰۱ و در اوج اعتراضات جنبش ملی که یک ماه پیشتر در پی قتل حکومتی مهسا امینی آغاز شده بود، زندان اوین دچار آتش‌سوزی شد.

همزمان با شعله‌های زیانه کشیده از زندان، صدای تیراندازی و انفجارهای پی در پی به گوش رسید و برخلاف ادعای مسئولان مبنی بر کنترل آتش‌سوزی و درگیری، صدای تیراندازی تا ساعت‌ها ادامه داشت. در پی آتش‌سوزی زندان اوین شماری از زندانیان مجروح و کشته شدند.

گزارش‌ها حاکی از آن است که گارد ویژه زندان اوین به قصد تحریک زندانیان سیاسی و ایجاد درگیری با آنها به بند ۴ هجوم برده و «حیدر حیدر» گویان آنها را تهدید کرده بود. زندانیان سیاسی هم در پاسخ شعارهایی مثل «می‌کشم می‌کشم، هر آنکه خواهرم کشت» و «اوین شده دانشگاه، تهران شده بازداشتگاه» سر دادند و سرود خواندند.

ساعاتی پس از این آتش‌سوزی «اتحادیه آزاد کارگران ایران» گزارش داده بود که حدود ساعت ۹ امشب شنبه ۲۳ مهرماه ۱۴۰۱، زندانیان محبوس در بند ۷ زندان اوین دست به اعتراض و شورش زدند. متعاقب این اتفاق صدای تیراندازی شدید کل فضا را در بر گرفت و تلفن‌های زندان بطور کامل قطع شد.

همزمان خبرگزاری «هرانا» به نقل از یک منبع مطلع نوشته که «فضای زندان اوین امنیتی شده و امروز نیز گارد ویژه به زندان اوین اعزام شده که برای تحریک مقابل زندانی‌ها حیدر حیدر می‌خواندند. همچنین جوّ زندان رجایی شهر کرج نیز امنیتی‌تر از قبل شده است.»

نماینده سازمان زندان‌ها مبنی بر نقش داشتن زندانیان و متهمان در مرگ فرزندانشان، مسئولین زندان اوین و نهادهای امنیتی را قاتلان فرزندان خویش شمرده و اعلام کردند که هیچ شکایتی از متهمین نداشته و آنها را نیز قربانی این واقعه دانستند.

خبرگزاری «هرانا» افزوده بود «پدر یکی از جانب‌اختگان خطاب به قاضی اعلام کرد که فرزندش با اصابت ۳ گلوله کشته شده است و دلیل مرگ فرزندش را که خفگی ناشی از استنشاق دود توسط مسئولین اعلام شده بود را کذب محض برشمرده و دخالت متهمین در مرگ فرزند خود را قاطعانه رد کرد. سایر خانواده‌های جانب‌اختگان نیز اشاره کردند که مسئولین امنیتی و زندان اوین اجازه رویت جنازه فرزندان‌شان را به آنها نداده‌اند. این خانواده‌ها اعلام کردند که متهمین این پرونده بیگناه هستند و از آنها هیچ‌گونه شکایتی ندارند.»

همچنین قاضی دادگاه در جریان این جلسه از پذیرفتن وکلای متهمین نیز خودداری کرده است. رامین صفرنیا وکیل مدافع میثم دهبان‌زاده، لقمان امین‌پور، مجید روشن‌نژاد و رضا سلمان‌زاده از متهمین این پرونده توسط قاضی از دادگاه اخراج شد. «هرانا» نوشته «این اقدام غیرقانونی قاضی با اعتراض این زندانیان همراه بود. ولی قاضی دادگاه بر اخراج وکیل متهمین از جلسه دادگاه اصرار ورزید و تنها به اخذ مکتوب دفاعیات از متهمین پرونده مبادرت کرد.»

مجید روشن‌نژاد، لقمان امین‌پور، میثم دهبان‌زاده، محمد حسین مرادی، سینا میرزایی، مسعود حسین‌زاده، رضا حاجی، محمد سبحان موذن‌زاده، ایوب امامی‌زاده، نیما محمدی، علیرضا اسلمی، حمیدرضا ناظر، امیرحسین یوسفوند، میثم مرادیان، احمدرضا کونانی، سبحان حیات‌پور، ساسان زمانی، رضا سلمان‌زاده، حسین بهزادی، محمد گراوند، سید محمدحسین موسوی، قاسم محمدی، عرفان ظریف، جلال نصرالهی، غلامحسن هاشمی سیاوشانی، مسعود پرچمی،

● لقمان امین‌پور، میثم دهبان‌زاده، مجید روشن‌نژاد و رضا سلمان‌زاده، چهار متهم پرونده آتش‌سوزی زندان اوین مجموعاً به ۳۳ سال حبس و ۵۱۸ ضربه شلاق محکوم شدند. ● جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات چهل تن از متهمان پرونده آتش‌سوزی زندان اوین دو روز پیش در شعبه ۱۱۴۸ دادگاه کیفری دو تهران برگزار شده بود.

● خانواده‌های کشته‌شدگان آتش‌سوزی در این دادگاه مسئولان زندان اوین و نهادهای امنیتی را قاتلان فرزندان خویش اعلام و تأکید کردند هیچ شکایتی از زندانیانی که به عنوان «متهم» از سوی دستگاه قضائی معرفی شده‌اند ندارند. چهار متهم پرونده آتش‌سوزی زندان اوین به شش سال تا شانزده ماه زندان و شلاق محکوم شدند. اتهام این زندانیان مواردی چون «اخلال در نظم زندان»، «سرپیچی و تمرد از دستور مأموران» و «تخریب اموال» اعلام شده است.

خبرگزاری «هرانا» گزارش داده لقمان امین‌پور، میثم دهبان‌زاده، مجید روشن‌نژاد و رضا سلمان‌زاده، چهار تن از متهمان پرونده موسوم به آتش‌سوزی زندان اوین، توسط شعبه ۱۱۴۸ دادگاه کیفری دو تهران مجموعاً به ۳۳ سال حبس و ۵۱۸ ضربه شلاق محکوم شدند.

بر اساس جزئیات حکم صادر شده توسط شعبه ۱۱۴۸ دادگاه کیفری دو تهران به ریاست جبار جوادی رمی صادر و در روز چهارشنبه سی خردادماه، به این زندانیان ابلاغ شده، لقمان امین‌پور، میثم دهبان‌زاده، مجید روشن‌نژاد هر کدام از بابت اتهام تخریب اموال به شش سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق، از بابت اتهام اخلال در نظم زندان شانزده ماه حبس و ۷۴ ضربه شلاق و از بابت اتهام سرپیچی و تمرد از دستور مأمورین به شانزده ماه حبس محکوم شدند.

همچنین رضا سلمان‌زاده از بابت اتهام تخریب اموال به پنج سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق، از بابت اتهام اخلال در نظم زندان یک سال حبس و از بابت اتهام سرپیچی و تمرد از دستور مأمورین به یک سال حبس محکوم شد.

جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات چهل تن از متهمان پرونده آتش‌سوزی زندان اوین روز، سه‌شنبه ۲۹ خرداد ۱۴۰۳، در شعبه ۱۱۴۸ دادگاه کیفری دو تهران برگزار شده بود. خبرگزاری «هرانا» به نقل از منابع آگاه گفته بود «در جریان این جلسه پس از قرائت کیفرخواست توسط نماینده دادستان و شرح واقعه آتش‌سوزی در زندان اوین، این افراد توسط نماینده دادستان و نماینده سازمان زندان‌ها به عنوان متهمان اصلی وقوع آتش‌سوزی در بندهای ۷ و ۸ زندان به «اخلال در نظم زندان، سرپیچی و تمرد از دستور مأمورین و افساد فی الارض» متهم شدند.»

این گزارش افزوده بود «در جریان این آتش‌سوزی ۹ نفر از زندانیان جان باختند. در این دادگاه این متهمان به نقش داشتن در مرگ این افراد نیز متهم شدند. در دادگاه، قاضی فقط به ۴ نفر از متهمین اجازه دفاع از خود در برابر اتهامات وارده را داد که همه متهمین به اتفاق، تمامی اتهامات را بی‌اساس و اعترافات اجباری خود را ناشی از فشار و ارباب بازجویان در سلولهای انفرادی بند ۲۴۱ حفاظت قوه قضاییه و بند ۲۴۰ وزارت اطلاعات دانسته و آنها را فاقد اعتبار قلمداد کردند.»

یک منبع مطلع نزدیک به خانواده یکی از این زندانیان نیز به خبرگزاری «هرانا» گفته بود «خانواده‌های کشته‌شدگان آتش‌سوزی در زندان اوین نیز با رد ادعاهای دادستان و

جزییات آتش‌سوزی در بیمارستان قائم رشت؛ پنج نفر بازداشت شدند



● سازمان آتش‌نشانی کانون حادثه را اتاق یوپی‌اس بیمارستان اعلام کرده و چهار روز پس از حادثه تاکید می‌کند که دلیل، اتصالی سیم برق بوده است. اما علت اتصال هنوز مشخص نیست.

● دادگستری گیلان نیز اعلام کرده در رابطه با این حادثه تا کنون پنج نفر دستگیر شده‌اند از جمله عوامل فنی و مسئول برق بیمارستان؛ کسانی که شب حادثه سر پست خود نبوده‌اند و هشدار آتش‌سوزی را نگرفته‌اند.

چند روز پس از آتش‌سوزی در بیمارستان قائم شهر رشت مشخص شده علت این حادثه عدم توجه مدیران بیمارستان به هشدارهای ایمنی و رعایت نشدن استانداردها در این بیمارستان بوده است. رئیس دادگستری گیلان نیز از دستگیری پنج نفر در ارتباط با این آتش‌سوزی خبر داده است. بیمارستان قائم شهر رشت در نخستین ساعات بامداد روز سه‌شنبه ۲۹ خرداد ۱۴۰۳ دچار حریق شد و دست‌کم ۹ بیمار در این حادثه جان خود را از دست دادند. شماری از بیماران و کادر درمان نیز دچار دودگرفتگی و مسمومیت شدند.

سازمان آتش‌نشانی کانون حادثه را اتاق یوپی‌اس بیمارستان اعلام کرده و چهار روز پس از حادثه تاکید می‌کند که دلیل، اتصالی سیم برق بوده است. اما علت اتصال هنوز مشخص نیست. دادگستری گیلان نیز اعلام کرده در رابطه با این حادثه تا کنون پنج نفر دستگیر شده‌اند از جمله عوامل فنی و مسئول برق بیمارستان. کسانی که شب حادثه سر پست خود نبوده‌اند و هشدار آتش‌سوزی را نگرفته‌اند.

روزنامه‌ی «هم‌میهن» در گزارشی جزئیاتی از این حادثه را منتشر کرده که نشان می‌دهد عدم رعایت نکات ایمنی علت این حادثه بوده است. همچنین مشخص شده آتش‌سوزی دیر به آتش‌نشانی گزارش داده شده است.

اتاق یوپی‌اس در زیرزمین ساختمان بوده و در همان طبقه اتاق آی‌سی‌یو قرار داشته است؛ جایی که به گفته یک منبع آگاه بالای ۴۵ درجه گرما داشته است.

این منبع آگاه به «هم‌میهن» گفته «آتش‌نشانی چندین بار به آنها گفته بود که باید تپویه خوبی داشته باشید. باید باتری‌ها را تعویض می‌کردند که نکرده بودند. با اتصالی سیم برق و آتش‌سوزی، دستگاه برق اضطراری از کار ←

در «آتلیه هنرمندان در تبعید» شهر پاریس: روز آزادی را با جشن و پایکوبی جشن خواهیم گرفت



مریم آقای

پوتین هستیم. با شروع جنگ دیگر روسیه برایم غیرقابل تحمل شده بود. مرگ بر پوتین و تمام دیکتاتورهایی که حق زیست را از ما در کشور خودمان دریغ کردند.»

این هنرمند روس با امید اضافه می‌کند: «خشم، انزجار و مقاومت ما سرانجام بر دیکتاتور پیروز است. کشور ایران هم زیر سلطه دیکتاتور است اما من می‌بینم آن روزی که در همین پاریس آزادی کشورهاییمان را با رقص و پایکوبی جشن خواهیم گرفت.»

آتلیه هنرمندان در تبعید میزبان هنرمندانی است که به علت جنگ، خفقان و سانسور کشور خود را به اجبار ترک کرده‌اند. این آتلیه امکاناتی را در اختیار هنرمندان هنرهای تجسمی، موزیسین‌ها، و همچنین هنرمندان حوزه تئاتر و سینما قرار می‌دهد تا بتوانند خود را در کشور میزبان پیدا کنند و زندگی تازه‌ای را از سر بگیرند. فرانسه کشوری است که از دیرباز پناهگاه هنرمندان بوده است. نویسندگان و هنرمندان سرشناس بسیاری در این کشور زندگی کرده‌اند. صادق هدایت نویسنده مشهور ایرانی نیز در همین شهر زندگی کرد و در همین شهرنیز به زندگی خود خاتمه داد.

در کنار این نمایشگاه روز بیستم ژوئن پرفرمانسی از یک گروه موسیقی روس اجرا شد که در آن زندگی مهاجران در فرانسه را به تصویر کشیده بود. همچنین در روز بیست یکم که هم‌زمان با اول تابستان و جشن موسیقی در فرانسه بود، موزیسین‌هایی از روسیه، فلسطین، فرانسه و ایران برنامه اجرا کردند. بابک امیر مبشر نوازنده و آهنگساز و تنظیم‌کننده ساکن فرانسه مدیر اجرایی کنسرت‌های روز ۲۱ ژوئن بود و خود نیز به همراه یک خواننده فرانسوی برنامه اجرا کرد.

بابک امیر مبشر می‌گوید: «من سال‌هاست که با آتلیه هنرمندان در تبعید کار می‌کنم و بسیار خوشحالم که در کشور فرانسه امکان زندگی و کار در فضایی آزاد را در اختیاردارم» آخرین کنسرت شب ۲۱ ژوئن متعلق به گروه موسیقی راک از کشور روسیه بود. اعضای این گروه پس از حمله نظامی روسیه به اوکراین کشورشان را ترک کرده بودند و تنها یکی از دوستان‌شان موفق به خروج نشده بود. آنها با شعار «لعنت بر پوتین» کنسرت خود را آغاز کردند و با عبارت «زنده باد آزادی، زنده باد فرانسه» برنامه خود را پایان رساندند.

● آتلیه هنرمندان در تبعید در شهر پاریس در روز ۲۱ ژوئن به مدت دو روز نمایشگاهی گروهی برگزار کرد. در این نمایشگاه دو هنرمند نقاش ایرانی به نام مریم آقای و نفیسه ملکی جو نیز حضور داشتند.

کتایون حلاجان - آتلیه هنرمندان در تبعید در شهر پاریس در روز ۲۰ و ۲۱ ژوئن به مدت دو روز نمایشگاهی گروهی برگزار کرد. در این نمایشگاه دو هنرمند نقاش ایرانی به نام مریم آقای و نفیسه ملکی جو نیز حضور داشتند. مریم آقای فارغ‌التحصیل رشته نقاشی از دانشکده هنر و معماری تهران است و بیست سال است که نقاشی می‌کند. او نمایشگاه‌های متعددی در کشورهای ایران، انگلیس، سوئد، ایتالیا، فرانسه، ترکیه، آمریکا و... داشته است. مریم آقای چند ماه است که به کشور فرانسه مهاجرت کرده و در پاریس زندگی می‌کند. سه تابلو نقاشی با مضامین سانسور، زن و جنگ از وی در این نمایشگاه حضور داشت.

مریم آقای می‌گوید: به پاریس آمدم چون در تهران شهری که در آن به دنیا آمدم و بزرگ شدم احساس غربت می‌کردم. افسرده شده بودم و نمی‌توانستم از خانه بیرون بروم؛ نمی‌توانستم نقاشی کنم. به آتلیه هنرمندان در تبعید آمدم چون به نظرم اینجا جایی است که می‌توانم گروه بزرگی از هنرمندان را در رشته‌های مختلف از سراسر جهان ملاقات کنم. هنرمندانی که با وجود عشقی که به کشورشان دارند آن را ترک کرده‌اند.»

وی می‌افزاید: «از آنجا که سال‌هاست موضوع کارهای من به لحاظ روانشناسی متمرکز بر مشکلات و مسائل زنان، جوامع و محیط زیست است، این فضا برای من می‌تواند بسیار الهام‌بخش باشد.»

هنرمندانی از میامهر، روسیه و بلاروس با موضوع سانسور جنگ و تبعید و با آثاری مانند عکس، مجسمه، نقاشی و ویدئوآرت در این مجموعه حضور داشتند.

یکی از هنرمند جوان اهل روسیه که با یکی از طراحی‌هایش در این مجموعه حضور داشت می‌گوید: «من پس از شروع جنگ روسیه و اوکراین کشورم را ترک کردم. توان و تحمل جنگ و زورگویی را نداشتم. ما هنرمندانی که امروز اینجا هستیم همه مخالف جنگ و از مخالفان سرسخت ولادیمیر

پرچم شیروخورشید در محل شهرداری شهر بری در کانادا



برافراشتن پرچم شیروخورشید در برابر ساختمان شهرداری شهر بری کانادا/ ۲۲ ژوئن ۲۰۲۴

و تمادهايش هيچ ربطی به سیستم و یا سلسله‌های حکومتی ندارد و به ایران و تاریخ و فرهنگ و هویت آن مربوط است و می‌توان دور آن متحد شد.

وی همچنین می‌گوید: «ما این مراسم را برگزار کردیم که با هم فارغ از پادشاهی یا جمهوریخواه بودن بگوئیم که انتخاب چهارم، یعنی پرچم شیروخورشید انتخاب ماست. همانطور که در تمام تظاهرات‌های خارج کشور که گروه‌هایی با دیدهای سیاسی مختلف برگزار کردند، پرچم شیروخورشید پرچم اکثریت در دست شرکت‌کنندگان بوده است». دومین نکته‌ای که الن بستاکیان درباره این مراسم به آن می‌پردازد این است که «این مراسم در کانادا به مناسبت روز ملی یادبود قربانیان تروریسم برگزار شد و یادآوری این واقعت بود که قبل از تغییر نظام حکومتی در ۵۷ و تعویض پرچم توسط خمینی، تروریسم در منطقه و جهان ده‌ها شاید صدها برابر کمتر از الان بود. از جمله به دو دلیل: یکی، اینکه ایران حامی مالی و تدارکاتی و نظامی تروریسم نبود. دوم اینکه، اتفاق سال ۵۷ انگیزه و جرات داد به افراطیون منطقه تا فکر کنند که آنها هم می‌توانند نظم و صلح و تمدن منطقه و جهان را برای خواسته‌های خود بهم بزنند.»

وی در پایان تأکید می‌کند: «ما با آزاد ساختن ایران از دست گروگان‌گیرهایی که در قدرت هستند، و با برافراشتن پرچم شیروخورشید در ایران، هر دو موردی را که به آن اشاره کردم می‌توانیم خنثی کنیم. ما می‌توانیم تروریسم جهانی را از بزرگترین حامی مالی و تسلیحاتی‌اش محدود و در نتیجه تضعیف کنیم. و همچنین کسانی را که فکر می‌کنند می‌توانند با تروریسم و قلدری دنیا را بهم بریزند ناامید کرده و به آنها نشان بدهیم که هیچ آینده‌ای ندارند. این هم برای ایران و هم برای منطقه جهان مفید است.»
*دکتر الن بستاکیان مدیر ارشد تخصص مدیریت تغییر در انجمن جهانی متخصصین مدیریت تغییر، عضو اندیشکده ققنوس، مشاور ایرانسانس، و موسس اندیشکده مدیریت هوشمند تغییر برای حقوق بشر در کانادا است.

● دکتر آلن بستاکیان مبتکر و برگزارکننده مراسم برافراشتن پرچم شیروخورشید در برابر محل شهرداری شهر بری در کانادا؛ «ما این مراسم را برگزار کردیم که با هم فارغ از پادشاهی یا جمهوریخواه بودن بگوئیم که انتخاب چهارم، یعنی پرچم شیروخورشید انتخاب ماست. همانطور که در تمام تظاهرات‌های خارج کشور که گروه‌هایی با دیدهای سیاسی مختلف برگزار کردند، پرچم شیروخورشید پرچم اکثریت در دست شرکت‌کنندگان بوده است».

روز شنبه ۲۲ ژوئن ۲۰۲۴ در محل شهرداری بری در شمال تورنتو به میزبانی اتاق فکر مدیریت تغییر برای حقوق بشر که یک مؤسسه غیرانتفاعی است، پرچم شیروخورشید ایران توسط شهردار این شهر به صورت رسمی و با سرود ای ایران برافراشته شد.

این مراسم با سخنرانی دو وزیر، چند نماینده مجلس، تعدادی از قربانیان تروریسم جمهوری اسلامی و حماس از جامعه ایرانی و اسرائیلی، و رؤسای چند سازمان معتبر انجام شد.

تعداد زیادی از ایرانیان کانادا، یهودیان و اسرائیلی‌های ساکن کانادا در محل حضور داشتند و با چهره‌هایی که هم از بارش شدید باران و هم از اشک میهن خیس بود، اهتزاز پرچم ملی شیروخورشید رو در آسمان و روبروی این ساختمان دولتی تماشا می‌کردند.

دکتر الن بستاکیان مبتکر و برگزارکننده این مراسم قصد خود و تیم دواطلبان را از این مراسم در کانادا یادآوری دو نکته می‌داند و می‌گوید: «نکته اول اینکه ما ایرانیان در مورد موضوع پرچم چهار انتخاب داریم:

- (۱) پرچمی که به دستور خمینی درست شد.
- (۲) بدون پرچم و نماد ملی ماندن تا تاریخی نامعلوم
- (۳) هر گروهی با دیدگاه‌های مختلف چیزی در خانه یا محل کار نقاشی کند و ادعا کند همان تصویر بر پرچم سه رنگ ایران قرار بگیرد و باعث شوند در اعتراضات و تجمعات خارج کشور پراکندگی بیشتری به چشم جهانیان بیاید
- (۴) پرچمی که صدها سال قبل از سال ۵۷ پرچم ایران بوده

می‌افتد؛ دستگاهی که باید به بخش‌های ضروری مثل آسانسور، دستگاه‌های تنفسی و اتاق عمل متصل باشد. تیم‌های بررسی از محل حادثه اعلام کرده‌اند که فن فشار مثبت بیمارستان موقع حادثه، کار نکرده است؛ این بیمارستان دو ژنراتور داشت که هیچ‌یک وارد مدار نشده‌اند، چون اساساً برقی در آنها جریان نداشت.»

وی افزوده که آخرین بازدید در سال ۱۴۰۳ صورت گرفته بود و بیمارستان اعلام کرده بود تغییراتی ایجاد کرده، اما هنوز تیم‌های بازرسی آتش‌نشانی این تغییرات را تأیید نکرده بودند و «بازرسی‌های آتش‌نشانی از سال ۹۸ به دلیل شیوع کرونا متوقف شد و دوباره از سال ۱۴۰۱ از سر گرفته شد.» «هم‌میهن» با اشاره به اینکه «وضعیت امنیتی است و هیچ‌کس حق حرف زدن از حادثه را ندارد» تأکید کرده که بسیاری از مسئولان امدادی و شهری رشت می‌گویند که برای اطلاع‌رسانی معذوریت دارند.

سعیده هدایتی سوپروایزر بیمارستان قائم که این حادثه آسیب دیده و در بخش ایزوله بستری است نیز در گفتگو با خبرنگاری «مهر» درباره حادثه گفته «به محض اینکه آلام آتش سوزی را شنیدم خود را به محوطه رساندم و صحنه‌ای دیدم که فقط در جنگ مشاهده می‌شود، صحنه‌ای غیر قابل توصیف، پر از دودی که لحظه‌ای امان نمی‌داد که بتوانید قدم بردارید و مساله را کنترل کنید.»

این پرستار گفته «لحظه‌ای درنگ کردم که چه اتفاقی افتاده، اما به خودم گفتم باقی بچه‌ها چشمشان به تصمیم من است به قدرت و ایستادگی من نظاره می‌کنند، اگر نشانه نگرانی در من ببینید ممکن است آنها هم قدرت مقاومت خود را از دست بدهند بنابراین با قدرت همه را فراخواندم، کیسول‌های آتش‌نشانی هم دیگر جوابگو نبود، کار آتش‌نشانی بود که الحق و الانصاف خیلی به موقع خود را رساندند و به کار خود ادامه دادند اما این دود اینقدر غلیظ بود که حتی کادر زحمتکش آتش‌نشانی نیز با وجود امکانات دچار آسیب شدند.»

او افزوده که «با این حال وظیفه انسانی اجازه نمی‌داد خود را نجات دهیم یک به یک طبقات را به کمک پرستاران و کادر بیمارستان، خدمات و باقی همکاران از محوطه خالی کردیم و به بیمارستان دیگر انتقال داده شدند اما افسوس برای ما جان چند نفری که در بخش ویژه بستری بودند ماند اگر چه که وضعیت امداد رسانی به این بیماران غیر ممکن بود و در حین انتقال در آن شرایط نیز نجات پیدا نمی‌کردند اما با وجود همه تلاش‌ها، نتوانستیم جان آن عزیزان را نجات دهیم و افسوس برای ما باقی ماند.»

تعداد جانباختگان این حادثه ۹ تن عنوان شده که همگی از میان بیماران بستری در بخش ویژه (آی‌سی‌یو) بوده‌اند.

اسماعیل صادقی نیارکی رئیس کل دادگستری گیلان هم با اعلام بازداشت پنج نفر در رابطه با این حادثه گفته این افراد شامل عوامل فنی و مسئول برق بیمارستان و کسانی که شب حادثه سر پست خود نبوده‌اند و هشدار آتش‌سوزی را نگرفته‌اند هستند. رئیس دادگستری گیلان با بیان اینکه در حادثه بیمارستان و افرادی که فوت شدند دچار سوختگی نشده بودند، افزوده که «تعدادی از بیماران که فوت شدند در بخش مراقبت‌های ویژه بستری بودند که کانون حریق نیز در نزدیکی این بخش بود که این بیماران دچار دودگرفتگی و خفگی شدند که منجر به فوت آنان شد.»

رئیس دادگستری استان گیلان همچنین با اشاره به اینکه همه دستگاه‌ها باید مقررات ایمنی را توجه و رعایت کنند، تأکید کرده «با دستگاه‌هایی که در خصوص رعایت استانداردها یعدم نظارت بر مقررات ایمنی ساختمان‌ها بی‌توجهی یا ترک فعل کنند برخورد قانونی می‌شود.»

اصرار به برگزاری کنسرت در پارسه؛ همزمان با فرونشست، ارتعاشات صوتی تهدید دیگری علیه تخت جمشید!



تابستان) از سال را دارا هستند، به ظرفیت موسیقی کشور اضافه خواهند شد.»

گروه علیرضا قربانی، برگزارکننده کنسرت، در پاسخ به «نگرانی‌ها و خُرده‌گیری‌ها» با انتشار متنی در رسانه‌های داخلی گفته‌اند به تخت جمشید آسیب نمی‌زنند. در این متن آمده که «طی ماه‌ها بررسی‌های علمی و مطالعه و مشورت با متخصصان و متولیان نگهداری این بناها، دغدغه‌مندانه تلاش شده است که با در نظر گرفتن تمامی ملاحظات لازم برای پیشگیری از هر گونه آسیب یا اثر منفی از هر نوع و به هر طریق به بناها و محوطه این آثار باستانی، محل اجرا به فضایی با فاصله مطلوب و اصولی از بناها و پشت به سازه‌ها برای جلوگیری از انتقال ارتعاشات و امواج صدا به واسطه انتقال از طریق جریان هوا و یا ارتعاش مستقیم به بنا و نیز تجمع مراجعان و تردد‌های غیرضروری و غیراصولی در محدوده سایت طراحی شود، به گونه‌ای که هیچ‌گونه عملیات عمرانی یا تخریبی در محوطه سایت صورت نپذیرد.»

در ادامه آمده که «محل اجرا در فضایی کاملاً خارج از سایت اصلی و تنها با نما و دید کافی به بنا خواهد بود. این امر حتی در مورد اسپیکرهای صحنه نیز با جایگزینی هدفون به جای اسپیکر برای نوازندگان در نظر گرفته شده تا هیچ‌گونه انتقال ارتعاش به سازه‌ها صورت نپذیرد.»

وبسایت «امرداد» در همین ارتباط با انتقاد از برگزاری کنسرت علیرضا قربانی نوشته «تخت جمشید از این جهت جای برگزاری کنسرت نیست که نتایج حاصل از بیشینه، میانه و کمینه صوت، متوسط شدت صوت، نمودارهای اسپکتروگرام و شدت انرژی صوت در قالب نقشه‌های گرافیکی این طرح نشان می‌دهد که منبع تولید صدا باید از داخل تخته‌گاه تخت جمشید جدا شود و به بیرون از محوطه انتقال یابد، بنابراین در تهیه اجرای برنامه موسیقی این موضوع لحاظ شده است و مکان اجرای برنامه به بیرون از تخت جمشید انتقال داده شد»

و بناهای قدیمی اندازه‌گیری میزان نفوذ و دسی‌بل صوتی نیز قابل استفاده است. در دوره‌های گذشته قرار دادن یک اتاق به عنوان اتاق موسیقی در کاخ‌ها و دربار پادشاه‌ها مانند عالی قاپو و استفاده از آن اتاق‌ها با حضور نوازندگان همیشگی بود، ولی تخریبی برای این اتاق‌ها در بر نداشت، چون هیچ تقویت‌کننده‌ای برای صدا وجود نداشت.» این کارشناس اما تأکید کرده «متأسفانه امروزه صدای خوانندگان و ابزارآلات موسیقی در کنسرت‌ها چون به وسیله امکانات مختلف تقویت می‌شود، این تقویت صدا سبب لرزش بنای تاریخی می‌شود.» اینهمه در حالیست که به گفته رئیس پایگاه جهانی تخت جمشید مجوز این کنسرت از تهران صادر شده و لغو آن چندان کار ساده‌ای نیست!

رئیس پایگاه جهانی تخت جمشید در پاسخ به این پرسش که «چرا کنسرت را لغو نمی‌کنید؟» گفته است «در جلسه‌ای که داشتیم، تأکیدی کردیم که قرار بود کنسرت لغو شود، اما به دلیل آنکه این کنسرت از تهران مجوز دارد و یک کار فرهنگی است، امکان لغو آن منتفی شد. همچنین نظر ما بر این بود که کنسرت در پردیس و در پارکینگ ستاره برگزار شود، اما از آنجا که برنامه‌ریزی‌ها از قبل صورت گرفته بود و آنها می‌خواستند برای نمایش نور از تخته‌گاه استفاده کنند، به همین دلیل این امکان نیز فراهم نشد!»

امیرحسین سمیعی مدیرکل دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره چگونگی صدور مجوز کنسرت علیرضا قربانی در تخت جمشید به خبرنگاری برنا گفته است: «حدود دو ماه پیش دفتر موسیقی ارشاد با درخواست اجرای کنسرت علیرضا قربانی در تخت جمشید مواجه شده که پس از پیگیری و جلسه با گروه این هنرمند موسیقی، شرایط اجرای کنسرت فراهم شده است.»

مدیرکل دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تأکید کرده است: «به زودی تمام مجموعه‌های فضای بازی که ظرفیت میزبانی رویدادهای هنری در این فصل (بهار و

● تخت جمشید در سال‌های اخیر با خطرات ناشی از فرونشست زمین روبروست و اکنون کارشناسان هشدار می‌دهند که ارتعاشات ناشی از صدای ساز و آواز این کنسرت در فضای باز می‌تواند تهدید مضاعفی برای تخت جمشید باشد.

● رئیس پایگاه جهانی تخت جمشید در پاسخ به این پرسش که «چرا کنسرت را لغو نمی‌کنید؟» گفته: به دلیل آنکه این کنسرت از تهران مجوز دارد و یک کار فرهنگی است، امکان لغو آن منتفی شد.

● محمد امینی‌پور کارشناس بناهای تاریخی: امروزه صدای خوانندگان و ابزارآلات موسیقی در کنسرت‌ها چون به وسیله امکانات مختلف تقویت می‌شود، این تقویت صدا سبب لرزش بنای تاریخی می‌شود.

در حالی که تخت جمشید با مشکلات ویژه از جمله فرونشست زمین دست و پنجه نرم می‌کند قرار است یک کنسرت در این محوطه تاریخی برگزار شود. کارشناسان معتقدند ارتعاشات صوتی ناشی از این کنسرت خطر جدیدی برای تخت جمشید به شمار می‌رود. در روزهای گذشته خبر برگزاری کنسرت علیرضا قربانی در محوطه پارسه در تخت جمشید با واکنش گسترده‌ای روبرو شده است.

برای نخستین بار پس از انقلاب ۵۷ یک خواننده مجوز برگزاری کنسرت در این محوطه تاریخی را یافته است. پیش از انقلاب نیز در جشن‌های ۲۵۰۰ ساله در تخت جمشید موسیقی اجرا شده بود. تخت جمشید در سال‌های اخیر با خطرات ناشی از فرونشست زمین روبروست و اکنون کارشناسان هشدار می‌دهند که ارتعاشات ناشی از صدای ساز و آواز این کنسرت در فضای باز می‌تواند تهدید مضاعفی برای تخت جمشید باشد.

کنسرت علیرضا قربانی قرار است در فاصله ۵۰ متری از بیرون «تخته‌گاه» برگزار شود و فعالان میراث فرهنگی تأکید دارند که لرزه‌های مداوم با امواج ریز تهدید جدی برای این بنا به شمار می‌رود.

روشن است هنگامی که پخش‌کننده‌های صوتی، صدای خواننده و سازه‌های کوبه‌ای و دیگر سازها را با فرکانسی بالا پخش می‌کنند، به سازه (به ویژه سازه‌های تاریخی و کهن) آسیب وارد خواهد شد. اینکه چرا خواننده و گروه همراه‌اش چنین مسئله‌ی بدیهی و روشنی را نادیده می‌گیرند مسئله عجیبی است.

علیرضا عسکری مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید نیز با تأیید موضوع اثر زیانبار ارتعاشات صوتی بر بناهای تاریخی، برگزاری کنسرت در فاصله پنجاه متری «تخته‌گاه» را توجیه کرده و گفته «تأکید شده از باند‌هایی استفاده شود که صدا به سمت تخته‌گاه تخت جمشید برنگردد و به طرف پردیس تخت جمشید منعکس شود.»

محمد امینی‌پور کارشناس بناهای تاریخی درباره این کنسرت گفته «برای برگزاری کنسرت موسیقی باید همه جوانب این اقدام سنجیده شود. ارتعاش‌هایی که از این امواج ریز ظاهر می‌شوند، نفوذ زیادی در ساختار اصلی بناها و آثار قدیمی ایجاد می‌کنند که هریک آنالیزهای آزمایشگاهی مبتنی بر پژوهش را می‌طلبد.»

وی افزود: «برای اندازه‌گیری میزان تخریب بخش‌های آثار

سیل، زلزله و آتش‌سوزی بهار را به کام ایران تلخ کرده است



جدا از سیل و سیلاب و زلزله، وقوع آتش‌سوزی در برخی مناطق کشور به بحران‌های محیط زیستی در کشور دامن زده است، در جنگل‌های پلدختر نیروهای محلی و امداد تلاش کردند شعله‌های مهیب آتش را با دستان خالی و بدون هلی‌کوپتر مهارکنند.

فرماندار پلدختر روز جمعه یکم تیرماه در گفتگو با خبرنگاری مهر اعلام کرد: «در پی وقوع آتش‌سوزی در جنگل‌های «سید سهل الدین پلدختر» چند تیم از خرم‌آباد و کوهدشت به منطقه «سید سهل الدین» اعزام شدند که در حال مهار آتش هستند.»

به گفته وی، نیروهای مستقر در منطقه با کمترین امکانات در تلاش برای مهار آتش‌سوزی هستند که همچنان زبانه می‌کشد و به اطراف گسترش می‌یابد.

این در حالیست که آتش‌سوزی در منطقه‌ای کوهستانی با شیب‌های تند و محل دسترسی صعب‌العبور رخ داده و هر لحظه شعله‌ورتر می‌شود.

با اینهمه در پاسخ به درخواست برای اعزام هلی‌کوپتر ستاد بحران اعلام کرد به علت تاریکی هوا هلی‌کوپتر قادر به پرواز به منطقه نیست و چنانچه آتش‌سوزی ادامه داشته باشد تازه ساعت چهار بامداد شنبه هلی‌کوپتر برای مهار آتش وارد منطقه می‌شود.

وقوع زمین لرزه نیز وضعیت بحران‌های طبیعی در کشور را تشدید کرده است، به گفته سرپرست مدیریت بحران استان «خراسان‌رضوی»، تعداد مصدومان زلزله کاشمر به ۱۲ نفر رسیده است.

بر اثر زمین‌لرزه ۳/۸ ریشتری ظهر روز جمعه اول تیر در شهرستان کاشمر ۱۲ نفر که حین فرار و بر اثر اضطراب دچار آسیب‌های سطحی شده بودند، تا کنون در بیمارستان بستری شده‌اند.

بر اثر وقوع زلزله ۵ ریشتری ساعت ۱۳ و ۲۴ دقیقه ظهر روز سه‌شنبه ۲۹ خرداد نیز در شهرستان کاشمر چهار نفر فوت کردند و ۱۱۵ نفر نیز مصدوم شدند.

در شیروان، اینچه بالا در آبخانه و شهر راز دچار سیل و آبگرفتگی شدند.

در این ارتباط ۱۰ تیم امداد و نجات در چهار شهرستان به مردم سیل‌زده و مناطق آبگرفته امدادرسانی کردند. از سوی دیگر در استان مازندران نیز ورود سیلاب بهاری به ۴ شهرستان مازندران خسارت وارد کرد.

به گفته مدیرکل مدیریت بحران مازندران، سیلاب باز هم به مسیرها و راه دسترسی، خانه‌ها و اراضی کشاورزی استان خسارت وارد کرد. سیلاب بهاری سبب خسارت به روستاهای نوشهر، چالوس، سوادکوه و نور خسارت شد. قسمت عمده خسارت‌ها مربوط به راه دسترسی، سردهنه کشاورزی و خانه‌های مسکونی بوده است.

در همین ارتباط، مدیرکل عملیات راهداری، ماشین‌آلات و مدیریت بحران سازمان راهداری در گفتگو با خبرنگاری مهر اعلام کرد که به دلیل فصل گرما، بارش‌های بهاری به صورت رگباری و لحظه‌ای رخ می‌دهد و از سوی دیگر محور چالوس به دلیل موقعیت جغرافیایی مستعد سیلابی شدن است.

جمعه هفته گذشته سیل در جاده چالوس موجب فوت سه تن و خسارت به ۱۵ دستگاه خودرو سوار شد که با همکاری پلیس راهور با توجه به پیش‌بینی و صدور هشدارهای نارنجی هواشناسی برای حفظ جان هموطنان و جلوگیری از پیشامد هرگونه خسارت این محور تا بازگشت به وضعیت جوی نرمال مسدود شود.

وی با بیان اینکه هم‌اکنون تردد از هر دو مسیر جاده چالوس و آزادراه تهران - شمال در جریان است، گفت: «تردد در این مسیرها روان گزارش شده است.»

در «آئند» سوادکوه نیز وقوع سیل غارتگر خسارت‌های بسیاری به ساکنان وارد کرد.

از بعد از ظهر روز چهارشنبه در نواحی کوهستانی سوادکوه باران سیل‌آسا شروع شد. شدت بارندگی منجر به وقوع سیل در نواحی بالادست بخش مرکزی و مسدود شدن مسیر «آئند» و «چرات» شده است.

● معاون پیشگیری و کاهش خطرپذیری سازمان مدیریت بحران کشور روز جمعه یکم تیر درباره فعالیت سامانه بارشی و ناپایداری‌های شدید محلی از روز جمعه تا یکشنبه هفته آینده هشدار داد.

● در استان مازندران نیز ورود سیلاب بهاری به ۴ شهرستان مازندران خسارت وارد کرد.

● جدا از سیل و سیلاب و زلزله، وقوع آتش‌سوزی در برخی مناطق کشور به بحران‌های محیط زیستی در کشور دامن زده است، در جنگل‌های پلدختر نیروهای محلی و امداد تلاش کردند شعله‌های مهیب آتش را با دستان خالی و بدون هلی‌کوپتر مهارکنند.

سازمان هواشناسی از اعلام هشدار سطح نارنجی برای رگبار شدید در ۷ استان کشور خبر داد. سازمان هواشناسی روز جمعه ۱ تیر با اعلام هشدار سطح نارنجی هواشناسی برای شرق خراسان شمالی، اردبیل و استان‌هایی مانند تهران، البرز، مازندران، نیمه شرقی آذربایجان شرقی و شمال آذربایجان غربی خبر داد: «رگبار شدید منجر به جاری شدن روان‌آب‌ها و طغیان رودخانه‌ها می‌شود.»

تهران نیز شب گذشته با وزش باد و گرد و خاک و رگبار پراکنده باران همراه بود و دما به ۵ درجه بالای صفر رسید. همچنین سازمان مدیریت بحران کشور نیز از فعالیت سامانه بارشی و ناپایداری‌های شدید محلی به مدت بیش از یک هفته خبر داده است.

معاون پیشگیری و کاهش خطرپذیری سازمان مدیریت بحران کشور روز جمعه یکم تیر درباره فعالیت سامانه بارشی و ناپایداری‌های شدید محلی از روز جمعه تا یکشنبه هفته آینده هشدار داد.

معاون پیشگیری و کاهش خطرپذیری سازمان مدیریت بحران کشور در گفتگو با خبرنگاری مهر اعلام کرد: «این بازه زمانی احتمال بروز رگبار باران، رعد و برق، وزش باد شدید موقت، در برخی نقاط گرد و خاک، در نقاط مستعد بارش تگرگ وجود دارد.»

به گفته این مقام مسئول در سازمان مدیریت بحران کشور، این سامانه بارشی روز جمعه آذربایجان شرقی، اردبیل، شرق خراسان شمالی و ارتفاعات استان‌های تهران، البرز، مازندران، شنبه آذربایجان شرقی، اردبیل، نیمه شمالی آذربایجان غربی، دامنه و ارتفاعات در استان‌های تهران، البرز، مازندران و شمال غربی سمنان و یکشنبه نیمه جنوبی اردبیل، شمال آذربایجان غربی، شرق آذربایجان شرقی، دامنه و ارتفاعات سمنان را در بر می‌گیرد.

همچنین در روز گذشته بارش شدید باران در مناطقی از خراسان شمالی موجب جاری شدن حجم سیلاب در شهر راز باعث ورود آب به خیابان‌های شهر راز خراسان شمالی شد در همین ارتباط بارش رگباری باران عصر پنجشنبه در روستاهای رازوجرگلان و مانه‌وسملقان خراسان شمالی موجب جاری شدن سیلاب و آبگرفتگی معابر این مناطق شد.

در پی ورود این حجم از سیلاب در ۴ شهرستان خراسان شمالی چند تیم امدادی در این مناطق سیل‌زده حاضر شدند. به گفته ابوالفضل محیان، مدیرعامل «هلال احمر» خراسان شمالی عصر روز ۳۱ خرداد در پی بارش باران‌های رگباری، روستای قلاجق پایین در بجنورد، روستای خطاب بالا

جنگل‌ها و جانداران زاگرس همچنان می‌سوزند



آغاز شده است.»

به گفته مهدی پازوکی، صعب‌العبور بودن منطقه، گرمای شدید و وزش باد، با وجود تلاش برای اطفای حریق، باعث گسترده شدن آتش می‌شود. وی با اشاره به صعب‌العبور بودن منطقه تاکید کرد: «حضور نیروهای مردمی خیلی نمی‌تواند در اطفای حریق موثر باشد.»

مدیرکل مدیریت بحران لرستان اضافه کرد: «از دیروز درخواست دادیم هواییهای ایلوشین به منطقه ارسال شود و منتظر تاییدیه سازمان هوا و فضا هستیم. هواییهای ایلوشین ۴۰ هزار لیتر مخزنش ظرفیت آبیگری دارد.» به گفته پازوکی، امداد هوایی در راستای اطفای حریق با هلی‌کوپترهای معمولی طول می‌کشد، هلی‌کوپترهای فعلی می‌توانند بین ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ لیتر آب در مخزن‌شان ذخیره کنند.

مدیرکل مدیریت بحران استانداری لرستان نیز ۲ تیرماه در همین ارتباط به خبرگزاری ایرنا گفت: «تلاش برای مهار آتش در مراتع مناطق تیلکش پلدختر و سرکن کوه‌دشت ادامه دارد و ۲ بالگرد با هدف اطفای حریق به منطقه اعزام شده است.»

به گفته وی، وسعت آتش‌سوزی و حجم خسارات، تا اطفای کامل حریق قابل پیش‌بینی نیست. به دلیل گرمای بسیار زیاد هوا، حجم گسترده آتش و صعب‌العبور بودن مسیر در مرز شهرستان‌های رومشکان و پلدختر، عملیات اطفای حریق با مشکل مواجه شده است.

با وجود ادعای مسئولان مبنی بر ارسال هلی‌کوپتر برای اطفای حریق جنگل‌ها کیان یزدان‌پور کنشگر محیط

این آتش‌سوزی‌های وسیع، در سایه بی‌توجهی، کمبود اعتبار و امکانات، به دلیل تأخیر در ارسال وسایل اطفای حریق، نه تنها به کندی انجام می‌شود بلکه جنگلبان‌ها و مردم محلی و گروه‌های داوطلب، جان‌شان را به خطر می‌اندازند و با دستان خالی به جنگ این آتش‌سوزی‌ها می‌روند و در پایان، هم بخش زیادی از این جنگل‌ها می‌سوزد و هم جان عده‌ای گرفته می‌شود.

به روایت مسئولان، طی روزهای گذشته در پی آتش‌سوزی در جنگل‌های «سید سهل‌الدین پلدختر» نیروهای مستقر در منطقه با کمترین امکانات در تلاش برای مهار آتشی هستند که همچنان زبانه می‌کشد و به اطراف گسترش می‌یابد و به علت حجم بالای آتش‌سوزی و قرار گرفتن زیستگاه جاندارانی از قبیل روباه، شغال، کبک و گنجشک‌سانان در این منطقه، تعدادی از این جانداران و درختان زنده‌زنده سوختند.

پلدختر همچنان می‌سوزد و «ایلوشین» هنوز نیامده

آتش‌سوزی‌ها در جنگل‌های زاگرس از ۲۰ خردادماه آغاز شده و تا کنون با تلاش‌های نیروهای امدادی و مردمی در برخی مناطق خاموش شده ولی هر روز منطقه تازه‌ای گرفتار آتش‌سوزی می‌شود. در حال حاضر مراتع شهرستان‌های چگنی، کوه‌دشت و پلدختر از ۲ تیرماه در آتش می‌سوزد.

در همین ارتباط مدیرکل مدیریت بحران لرستان، روز تیر به وبسایت رکنا گفت: «از دیروز آتش‌سوزی‌ها در پلدختر شروع شده و اطفای هوایی حریق ۲ دستگاه هلی‌کوپتر در حدود ۳۰ سورت پرواز و ۲۵ نفر نیروی عملیاتی در منطقه

● به روایت مسئولان، طی روزهای گذشته در پی آتش‌سوزی در جنگل‌های «سید سهل‌الدین پلدختر» نیروهای مستقر در منطقه با کمترین امکانات در تلاش برای مهار آتشی هستند که همچنان زبانه می‌کشد و به اطراف گسترش می‌یابد و به علت حجم بالای آتش‌سوزی و قرار گرفتن زیستگاه جاندارانی از قبیل روباه، شغال، کبک و گنجشک‌سانان در این منطقه، تعدادی از این جانداران و درختان زنده‌زنده سوختند.

● آتش‌سوزی‌ها در جنگل‌های زاگرس از ۲۰ خردادماه آغاز شده و تا کنون با تلاش‌های نیروهای امدادی و مردمی در برخی مناطق خاموش شده ولی هر روز منطقه تازه‌ای گرفتار آتش‌سوزی می‌شود. در حال حاضر مراتع شهرستان‌های چگنی، کوه‌دشت و پلدختر از ۲ تیرماه در آتش می‌سوزد.

● انتشار ویدیوهای دلخراش از حریق در جنگل‌های لرستان با ناله‌های دردناک حیوانات در شبکه‌های اجتماعی، واکنش‌های منفی گسترده به عملکرد مسئولان در حفاظت از محیط زیست را به همراه داشته است.

● از روز آغاز آتش‌سوزی‌ها نیروهای مردمی با دست خالی برای اطفای حریق آن وارد منطقه شدند و با وجود صعب‌العبور بودن منطقه و گرمای هوا توانستند بخش زیادی از مناطق مورد حریق را خاموش کنند.

آتش‌سوزی جنگل‌ها به خصوص جنگل‌های زاگرس و هزاران بلوط، ترازدی هرساله‌ای است که با مرگ تلخ مساحت زیادی از جنگل‌های کشور و در کنار آن جانداران ساکن در این مناطق پیوند خورده است. طی سال‌های گذشته، مهار

یک زن ایرانی در مرز بلاروس و لهستان مورد اصابت گلوله قرار گرفت



نیروهای نظامی مستقر در مرز لهستان با بلاروس

مرز با لهستان را تأیید کرد و گفت: «گشت مرزبانی اعزامی برای کمک به این زن بلافاصله درخواست آمبولانس کرد و وی را به بیمارستان منتقل کردند.»

منابع لهستانی به نقل از این مقام نظامی گزارش دادند که نظامیان لهستانی دخالتی در شلیک گلوله نداشتند. تنش‌ها در مرز لهستان در پی دستگیری سه سرباز توسط پلیس بالا گرفت. این سربازان به سمت گروهی از افراد که قصد داشتند به زور وارد خاک لهستان شوند تیراندازی کرده بودند.

لادیسلاو کوسینیاک- کامیش وزیر دفاع لهستان در بیانیه‌ای اعلام کرد که تیراندازی به سمت پناهجویان غیرقابل قبول است. وی تأکید کرد، «سربازان مرزبانی باید مطمئن باشند که قانون از آنها حمایت می‌کند.»

پس از کشته شدن یک سرباز لهستانی با ضربات چاقو نزدیک حصارهای مرزی، دولت این کشور یک دستورالعمل ویژه ۹۰ روزه برای ممنوعیت تردد در نواحی مرزی صادر کرده بود.

ده‌ها پناهجو سالانه به صورت غیرقانونی با کمک قاچاقچیان تلاش می‌کنند از خاک بلاروس وارد مرزهای اروپا شوند. پس از حمله نظامی روسیه به خاک اوکراین گزارش‌های متعددی نیز منتشر شد که روسیه و بلاروس بطور سازمانیافته پناهجویان را از خاک خود راهی مرزهای اروپا می‌کنند.

از مجموع مساحت کشور در خوش‌بینانه‌ترین حالت، اگر استپ‌ها و علفزارها را هم جزئی از پوشش جنگلی به حساب آوریم تنها ۷ درصد مساحت آن پوشیده از جنگل است. منطقه جنگلی زاگرس بین ۱۱ استان ایران پراکنده شده است و نزدیک به ۴۰ درصد کل پوشش جنگلی کشور را شامل می‌شود. در این میان آتش‌سوزی یکی از عوارض بی‌توجهی مقامات جمهوری اسلامی به محیط زیست ایران است و امسال خشکسالی نیز بیش از پیش محیط زیست کشور را مورد تهدید قرار داده است.

● با افزایش تنش‌ها در مرز لهستان- بلاروس، یک زن ۳۵ ساله ایرانی پناهجو هدف گلوله قرار گرفت. سازمان «Ega-la» که به پناهجویان کمک می‌کند، روز جمعه ۲۱ ژوئن (اول تیرماه) گزارش داد گلوله به صورت این زن اصابت کرده و وی اکنون در بیمارستان بستری است.

● این زن گفته، «نزدیک حصارهای مرزی بوده که ناگهان بدون هیچ هشدار، تیراندازی شد.» او ادعا کرده گلوله از سمت دو نیروی یونیفرم پوش از سوی خاک لهستان شلیک شده است.

● یکی از مقامات مرزی لهستان زخمی شدن یک زن نزدیک مرز با لهستان را تأیید کرد و گفت: «گشت مرزبانی اعزامی برای کمک به این زن بلافاصله درخواست آمبولانس کرد و وی را به بیمارستان منتقل کردند.»

با افزایش تنش‌ها در مرز لهستان- بلاروس، یک زن ۳۵ ساله ایرانی پناهجو هدف گلوله قرار گرفت. سازمان «Ega-la» که به پناهجویان کمک می‌کند، روز جمعه ۲۱ ژوئن (اول تیرماه) گزارش داد گلوله به صورت این زن اصابت کرده و وی اکنون در بیمارستان بستری است.

این زن گفته، «نزدیک حصارهای مرزی بوده که ناگهان و بدون هیچ هشدار، تیراندازی شد.» او ادعا کرده گلوله از سمت دو نیروی یونیفرم پوش از سوی خاک لهستان شلیک شده است.

یکی از مقامات مرزی لهستان زخمی شدن یک زن نزدیک

دمای بالا هوای این روزهای خوزستان و همچنین امکانات کم مهار آتش‌سوزی، محیط‌بانان پارک ملی کرخه به سختی توانستند آتش‌سوزی را مهار کنند.

جنگل‌ها و مراتع منطقه کبیرکوه روستای آب انار در شهرستان آبدانان در ۱۶ خرداد دچار حریق شد. همچنین علیرضا حیدری فرماندار پناه پاره گزارش داد که ۲۰ هکتار از مراتع و جنگل‌های شهرستان منطقه بلبران پناه در آتش‌سوزی روز ۱۶ خرداد که به مدت ۱۰ ساعت طول کشید طعمه حریق شد.

➔ زیست و عضو انجمن میراث زاگرس که مشغول خاموش کردن آتش در چند جنگل در استان فارس است در استوری اینستاگرام خود نوشت: «تو اوج آتش‌سوزی با مدیرکل منابع طبیعی فارس تماس گرفتم گفت «بالگرد دویست و بیست میلیون پول میگیره شما وضو بگیرید صلوات بفرستید برید تو آتش‌سوزی انشالله مهار میشه.»

با گذشت بیش از یک هفته از سوختن جنگل‌های لرستان در شعله‌های آتش، استاندار لرستان از افزایش حجم آتش‌سوزی در اراضی این استان به علت گرمای شدید خبر داد.

انتشار ویدیوهای دلخراش از حریق در جنگل‌های لرستان با ناله‌های دردناک حیوانات در شبکه‌های اجتماعی، واکنش‌های منفی گسترده به عملکرد مسئولان در حفاظت از محیط زیست را به همراه داشته است. در مقابل، مسئولان تنها به تکرار و شرح حوادث و ارائه آمار بسنده کرده‌اند، در حالی که فقدان امکانات و نبود نیروهای آموزش‌دیده کافی نشان می‌دهد که شرایط چه اندازه نگران‌کننده است.

گسترده‌ترین آتش‌سوزی امسال در استان کرمانشاه مربوط به منطقه بلبران پناه است که طبق برآوردهای صورت گرفته حدود ۵۰۰ هکتار از مراتع و جنگل‌های آن طعمه حریق شد. این آتش‌سوزی از ۲۰ خردادماه آغاز شد و عامل اصلی وقوع این حریق تا کنون مشخص نشده است.

از روز آغاز آتش‌سوزی‌ها نیروهای مردمی با دست خالی برای اطفای حریق آن وارد منطقه شدند و با وجود صعب‌العبور بودن منطقه و گرمای هوا توانستند بخش زیادی از مناطق مورد حریق را خاموش کنند.

در همین مدت به گفته فرماندار پناه، یک فروند بالگرد هوا فضای سپاه با انجام عملیات هلی‌برن و آبیاش و یک هواپیمای آبیاش ایلوشین نیز در فعالیت اطفای حریق مشارکت داشتند اما تا روز ۲ تیر که وسایط رگنا با یکی از فعالان محیط زیست غرب کشور گفتگو کرد این آتش‌سوزی در حال توسعه بود و حریق همچنان جنگل‌های ارزشمند دامنه کوه‌های زاگرس را می‌بلعد.

در همین ارتباط، روز ۲ تیرماه کبری رستم‌زاده فعال محیط زیست به وسایط رگنا گفت: «در همین لحظه که با شما گفتگو می‌کنم آتش در جنگل‌هایی که روبروی من است دارد درختان بلوط و مراتع را می‌سوزاند. مردم محلی برای خاموش کردن آتش به جنگل رفته‌اند و هر روز با دست و پای سوخته برمی‌گردند.»

به گفته وی، تا کنون اقدام چشمگیری از سوی دستگاه‌های مسئول برای اطفای حریق صورت نگرفته و بیشترین حضور از سوی مردم محلی است.

این فعال محیط زیست از مسئولان درخواست کرد که نیروهای مردمی را که در جریان خاموش کردن حریق آسیب می‌بینند مورد حمایت قرار دهند و جوانان این منطقه را به عنوان جنگلبان به کار بگیرند.

اینهمه در حالیست که به گفته مدیرکل هواشناسی خوزستان در بیشتر شهرها بجز مناطق مرتفع شرقی و شمالی، حداکثر دما به حدود ۵۰ درجه سانتیگراد نیز خواهد رسید بنابراین خطر گرمادگی و احتمال آتش‌سوزی در مراتع و مزارع نیز وجود دارد.

تکرار آتش‌سوزی در پارک ملی کرخه

در ابتدای تیرماه جاری بخشی از جنگل‌های پارک ملی کرخه در نزدیکی روستای دوار شهرستان شوش طعمه حریق شد.

به دلیل صعب‌العبور بودن منطقه درگیر آتش‌سوزی و

وعده‌های تخیلی نامزدهای نمایش انتخابات درباره فقرزدایی!

فقرزدایی در برنامه هفتم توسعه پیش‌بینی شده است. «کیهان لندن» اما پیشتر در گزارشی برنامه هفتم توسعه را تخیلی و غیراصولی، و اهداف آن را دست‌نیافتنی توصیف کرده بود.

در این گزارش آمده بود که لایحه هفتم توسعه مانند دیگر طرح‌های کلان و خردی که در جمهوری اسلامی تدوین می‌شود تخیلی، غیراصولی و دست‌نیافتنی ارزیابی می‌شود. «رشد اقتصادی ۸ درصدی»، «تورم ۹/۵ درصدی»، «رشد سالانه ۳/۹ درصدی اشتغال که به معنای ایجاد سالانه یک میلیون فرصت شغلی است از جمله موارد تخیلی گنجانده شده در لایحه هفتم توسعه است.

متوسط رشد صادرات نفتی ۱۲/۴ درصدی، متوسط رشد صادرات غیرنفتی ۲۲/۶ درصدی و متوسط رشد نقدینگی ۲۰/۴ درصدی و در سال پایانی برنامه رشد ۱۳/۸ درصدی از جمله دیگر اهداف اقتصادی در این لایحه هستند.

ایران نه تنها در سال‌های گذشته دچار عقب‌ماندگی از برنامه‌های توسعه بوده بلکه پیش‌زمینه‌های کافی برای رسیدن به رشد اقتصادی هشت درصدی در برنامه هفتم توسعه نیز وجود ندارد.

از سوی دیگر در برنامه هفتم توسعه رشد اقتصادی هشت درصد پیش‌بینی شده است اما دولت بخش صنعت را در این برنامه نادیده گرفته و تنها به خام‌فروشی برای درآمدهای این بخش اکتفا کرده آنهم در حالی که ایران سال‌هاست از برنامه‌های توسعه صنعتی عقب است.

یکی دیگر از موارد قابل توجه در برنامه هفتم توسعه «کسری منابع» است که در چنین شرایطی وجود منابعی برای فقرزدایی در آن امکان نخواهد داشت.

بر اساس گزارش رئیس سازمان برنامه و بودجه، ۳ هزار و ۴۰۰ همت (هزار میلیارد تومان) از منابعی که دولت در لایحه برنامه هفتم توسعه پیش‌بینی کرده بود در مصوبه تلفیق حذف شده و ۱۲ هزار و ۳۰۰ همت در متن لایحه اضافه شده، ۴ هزار و ۱۸۰ همت مازاد بر لایحه است؛ بنابراین ۲۰ هزار هزار میلیارد تومان بار مالی جدید به دولت تحمیل شده است.

داوود منظور تأکید کرده بود که اگر لایحه برنامه به این شکل تصویب شود به هیچ وجه برای دولت قابل اجرا نیست.

اینهمه در حالیست که بر اساس آنچه وزیر اقتصاد پیشتر گفته بود این لایحه اساساً از سوی دولت با کسری بسته شده است. احسان خاندوزی وزیر اقتصاد و سخنگوی اقتصادی دولت رئیسی تیرماه پارسال در نشست بررسی کلیات لایحه برنامه هفتم در کمیسیون تلفیق مجلس افزود که در برنامه هفتم توسعه باید برای «پوشاندن کسری هزار و ۲۰۰ میلیارد تومانی» محرک‌ها و منابعی پیش‌بینی شود.

در واکنش به اعلام چنین رقم هنگفتی به عنوان «کسری» برنامه هفتم توسعه، آلبرت بغزبان اقتصاددان با «فاجعه» خواندن این رقم گفته بود چیزی که ۱۲۰۰ هزار میلیارد کسری دارد دیگر برنامه توسعه نیست.

به گفته این اقتصاددان «برنامه اقتصادی که با کسری ۱۲۰۰ هزار میلیاردی نوشته شود که اسمش را نمی‌توانیم برنامه توسعه بگذاریم. آقای خاندوزی از اقتصاددان‌های برجسته است و در توانایی ایشان شکی نیست، اما نمی‌توان برنامه‌ای نوشت با چنین رقم کسری بودجه و اسم آن را برنامه توسعه یک کشور گذاشت.»



کیفیت برنج مصرفی نیز سیر کاهشی به خود گرفته است و شامل بی‌کیفیت می‌شود.

شکاف کالری مصرفی بطور خاص به نمایش در آمده است بطوری که دهک دهم درآمدی در کشور ۳۲۸۴ کیلوکالری سرانه مصرف را به شکل روزانه به ثبت رسانده و نخستین دهک درآمدی (فقرترین افراد جامعه) کمتر از ۱۴۹۷ کیلوکالری به شکل روزانه مصرف کرده‌اند.

علیرضا زالی رئیس دانشگاه علوم پزشکی «بهشتی» نیز آبان سال گذشته گفته بود حدود ۶۰ درصد از کالری مورد نیاز ایرانیان از طریق نان به مثابه قوت غالب تامین می‌شود. این در حالیست که اغلب نان‌های تولیدی در ایران از آرد سفید تهیه شده و تهی از فیبر و مواد پروتئینی و معدنی هستند و ارزش غذایی پایینی دارند.

«جهان صنعت» نیز در گزارش خود تأکید کرده بر اساس آمارهای رسمی بیش از ۳۰ درصد از ایرانیان با فقر مطلق دست و پنجه نرم می‌کنند و این موضوع باعث شده است تا دست‌کم این زنگ خطر برای یک سوم ایرانیان با شدت بیشتری به صدا دربیاید.

در ادامه آمده کاهش میزان سرانه کالری مصرفی ایرانیان به سطح نیمی از میانگین خط قرمز استانداردهای حداقلی جهانی (۲۱۰۰ کیلوکالری)، به معنای کاهش شدید توان جسمی نیروی کار و افزایش شدید هزینه‌های سبد درمان در کشور است.

تورم بالای ۴۰ درصد در هفت سال اخیر و داشتن ۹ سال با میانگین چنین نرخ تورمی در ۱۳ سال گذشته، به شدت بر رابطه معنادار فقر با افزایش نرخ تورم صحنه می‌گذارد.

در چنین شرایطی کاهش ارزش پول ملی هم بطور مداوم سبب ریزش شمار بیشتری از شهروندان به زیر خط فقر به دلیل کاهش قدرت خریدشان می‌شود.

شش نامزد انتخابات برنامه مشخصی برای فقرزدایی ارائه نداده‌اند اما ادعای آن را با توسل بر برنامه هفتم توسعه مطرح کرده‌اند.

پیش از این نیز دولت ابراهیم رئیسی مدعی بود موضوع

● سرانه مصرف گوشت قرمز در کشور از نزدیک به یک کیلوگرم در سال ۱۳۹۰، به کمتر از ۴۰۰ گرم در سال ۱۴۰۲ و برای بخشی اقشار به ۲۰۰ گرم رسیده است.

● دهک دهم درآمدی در کشور ۳۲۸۴ کیلوکالری سرانه مصرف را به شکل روزانه به ثبت رسانده و نخستین دهک درآمدی (فقرترین افراد جامعه) کمتر از ۱۴۹۷ کیلوکالری به شکل روزانه مصرف کرده‌اند.

● شش نامزد نمایش انتخابات که همگی از مقامات پیشین و کنونی جمهوری اسلامی هستند و در شرایط فلاکت‌بار کشور نقش داشته و دارند در برنامه‌ها و سخنرانی‌های انتخاباتی بطور مداوم در حال شکایت و انتقاد از وضع موجود هستند!

● نامزدها برنامه مشخصی برای فقرزدایی ارائه نداده‌اند اما ادعای آن را با توسل بر برنامه هفتم توسعه مطرح کرده‌اند در حالی که برنامه هفتم توسعه تخیلی و غیراصولی است و ظرفیت فقرزدایی ندارد.

نامزدهای چهاردهمین دوره نمایش انتخابات طی روزهای گذشته مدعی شدند که با اجرای برنامه هفتم توسعه می‌توان طی پنج سال آینده فقر را ریشه‌کن کرد. این در حالیست که آمارها نشان از عمیق شدن فقر در کشور طی سال‌های گذشته دارد و برنامه هفتم توسعه نیز ظرفیت لازم برای فقرزدایی و صندارد.

شش نامزد انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم که همگی از مقامات پیشین و کنونی جمهوری اسلامی بوده و در شرایط فلاکت‌بار کشور نقش داشته و دارند در برنامه‌ها و سخنرانی‌های انتخاباتی بطور مداوم در حال شکایت و انتقاد از وضع موجود هستند و معتقدند معیشت مردم دچار مشکل است. آنها برای حل مشکلات اقتصادی هیچ برنامه مشخصی ارائه نکرده‌اند و کارشناسان معتقدند با این افراد، وضعیت دولت بعد بهتر از امروز نخواهد شد.

روزنامه «جهان صنعت» نیز در شماره امروز شنبه دوم تیرماه با توجه به وعده‌ها و اظهارنظر نامزدهای انتخابات در گزارشی به ریزش کالری مصرفی ایرانیان در یک دهه گذشته پرداخته و تصویری از فقر و فلاکت گسترده در کشور را روایت کرده است.

این گزارش با استناد به پژوهش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نوشته سرانه مصرف گوشت قرمز در کشور از نزدیک به یک کیلوگرم در سال ۱۳۹۰، به کمتر از ۴۰۰ گرم در سال ۱۴۰۲ رسیده و برآوردهای متخصصان سیاستگذاری تغذیه در ایران برای سال جاری نیز، نصف شدن سرانه مصرف گوشت قرمز نسبت به سال گذشته (۲۰۰ گرم) است. همچنین شاخص مصرف ماهانه گوشت مرغ نیز همچنان نزولی است؛ سرانه مصرف هر فرد در ماه از یک کیلو و ۷۰۰ گرم، به کمتر از یک کیلو و ۴۰۰ گرم در ماه به ازای هر فرد کاهش یافته است. میانگین مصرف شیر پاستوریزه نیز حسب آمار، با کاهش مهبیب از ۳ کیلوگرم در هر ماه به ازای هر نفر، به حدود یک کیلو در هر ماه برای هر نفر کاهش پیدا کرده است.

میزان مصرف تخم‌مرغ نیز با کاهش بیش از ۱۰ درصدی نسبت به سال ۹۰، از اعمال فشار بر سبد پروتئینی خانوار حکایت دارد. این کاهش میزان مصرف سرانه حتی شامل کربوهیدرات‌های پرمصرفی همانند برنج نیز شده است که با کاهش از سطح ۳ کیلو و ۱۰۰ گرم در ماه، به حدود یک‌ونیم کیلو در سال گذشته رسیده و بطور میانگین،

از ابتدای امسال ۵ پزشک جوان خودکشی کردند



در اوایل فروردین ماه نیز دکتر پرستو بخشی متخصص قلب و عروق جوان در شهر خرم‌آباد خودکشی کرد

به نقل از مشاور اجتماعی سازمان نظام پزشکی هشدار داد: «سرعت خودکشی در میان پزشکان و رزیدنت‌ها صعودی شده و احتمال دارد که به زودی نرخ خودکشی پزشکان در ایران از سایر کشورها پیشی بگیرد.»

بر اساس آخرین بررسی‌ها، آمار خودکشی در میان پزشکان مرد ۴۰ درصد و در پزشکان زن ۱۳ درصد، نسبت به جمعیت عمومی، افزایش یافته که عدد قابل توجه و نگران‌کننده‌ای است. آمار دیگری نشان می‌دهد که خودکشی پزشکان در چند سال اخیر، پنج برابر شده است.

محمد میرخانی مشاور اجتماعی سازمان نظام پزشکی تأکید کرده بود: «ما در حال حاضر در ابتدای موج گذار از مهاجرت‌ها و خودکشی‌های جامعه پزشکی هستیم. این مقدمه شرایط کنونی است و به نظر من ماحصل سال‌های سال مدیریت غلط درمانی است که اگر جلوی این روند گرفته نشود، ادامه پیدا می‌کند. در چنین فضایی اصلاحات جوابگو نیست و نیاز به تحول است.»

موضوع خودکشی اینترن‌ها و رزیدنت‌ها تنها به یکی دو سال گذشته خلاصه نمی‌شود، یک پزشک متخصص زنان در بهمن ۱۴۰۲ با اعلام این مطلب به کیهان لندن گفته بود: «در سال‌های نخست دهه ۸۰ که دوران رزیدنتی خود را می‌گذراندم شاهد خودکشی دو نفر از رزیدنت‌ها بودم آن زمان به دلیل نبود شبکه‌های اجتماعی به گستردگی زمان حاضر، این مسائل برای عموم، اطلاع‌رسانی نمی‌شدند، مسئولان دانشگاه هم خانواده‌ها را متقاعد می‌کردند که موضوع خودکشی فرزندشان را عمومی نکنند. دانشگاه علوم پزشکی تهران دو مورد خودکشی را نیز تصادف رانندگی علت مرگ عنوان کرده بود!»

حمید پیروی نایب رئیس جمعیت علمی پیشگیری از خودکشی در ایران نیز در ۱۰ دی‌ماه ۱۴۰۲ به وبسایت تجارت‌نیوز گفته بود: «در سال ۱۴۰۱، به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر ۷.۴ نفر اقدام به خودکشی و فوت کردند.» او افزوده بود: «در سال گذشته، بیش از شش هزار نفر اقدام به خودکشی منجر به فوت داشتند.»

میان جوان پزشکان بی‌سابقه است!« در اینستاگرام نوشته بود: «خانم دکتر بخشی پس از دو ترومای بزرگ (از دست دادن پدر و مادر) و با یک سال تأخیر طرح خود را آغاز کردند. وزارت بهداشت کمکی به جابجایی محل طرح ایشان نکردند (ایشان در لیست سیاه وزارتخانه بودند).»

بر اساس یک گزارش تحقیقی، خودکشی در جامعه پزشکی ایران با افزایش ۳ تا ۵ برابری روبرو شده است. این گزارش تأکید کرده ساعات کاری طاقت‌فرسا، شرایط تحقیرآمیز، عدم حمایت و روابط پادگانی بین اساتید و رزیدنت‌ها از عوامل افزایش آمار خودکشی در میان جامعه پزشکی است.

وبسایت «خبرآنلاین» در ۱۴ خرداد گزارشی درباره افزایش ۳ تا ۵ برابری خودکشی در جامعه پزشکی منتشر اما ساعاتی بعد آن را حذف کرد. این گزارش در گفتگو با متخصصان و فعالان صنفی، روند خودکشی پزشکان در سال‌های اخیر را مورد بررسی قرار داده است. در این گزارش آمده بود که شرایط اجتماعی نامطلوب، یکی دیگر از اهرم‌های فشار بر اعضای کادر درمان است. افزون بر فشارهای مالی و نداشتن آرامش روانی تحت شرایط سخت کاری و شیفت‌های طولانی، روابط و شرایط اجتماعی هم در برخی موارد منجر به پرخاشگری و واکنش‌های هیجانی جبران‌ناپذیر می‌شود.

«خطر خودکشی و مرگ خودخواسته در پزشکان حدود ۲/۷۳ درصد بیشتر از سایر مشاغل است.» این نتیجه تحقیقی است که در نشست به مناسب روز جهانی پیشگیری از خودکشی عنوان شده است. انجمن علمی روانپزشکی ایران برای دومین بار طی چهار ماه، در نامه‌ای به بهرام عین‌اللهی وزیر بهداشت خواستار راه‌هایی جهت حل مشکل شد.

شهریورماه سال گذشته نیز علی سلحشور نماینده پزشکان متخصص با اشاره به اینکه «از سال ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۱، سیزده رزیدنت خودکشی کرده‌اند» گفته بود: «رزیدنت‌ها با حقوق ناچیز و بدون بیمه و سنوات مجبورند کار سنگین انجام بدهند و با این وضعیت، امید چندانی به آینده ندارند.»

در همین ارتباط روزنامه دنیای اقتصاد در ۹ اردیبهشت

● دکتر شعله توکلی شیراجی متخصص داخلی و فوق تخصص اختلالات ریوی بیمارستان «شریعتی» تهران به زندگی خود پایان داد.

● روز جمعه اول تیرماه نیز فرشاد زبرجدیان یکی از اینترن‌های پزشکی ورودی بهمن ۱۳۹۶ دانشگاه علوم پزشکی همدان با اقدام به خودکشی به زندگی خود پایان داد. دکتر سمیرا آل سعیدی فوق تخصص روماتولوژی نیز در اردیبهشت ماه دست به خودکشی زد.

منابع غیررسمی روز یکشنبه سوم تیرماه گزارش دادند دکتر #شعله_توکلی شیراجی متخصص داخلی و فوق تخصص اختلالات ریوی بیمارستان «شریعتی» تهران به زندگی خود پایان داده است.

این پزشک متخصص که حدود ۸ سال پیش طرح عمومی را در بیمارستان ۱۲ فروردین کهنوج واقع در استان کرمان گذرانده بود، در حال پایان دوره فوق تخصصی ریه بود که خودکشی کرد.

در همین ارتباط هدیه کیمیایی خبرنگار حوزه اجتماعی در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشت، تنها در سه ماه اول سال ۱۴۰۳ دست‌کم ۱۳ رزیدنت خودکشی کرده‌اند. در تحقیقی که مدتی پیش در میان رزیدنت‌هایی که به خودکشی فکر می‌کردند انجام شد، آنها اعلام کردند که هیچ چشم‌اندازی برای آینده ندارند.

دکتر شعله توکلی یکی از ده‌ها پزشک جوانی است که در سال‌های اخیر نبودن را بر بودن در شرایطی که جمهوری اسلامی برای شهروندان به وجود آورده، ترجیح داد.

روز جمعه اول تیرماه نیز فرشاد زبرجدیان یکی از اینترن‌های پزشکی ورودی بهمن ۱۳۹۶ دانشگاه علوم پزشکی همدان با اقدام به خودکشی به زندگی خود پایان داد.

دکتر سمیرا آل سعیدی فوق تخصص روماتولوژی نیز در اردیبهشت ماه دست به خودکشی زد. دکتر مهدی عبدوس با اعلام این خبر در شبکه اجتماعی ایکس نوشته بود: «خانم دکتر سمیرا آل سعیدی فوق تخصص روماتولوژی از میان ما رفت. ایشان روز قبل پلن دارویی خودکشی خود را با رزیدنت‌ها مطرح کرده، آن‌ها موضوع را جدی نگرفته و سر به سر ایشان هم می‌گذارند، مرحوم به گواهی همکاران، خوش اخلاق، فعال و با وجدان کاری بوده. از ایشان یک فرزند به یادگار مانده است. شاید در لحظات آخر زندگی گفته من زنی هستم که دنیا را روی انگشتان خود می‌چرخانم، اما از پس دلتنگی‌هایم بر نمی‌آیم. پزشکان بیشتر از سایر اقشار جامعه در معرض تنش و استرس‌های فراوان کاری هستند. آن‌ها سرمایه کشور هستند احترام‌شان را حفظ کنید. تنهای‌شان نگذارید.»

خودکشی سمیرا آل سعیدی کمتر از یک ماه پس از خودکشی دکتر پرستو بخشی، متخصص ۳۵ ساله قلب در بیمارستان ابن‌سینا در شهرستان دلفان، گویای اینست که خودکشی کادر درمان به «پدیده» مهمی تبدیل شده که گویا برای وزارت بهداشت جمهوری اسلامی اصلاً اهمیتی ندارد. در اوایل اردیبهشت ماه نیز دکتر زهرا ملکی قربانی پزشک ۲۸ ساله در جاسک به زندگی خود پایان داد.

استوری‌ها و توییت‌های این پزشک جوان نشان می‌داد که به شدت از شرایط سخت کار در بیمارستان ناراضی بوده است. علی سلحشور سرپرست اداره کل روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان نظام پزشکی ایران در پی درگذشت دکتر پرستو بخشی در مطلبی با عنوان «این حجم از افسردگی

«همستر کامبت» محبوب‌تر از نامزدهایی با وعده‌های پوچ و دروغ در «سیرک انتخابات»



● «آسوشیتدپرس» نوشته محبوبیت «همستر کامبت» در ایران این حقیقت تلخ را نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی در آستانه انتخابات با یک اقتصاد ویران به دلیل تحریم‌های غرب، تورم شدید و بحران اشتغال روبروست.

● وبسایت «اقتصاد ۲۴» در گزارشی نوشته ناامیدکننده‌ترین بخش مناظرات انتخاباتی در دوره چهاردهم ریاست جمهوری، ندیدن برنامه‌های مدون برای بهبود و رفع مشکلات اقتصادی است.

● هیچیک از شش نامزد «انتخابات نمایشی» جمهوری اسلامی نتوانسته‌اند برنامه مشخص اقتصادی ارائه دهند و در نهایت به لزوم کاهش تورم و فقرزدایی، و یا پرداخت یارانه بیشتر اشاره کرده‌اند.

● مرتضی افقه اقتصاددان و استاد دانشگاه معتقد است این وعده‌ها «رویالگونه و ساده‌پندارانه سابقا هم مطرح می‌شد ولی به دلیل عدم برخورد با عوام فریبی‌ها کماکان نقل گفتمان‌های سطح کلان کشوری است.»

مشکلات اقتصادی از جمله تورم و بحران معیشت برای اکثر جمعیت ایران به دغدغه اصلی و محوری تبدیل شده اما نامزدهای جانشینی سیدابراهیم رئیسی نتوانسته‌اند وعده‌های اقتصادی منطقی و قابل دسترسی را که بیانگر بهبود شرایط باشد ارائه کنند.

خبرگزاری «آسوشیتدپرس» در گزارشی میدانی از وضعیت اقتصادی مردم در ببحوجه چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اسلامی به محبوبیت «همستر کامبت» در ایران اشاره و تأکید کرده وعده‌های اقتصادی نامزدها نتوانسته توجه مردم را جلب کند.

این گزارش نوشته محبوبیت «همستر کامبت» در ایران این حقیقت تلخ را نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی در آستانه انتخابات برای مشخص شدن جانشین ابراهیم رئیسی، با یک اقتصاد ویران به دلیل تحریم‌های غرب، تورم شدید و بحران اشتغال روبروست.

این گزارش اشتیاق مردمی را که حتی در خیابان و پشت چراغ قرمز خیابان‌ها هم در حال ضربه زدن روی گوشی خود و بازی با اپلیکشین «همستر کامبت» هستند، نشانه «نامیدی» مردم از حال و آینده اقتصاد ارزیابی کرده است.

«آسوشیتدپرس» نوشته قیمت دلار که چند سال پیش و در زمان توافق هسته‌ای و امضای برجام حدود سه هزار تومان بود اکنون به ۵۸ هزار تومان رسیده است. هزینه جاری زندگی مردم بطور مداوم در حال افزایش است بطوریکه طی یک سال گذشته قیمت میوه و سبزیجات ۵۰ درصد، قیمت گوشت ۷۰ درصد، نرخ تاکسی دو برابر و نرخ بلیت مترو که ارزان‌ترین وسیله حمل و نقل است نیز ۳۰ درصد افزایش یافته است.

این گزارش در کنار تورم فزاینده، به رکود عمیق در بازارهای مختلف اشاره کرده و نوشته محمدرضا تبریزی یک فروشنده پوشاک در تهران گفته از صبح فقط سه مشتری به مغازه او مراجعه کرده و البته هیچ چیزی نخریده‌اند!

این فروشنده گفته مردم ترجیح می‌دهند کالاهای مورد نیاز خود را از دستفروشان با قیمت‌هایی پایین‌تر خریداری کنند.

دلار آمریکا در صبح دوشنبه چهارم تیرماه به ۶۱ هزار تومان رسید.

هیچیک از شش نامزد «انتخابات نمایشی» جمهوری اسلامی نتوانسته‌اند برنامه مشخص اقتصادی ارائه دهند و در نهایت به لزوم کاهش تورم و فقرزدایی بر اساس برنامه هفتم توسعه اشاره کرده‌اند. این در حالیست که کارشناسان زیادی معتقدند برنامه هفتم توسعه با کسری منابع روبرو است و ظرفیت لازم برای بهبود وضعیت معیشت و فقرزدایی را ندارد.

«مسکن» از جمله موارد مشترک در وعده‌های نامزدهای انتخاباتی بوده اما در اینباره هم وعده‌های پوپولیستی و شعار داده شده است. برای نمونه علیرضا زاکانی شهردار کنونی تهران مدعی شده که امروز اگر تدبیر دولت به دادن مشوق برای ترمیم بافت‌های ناپایدار و فرسوده صورت بگیرد، «مردم خودشان با این نقدینگی سرگردان می‌توانند خانه‌ها را بسازند و بجای چهار میلیون وعده دولت، مردم ۱۰ میلیون واحد خانه می‌سازند.»

سردار پاسدار محمدباقر قالیباف هم گفته «چشم‌انداز ما این است که یک کارمند ایرانی اگر همه درآمدش را برای مسکن قرار دهد بتواند بعد از ۷ سال صاحب خانه شود در صورتی که این شاخص در حال حاضر ۱۳ سال است.»

در این میان برخی نامزدها وعده‌های پوپولیستی بیشتری را هم داده‌اند. علیرضا زاکانی وعده اختصاص اعتبار طلا به خانوارها در صورت پیروزی را داده است: «به هر خانواده سه نفره معادل اعتبار ۲۰ گرم طلا در سال یارانه داده می‌شود. یک خانوار پنج نفره ۱۱۰ میلیون در سال یارانه دارد و اعتباری به میزان طلا به آن‌ها داده می‌شود که مصون از تورم است. در این زمینه اسباب صرفه جویی فراهم می‌شود.»

«آسوشیتدپرس» با اشاره به دستفروشان زیادی که در متروها هر کالایی که دم دستشان می‌آید برای فروش عرضه می‌کنند نوشته چنین فضای ناامیدانه‌ای در اقتصاد ایران علاقه عموم را به ارزهای دیجیتال و بازی‌های موبایلی که سکه عرضه می‌کنند افزایش داده است.

در بازی «همستر کامبت» کاربران بطور مکرر روی یک تصویر کلیک می‌کنند تا امتیاز کسب کنند و این شایعه مطرح است که با افزایش امتیاز ارز دیجیتال دریافت می‌شود. هرچند برخی از توسعه‌دهندگان «همستر کامبت» به «آسوشیتدپرس» گفته‌اند هیچ ارز دیجیتالی در این بازی عرضه نخواهد شد اما بر اساس این گزارش آنچه مردم را در ایران به سوی این بازی کشانده «نامیدی» از چشم‌انداز اقتصادی کشور است.

وبسایت «اقتصاد ۲۴» هم در گزارشی نوشته ناامیدکننده‌ترین بخش مناظرات انتخاباتی در دوره چهاردهم ریاست جمهوری، ندیدن برنامه‌های مدون برای بهبود و رفع مشکلات اقتصادی است.

این گزارش افزوده «زمانی که یک نامزد انتخاباتی برنامه خود را برای مدیریت کشور ارائه ندهد، توقع دارد مردم بر چه اساس به او رای دهند؟ این نامزد در صورت سکنداری دولت، چه عملکرد اجرایی خواهد داشت و آیا می‌توان به آینده‌ای روشن امیدوار بود؟»

یکی از نشانه‌های ناامیدی مردم به بهبود وضعیت اقتصادی پس از انتخابات را می‌توان در افزایش قیمت سکه و طلا در روزهای گذشته ارزیابی کرد که نشانه‌ای از «انتظارات تورمی» در این دو بازار است.

قیمت هر گرم طلای ۱۸ عیار روز دوشنبه چهارم تیرماه به سه میلیون و ۴۶۱ هزار تومان رسید و قیمت هر قطعه سکه اطلای نیز به ۴۱ میلیون و ۹۴۲ هزار تومان افزایش یافته است. قیمت‌ها در بازار ارز هم افزایش یافته بطوری که هر



جمهوری اسلامی تحریم شبکه پولشویی وابسته به نیروهای مسلح خود را «ظالمانه» خواند



مراسم صبحگاه «سپاه تهران بزرگ»

تحریم‌های جدید علیه شبکه پولشویی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی گفت، «از زمان روی کار آمدن پرزیدنت بایدن، صدها نهاد و شخص درگیر در فعالیت‌های غیرقانونی نفت و پتروشیمی ایران را تحریم کرده‌ایم و به تعقیب کسانی که به دنبال تأمین مالی فعالیت‌های تروریستی بی‌ثبات‌کننده [رژیم] ایران هستند، ادامه خواهیم داد.» وی همچنین تأکید کرد که «ما به همکاری با متحدان و شرکا و همچنین صنعت مالی جهانی برای افزایش هوشیاری در مقابل نقل و انتقال پول‌هایی که صرف حمایت از تروریسم می‌شود، ادامه می‌دهیم.»

اخیراً وزارت خزانه‌داری آمریکا، مالزی را متهم کرد که در فروش پنهان نفت ایران به جمهوری خلق چین همکاری دارد. در همین مورد برایان نلسون معاون وزیر خزانه‌داری آمریکا به مالزی و سنگاپور سفر کرد تا شاید بتواند مسیرهای دور زدن تحریم‌ها توسط جمهوری اسلامی در آسیای جنوب شرقی را مسدود کند.

وزارت خزانه‌داری دولت بایدن در چند مورد شبکه‌های پولشویی وابسته به جمهوری اسلامی را تحریم کرده است اما همچنان بسیاری از تحلیلگران و مقامات سیاسی در داخل آمریکا به ویژه در حزب جمهوریخواه و همچنین ایرانیان دموکراسی‌خواه و مخالف حکومت معتقدند بایدن با جمهوری اسلامی مداخلات می‌کند.

اعمال «تحریم‌های سبک» علیه حکومت ایران

در همین ارتباط روزنامه «وال استریت ژورنال» ششم تیرماه، به نقل از کارشناسان نوشت تحریم‌های اخیر آمریکا علیه جمهوری اسلامی از جمله تحریم یک شبکه بزرگ پولشویی و «بانکداری در سایه» مرتبط با نیروهای مسلح حکومت ایران، تنها بخشی کوچک از صادرات نفت جمهوری اسلامی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و احتمال نمی‌رود که باعث اختلال در بازار جهانی نفت شود.

در این گزارش به نقل از «دیپلمات‌های آگاه» آمده، «دولت بایدن به دنبال تشویق عرضه نفت در بازار جهانی است تا پیش از انتخابات آمریکا قیمت سوخت را پایین نگه دارد و این سیاست باعث شده تحریم‌های نفتی سبک‌تری در ارتباط با ایران، روسیه و ونزوئلا اعمال کند.»

● نمایندگی جمهوری اسلامی در سازمان ملل ششم تیرماه در واکنش به تحریم‌های آمریکا علیه یک شبکه بزرگ پولشویی وابسته به نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، آن را «بخشی از جنگ ظالمانه اقتصادی آمریکا علیه مردم ایران» دانست و گفت: «آنها حمله می‌کنند و ما هم متناسب با آن دفاع می‌کنیم.»

● وزارت خزانه‌داری آمریکا ۲۶ ژوئن (ششم تیرماه) حدود ۵۰ فرد و شرکت پوششی در امارات و هنگ‌کنگ و چندین صرافی را به دلیل همکاری با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و وزارت دفاع جمهوری اسلامی تحریم کرد. تعدادی از این صرافی‌ها مستقیم با بانک سپه و بانک «حکمت ایرانیان» که وابسته به نیروهای مسلح هستند همکاری داشته‌اند.

● وزارت خزانه‌داری دولت بایدن در چند مورد شبکه‌های پولشویی وابسته به جمهوری اسلامی را تحریم کرده است اما همچنان بسیاری از تحلیلگران و مقامات سیاسی در داخل آمریکا به ویژه در حزب جمهوریخواه و همچنین ایرانیان دموکراسی‌خواه مخالف حکومت معتقدند بایدن با جمهوری اسلامی مداخلات می‌کند.

نمایندگی جمهوری اسلامی در سازمان ملل در واکنش به تحریم‌های آمریکا علیه یک شبکه بزرگ پولشویی وابسته به نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، آن را «بخشی از جنگ ظالمانه اقتصادی آمریکا علیه مردم ایران» دانست و گفت: «آنها حمله می‌کنند و ما هم متناسب با آن دفاع می‌کنیم.» سعید ایروانی تأکید کرد، «آنچه سرنوشت این جنگ اقتصادی را رقم می‌زند، قدرت اراده است، نه قدرت اعمال تحریم.»

وزارت خزانه‌داری آمریکا، ۲۶ ژوئن (ششم تیرماه)، حدود ۵۰ فرد و شرکت پوششی در امارات و هنگ‌کنگ و چندین صرافی را به دلیل همکاری با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و وزارت دفاع جمهوری اسلامی تحریم کرد. تعدادی از این صرافی‌ها مستقیم با بانک سپه و بانک «حکمت ایرانیان» که وابسته به نیروهای مسلح هستند همکاری داشته‌اند.

این صرافی‌ها میلیاردها دلار پول برای نهادها نظامی جمهوری اسلامی جابجا کردند که شامل پول فروش نفت و مبعانات پتروشیمی نیز می‌شود. این پول صرف تأمین مالی گروه‌های تروریستی منطقه از جمله حوثی‌ها و تولید انواع موشک و پهپاد شده که بخشی از آنها را روسیه در جنگ علیه اوکراین به کار می‌گیرد.

تحریم «بانکداری در سایه» یا درواقع شبکه پنهان بانکداری وابسته به نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ساعتی پس از آن اعمال شد که در شورای امنیت سازمان ملل نمایندگان سه قدرت اروپایی در در مورد «فعال شدن مکانیسم ماشه» به جمهوری اسلامی هشدار دادند.

نشست دوره‌ای شورای امنیت سازمان ملل متحد برای بررسی روند اجرای قطعنامه ۲۲۳۱ مرتبط با فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی بر اساس برجام روز دوشنبه ۲۵ ژوئن (چهارم تیرماه) برگزار شد اما علاوه بر فعالیت‌های خطرناک اتمی جمهوری اسلامی، درباره «دامن زدن به درگیری و بی‌ثباتی در خاورمیانه» و پشتیبانی نظامی و مالی تهران از نیروهای نیابتی در یمن و لبنان نیز گفتگو و تبادل نظر شد. والی آدیمو معاون وزیر خزانه‌داری آمریکا درباره

مرتضی عزتی کارشناس اقتصادی با اشاره به این وعده زاکانی گفته «یکی از نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری وعده داده که به هر خانوار اعتبار طلا اختصاص خواهد داد و نه خود طلا. کارکرد اعتبار به این صورت است که افراد هر زمان که خواستند می‌توانند اعتبارات خود را در بازار بنا بر نرخ روز تبدیل به پول کنند. به عنوان مثال اگر فرد امروز بخواهد اعتبار خود را بفروشد، به قیمت طلای امروز پول خواهد گرفت و اگر سال بعد قصد آن را داشته باشد، به نرخ طلای سال بعد دریافتی خواهد داشت؛ بنابراین بحث تولید و تأمین طلای فیزیکی مطرح نیست و نیازی به افزایش تولید طلا در کشور و یا حتی واردات آن نداریم.»

این کارشناس اقتصادی افزوده «متأسفانه به نظر می‌رسد برخی از نامزدهای انتخاباتی، به دنبال جمع کردن رای نیستند و وعده‌ها نشان‌دهنده برنامه عملیاتی آنها نیست.» مرتضی عزتی تأکید کرده که «صحبت‌های عنوان شده فاقد ارزش و اعتبار علمی است و پشتوانه اجرایی هم ندارد. حتی برای برخی از وعده‌های عنوان شده ساختار و درآمد دولت چنین توانایی را ندارد؛ بنابراین نمی‌توان به برخی صحبت‌ها، توجه چندانی کرد.»

آیزاک سعیدیان دیگر اقتصاددانی است که به ادعای زاکانی واکنش نشان داده و گفته «اگر تعداد خانوارهای ایران را بطور متوسط ۲۶ میلیون خانوار حساب کنیم؛ طبق محاسبه شما باید سالانه ۵۲۰ تن طلا یارانه بدهید.»

مرتضی افقه اقتصاددان و استاد دانشگاه نیز معتقد است این وعده‌ها «رویالگونه و ساده‌پندارانه سابقا هم مطرح می‌شد ولی به دلیل عدم برخورد با عوام فریبی‌ها کماکان نقل‌گفتمان‌های سطح کلان‌کشوری است.»

لطفعلی بخشی اقتصاددان نیز در واکنش به وعده‌های پوپولیستی پرداخت یارانه نامزدهای انتخاباتی به روزنامه «شرق» گفته «این وعده‌ها ممکن است برخی از مردم را خوشحال کند و بسیاری امیدوار هستند که این وعده‌ها باعث بهبود زندگی‌شان شود. نکته مهم این است که هیچ‌یک از کاندیداهایی که وعده یارانه داده‌اند، منبع تأمین آن را مشخص نکرده‌اند؛ یعنی نگفته‌اند که این پول را از کجا خواهند آورد. حتی به صورت غیرمستقیم هم به این موضوع اشاره‌ای نشده است.»

روزنامه «جمهوری اسلامی» نیز در سرمقاله امروز خود نوشت که امروز کشور به گشایش‌های بزرگ در اقتصاد نیاز دارد و چنین گشایشی بدون ایجاد تغییر در سیاست خارجی امکان‌پذیر نخواهد بود. در این مقاله آمده است، «سیاست خارجی کشور باید به سوی یک گشایش بزرگ در سطح بین‌المللی چرخش پیدا کند. ما باید در روابط بین‌الملل به شرق و غرب نگاه یکسان داشته باشیم و به سیاست موازنه روی بیاوریم. این، همان سیاست «نه شرقی، نه غربی» است که وابستگی به شرق و غرب را نفی می‌کند ولی رابطه با آنها را در چارچوب حفاظت از استقلال کشور بلامانع می‌داند. تا زمانی که به این سیاست روی نیاوریم، هیچ‌یک از نامزدهای ریاست جمهوری در صورت تکیه زدن بر کرسی نفر اول اجرائی کشور امکان موفقیت نخواهد داشت. تردید نکنیم که راه تقویت نظام از ایجاد تغییر اساسی در روابط بین‌الملل می‌گذرد.»

البته این تئوری‌پردازی روزنامه جمهوری اسلامی هم در صورتی ممکن است واقعی باشد که رئیس دولت در جمهوری اسلامی اختیاراتی داشته باشد در حالی که چنین نیست و رئیس‌جمهور فردی تدارکاتچی و بی‌اختیار و فقط مجری قوانین نظام و اوامر تصمیم‌گیرندگان و در رأس آنها ولی فقیه است.

اعتصاب سراسری هزاران کارگران پیمانی صنعت نفت همزمان با «سیرک انتخابات»



● این اعتصاب از روز چهارشنبه ۳۰ خردادماه در چند کارگاه صنعت نفت و گاز آغاز اما به سرعت در حال گسترش است و هزاران کارگر به آن پیوسته‌اند.

● افزایش دستمزد، حذف پیمانکاران و اجرای طرح ۱۴ روز کار ۱۴ روز استراحت از اصلی‌ترین علت اعتصاب این کارگران است.

● اعتصاب گسترده در صنعت نفت، گاز و پتروشیمی در حالی آغاز شده که همزمان جمهوری اسلامی همه تلاش خود را برای گرم کردن تنور نمایش انتخابات و کشاندن مردم به پای صندوق رأی به کار گرفته است.

همزمان با تلاش ناموفق جمهوری اسلامی برای گرم کردن تنور انتخابات، دور جدیدی از اعتصاب کارگران پیمانی صنایع نفت، گاز و پتروشیمی در ایران آغاز شده است. محورهای اصلی خواست اعتصاب‌کنندگان شامل افزایش دستمزد، حذف پیمانکاران و اجرای طرح «۱۴ روز کار ۱۴ روز استراحت» است. فعالان کارگری از دور جدید اعتصاب کارگران پیمانی صنایع نفت، گاز و پتروشیمی در ایران خبر می‌دهند. این اعتصاب از روز چهارشنبه ۳۰ خردادماه در چند کارگاه صنعت نفت و گاز آغاز اما به سرعت در حال گسترش است و هزاران کارگر به آن پیوسته‌اند. افزایش دستمزد، حذف پیمانکاران و اجرای طرح ۱۴ روز کار ۱۴ روز استراحت از اصلی‌ترین علت اعتصاب این کارگران است.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت گزارش داده تا آخر وقت روز پنجشنبه ۳۱ خرداد بیش از سه هزار کارگر شاغل در بیش از ۳۰ شرکت پیمانکاری شرکت دست به اعتصاب زده‌اند و در شرکت‌های دیگر همکاران خود را برای پیوستن به این کارزار آماده می‌کنند.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت نوشته «ما کارگران پروژه‌ای پیمانی نفت خواست برچیده شدن بساط پیمانکاران و خواستار مزد برابر در برابر کار برابر هستیم و این مطالبه سراسری در صنعت نفت است.»

در ادامه متن منتشر شده از سوی این تشکل صنفی آمده «جا دارد از همه دوستان مختلف که در شکلگیری و قدرت بخشیدن به کارزار ما برای بهبود شرایط کار و معیشتی یاری می‌رسانند سپاسگزاری کنیم. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پروژه‌ای پیمانی نفت بیشترین تلاش خود را برای اتحاد سراسری کارگران پیرامون مطالبات اعلام شده‌مان به کار می‌برد. شورای سازماندهی از همه همکاران پروژه‌ای پیمانی نفت درخواست می‌کند که با تمام قدرت به این اعتصابات بپیوندند. قدرت ما در اتحاد ماست.»

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت همچنین اسم شرکت‌های پیمانکاری که کارگران آنها به اعتصاب پیوسته‌اند را نیز اعلام کرده است:

- ۱- شرکت اطمینان سازه از پروژه چشمه خوش دشت عباس پیمانکاری داودی
- ۲- داربست بندهای شرکت ثمین پیمانکاری رضا راکی و پیمانکاری زمان پور
- ۳- پایپینگ کاران پتروشیمی پارس عسلویه شرکت پناه صنعت پیمانکاری فرشیدباقرپور
- ۴- پالایشگاه اصفهان شرکت جهانپارس
- ۵- شرکت «ان جی ال» دشت عباس
- ۶- پایپینگ کاران شرکت جهانپارس سایت ۱ بوشهر
- ۷- کارگران پروژه ای ده شیر ریزد
- ۸- کارگران برق و ابزار دقیق شرکت آکسیر فاز ۱ پتروپالایش‌کنگان

۹- صنایع شیمیایی اصفهان

۱۰- پتروشیمی چابهار شرکت رامپکو پیمانکاری تیمور پایمردی و سعیدی نژاد

۱۱- کارگران پروژه ای اندیشمک

۱۲- جوشکار، فیتز، داربست بند، مونتاژ کار شرکت طرح بازرسی جفیر پیمانکاری کیانی

۱۳- کارگران «ای جی سی» دشت عباس

۱۴- فیکرکاران پتروشیمی سلمان فارسی ماهشهر پیمانکاری مرادی

۱۵- جوشکاران فاز ۱۴ عسلویه

۱۶- جوشکاران شرکت کوهساران بهبهان خط ۴۲ اینچ مارون دو

۱۷- پالایشگاه تهران پیمانکاری رحمت شمس

۱۸- کارگران شرکت فولاد کوشان

۱۹- کارگران نیروگاه رودشور

۲۰- داربست بندان پالایشگاه تهران پیمانکاری دادجو

۲۱- داربست بندان پالایشگاه ادیش شرکت ستاره تاراز

۲۲- شرکت نفت سپاهان اصفهان پیمانکاری فرزین مرادی

۲۳- شرکت رگی نفت سپاهان اصفهان

۲۴- کارگران پیمانکاری پیروزی نفت آفتاب

۲۵- رژی صنعت بندرجاسک پیمانکاری گلزاری

۲۶- جوشکاران پتروشیمی اسلام آباد غرب شرکت استیم

۲۷- جوشکاران و مونتاژکاران شرکت صدرای بندر جاسک

۲۸- جوشکاران، فیتز، داربست بندان آکسیر صنعت سایت مهستان

۲۹- جوشکار، فیتز، داربست بندان پتروشیمی آلایم

۳۰- جوشکاران برق شرکت ابتکار نصب زاگرس

اعتصاب گسترده در صنعت نفت، گاز و پتروشیمی در حالی آغاز شده که همزمان جمهوری اسلامی همه تلاش خود را برای گرم کردن تنور نمایش انتخابات و کشاندن مردم به پای صندوق رأی به کار گرفته است. تا کنون نه تنها انتخابات چهاردهمین دوره ریاست جمهوری نتوانسته افکار عمومی را تحت تأثیر قرار دهند بلکه اعتراضات صنفی نیز در روزهای منتهی به انتخابات افزایش یافته است.

روز چهارشنبه ۳۰ خردادماه، گروهی از بازنشستگان با برگزاری تجمع اعتراضی مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی وزارت بهداشت در تهران خواستار رسیدگی به مطالباتشان شدند.

یک روز پیشتر، سه‌شنبه ۲۹ خردادماه، نیز گروهی از کارکنان گروه صنعتی آرنا در نهمین، در اعتراض به عدم دریافت مطالبات خود و عدم تحقق وعده‌ها، دست به تجمع زدند.

کارگران این مجموعه ابتدا در مقابل ساختمان اداری این مجموعه تجمع کرده‌اند و بدلیل عدم پاسخگویی مالک کارخانه پس از برگزاری راهپیمایی اعتراضی حذفاصل کارخانه تا ساختمان فرمانداری، در مقابل فرمانداری تجمع کرده و خواستار پاسخگویی مسئولین در قبال عدم پرداخت حقوقشان شدند. همزمان شماری از شهروندان جویای کار در مقابل مجتمع کشت و صنعت هفت تپه دست به تجمع زدند. تجمع کنندگان با حمل پلاکاردهایی، خطاب به مدیر عمل نیشکر هفت تپه، خواهان اشتغال در آن کارخانه شده و تأکید کردند: «در حالیکه جوانان بومی هفت تپه بیکار هستند، نباید از غیروومی‌ها در شرکت هفت تپه استفاده شود.»

روز سه‌شنبه همچنین ده‌ها تن از بازنشستگان بانک ملت در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان، در مقابل ساختمان مرکزی این بانک در تهران دست به تجمع زدند. بر اساس گزارش‌های منتشرشده این تجمع با دخالت نیروهای انتظامی به خشونت کشیده شد و چند تن از این بازنشستگان بازداشت شدند. شورای بازنشستگان ایران نیز از تجمع بازنشستگان کشوری، مخابرات و تأمین اجتماعی در مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی کشوری در کرمانشاه و در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان خبر داده است. بر اساس این گزارش، تجمع این شهروندان در اعتراض به عدم همسان‌سازی دستمزد و وضعیت نامناسب معیشتی آنها صورت گرفته است. روز سه‌شنبه جمعی از کارگران اخراج شده از گروه ملی فولاد ایران هم در مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند. این کارگران در پایان اسفندماه سال گذشته به دلیل مطالبه طرح طبقه بندی مشاغل اخراج شدند و به عدم بازگشت به کار برخلاف وعده‌ها اعتراض دارند. کارگران اخراجی گروه ملی فولاد ایران در اهواز، اردیبهشت ماه نیز در تهران چندین بار اجتماع داشتند و وعده بازگشت به کار را دریافت کردند و امیدوار بودند پس از تغییر مدیرعامل مجموعه، به کار بازگردند.

افزایش تورم نقطه به نقطه در خردادماه؛ شکست سیاست‌های تورمی دولت

تا رفاہ آنها تأمین شود، اما در حال حاضر ایرانی‌ها به ویژه در کلانشهرها مجبورند در برخی موارد تمام دستمزد خود را خرج تأمین سقفی برای زیستن کنند و در نهایت برای امرار معاش، به کار دوم یا سوم مشغول شوند.

آمارهای منتشر شده از سوی بانک مرکزی بیانگر آن است که متوسط قیمت مسکن در تهران، طی فروردین ۱۳۹۶ متری چهار میلیون و ۳۷۰ هزار تومان بوده است. در همان سال، پایه حقوق ماهانه ۹۳۰ هزار تومان اعلام شده بود. به بیان دیگر نسبت پایه حقوق نسبت به متوسط قیمت هر متر مسکن، معادل ۴/۶ برابر بوده است. این نسبت در فروردین سال ۱۳۹۷ افزایش نسبی داشته و به ۴/۹ درصد رسیده و پس از آن نیز همچنان مسیری صعودی را در پیش داشته، تا آنجا که نسبت متوسط قیمت مسکن به پایه حقوق در فروردین ۱۴۰۰ به ۱۱/۴ رسیده است.

«مسکن» اگر چه از محورهای وعده‌های اقتصادی نامزدهای انتخاباتی در روزهای گذشته بوده اما وعده‌های ارائه شده تکرار وعده‌های شکست خورده دولت‌های قبل بوده و البته بحران نیمی از جمعیت کشور که مستأجر هستند در رابطه با اجاره‌بهای مسکن نیز در این وعده‌ها جایی نداشته است. امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی گفته «وعده چهار میلیون مسکن شهید رئیسی را به نتیجه خواهیم رساند!» وی تحقق این وعده را در پیش رفتن با «قدرت، زنجیره و استمرار بیشتر» دانسته است!

علیرضا زاکانی اما در وعده‌های دروغین روی دست او بلند شده و رقم ساخت مسکن را دو و نیم برابر افزایش داده و ادعا کرده که «امروز اگر تدبیر دولت به دادن مشوق برای ترمیم بافت‌های ناپایدار و فرسوده صورت بگیرد، مردم خودشان با این نقدینگی سرگردان می‌توانند خانه‌ها را بسازند و بجای چهار میلیون وعده دولت، مردم ۱۰ میلیون واحد خانه می‌سازند.»

سردار پاسدار محمدباقر قالیباف هم گفته «چشم‌انداز ما این است که یک کارمند ایرانی اگر همه درآمدش را برای مسکن قرار دهد بتواند بعد از ۷ سال صاحب خانه شود در صورتی که این شاخص در حال حاضر ۱۳ سال است.»

سعید جلیلی هم گفته «با برنامه‌ریزی که در برنامه هفتم توسعه صورت گرفته ما به هیچ عنوان نباید با کمبود زمین مواجه باشیم چرا که ۰/۲ از مساحت کل کشور برای ساخت و ساز در نظر گرفته شده که فرصت خوبی به نظر می‌رسد.» اینهمه در حالیست که «مسکن مهر»، «مسکن اجتماعی» و «مسکن ملی» عناوین سه طرح دولتی هستند که طی دو دهه گذشته در دولت‌های محمود احمدی‌نژاد، حسن روحانی و ابراهیم رئیسی برای حل معضل مسکن به اجرا درآمده و همگی شکست خورده‌اند.

وعده‌های نامزدهای جانشینی «قاضی مرگ» در حوزه مسکن در حالی بر صاحب خانه شدن مردم متمرکز است که بیش از ۴۰ میلیون نفر از جمعیت کشور مستأجرند و به نظر می‌رسد نخستین گام یک اقدام کارآمد در زمینه مسکن، حمایت از مستأجرانی است که در پی افزایش قیمت‌ها، بسیاری از آنها بی‌خانمان، پشت‌بام خواب و پارک‌خواب و حاشیه‌نشین شده‌اند.

مرتضی افقه معتقد است این وعده‌های «روپاگونه و ساده‌پندارانه سابقا هم مطرح می‌شد ولی به دلیل عدم برخورد با عوام فریبی‌ها کماکان نقل‌گفتمان‌های سطح کلان کشوری است.»



بانک مرکزی، یعنی سطح زیر ۳۰ درصد، می‌رسد.

آمارهای تورمی سه ماه نخست سال نشان می‌دهد تا به اینجای کار، میانگین تورم ماهانه برابر با ۲/۷ درصد بوده است. در صورت تداوم این روند تا پایان سال می‌توان پیش‌بینی کرد که تورم نقطه به نقطه در پایان سال ۱۴۰۳ تا حدود ۳۸ درصد افزایش خواهد یافت.

محاسبات «دنیای اقتصاد» نشان می‌دهد تنها در صورتی که تورم نقطه‌به‌نقطه در ۹ ماه پایانی سال، به صورت میانگین از ۲ درصد فراتر نرود، می‌توان به محقق شدن هدف تورمی بانک مرکزی و سقوط تورم به سطح زیر ۳۰ درصد امیدوار بود. در غیر این صورت، بانک مرکزی و دولت چهاردهم کار دشواری را برای تحقق هدف تورمی امسال خواهند داشت.

بر اساس جزئیات ارائه شده در گزارش مرکز آمار، تورم ماهانه مسکن در خردادماه ۲/۳ درصد بوده و همچنین تورم نقطه به نقطه این کالای اساسی ۴۲/۵ درصد اعلام شده است. منظور از تورم نقطه به نقطه، درصد تغییر عدد شاخص قیمت نسبت به ماه مشابه سال قبل است. نرخ تورم سالانه مسکن نیز برابر با ۴۰/۷ درصد بوده است.

تورم بازار اجاره در سه مقطع ماهانه، نقطه به نقطه و سالانه رقمی نزدیک به تورم مسکن داشته است. تورم ماهانه این بازار ۲/۲ درصد بوده و تورم نقطه به نقطه آن نیز همسو با تورم مسکن، معادل ۴۲/۵ درصد ثبت شده است. بازار اجاره در مقطع سالانه برابر با ۴۰/۶ درصد بوده است.

پژارشا حاکمی از آنست که قیمت مسکن در دو دهه گذشته و از دهه ۸۰ خورشیدی تا کنون بیش از دو هزار درصد افزایش داشته است. این رقم خیلی بیشتر از میزان افزایش دستمزدها در این مدت بوده است. همین روند سبب شده نه تنها برای شش دهک پایین درآمدی خرید مسکن به رویایی دستنیافتنی در طول عمرشان تبدیل شود بلکه حتی به گفته مقامات حکومتی چهار دهک پایین درآمدی حتی برای تأمین هزینه اجاره‌بهای مسکن نیز با چالش‌هایی جدی روبرو هستند

بر اساس استانداردهای جهانی، خانوارها باید یک سوم از درآمد خود را به هزینه‌های مربوط به مسکن اختصاص دهند

● تورم ماهانه کالاهای خوراکی در اردیبهشت ماه سال جاری معادل ۱/۸ درصد بوده که با افزایش به ۴/۲ درصد در خردادماه رسیده است.

● تورم نقطه به نقطه ۳۱/۹ درصد بوده است؛ یعنی خانوارهای کشور بطور میانگین، ۳۱/۹ درصد بیشتر از خردادماه ۱۴۰۲ برای خرید یک «مجموعه کالاهای و خدمات یکسان» هزینه کرده‌اند.

● «دنیای اقتصاد» نوشته در صورت تداوم این روند تا پایان سال می‌توان پیش‌بینی کرد که تورم نقطه به نقطه در پایان سال ۱۴۰۳ تا حدود ۳۸ درصد افزایش خواهد یافت.

مرکز آمار گزارش نرخ تورم در خردادماه امسال را منتشر کرده است. بر اساس این گزارش نرخ تورم نقطه به نقطه روند صعودی دو ماه گذشته‌ی خود را ادامه داده است.

گزارش مرکز آمار ایران از تورم خرداد ۱۴۰۳ نشان می‌دهد که سطح تورم ماهانه نسبت به اردیبهشت ماه تغییری نکرده و نزدیک به ۳ درصد باقی مانده است. این در حالیست که تورم نقطه به نقطه افزایش یافته است. تورم سالانه نیز نسبت به اردیبهشت با کاهش جزئی روبرو شده و به حدود ۳۶/۵ درصد رسیده است.

بر اساس این آمار تورم ماهانه و نقطه‌ای کالاهای خوراکی نسبت به اردیبهشت ماه افزایشی بوده است. تورم ماهانه کالاهای خوراکی در اردیبهشت ماه سال جاری معادل ۱/۸ درصد بوده که با افزایش به ۴/۲ درصد در خردادماه رسیده است. بررسی روند تورم ماهانه نشان می‌دهد تورم ماهانه خرداد از ابتدای سال ۱۴۰۲ تا کنون بیشترین سطح را به خود اختصاص داده است.

مرکز آمار ایران نوشته در خردادماه ۱۴۰۳ تورم نقطه به نقطه خانوارهای کشور، ۳۱/۹ درصد بوده است؛ یعنی خانوارهای کشور بطور میانگین، ۳۱/۹ درصد بیشتر از خرداد ماه ۱۴۰۲ برای خرید یک «مجموعه کالاهای و خدمات یکسان» هزینه کرده‌اند. تورم نقطه به نقطه خردادماه ۱۴۰۳ در مقایسه با ماه قبل، ۰/۹ واحد درصد افزایش داشته است.

همچنین در این ماه، تورم ماهانه خانوارهای کشور برابر ۲/۸ درصد بوده است. تورم ماهانه برای گروه‌های عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات»، ۴/۲ درصد و برای گروه عمده «کالاهای غیرخوراکی و خدمات»، ۲/۱ درصد بوده است. مرکز آمار ایران همچنین از کاهش تورم سالانه خبر داده و نوشته در خرداد ماه ۱۴۰۳ نرخ تورم سالانه برای خانوارهای کشور به ۳۶/۱ درصد رسیده که نسبت به همین اطلاع در ماه قبل، ۰/۹ واحد درصد کاهش یافته است.

روزنامه «دنیای اقتصاد» در گزارشی با اشاره به نرخ تورم ماهانه در سه ماهه‌ی نخست امسال که هر ماه بیش از ۲/۶ درصد بوده نوشته با ادامه این روند وعده‌های کاهش تورم محقق نخواهد شد.

در این گزارش آمده که در صورت تداوم روند کنونی در تورم ماهانه، تورم نقطه به نقطه تا پایان سال، به نرخ هدف یعنی زیر ۳۰ درصد نخواهد رسید.

«دنیای اقتصاد» افزوده ریسک‌های سیاسی مهم‌ترین عامل افزایش تورم در این ماه بوده است. حال دولت جدید که در ماه‌های آینده بر مصدر قدرت می‌نشیند با ریسک‌های متعددی برای کنترل تورم روبرو خواهد بود.

«دنیای اقتصاد» پیش از این نشان داده بود که در صورتی که تورم ماهانه در سال ۱۴۰۳ بطور میانگین برابر با ۲/۲ درصد یا کمتر باشد، تورم نقطه‌به‌نقطه در پایان سال به رقم هدف

سهم ۱۶ درصدی زنان از بازار کار ایران؛ تبعیض جنسیتی تا پرداخت حقوق بازنشستگی ادامه دارد

کتاب در پمپ بنزین گرفته تا دستفروشی در کنار خیابان و مترو.

پرویز براتی، جامعه‌شناس، درباره افزایش شمار زنان دستفروش به «تجارت نیوز» گفت: «قطعاً یکی از مهم‌ترین عوامل روی آوردن زنان به دستفروشی مشکلات معیشتی و اقتصادی است. این مسئله حتی بعد از همه‌گیری کرونا بسیار بیشتر شد و در مطالعات آماری که از سوی دانشجویان جامعه‌شناسی انجام گرفت مشخص شد میزان زنان دستفروش بعد از همه‌گیری کرونا به دلیل مشکلات معیشتی تقریباً بیش از دو برابر افزایش پیدا کرده است.» این جامعه‌شناس افزود که «دستفروشی جزو مشاغل کاذب به شمار می‌رود اما وقتی جامعه‌ای با این شدت از تورم و فقر دست به گریبان است نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم مردم معیشت خود را به خاطر قوانین تعطیل کنند. هرچه باشد به قول بسیاری از دستفروش‌ها این کار بهتر از بالا رفتن از دیوار مردم است.»

پرویز براتی معتقد است که «روی آوردن به دستفروشی دلایل بسیاری دارد اما زنان میانسالی که تنها خانه‌داری و فرزندداری را به‌خوبی یاد گرفته‌اند و فرصت آموزش و تحصیل نداشته‌اند حالا که مجبورند به معیشت خانواده کمک کنند، کار دیگری جز دستفروشی پیدا نمی‌کنند.»

او همچنین سیاست‌های جمهوری اسلامی برای افزایش جمعیت و فرزندآوری را مورد اشاره قرار داد و گفت: «از طرفی قانون جوانی جمعیت تصویب می‌کنیم و از طرف دیگر می‌بینیم که به دلیل شرایط حاکم بر جامعه، هر روز شمار زیادی از جوانان که پتانسیل فرزندآوری دارند از کشور مهاجرت می‌کنند. وقتی دختران جوان برای تامین مخارج دانشگاه خود مجبورند در مترو دستفروشی کنند، وقتی زنان برای کمک به معیشت خانواده مجبورند پابه‌پای همسر خود در خارج از خانه کار کنند، رسیدن به رویای جوانی جمعیت با تصویب قانون و صدور ابلاغیه رویایی دست‌نیافتنی به نظر می‌رسد.»

زنان همچنین در بسیاری از رشته‌های شغلی در دریافت دستمزد نیز دچار تبعیض جنسیتی هستند. بارها گزارش شده که کارفرمایان دستمزدی کمتر از مردان می‌دهند و یا مزایایی چون حق اولاد و حق مسکن را به دلیل اینکه زن را «سرپرست خانوار» نمی‌دانند، از دستمزدها آنها کسر می‌کنند.

فعالان کارگری همچنین گزارش می‌دهند کارگران زن بعد از بازنشستگی، مشمول برخی مزایای مزدی نمی‌شوند این در حالیست که در زمان اشتغال مانند مردان کارگر حق بیمه به صندوق تامین اجتماعی می‌پردازند.

در همین رابطه کانال تلگرامی «اتحاد بازنشستگان» به نقل از یک بازنشسته زن که در یک شرکت تولیدی زنجان کار می‌کرده نوشته «زمانی که ما خانم‌ها شاغل بودیم تفاوتی با آقایان در زمینه‌ی کسورات بیمه نداشتیم چرا الان ما زنان بازنشسته نباید مزایایی مثل عائله مندی و حق اولاد داشته باشیم؟ چرا این مزایای مزدی که حق مسلم ماست، از ما دریغ می‌شود؟»

او در ادامه نوشته «سوال این است که آیا از ما کمتر از مردان حق بیمه کسر می‌شود؟ مگر در پرداخت حق بیمه و مالیات با آقایان برابر نبودیم؟»



مشارکت زنان نسبت به مردان کاهش چشمگیری یافت و در سال ۱۳۷۵ به ۱۲/۱ درصد رسید.

در زمستان ۱۴۰۲ نیز مشارکت اقتصادی جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر و اشتغال جمعیت به‌صورت میانگین در مردان پنج برابر زنان بود. در این فصل مشارکت اقتصادی در مردان ۰/۶۸ و در زنان ۱۳/۸ و اشتغال جمعیت در زنان ۱۱/۶ و در مردان ۶۳/۱ اعلام شد.

این در حالیست که ایران در میان ۱۴۶ کشور جهان در زمینه «پیشرفت تحصیلی زنان» در رتبه ۱۱۲ قرار دارد. مقایسه آمار اشتغال زنان و جمعیت تحصیلکرده در ایران نشان می‌دهد جمهوری اسلامی هیچ برنامه مشخصی برای استفاده از زنان دانش‌آموخته و متخصص ندارد. علی‌خامنه‌ای‌ها بارها در سخنرانی‌های مختلف اعلام کرده که از دیدگاه اسلام وظیفه اصلی زنان خانه‌داری و البته فرزندآوری است. او این نگاه را در برنامه افزایش جمعیت نیز تزییق و به عنوان یک سیاست کلی از سوی نهادهای قانونگذار و اجرایی تزییق کرده است.

همین رویکرد سبب شده نرخ مشارکت اقتصادی زنان به شدت کاهش پیدا کرده و جمعیت زنان تحصیلکرده جویای کار نیز بیش از دو برابر از مردان تحصیلکرده جویای کار باشد. آمارها نشان می‌دهد حدود ۶۰ درصد زنان تحصیلکرده ایرانی بیکار هستند و بخش زیادی از آنها به دلیل ناامیدی در یافتن شغل مناسب، به جمعیت غیرفعال اقتصادی پیوسته و خانه‌نشین شده‌اند.

نابرابری جنسیتی در بازار کار سبب شده جمعیت زنانی که به مشاغل کاذب مانند زباله‌گردی و دستفروشی مشغول هستند افزایش یابد.

وبسایت «تجارت نیوز» هفته گذشته در گزارشی به افزایش دستفروشی از سوی زنان پرداخت و نوشت زمانی مردم فقط به دیدن مردان دستفروش با سن و سال بالا که سیگار و چسب و فندک می‌فروختند عادت داشتند اما حالا دختران جوان هم به جرگه دستفروش‌ان پیوسته‌اند. از فروش

● نرخ مشارکت زنان در سطح پایینی قرار دارد و از هر ۱۰۰ مرد و ۱۰۰ زن در سن کار، ۶۸ مرد و تنها ۱۴ زن در بازار کار فعالیت دارند.

● نابرابری جنسیتی در بازار کار سبب شده جمعیت زنانی که به مشاغل کاذب مانند زباله‌گردی و دستفروشی مشغول هستند افزایش یابد.

● کارگران زن بعد از بازنشستگی، مشمول برخی مزایای مزدی نمی‌شوند این در حالیست که در زمان اشتغال مانند مردان کارگر حق بیمه به صندوق تامین اجتماعی می‌پردازند.

در برابر ۲۲ میلیون و ۴۱ هزار مرد شاغل در بازار کار ایران در سال گذشته، تنها ۴ میلیون و ۵۹۶ هزار نفر زن شاغل بودند. این ارقام بیانگر سهم ۱۶ درصدی زنان از بازار کار ایران است.

آمارهای مرکز آمار ایران نشان می‌دهد نرخ مشارکت مردان ۶۸/۴ درصد و نرخ مشارکت زنان تنها ۱۴/۲ درصد بوده است. با اینکه هر دو نرخ نسبت به سال ۱۴۰۱ افزایش یافته اما همچنان نرخ مشارکت زنان در سطح پایینی قرار دارد. معنای این اعداد این است که از هر ۱۰۰ مرد و ۱۰۰ زن در سن کار، ۶۸ مرد و تنها ۱۴ زن در بازار کار فعال هستند.

بر اساس تعاریف مرکز آمار ایران، جمعیت فعال به افرادی اطلاق می‌شود که در سن اشتغال (۱۵ سال و بالاتر) قرار داشته و به صورت بیکار یا شاغل در بازار کار حضور دارند. بنابراین، صرف شاغل‌بودن ملاک نیست و حتی افراد بیکار نیز در جمعیت فعال حساب می‌شوند. البته باید توجه داشت که «بیکار» از نظر مرکز آمار ویژگی‌هایی دارد. به بیان دقیق‌تر، بیکار به شخصی اطلاق می‌شود که شغل ندارد اما یا به دنبال کار می‌گردد و یا اگر کاری برای او پیدا شود تمایل به کار کردن دارد.

این در حالیست که بر اساس دسته‌بندی‌های مرکز آمار ایران حتی افرادی که اشتغال پاره‌وقت دارند و ممکن است یک ساعت در هفته کار کنند هم جزو جمعیت شاغل محاسبه می‌شوند. از سوی دیگر افرادی که بطور موقت کار خود را ترک کرده باشند یا سربازان یا کارآموزان را هم جزو جمعیت شاغل محاسبه می‌کنند!

با در نظر گرفتن شیوه دسته‌بندی مرکز آمار ایران، این مرکز گزارش داده در سال گذشته بطور کلی ۶۴ میلیون و ۵۵۱ هزار و ۸۵۲ نفر در سن اشتغال، یعنی ۱۵ سال یا بالاتر، قرار داشته‌اند. با این حال، تنها ۲۶ میلیون و ۶۳۸ هزار و ۳۰۱ نفر از آنها به صورت فعال در بازار کار مشارکت داشتند و باقی یا تمایلی به کار کردن نداشتند و یا نسبت به یافتن شغل ناامید بوده‌اند. بر این اساس، نرخ مشارکت در سال گذشته ۴۱/۳ درصد برآورد شده که برای زنان و مردان متفاوت است.

میانگین جهانی زنان در نیروی کار در سال ۲۰۲۲، ۳۹/۴۹ درصد بوده است. ایران در رتبه‌بندی شاخص نرخ مشارکت زنان در میان ۱۸۰ کشور در جایگاه ۱۷۴ قرار دارد. پایین‌تر از پاکستان، هند و عربستان، و در کنار کشورهایی چون عراق، جیبوتی، مصر، نیجر، الجزیره، کوزوو و سومالی!

در حالی که پیش از انقلاب ۵۷ نرخ مشارکت اقتصادی زنان روندی رو به رشد داشت اما در سال ۱۳۶۰ میزان

هشدار معاون وزیر صمت درباره تشدید محدودیت برق؛ اختلال در فعالیت صنایع فولاد و سیمان



● در نامه معاون وزیر صمت به مسئول این وزارتخانه با عبارت «آنی - حائز اهمیت» آمده که «مقرر شد برق موردنیاز صنایع فولاد از اول خرداد تا ۳۱ شهریور ۲۴۰۰ تا ۳۸۰۰ مگاوات ساعت باشد در حالی که صنایع فولادی به ۵۵۰۰ مگاوات ساعت برق در هر ماه نیاز دارند».

معاون وزیر صمت در نامه‌ای به وزیر صمت نسبت به تشدید محدودیت بر برق صنایع هشدار داده و پیش‌بینی کرده در تابستان امسال فشار بر صنایع فولاد و سیمان افزایش خواهد یافت.

رضا محتشمی‌پور معاون معدنی وزیر صمت در نامه‌ای خطاب به عباس علی‌آبادی وزیر صمت تأکید کرده «توان اسمی برق کشور به ۹۰ هزار مگاوات ساعت رسیده و در حالی که هنوز به ماه‌های گرم سال نزدیک نشده‌ایم پیک مصرف برق به ۷۰ هزار مگاوات رسیده است».

در این نامه که در ابتدای آن عبارت «آنی - حائز اهمیت» نوشته شده آمده که «مطابق با سال‌های گذشته این معاونت شروع به برنامه‌ریزی و همکاری با وزارت نیرو برای اعمال محدودیت برق صنایع کرده و مقرر شد برق موردنیاز صنایع فولاد از اول خرداد تا ۳۱ شهریور ۲۴۰۰ تا ۳۸۰۰ مگاوات ساعت باشد در حالی که صنایع فولادی به ۵۵۰۰ مگاوات ساعت برق در هر ماه نیاز دارند».

به گفته محتشمی‌پور، برق مورد نیاز صنعت سیمان نیز برای مدت زمان یادشده ۵۰۰ تا ۶۵۰ مگاوات ساعت در نظر گرفته شده در حالی که این صنعت به ۱۰۰۰ مگاوات ساعت برق در ماه نیاز دارند.

معاون وزیر صمت در ادامه این نامه نوشته «با وجود اینکه هنوز گرمای هوا به اوج نرسیده است، محدودیت‌ها بیش از انتظار است و پیش‌بینی این معاون این است که در سال ۱۴۰۳ اعمال محدودیت بر برق صنایع کشور بسیار تشدید خواهد شد، همچنین پیش‌بینی می‌شود در ماه‌های تیر و مرداد فعالیت صنایع زنجیره فولاد و سیمان با اختلال بسیار زیادی همراه شود و عملاً منجر به کاهش تولید و افزایش قیمت‌ها در بازار شود».

در این نامه همچنین آمده که «وجود ناترازی‌های فعلی به نظر می‌رسد شرکت مدیریت برق منطقه‌ای امکان تامین برق برای شیفت شب را نیز به طور کامل در ماه‌های تیر و مرداد نداشته و محدودیت‌های بسیار بیشتری بر صنایع اعمال شود».

روزنامه «آرمان ملی» نیز هفته گزارشی در گزارشی به کمبود برق در واحدهای تولیدی و صنعتی اشاره کرده و نوشته «در بحبوحه مشکلات اقتصادی، مالیات، مشکلات بیمه، قیمت مواد اولیه و کمبود آن، مشکل واردات و کمرگ و غیره این قطعی برق هم قوز بالا قوز شده و به تدریج باید به فکر تعطیلی واحدهای صنعتی خود باشند».

مهدی دولت تحلیلگر و فعال اقتصادی گفته «قطعی برق صنایع هشدار بر گزارشات بورسی فصل بعدی این شرکت‌ها خواهد بود و با فرا رسیدن فصل پاییز اثر این گزارش‌ها دیده خواهد شد».

محمدحسین دیده‌بان کارشناس حوزه انرژی و برق نیز روز شنبه ۲۶ خرداد ۱۴۰۳ در گفتگو با نبض بازار درباره عملکرد وزارت نیرو گفته «علی‌اکبر محرابیان به عنوان وزیر نیرو و همچنین معاونینی که او برای خود مشخص کرد بدون اینکه آشنایی با وزارت نیرو داشته باشند در رأس امور قرار گرفتند که

شاید بتوان گفت عمده مشکلات نیز از همین جا شروع شد».

این کارشناس انرژی و برق تأکید کرده که «واقعیت این است که قطعی برق در صنایع فولاد بدون اطلاع قبلی صورت می‌گیرد؛ در صورتی که این قطعی برق از پیش اعلام می‌شد باز هم کمی شرایط متفاوت بود چرا که در آن صورت می‌توانستند دستگاه‌هایی که ممکن است از این قطعی آسیب ببینند را خاموش کنند، اما اینکه قطعی برق بدون اطلاع صورت می‌گیرد منجر به آسیب‌رسانی به دستگاه‌ها می‌شود که این اقدام منجر به خسارت‌های چندین میلیاردی به صنایع فولاد شده است».

همچنان عباس هادی‌زاده مدیر عامل سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران گفته بود برق اکثر شهرک‌های صنعتی جیره‌بندی شده است و «قرار است برق در شهرک صنفی خاوران با ۹۵۰ واحد صنفی هم هفته‌ای ۲۴ ساعت قطع شود و این شاهد مثال همان اصطلاح است که می‌گفت: گل بود به سبزه نیز آراسته شد».

این فعال صنفی درباره پیامدهای قطع برق گفته بود «واحد صنفی که باید بتواند در بازار رقابت کند؛ بتواند جنسش را بفروشد؛ آن را با کیفیت مناسب تولید کند و هزینه‌های بیمه و کارگر و قیمت‌های سرسام‌آور اجناس را پرداخت کند؛ مجبور می‌شود کم‌فروشی و کم‌سازی کرده و یا جنس تقلبی مصرف کند؛ درهرصورت واحدهای صنفی باید منافع برند و این طبیعی است و تمام این اتفاقات به‌گفته او به علت سوءمدیریت‌ها رخ می‌دهد».

عباس هادی‌زاده تأکید کرده بود که «متأسفانه مسیر مدیریت کلان کشور را به نحوی پیش می‌برند که ما حداقل به خواسته‌هایمان نمی‌رسیم و نمی‌دانیم صنوف دیگر چه می‌کنند؟ موتور برق می‌خرند؟ یا بیمه‌شان چه می‌کنند و واقعا مشکلات عدیده‌ای در مسیرمان است».

جمهوری اسلامی در حالی با کسری شدید برق روبروست اما با قطع و جیره‌بندی برق صنعتی و ادارات، در تلاش است برق بخش خانگی دچار قطع طولانی‌مدت نشود تا از

اعتراض احتمالی شهروندان جلوگیری کند.

روز شنبه ۲۶ خرداد ۱۴۰۳ برق ۱۶ دستگاه اجرایی پرمصرف ملی و استانی شامل چند ساختمان بانک عامل کشور توسط شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ، قطع شد. وزارت نیرو در پی قطع برق ۱۶ دستگاه اجرایی در تهران تأکید کرده «مصرف برق تمامی ادارات و دستگاه‌های اجرایی شهر تهران از طریق کنتور و سامانه‌های هوشمند به صورت لحظه‌ای از راه دور در حال رصد است و در صورت عدم رعایت مصوبه ابلاغی، برق ادارات پرمصرف به منظور حفظ پایداری شبکه توزیع برق و تامین آسایش هموطنان، بدون اغماض قطع خواهد شد».

همچنین بر اساس ابلاغ استانداری تهران، تمامی ادارات، موظف به رعایت ساعات کاری ابلاغ شده با هدف کاهش مصرف برق بخش اداری و همچنین خاموش کردن سامانه‌های سرمایشی، از ساعت ۱۲ ظهر هستند.

در آنسو تعرفه هزینه برق نیز برای بخش خانگی افزایش یافته و سخنگوی صنعت برق از صدور قبوض میلیونی برای مشترکان پرمصرف از جمله خانوارهایی که از کولر گازی استفاده کنند خبر داده است.

مصطفی رجبی مشهدی سخنگوی صنعت برق مردم را تهدید کرده که «در این شرایط مشترکان پرمصرف و فوق پرمصرف باید مراقب قبوض نجومی ناشی از مصرف بی‌محابای برق باشند، چرا که در صورت رعایت نکردن الگوی مصرف در تابستان قبض‌های میلیونی دریافت خواهند کرد».

مصطفی رجبی مشهدی گفته مشترکینی که از یک کولر گازی استفاده می‌کنند باید منتظر قبضی در حدود ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار تومان باشند و اگر از دو کولر گازی استفاده کنند، قبض برق به میزان ۲ میلیون تومان می‌رسد.

این در حالیست که در استان‌های جنوبی ایران به دلیل گرمای هوا از اواخر فروردین شهروندان ناچار هستند از کولر استفاده کنند و به دلیل رطوبت بالای هوا، امکان استفاده از کولر آبی را ندارند و از کولر گازی استفاده می‌کنند.

شاخص فلاکت به تفکیک استانی در سال ۱۴۰۲؛ استان یزد در صدر جدول فلاکت!

● دو سوم استان‌های ایران در زیر نمودار میانگین شاخص فلاکت کشوری دارند و تنها یک سوم استان‌ها وضعیتی بهتر از میانگین کشوری دارند.

● استان یزد بیشترین سطح شاخص فلاکت را در سال ۱۴۰۲ داشته است. شاخص فلاکت در این استان معادل ۵۷/۴ بوده که ۸/۶ واحد نسبت به میانگین کشوری بالاتر بوده است.

آمار شاخص فلاکت مربوط به سال ۱۴۰۲ نشان می‌دهد استان یزد در مرکز ایران بدترین وضعیت در زمینه شاخص فلاکت را دارد. این آمارها همچنین از شدت فلاکت در دو سوم استان‌های ایران حکایت دارند.

بررسی آمارهای شاخص فلاکت استانی در سال ۱۴۰۲ نشان می‌دهد استان یزد بیشترین سطح شاخص فلاکت و استان تهران کمترین سطح را داشته است.

شاخص فلاکت از افزودن نرخ بیکاری و تورم به دست آمده و یکی از شاخص‌های اقتصادی است که می‌تواند وضعیتی از حال و آینده جامعه از جمله افزایش ناهنجاری‌ها را به نمایش بگذارد. افزایش این شاخص نشان می‌دهد با افزایش بیکاری و تورم سطح رفاه در خانوارها کاهش پیدا کرده است. وبسایت «اکوایران» در گزارشی وضعیت شاخص فلاکت

در سال ۱۴۰۲ را با تفکیک استانی بررسی کرده است. این گزارش نشان می‌دهد بیشترین سطح شاخص فلاکت مربوط به استان یزد اختصاص داشته است. دو سوم استان‌های ایران در زیر نمودار میانگین شاخص فلاکت کشوری دارند و تنها یک سوم استان‌ها وضعیتی بهتر از میانگین کشوری دارند.

بررسی آمارهای شاخص فلاکت استانی در سال ۱۴۰۲ حاکی از آن است که شاخص فلاکت در کل کشور معادل ۴۸/۸ بوده است. این در حالیست که ۱۰ استان کشور وضعیتی بهتر از میانگین کشوری و ۲۱ استان وضعیت نامناسب‌تری داشته‌اند.

بهترین وضعیت شاخص فلاکت در سال ۱۴۰۲ مربوط به استان تهران بوده است. طبق آمارها شاخص فلاکت در استان تهران معادل ۴۲/۲ بوده که نسبت به میانگین کشوری ۵/۶ واحد کمتر بوده است. به بیانی می‌توان گفت استان تهران وضعیت مناسب‌تری در نرخ بیکاری و تورم سالانه نسبت به سایر استان‌های کشور داشته است.

در سمت دیگر استان یزد قرار گرفته است که بیشترین سطح شاخص فلاکت را در سال ۱۴۰۲ داشته است. شاخص فلاکت در این استان معادل ۵۷/۴ بوده که ۸/۶ واحد نسبت به میانگین کشوری بالاتر بوده است. به عبارتی در سال گذشته استان یزد نامناسب‌ترین وضعیت رفاهی و اجتماعی را برای خانوارهای خود داشته است بطوری که مجموع نرخ تورم سالانه و نرخ بیکاری این استان از سایر استان‌های کشور بیشتر بوده است.

در این میان بررسی استان‌های بزرگ نیز از اهمیت بالایی برخوردار است برای مثال استان اصفهان با شاخص فلاکت ۵۵/۵ جایگاه ششم را در میان استان‌های کشور داشته است و یا استان البرز با شاخصی معادل ۵۱/۸ جایگاه هشتم در شاخص فلاکت استانی را را به خود اختصاص داده است.

کارشناسان معتقدند سیاست‌های ناکارآمد دولت از یکسو سبب افزایش تورم و از سوی دیگر باعث افزایش بیکاری شده است. بخش گسترده‌ای از حقوق‌بگیران نیز با وجود اشتغال، اما به دلیل درآمد‌های ناچیز، زیر خط فقر قرار داشته و در فلاکت بسر می‌برند.



مصرف خصوصی شده و می‌تواند باعث تشدید رکود اقتصادی شود. کاهش تقاضای موثر، بخش تولید و صاحبان صنایع را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد و می‌تواند به رکود بیش از پیش واحدهای تولیدی بینجامد. افزایش نامتناسب دستمزدهای پولی با نرخ تورم، به‌ظاهر سیاستی برای حمایت از کارفرمایان تصور می‌شود؛ اما در عمل سیاستی ضد تولید است.»

«کیهان لندن» در گزارشی با اشاره به بودجه هنگفتی که هر ساله به اسم «محرومیت‌زدایی» به نهادهای حکومتی می‌رسد نوشته در عمل این پولپاشی‌ها هیچ دستاوردی برای محرومان نداشته است.

پایگاه «داده‌های باز ایران» با انتشار گزارشی نوشته دست‌کم ۱۷ هزار میلیارد تومان از منابع مالی کشور در سال ۱۴۰۳ به نام «محرومیت‌زدایی» و فعالیت اقتصادی در «مناطق محروم»، در اختیار نهادهای نظامی- اقتصادی زیر نظر رهبر جمهوری اسلامی قرار می‌گیرد.

تحقیقات پایگاه داده‌های باز ایران نشان می‌دهد در میان جدول‌ها و متن بودجه سال ۱۴۰۳، منابع مالی متنوعی برای این کار در نظر گرفته شده است: از تشکیل قرارگاه‌های «محرومیت‌زدایی» در سپاه و ارتش و کمک ۲/۵۰۰ میلیارد تومانی به گروه‌های جهادی برای فعالیت در «مناطق محروم»، تا تحویل رایگان ۲ هزار میلیارد تومان از اموال ملیکی دولت به «بسپج سازندگی»؛ اما این اقدام به بسیج و گروه‌های جهادی و قرارگاه‌ها محدود نمی‌شود.

در بودجه امسال، برای بنگاه‌های اقتصادی زیر نظر رهبر جمهوری اسلامی، مانند «ستاد اجرایی فرمان امام»، «بنیاد علوی» و «بنیاد شهید» نیز سهمی جداگانه با عنوان «حمایت از اشتغال با اولویت مناطق محروم» در نظر گرفته شده که مجموع آن به حدود ۱۷ هزار میلیارد تومان می‌رسد.

همچنین جمهوری اسلامی در سال‌های گذشته به بهانه «محرومیت‌زدایی» بخشی از نیروهای بسیجی و طلاب را نیز به در مناطق مختلف روستایی و استان‌های محروم جابجایی کرده و این گروه‌ها حتی بخشی از وظایف محوری دولت از جمله در زمینه انجام پروژه‌های عمرانی و یا آموزش در مدارس را بر عهده دارند.

رحیم تقی‌زاده پژوهشگر اقتصادی و استاد دانشگاه در یادداشتی در روزنامه «دنیای اقتصاد» نوشته بر اساس گزارش بانک جهانی (دسامبر ۲۰۲۳) نزدیک به ۳۰ درصد از جامعه ایران زیر خط فقر و ۴۰ درصد نیز در معرض فقر شدن قرار دارد. سرکوب دستمزد نیروی کار و متعاقب آن مستمری بازنشستگان باعث گسترش شاغلان فقیر در ایران می‌شود. طبقه متوسطی که عمده دارایی و منشأ خلق ارزش آنها نیروی کارشان است، در شرایط تورمی حاکم، روزه‌روز قدرت خرید خود را از دست می‌دهند و به سمت فقر سوق پیدا می‌کنند. براساس گزارش مرکز آمار، ۸۹ درصد از کل جمعیت فقیر ایران، شاغلان سابق و لاحق هستند. این عدد برای جامعه در حال توسعه شوک‌آور است؛ زیرا نشان می‌دهد که اشتغال در حال از دست دادن ماهیت فقرزدایی است و افراد شاغل به‌رغم مشارکت در بازار کار نمی‌توانند معیشت و زندگی خود را تامین کنند.

در این یادداشت آمده که «سرکوب دستمزدها و کاهش مزد حقیقی در میان‌مدت باعث کاهش بهره‌وری نیروی کار می‌شود و عملاً اهداف پیش‌بینی‌شده در برنامه‌های توسعه و سیاست‌های کلان معطوف به رشد اقتصادی ناشی از رشد بهره‌وری را با مشکل مواجه می‌کند (سهم ۳۵ درصدی بهره‌وری در تامین رشد اقتصادی ۸ درصدی). در شرایط کاهش مزد حقیقی، نیروی کار بطور طبیعی و به لحاظ روانی، شکاف بین مزد و تورم را حس کرده و به جای تلاش برای افزایش بهره‌وری، به‌عنوان واکنشی اعتراضی، به دنبال راهی برای کاهش بهره‌وری خواهد بود. از سوی دیگر کارکرد مزد علاوه بر تامین معیشت، منبعی برای سرمایه‌گذاری نیروی انسانی و تامین آموزش است. نیروی کار اگر در معیشت خود گرفتار باشد، چگونه می‌تواند بخشی از مزد خود را در زمینه بهبود مهارت‌ها و آموزش‌های خود صرف کند و بهره‌وری و نهایتاً رشد اقتصادی محقق شود؟»

این یادداشت افزوده «کاهش قدرت خرید حقوق‌بگیران ناشی از شکاف بین دستمزد اسمی و تورم و از سوی دیگر افزایش مالیات‌ها (به عنوان مثال افزایش ۱۱ درصدی مالیات ارزش‌افزوده از ۹ درصد به ۱۰ درصد) عملاً موجب کاهش

سوء استفاده دولت از صنعت اتومبیل‌سازی برای جبران کسری بودجه



خصوصی واقعی، می‌تواند به جلب اعتماد عمومی به فرآیند خصوصی‌سازی نیز کمک کند. وقتی مردم می‌دانند که شرکت‌های دولتی به خریداران واجد شرایط واگذار می‌شوند، احتمال حمایت بیشتر آن‌ها از خصوصی‌سازی وجود دارد و پشتوانه محکمی برای تداوم این مسیر مثبت برای اقتصاد کشور خواهد بود.

اینهمه در حالیتی که کارشناسان بازار اتومبیل معتقدند اساساً طرح‌های جمهوری اسلامی برای واردات اتومبیل پیش نخواهند رفت و اتومبیل‌هایی که در حال حاضر به ایران وارد می‌شوند نیز از دلالات خریداری می‌شوند.

امیر حسن کاکایی کارشناس صنعت اتومبیل در اینباره گفته که «خودروسازان معتبر دنیا با ما کار نمی‌کنند و کسانی که در حال حاضر خودرو وارد می‌کنند از واسطه‌ها می‌خرند و آن واسطه‌ها هم خیلی ضعیف هستند.»

به گفته امیر حسن کاکایی «خودرو چیزی نیست که الان سفارش بدهی و یک ماه بعد سر جالیز تحویل بگیری، زمان می‌برد، به خصوص این که در دنیا یک کمبود خودرو نسبت به تقاضا وجود دارد.»

این کارشناس گفته که «در سه سال گذشته وکلای مجلس بدون توجه به مسائل سیستمی تصمیم گرفتند و راه حل رفع مشکلات مربوط به خودرو را بازشدن مسیر واردات خودرو دیدند، اما چون از لحاظ سیستمی خیلی از مسائل حل نشده بود و شاید هم قابل حل نباشد، واردات خودرو در سال پیش اجرا نشد و امسال هم تا به این لحظه می‌گویند حدود ۴ هزار و خورده‌ای خودرو وارد کشور شده است.»

امیر حسن کاکایی تأکید کرده که «مشکل ما که واردات خودرو نیست، مشکل اساسی ما کمبود ارز است و از طرفی ساختارهای نامناسب صنعت خودرو است، مگر ساختار با واردات حل می‌شود، تا زمانی که سیاست‌گذاری‌ها درست نشود و مسئولین دست از سیاسی کاری و بازی از صنعت خودرو نکشند، مشکل حل نمی‌شود. برای نمونه شما ببینید مگر اخیراً که مونتاز کاران رنده کرده‌اند، وضعیت مردم بهتر شده است؟ این سبب شده فقط یک عده که پولدار هستند راحت خودرو بخرند، اما مشکل عامه مردم که حل نشده است.»

و ۱۰۰ اتومبیل به ارزش ۶۹ میلیون و ۴۰۰ هزار دلار وارد ایران شد. این ارقام نشان می‌دهد در نهایت دولت موفق به واردات حدود ۱۳ هزار اتومبیل به کشور شده است.

در همین رابطه جعفر قادری نماینده شیراز در دوازدهم دوره مجلس شورای اسلامی گفته «به همه ثابت شده تا زمانی که مدیریت دست دولت باشد مشکلات حل نمی‌شود و خودروسازی روندی که باید دهه‌ها پیش در راستای رشد و توسعه طی می‌کرد را پشت سر نمی‌گذارد؛ ضمن اینکه وضعیت خودروسازی بدتر شده است و اقتصاد را نیز درگیر چالش‌های مختلفی می‌کند.»

جعفر قادری افزوده «با اینکه واردات خودرو می‌تواند محلی جهت کسب درآمد برای دولت باشد اما به دلیل محدودیت‌های ارزی این موضوع نیز چندان عملیاتی نشد. اگر واردات خودرو آزاد شود دولت می‌تواند درآمدی را از محل عوارض داشته باشد و از این راه بخشی از نیازهای مالی شرکت‌های دانش‌بنیانی را که در زمینه صنایع از جمله صنعت خودروسازی تحقیق و پژوهش می‌کنند، تأمین کند.» این نماینده مجلس تأکید کرده که «واردات باید آزاد شود تا دولت بتواند از شرکت‌های دانش‌پیمان برای توسعه و افزایش دانش فنی حمایت و دستیابی آنها به تکنولوژی‌های روز را تسهیل کند؛ در غیر این صورت ما همچنان واردکننده قطعه باقی می‌مانیم و امیدوی به ارتقای صنعت قطعه‌سازی هم‌تراز با رشد امروز دنیا نیست.»

صنعت اتومبیل‌سازی و بازار اتومبیل ایران در عمل در انحصار دو شرکت بزرگ «ایران خودرو» و «سایپا» قرار دارد که این دو شرکت هم‌اکنون در مجموع با زیان ۲۰۰ هزار میلیارد تومانی روبرو هستند. محمود رضوی کارشناس صنعت اتومبیل‌سازی در یادداشتی در روزنامه «هم‌میهن» مشکل صنایع بزرگ از جمله صنعت اتومبیل‌سازی را در شیوه «خصوصی‌سازی» دانسته است. او با برشمردن مزایایی چون «کارایی و سودآوری»، «مسئولیت‌پذیری»، «حفاظت از منافع عمومی»، «رقابت عادلانه» و «شفافیت» برای خصوصی‌سازی به شیوه اصولی بر «اهلیت‌سنجی» نیز تأکید کرده است. او نوشته «اهلیت‌سنجی» در واگذاری مدیریت به بخش

● عبدالله یزدان‌بخش عضو «کارگروه خودرو» کمیسیون صنعت اتاق بازرگانی ایران: دولت از صنعت خودرو برای جبران کمبود بودجه استفاده می‌کند و در این صنعت با تمرکز بر این خط مشی سیاست‌گذاری و اعمال نفوذ می‌کند. یک عضو هیئت نمایندگان اتاق ایران گفته دولت از صنعت اتومبیل برای جبران کسری بودجه استفاده می‌کند و در این صنعت با تمرکز بر این خط مشی، سیاست‌گذاری و اعمال نفوذ می‌کند.

عبدالله یزدان‌بخش، عضو «کارگروه خودرو» کمیسیون صنعت اتاق بازرگانی ایران به خبرنگاری «ایلنا» گفته «صنایع ایران در خودرو و غیر از آن باید به بخش خصوصی واگذار شود به ویژه که در کشور ما اشخاص توانمندی برای در اختیار گرفتن مدیریت شرکت‌های خودروساز وجود دارند.»

عبدالله یزدان‌بخش گفته «در همه دنیا مفاهیمی که بر مدیریت بخش خصوصی دلالت می‌کند معانی یکسانی دارد و مدیریت بخش خصوصی در یک نگاه تمام ارکان آن را از قبیل، تولید، پخش، عرضه، بازاریابی، صادرات، قیمت‌گذاری و... دربرمی‌گیرد و همه این ارکان، زنجیره‌های مرتبط بهم هستند.» این فعال صنفی تأکید کرده که «انتصاب یک مدیر بخش خصوصی به ریاست شرکت‌های خودروساز کشور و بطور کلی بنگاه‌های فعال در همه صنایعی که در اختیار دولت هستند به معنای واگذاری مدیریت در تمام این ارکان به این مدیر است تا برای شرکت‌های خودروساز شرایطی بهتر از آنچه امروز برقرار است را رقم زند و برای این شرکت‌ها منشأ تحول باشد.»

او در بخش دیگری از این گفتگو از سیاست‌های دولت برای جبران کسری بودجه از صنعت اتومبیل‌سازی خبر داده و گفته «دولت از صنعت خودرو برای جبران کمبود بودجه استفاده می‌کند و در این صنعت با تمرکز بر این خط‌مشی سیاست‌گذاری و اعمال نفوذ می‌کند.»

دخالت دولت در صنعت اتومبیل‌سازی و سایه مافیاهای بزرگ حکومتی بر سر این صنعت سبب قفل شدن یکی از بزرگ‌ترین صنایع قرن گذشته ایران شده است. یکی از آخرین راهکارها برای برون‌رفت صنعت اتومبیل‌سازی، واردات اتومبیل از خارج بود که این طرح هم در عمل با شکست روبرو شده است. وزارت صمت «آیین‌نامه واردات خودرو» را در شهریور ۱۴۰۱ ابلاغ کرد که بر اساس آن باید تا پایان سال ۱۴۰۱ صد هزار دستگاه و تا پایان بهار ۱۴۰۲ نیز صد هزار دستگاه دیگر اتومبیل به کشور وارد می‌شد.

این در حالیتی که آمارهای گمرک نشان می‌دهد از ابتدای بهمن سال ۱۴۰۱ و حدود پنج ماه پس از ابلاغ «آیین‌نامه واردات خودرو»، تا انتهای خرداد ۱۴۰۲ فقط ۲۴۶ دستگاه خودرو وارد کشور شد که ارزش آن ۵/۴ میلیون دلار بوده است. تعداد اتومبیل‌های وارد شده به کشور از ابتدا تا انتهای شهریور ۱۴۰۲ به دو هزار دستگاه اتومبیل و با ارزش ۳۶ میلیون دلار رسید. در ماه‌های مهر و آبان، حدود هزار و ۵۰۰ دستگاه اتومبیل و در آذرماه ۹۰۰ دستگاه اتومبیل وارد کشور شد. روند واردات در دی‌ماه با کاهش روبرو شد و در این ماه ۶۱۱ دستگاه اتومبیل به کشور وارد شد.

آمارهای گمرک بیانگر افزایش واردات اتومبیل در بهمن‌ماه است و در مجموع سه هزار دستگاه اتومبیل در این ماه وارد ایران شده است. بر این اساس تا اواخر سال گذشته تنها حدود ۱۰ هزار دستگاه اتومبیل به کشور وارد شده است. همچنین طی دو ماهه نخست سال ۱۴۰۳، تعداد سه هزار

روزنامه «یدیعت احرونوت»: راهبرد اصلی اسرائیل باید مقابله با تهدیدات اتمی و کار بر روی تغییر رژیم ایران باشد



رومهایی از موشک‌های بالستیک در رژه‌های نیروهای مسلح

جهان فقط علیه مقادیر اورانیوم غنی شده، مساحت و عمق تأسیسات غنی‌سازی و تعداد سانتریفیوژهای نصب شده به تقابل خود ادامه دهند، دقیقاً همانطور که اکنون اتفاق می‌افتد، زیرا منتظرند که رژیم از غنی‌سازی ۹۰ درصدی عبور کند ولی این اتفاق نخواهد افتاد زیرا رژیم ایران فقط در طول یک ماه و پس از آنکه همه چیز را آماده کرد می‌تواند این کار را انجام دهد.

به اعتقاد ناگل، اسرائیل باید رویکردی کاملاً جدید اتخاذ کند که عمدتاً بر دو تلاش اصلی متمرکز باشد: (۱) اقدامات تسلیحاتی حکومت ایران و (۲) تضعیف رژیم و سرنگونی آن. این تحلیلگر می‌نویسد، «اسرائیل باید علیه تأسیسات غنی‌سازی رژیم (به ویژه علیه تأسیسات زیرزمینی جدید که در نزدیکی نطنز ساخته می‌شود) و ذخایر اورانیوم در آن صورت می‌گیرد دست به اقدام بزند، اما این نباید تنها هدف باشد و قطعاً اولویت نیست. این مسیر درست برای تقریباً دو دهه بود، اما اکنون دیگر اینگونه نیست.

برنامه ساخت سلاح اتمی در ایران در حال پیشرفت است

متخصصان اتمی جمهوری اسلامی برنامه ساخت تسلیحات را احیا کرده‌اند و آن را زیر چتر انکار پیش می‌برند و در جهت تکمیل قطعات و فناوری‌های مورد نیاز برای کلاهک‌های هسته‌ای کار می‌کنند. سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا و اسرائیل معتقدند که این کار تسلیحاتی هنوز بطور رسمی مورد تأیید خامنه‌ای قرار نگرفته است، اما حتا اگر او هنوز چراغ سبز نداده باشد، بدون شک در جریان کار قرار دارد. این دانش همچنان در زمینه‌هایی مانند مواد ویژه، شبیه‌سازی، چاشنی‌های انفجاری، مدل‌های کامپیوتری و بسیاری از حوزه‌های مرتبط دیگر صورت می‌گیرد. این کار البته در پوشش تحقیقات دانشگاهی و فعالیت‌های «خدماتی» نیز انجام می‌شود.

نوامبر) بتوانند تغییر اساسی در اولویت‌های کاری خود ایجاد کنند تا از رسیدن جمهوری اسلامی به هدف خود جلوگیری کنند.»

دولت باید شکست خورد

او توضیح می‌دهد، برای بیش از دو دهه، رژیم ایران به تلاش‌های خود برای ارتقای قابلیت تسلیحات هسته‌ای-عمدتاً از طریق غنی‌سازی اورانیوم- ادامه داده و باعث شده است که اسرائیل و جهان بر مواد شکاف‌پذیر تمرکز کنند. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اخیراً تأیید کرد که جمهوری اسلامی دارای ذخایر عظیم اورانیوم غنی‌شده تا ۶۰ درصد و همچنین غنی‌شده تا ۲۰ درصد است و شورای حکام آژانس قطعنامه پیشنهادی قدرت‌های اروپایی (فرانسه، آلمان، بریتانیا) را علیه جمهوری اسلامی به دلیل تخلفات و عدم همکاری رژیم ایران با آژانس تصویب کرد. دولت بایدن سعی کرد جلوی آن را بگیرد، اما زمانی که متوجه شد تلاش‌هایش برای جلوگیری از آن شکست خورده است، به این قطعنامه پیوست.

بر اساس تحلیل‌های کارشناسان، تهران به اندازه کافی اورانیوم غنی شده برای تولید مواد با درجه تسلیحات برای ساخت هفت سلاح هسته‌ای در حدود دو هفته تا یک ماه در اختیار دارد: «اما همه ما باید بدانیم که تصمیم جمهوری اسلامی برای غنی‌سازی اورانیوم تا ۹۰ درصد بی‌معنی است. اورانیوم غنی شده بیش از ۹۰ درصد تلاش مورد نیاز برای ساخت اورانیوم با درجه تسلیحات است و ۶۰ درصد غنی‌سازی، ۹۸ درصد زمان مورد نیاز را طی کرده است. به همین دلیل است که رژیم ایران تصمیم گرفت تا قبل از ۹۰ درصد متوقف شود که بتواند تمام قسمت‌های دیگر مورد نیاز برای ساخت سیستم هسته‌ای را تمام کند.»

ضرورت اقدام علیه تأسیسات زیرزمینی

این روش جمهوری اسلامی باعث می‌شود که اسرائیل و

روزنامه «یدیعت احرونوت» در مقاله‌ای به قلم یاکوب ناگل رئیس سابق شورای امنیت ملی اسرائیل و عضو «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» (FDD) می‌نویسد، اسرائیل باید الگوی ذهنی خود را تغییر دهد و روی مقابله برنامه اتمی جمهوری اسلامی و تغییر رژیم در ایران کار کند.

«متأسفانه بسیاری در اسرائیل، غرب و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بارها و بارها در دام پیچیده جمهوری اسلامی افتاده‌اند. امیدواریم رهبران اسرائیل همراه با ایالات متحده (اما احتمالاً تنها پس از انتخابات نوامبر) بتوانند تغییر اساسی در اولویت‌های کاری خود ایجاد کنند تا از رسیدن جمهوری اسلامی به هدف خود جلوگیری کنند.»

«متخصصان اتمی جمهوری اسلامی برنامه ساخت تسلیحات را احیا کرده‌اند و آن را زیر چتر انکار پیش می‌برند و در جهت تکمیل قطعات و فناوری‌های مورد نیاز برای کلاهک‌های هسته‌ای کار می‌کنند.»

«اسرائیل و ایالات متحده باید برای شناسایی اهداف کلیدی رژیم (زیرساخت‌های فیزیکی و پرسنل) که روی تسلیحات کار می‌کنند، همکاری کنند و میزان آسیب‌پذیری‌های آنها را مشخص نمایند.»

به اعتقاد یاکوب ناگل، جبهه دوم باید تضعیف رژیم باشد. تضعیف رژیم از همه راه‌های ممکن، از جمله تحت فشار قرار دادن منابع مالی جمهوری اسلامی، کمک به اپوزیسیون داخلی (تأمین مالی، تسلیحاتی، اطلاعاتی، دکترین و غیره) و آغاز عملیات‌های نفوذ و سایبری گسترده، که مدت‌هاست دیر شده است.

«مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی باید به صورت یک کارزار گسترده، سازماندهی شده و هماهنگ مدیریت شود و در عین حال با تهدیدهای این رژیم در همه جبهه‌ها مقابله شود و دیگر اجازه داده نشود تهران اسرائیل را در حلقه آتش محاصره نماید.»

روزنامه «یدیعت احرونوت» در مقاله‌ای به قلم یاکوب ناگل رئیس سابق شورای امنیت ملی اسرائیل و عضو «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» (FDD) می‌نویسد، اسرائیل باید الگوی ذهنی خود را تغییر دهد و روی مقابله برنامه اتمی جمهوری اسلامی و تغییر رژیم در ایران کار کند.

در این مقاله که ۱۹ ژوئن (۳۰ خردادماه) منتشر شد نویسنده تأکید می‌کند، بزرگترین تهدید علیه موجودیت اسرائیل، برنامه هسته‌ای ایران است و اسرائیل باید از رسیدن جمهوری اسلامی به هدف خود یعنی دستیابی به سلاح کشتار جمعی اتمی جلوگیری کند.

در مقدمه این مطلب آمده، اسرائیل به جنگ در غزه و لبنان ادامه می‌دهد و قصد دارد توانایی‌های نظامی، حکومتی و سازمانی گروه تروریستی حماس را از بین ببرد، رهبران آن را حذف نماید، گروه‌ها را بازگرداند و با غلبه بر حزب‌الله شهروندانی که از شمال اسرائیل تخلیه شده‌اند بتوانند به خانه‌های خود بازگردند. در عین حال، علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی به استراتژی‌های نهایی خود برای دستیابی به سلاح کشتار جمعی اتمی ادامه می‌دهد.

ناگل می‌نویسد، «متأسفانه بسیاری در اسرائیل، غرب و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بارها و بارها در دام پیچیده جمهوری اسلامی افتاده‌اند. امیدواریم رهبران اسرائیل همراه با ایالات متحده (اما احتمالاً تنها پس از انتخابات

چندین ماه است که ثبت شده اما هیچ جوابی به خانواده و وکلا داده نمی‌شود. حکم قطعی شده اعدام پیشتر توسط شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان کرمانشاه به اجرای احکام دادگستری کرمانشاه فرستاده شده و کارهای اداری مربوط به آن نیز انجام شده است.»

پیشتر یکی از نزدیکان رضا رسایی به «کیهان لندن» گفته بود که رضا در روز تجمع که نادر بیرامی در آن کشته شد فقط یک پوستر از تصویر پسر دایی‌اش خیرالله حق‌جویان زندانی سیاسی در دست داشت و برای آزادی او شعار می‌داد که: «خیرالله حق‌جویان را آزاد کنید!»

این فرد آگاه به پرونده رضا رسایی افزوده بود: «پس از کشته شدن بیرامی فرمانده سازمان اطلاعات سپاه (ساس) در صحنه، رضا رسایی به کرج رفت و در سوم آذرماه در کرج دستگیر و به کرمانشاه منتقل شد. او را هر روز به اطلاعات کرمانشاه بردند و شکنجه کردند بطوری که به دلیل شکنجه‌های روحی و جسمی زیاد به شدت وزن کم کرد، تمامی انگشت‌های پا و دنده‌های او را شکستند تا وی را مجبور به اعتراف کنند که در قتل بیرامی مشارکت داشته است.» «کیهان لندن» مهر ۱۴۰۲ در گزارشی اختصاصی به نقل از یکی از نزدیکان رضا رسایی نوشته بود که «قاضی پرونده محمد رسول حق‌نجاتی در حالی که مدرک و شاهی علیه رضا رسایی نیست، حکم اعدام علیه وی صادر کرده؛ در حالی که پزشکی قانونی نتوانسته نظر قطعی بدهد و در تمامی بخش‌های این حکم نوشته «محمتم»، یا «می‌تواند با آلات جراحی دیگری هم اتفاق افتاده باشد». واقعیت این است که رضا رسایی در هیچ‌کدام از فیلم‌های درگیری مشاهده نشده و حتی یک فیلم یا عکس یا مدرک معتبر علیه او وجود ندارد، حتی در اعترافات اجباری که از رضا رسایی گرفته‌اند نوشته شده رضا از پشت ضربه زده که ضربات پشت کشنده نبوده و پزشک قانونی این را تأیید کرده که ضربه پشت کشنده نبوده و فقط یک ضربه از جلو کشنده بوده حتی بر اساس اعتراف اجباری که خودشان خواستند و از رضا رسایی گرفتند باز هم رضا نباید حکم قصاص می‌گرفت.»

این فرد آگاه به پرونده رضا رسایی ادامه می‌دهد: «شاهدی داریم که نظامی است و در دادگاه شهادت داده که وقتی به سرهنگ پاسدار بیرامی رسیده مشاهده کرده که از جلوی سینه و پشت پا خونریزی داشته و بعد زمانی که نیمه‌جان بوده و ضربه کشنده وارد آمده، ربطی به رضا رسایی ندارد.»

وی در ادامه توضیح می‌دهد: «دو روز پیش حکم اعدام از داخل زندان به رضا رسایی اعلام شد، متأسفانه روحیه خوبی ندارد. به خانواده‌اش گفته است مگر می‌شود بدون مدرک و دلیل یکی بگویند من دوست دارم با علم خودم بگویم این فرد قاتل است! این چه عدالتی است؟!»

قطع تماس و ملاقات رضا رسایی در زندان و افزایش خطر اجرای حکم «اعدام»



رضا رسایی

گذشته توسط شعبه ۱۷ دیوان عالی کشور تأیید شد. اوایل دی‌ماه سال گذشته «دادبان» گزارش داد که حکم اعدام رضا رسایی به بخش «اجرای احکام» ارجاع شده است. هفته گذشته نیز گروه حقوقی «دادبان» که به شهروندان معترض و خانواده‌های دادخواه مشاوره حقوقی ارائه می‌کند، به نقل از یک منبع آگاه خبر داد که خطر اجرای حکم اعدام «رضا رسایی» از هر زمان دیگری جدی‌تر است. این منبع مطلع به «دادبان» گفت: «حکم قطعی شده اعدام پیشتر توسط شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان کرمانشاه به اجرای احکام دادگستری کرمانشاه فرستاده شده و کارهای اداری مربوط به آن نیز انجام شده است.» به گفته این منبع «خانواده مقتول تأکید کرده‌اند که دنبال قصاص نیستند و اصلاً برایشان روشن نیست که قاتل رضا رسایی است. با این حال می‌گویند دست ما نیست و رضایت ما فایده‌ای ندارد، با سپاه صحبت کنید.» این منبع مطلع به «دادبان» گفت که «اعتراض ماده ۴۷۷

● مقامات زندان «دیزل‌آباد» کرمانشاه بیش از یک هفته است دسترسی رضا رسایی به تماس تلفنی با خانواده و همچنین ملاقات حضوری او را قطع کرده‌اند.

● یک منبع آگاه از افزایش فشار بر خانواده این زندانی سیاسی خبر داده و گفته، تماس‌های تلفنی تهدیدآمیز، و تهدید به بازداشت اعضای خانواده از جمله فشارهایی است که در یک هفته اخیر بر خانواده رضا رسایی اعمال می‌شود. گزارش فعالان حقوق بشر از افزایش فشارها بر رضا رسایی شهروند معترض محکوم به اعدام و قطع ملاقات و تماس‌های او حکایت دارد. رضا رسایی در اعتراضات جنبش ملی‌بازداشت و با پرونده‌سازی نهادهای امنیتی به قتل یک مأمور حکومتی متهم شد.

دادبان، مرکز مشاوره و آموزش حقوقی ویژه کنشگران، به نقل از یک منبع آگاه از قطع ملاقات و تماس تلفنی و آزار و اذیت خانواده رسایی با فرزند زندانی‌شان خبر داده است. بر اساس این گزارش، مقامات زندان «دیزل‌آباد» کرمانشاه بیش از یک هفته است دسترسی رضا رسایی به تماس تلفنی با خانواده و همچنین ملاقات حضوری او را قطع کرده‌اند. به گفته این منبع آگاه، مقامات زندان هیچ توضیحی درباره دلیل اعمال این محرومیت به رضا رسایی نداده‌اند. این گزارش افزوده همزمان با قطع دسترسی این زندانی محکوم به اعدام به تماس تلفنی و ملاقات حضوری، فشار بر خانواده او نیز افزایش یافته است.

به گفته این منبع آگاه، تماس‌های تلفنی تهدیدآمیز، و تهدید به بازداشت اعضای خانواده از جمله فشارهایی است که در یک هفته اخیر بر خانواده رضا رسایی اعمال می‌شود. اردیبهشت‌ماه امسال منابع حقوق بشری گزارش دادند حکم اعدام رضا رسایی شهروند معترض بازداشت شده، در دیوان عالی تأیید شده و به بخش «اجرای احکام» قوه قضاییه رفته است.

(غلام) رضا رسایی متولد ۵ اسفند ۱۳۶۷ فرزند آخر یک خانواده یارسانی در شهرستان صحنه استان کرمانشاه به اتهام قتل سرهنگ پاسدار نادر بیرامی فرمانده اطلاعات سپاه شهرستان صحنه به قصاص نفس محکوم شده است. نادر بیرامی رئیس اداره اطلاعات شهرستان صحنه در تاریخ ۲۷ آبان ۱۴۰۱ در جریان یکی تجمعات اعتراضات جنبش ملی در شهرستان صحنه و در جریان به خشونت کشیده شدن این اعتراضات، با حمله نیروهای امنیتی و انتظامی، کشته شد. رضا رسایی ۳۵ ساله دارای مدرک کارشناسی مدیریت بازرگانی است که پیش از بازداشت و زندانی شدن به حرفه زنبورداری و فروش عسل اشتغال داشت.

او در مهر ماه ۱۴۰۲ از سوی شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان کرمانشاه به اتهام قتل عمد به قصاص نفس محکوم شده بود. این حکم بعدتر در روزهای پایانی آذرماه سال

→ در بخش دیگری از مقاله «بیدعوت احرونوت» آمده، سرویس‌های امنیتی بر این باورند که پس از تصمیم‌گیری نهایی دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح ۱۸ تا ۲۴ ماه طول می‌کشد، اما تلاش‌های «علمی» مداوم می‌تواند این زمان را به میزان قابل توجهی کاهش دهد. اگر در حین انجام این کار، رژیم به اندازه کافی اورانیوم غنی شده با درجه تسلیحات را به یک سایت مخفی زیرزمینی با تعداد کمی ساترفیوژهای پیشرفته منتقل کند، اسرائیل و آمریکا برای جلوگیری از هسته‌ای شدن جمهوری اسلامی بسیار مشکل خواهند داشت که از نظر نظامی اقدام کنند.

به گفته ناگل، اطلاعات آمریکا و اسرائیل باید بر تهدید توسعه تسلیحات جمهوری اسلامی تمرکز کنند. هر دو کشور باید اطلاعاتی را در مورد پیشرفت برنامه تسلیحاتی جمع

آغاز عملیات‌های نفوذ و سایبری گسترده، که مدت‌هاست دیر شده است.

پس از عملیات «هفت اکتبر» که به باور نویسنده «اشتباه» اسرائیل بود، این کشور چاره‌ای جز تغییر الگوی ذهنی خود ندارد. مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی باید به صورت یک کارزار گسترده، سازماندهی شده و هماهنگ مدیریت شود و در عین حال با تهدیدهای این رژیم در همه جبهه‌ها مقابله شود و دیگر اجازه داده نشود تهران اسرائیل را در حلقه آتش محاصره نماید.

در پایان این نوشتار آمده، بزرگترین خطری که موجودیت اسرائیل را تهدید می‌کند، برنامه هسته‌ای رژیم ایران است. بهتر است با این تهدید واکنش‌گتن مقابله نماید، اما اسرائیل نیز باید کاملاً آماده باشد که این کار را به تنهایی انجام دهد.

آوری کنند و تمام قابلیت‌های لازم را برای ضربه زدن به اجزای برنامه ایجاد کرده و دانشمندان برجسته را در داخل و خارج از جمهوری اسلامی بر روی آن متمرکز نمایند. اسرائیل و ایالات متحده باید برای شناسایی اهداف کلیدی رژیم (زیرساخت‌های فیزیکی و پرسنل) که روی تسلیحات کار می‌کنند، همکاری کنند و میزان آسیب‌پذیری‌های آنها را مشخص نمایند.

تضعیف تا سرنگونی رژیم ایران

به اعتقاد یاکوب ناگل، جبهه دوم باید تضعیف رژیم باشد. تضعیف رژیم از همه راه‌های ممکن، از جمله تحت فشار قرار دادن منابع مالی جمهوری اسلامی، کمک به اپوزیسیون داخلی (تأمین مالی، تسلیحاتی، اطلاعاتی، دکتین و غیره) و

تقلب‌ها در «سیرک انتخابات» از نظرسنجی‌ها آغاز شد!

سرهنگ داوود معظمی گودرزی رئیس پلیس فتا تهران بزرگ صبح امروز، جمعه هشتم تیرماه ۱۴۰۳ اعلام کرده چهار نفر در رابطه با پرونده نظرسنجی‌های انتخاباتی متهم و احضار شده‌اند.

بر اساس توضیح رئیس پلیس فتا این افراد با سوءاستفاده از قابلیت‌های ربات‌های مجازی نتیجه نظرسنجی‌ها را تغییر داده و آرای نامزدها را به نفع نامزد موردنظر خود جابجا کرده بودند. او توضیح نداده این اقدام از سوی هواداران کدام یک از نامزدهای «انتخابات» صورت گرفته، فقط گفته «این نظرسنجی‌ها هیچ منبع و جامعه آماری مشخصی نداشتند.»

علی خامنه‌ای:

حضور در انتخابات برای «اثبات نظام» واجب است

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی روز هشتم تیرماه پس از انداختن رأی به صندوق گفت: «حضور مردم در انتخابات برای اثبات صحت نظام واجب است.» در شرایطی که اغلب مردم «سیرک انتخابات» را تحریم کرده‌اند، اصلاح‌طلبان التماس می‌کنند که مردم «برای ایران» به پای صندوق بروند و مقامات نظام هم تأکید کرده‌اند که «مشارکت حداکثری در انتخابات پشتوانه قوی برای نظام است.»

اعتصاب غذای دکتر احمدرضا جلالی در زندان اوین

«تنها راهی است که دنیا صدایش را بشنود»

احمدرضا جلالی زندانی دو تابعیتی ایرانی-سوئدی زندانی در اوین که در خطر اعدام قرار دارد دست به اعتصاب غذا زده است. اعتصاب غذای وی در اعتراض به قرار نداشتن نامش در بین کسانی است که اخیراً دولت سوئد آنها را با



حمید نوری که در دادگاه این کشور به حبس ابد محکوم شده بود، مبادله کرد و آنها آزاد شده و به سوئد برگشتند. ویدا مهران‌فر همسر احمدرضا جلالی در باره اعتصاب غذای وی گفته است، «سه هزار روز است که احمدرضا زندانی است و تنها راهی که هر کسی می‌تواند صدای او را در دنیا بشنود این است که اعتصاب غذا کند. او را سه ماه در سلول انفرادی نگه داشته‌اند تا اعتراف اجباری بگیرند.

بهرام بیضایی به آکادمی اسکار دعوت شد

بهرام بیضایی، کارگردان و نویسنده برجسته ایرانی، به همراه چند سینماگر دیگر از ایران، برای عضویت در آکادمی علوم و هنرهای سینمایی (اسکار) دعوت شده است.

بیضایی که در دو شاخه کارگردانی و نویسندگی دعوت شده، یکی از هشت نفری است که در بیش از یک شاخه برای عضویت در این نهاد معتبر سینمایی دعوت شده است. مریم کشاورز (کارگردان)، یگانه مقدم و مارال محمدیان (آثار کوتاه و انیمیشن) و نسیم گرجی تهرانی (تدوین) از دیگر سینماگران ایرانی هستند که به جمع مدعوین آکادمی اسکار پیوسته‌اند.

درباره «سفرنامه شهبانو فرح پهلوی» از منصوره پیرنیا

کتابگزاری از امیر طاهری

نوشتن سفرنامه همواره یکی از موضوعات بسیار ارزشمند در ادبیات فارسی بوده است که در عین حال چندین کاربرد مختلف را بیان می‌کند. سفرنامه مرسوم فارسی تحلیل و بررسی، مطالعه مردم‌شناسی و گزارشی از درون‌نگری فلسفی است که همگی در یک روایت جذاب از برخورد بین فرد و جهان در هم آمیخته شده‌اند.

«سفرنامه شهبانو» اثر منصوره پیرنیا به این سنت ادبی وفادار است و در عین حال، پیرنیا نوآوری فنی قابل توجهی را معرفی می‌کند. در این «سفرنامه» تجربه سفر توسط دو صدا روایت می‌شود. یک صدا، صدای خود شهبانو فرح است. دیگری صدای پیرنیا، همراه وفادار اما همیشه مستقل اوست. با شهبانو فرح به عنوان راهنما، ما با ترکمن‌ها در دشت‌های آسیای مرکزی دیدار می‌کنیم، با بلوچ‌های نزدیک به اقیانوس هند چای می‌نوشیم، به آهنگ‌های جنگ و عشق توسط طوایف سلحشور کرد و لر گوش می‌دهیم، با گیلک‌های باهوش دلپذیر گفتگو می‌کنیم و دنیای حرکت را با طوایف کوچ‌نشین قشقایی و ممسنی بررسی می‌کنیم.



«سفرنامه» می‌تواند برای مقاصد مختلفی خوانده شود. این کتاب لذت سرگرمی برای خواننده معمولی را فراهم می‌کند. اما برای خواننده‌ای که به شناخت سرزمین و مردم ایران علاقمند است، این کتاب ثروتی از اطلاعات تاریخی، قومی، معماری، جغرافیایی و باستان‌شناسی را ارائه می‌دهد که همه با حکایات و جزئیات اتفاقی که خواندن آن را آسان و دلپذیر می‌کند، چاشنی شده است.

ایران بار دیگر در فهرست سیاه FATF ماند

ایران، کره شمالی و میانمار در فهرست سیاه گروه ویژه اقدام مالی ماندند. ترکیه و جامائیکا از فهرست خاکستری خارج شدند.

عدم تصویب دو کنوانسیون «پالمو» و «سی.اف.تی» و عدم تکمیل موارد مهم دیگری در رابطه با مبارزه با پولشویی و شفافیت مالی از سوی جمهوری اسلامی، ایران را در فهرست سیاه این نهاد ماندگار کرده است.

موانع ایجاد شده به دلیل قرار داشتن ایران در فهرست سیاه اف‌ای‌تی‌اف با تلاش‌های گسترده دولت ابراهیم رئیسی و فشار به این نهاد بین‌المللی برای خروج ایران از این فهرست روبرو شد اما این تلاش‌ها ناکام ماند.

این همبستگی بزرگ ملی ارزشمند و سکویی برای پیروزی‌های بزرگ بعدیست

شاهزاده رضا پهلوی در پیامی که امروز هشتم تیرماه ۱۴۰۳ در ارتباط با بایکوت گسترده سیرک انتخابات از سوی مردم در داخل و خارج کشور منتشر شد، اراده راسخ ملت را ستود و از ایرانیانی که این همبستگی بزرگ ملی را شکل دادند سیاستگزاری نمود.

متن کامل این پیام به شرح زیر است:
«هم‌میهنانم،

همه شواهد، گزارش‌های میدانی، و تصاویر فراوان از حوزه‌های خالی رای‌گیری در سراسر کشور، حکایت از نه قاطع ملت ایران به مضحک‌های #سیرک_انتخابات رژیم دارد. این بایکوت گسترده که حتی حامیان و وابستگان جمهوری اسلامی نیز به آن اعتراف کرده‌اند، نشان‌دهنده اراده راسخ شما ملت برای عبور از این رژیم نامشروع و ضدایرانی است. به همه شما در داخل کشور که با وجود تبلیغات فریبنده و فشارهای سازمانیافته، در خانه‌های خود ماندید و دستان خود را به جوهر همکاری با این رژیم ضحاک‌آلوده نکردید، درود می‌فرستم. همچنین از شما هم‌میهنان خارج کشور



در سراسر جهان که با حضور اعتراضی خود مقابل مراکز برگزاری این سیرک مضحک، پژواک نه بزرگ ملت به این رژیم اهریمنی شدید، سپاسگزارم. بدانید که این همبستگی بزرگ ملی ارزشمند است و سکویی برای پیروزی‌های بزرگ بعدی خواهد شد. پاینده ایران، رضا پهلوی»

خطر اجرای حکم قطع انگشتان دست چهار زندانی در ارومیه در روزهای پس از انتخابات نمایشی

بنا به اطلاع سازمان حقوق بشر ایران، چهار زندانی در زندان مرکزی ارومیه در خطر اجرای حکم قطع انگشتان دست قرار دارند. این چهار زندانی که مهدی شریفیان، کسری کرمی، هادی رستمی و مهدی شاهپوند نام دارند، به اتهام «سرقه» به قطع انگشتان دست راست محکوم شده‌اند. یک منبع مطلع در خصوص وضعیت این چهار زندانی به سازمان حقوق بشر ایران گفت: «در روزهای اخیر رئیس دادگستری آذربایجان غربی و دادستان ارومیه با آنها دیدار داشته و به ایشان اطلاع داده‌اند که حکم شما اجرا خواهد شد و هرگونه درخواست استینافی رد می‌شود.»

دست‌درازی‌های رژیم و مأموران فاسدش به فرزندان مردم

خبرگزاری حقوق بشری هرانا چهارشنبه ششم تیر در خبری کوتاه اطلاع داد که در یکی از ایستگاه‌های مترو شیراز، یک حجاب‌بان زن برای «سنجش بلوغ» یک دختر ۹ ساله که حجاب نداشت، سینه‌های این کودک را فشرده بطوری که بدن این کودک کبود شد!

وحید افکاری با ۱۳۸۵ روز انفرادی ۳۹ ساله شد

۳۱ خرداد زادروز وحید افکاری است. «دادبان» در همین ارتباط نوشته است: «وحید افکاری بیش از ۳۳ هزار ساعت است که در انفرادی زندان است، او به همراه دو برادرش نوید و حبیب افکاری در اعتراضات مردادماه سال ۱۳۹۷ در شیراز بازداشت شدند. نگهداری زندانیان برای مدت طولانی در سلول انفرادی به دلیل اثرات و تبعاتی که برای سلامت روانی و جسمی زندانی دارد مصداق اعمال آزار و شکنجه



وحید افکاری با ۱۳۸۵ روز انفرادی ۳۹ ساله شد

محسوب می‌شود، این موضوع از سوی دیوان عدالت اداری در ایران نیز مورد تایید قرار گرفته است. نگهداری زندانی در سلول انفرادی مغایر اصل ۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی مبنی بر لزوم «حفظ حرمت و حیثیت» زندانیان بوده و «تعرض آشکار به حقوق، حیثیت و شخصیت زندانی و خانواده او» محسوب می‌شود. «با اینهمه وحید در پنجمین سال زندان و اسارت در انفرادی ۳۹ ساله شد.

فضای «سرد» و خشم حکومتی‌ها از «تحریم سیرک انتخابات»

از علی خامنه‌ای تا احمد زیدآبادی!

علی خامنه‌ای همزمان با انداختن رأی در صندوق بار دیگر برای مشارکت مردم التماس کرد و گفت: دوام و قوام و عزت و آبروی جمهوری اسلامی در دنیا متوقف به حضور مردم است. برای اثبات صحت و صداقت نظام جمهوری اسلامی حضور مردم لازم و واجب است. احمد زیدآبادی روزنامه‌نگار اصلاح‌طلب نیروهای «برانداز» را به دلیل تحریم گسترده انتخابات مورد حمله قرار داده و آنها را با نیروهای تندرو درون حکومت «همتا» خوانده است! تصاویر و ویدئوهای منتشر شده از شعبه‌های اخذ رأی نشان می‌دهد مردم در تحریم انتخابات موفق بوده‌اند و بجز عده اندکی از بدنه حکومت و حامیانش، دیگر شهروندان پای صندوق رأی حاضر نشدند. جمهوری اسلامی تلاش کرده با زیر فشار قرار دادن اقشار مختلفی مانند سربازان و شاغلان صنعت نفت در محل خدمت و کار و حتا گروه‌های ورزشی و زندانیان، میزان مشارکت را با رأی‌گیری تحمیلی بالا ببرد.

حمید نوری جنایتکار محکوم به حبس ابد نیز خواستار رأی دادن به جمهوری اسلامی شد

حمید نوری با اسم مستعار «عباسی» که به جرم قتل و مشارکت در کشتار زندانیان سیاسی در سال ۶۷ خورشیدی در دادگاه سوئد به حبس ابد محکوم شد و چندی پیش دولت سوئد او را با دو شهروند سوئدی مبادله کرد، میکروفون به دست گرفته و از مردم می‌خواهد که بروند و به جمهوری اسلامی رأی بدهند.

پزشکیان و جلیلی در دور دوم سیرک انتخابات

امروز نهم تیرماه ۱۴۰۳ ستاد انتخابات کشور اعلام کرد که هیچیک از چهار نامزد ریاست جمهوری اسلامی بیش از نیمی از آرای صحیح را به دست نیاورده‌اند و مسعود پزشکیان و سعید جلیلی روز جمعه ۱۵ تیر دوباره رقابت خواهند کرد. این ستاد در حالی نرخ مشارکت را ۴۰ درصد اعلام کرده که حتراسانه‌های



پزشکیان و جلیلی در دور دوم سیرک انتخابات

خود جمهوری اسلامی نیز نتوانستند تصاویری از حوزه‌هایی که جمعیت در آنها حضور داشته باشد منتشر کنند! همین میزان رسمی نیز پایین‌ترین نرخ مشارکت در تاریخ انتخابات ریاست جمهوری اسلامی است که با آمارسازی اعلام شده است. ضمن اینکه شمار آرای باطله نیز مانند نمایش انتخابات خرداد ۱۴۰۰ بالا و طبق گزارش‌های غیررسمی بطور میلیونی بیشتر از آرای نامزدهای قطعا شکست‌خورده بوده است.

اعتراف یک اصلاح‌طلب به تحریم سیرک انتخابات از سوی مردم

محمود صادقی نماینده سابق مجلس شورای اسلامی که و اصلاح‌طلبی که از مسعود پزشکیان حمایت کرده، با اعتراف به تحریم سیرک انتخابات، پس از اینکه به استمرار جمهوری اسلامی رأی داد، در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشت:

«من امروز صبح حدود ساعت ۱۱ در مسجد حضرت امیر ع امیرآباد رأی دادم. مشارکت بسیار پایین‌تر از حد انتظار بود. به دوستداران ایران هشدار می‌دهم از این پنجره فرصت غفلت نکنید. هر رأیی که به صندوق انداخته نمی‌شود یک رأی به صندوق تمامیت‌خواهان است.» در تشویق اصلاح‌طلبان برای رأی دادن مردم این تناقض قابل انکار نیست: آنها یا فرض را بر این گذاشته‌اند که آنها که رأی نداده‌اند، «اگر» رأی می‌دادند حتما به نامزد مورد قبول آنها رأی می‌دادند! که معلوم نیست چرا باید چنین فرضی داشت!! یا اینکه عین علی خامنه‌ای برای اصلاح‌طلبان هم فقط «حضور» و «رأی دادن» مردم مهم است و نه اینکه به چه کسی رأی می‌دهند! وگرنه چرا باید بنویسند: «هر رأیی که به صندوق انداخته نمی‌شود یک رأی به صندوق تمامیت‌خواهان است!»

جمهوری اسلامی تعداد سانتریفیوژهای غیرمجاز در تأسیسات اتمی فردو را افزایش داد

کمتر از یک ماه پس از صدور قطعنامه توییحی علیه برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی در شورای حکام، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گزارش داد که ایران، چهار آبشار از هشت آبشار جدید سانتریفیوژهای پیشرفته IR-۶ را در تأسیسات هسته‌ای فردو قم نصب کرده اما مشخص نیست چه زمانی تزریق اورانیوم به سانتریفیوژها را آغاز می‌کند. در گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که جمعه ۲۸ ژوئن (هشتم تیرماه) به دست خبرگزاری رویترز رسید، آمده است: «بنا بر راست‌آزمایی‌های آژانس، از زمان آخرین گزارش رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تاکنون



تعداد سانتریفیوژهای غیرمجاز در تأسیسات اتمی فردو را افزایش داد

جمهوری اسلامی ایران چهار آبشار سانتریفیوژ از هشت آبشار سانتریفیوژ IR-۶ را در واحد یک FFEP (تأسیسات هسته‌ای فردو) نصب کرده است.»

برخی منابع مدعی شدند، جمهوری اسلامی ایران اورانیوم طبیعی را به سه آبشار بیشتر سانتریفیوژهای IR-۲M و سه آبشار سانتریفیوژهای IR-۴ جهت آماده ساختن برای غنی‌سازی در تأسیسات هسته‌ای نطنز تزریق کرده است.



عکس هفته | سرباز محافظ حوزه رأی‌گیری هشتم تیر

در انتخابات نماینده ریاست جمهوری اسلامی هشتم تیر ۱۴۰۳ که با کمترین میزان مشارکت که از سوی رژیم ۴۰ درصد ادعا و به دور دوم و رقابت بین مسعود پزشکیان و سعید جلیلی کشیده شد، حوزه‌های رأی‌گیری خلوت و مجریان و محافظان به مگس‌پرانی و چرت زدن مشغول بودند.